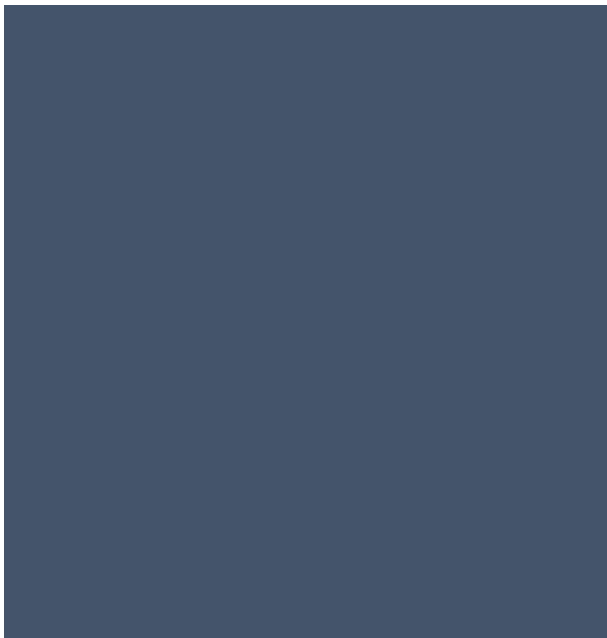




LOTFOLLAH ROUZBAHANI



بنیاد پژوهش های علمی - فرهنگی دکتر مسعود انصاری



محور مقاومت یا توطئه جهانی- رویائی که نقش بر آب شد

دکتر روزبه آذربرزین (روزبهانی)

پیشکش به مبارز بزرگ آرمن ساگینیان که درس وطن پرستی به
بسیاری آموخت



با خواندن این کتاب : شناختی کامل از تمامی گروه های نیابتی جمهوری اسلامی کسب
خواهید کرد. به توهمات روح الله خمینی و سید علی خامنه ای برای برپائی امپراتوری
اسلامی پی برده و از هزینه کردن جان و مال میلیونها ایرانی در این راه آگاه خواهید شد.
در این کتاب، شرح حال کامل تمام دانشمندان اتمی و برنامه های موشکی در جمهوری
اسلامی آمده است.

بنیاد پژوهش های علمی - فرهنگی دکتر مسعود انصاری
محور مقاومت یا توطئه جهانی - روئائی که نقش بر آب شد
دکتر روزبه آذرپرزین (روزبهائی)

تایپ : رومی گرافیک

بهار 2733 مادی

2584 هخامنشی

2025 میلادی

لس آنجلس - کالیفرنیا-آمریکا

پیش نوشتار :

چگونه خواب خلیفه گری اسلامی تبدیل به کابوس شد ؟ چگونه سرمایه گذاری چند صد میلیارد دلاری به قیمت خاک سیاه نشتن یک ملت ظرف چند روز دود شد و به هوا رفت ؟ با چه حساب و تدبیری مغز های یخ زده که تنها توانشان در تفکر گذاشتن پای چپ و یا راست به هنگام ورود به مستراح است خود را مقابل تکنولوژی پیشرفته غرب و اسرائیل قرار دادند ؟ براسستی اسلام چه داشت و دارد که مغز های علیل با آن می خواستند ادارالحرب را از بین ببرند و دنیا را دارالسلام کنند ؟ جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی با ایران و ایرانی چه کرد ، چه امکانات رفاهی و پیشرفت برای مردم ایران ایجاد کرد که می خواهد با آن دنیا را تغییر دهد ؟ ایرانی در سایه رویای رهبر ناقص العقل و ناقص العضو جمهوری اسلامی سید علی خامنه ای به تیره روزی و فلاکت دچار شد . آزدیش به یغما رفت و با شکنجه ، زندان و اعدام های هر روزه مواجه گشت. در نزد جهانیان تروریست شناسائی شد . فروزه های نیکش یکی پس از دیگری نابود گشت و دزدی و فحشاء ، اعتیاد و رشوه و رانت خواری ، دروغ و خیانت و خشونت و ... تمام حجم زندگیش را پر کرد. آیا با این پلیدی ها که از دل اسلام نکبتی تراوش می کند خواهان تسخیر جهان هستید ؟ عبدالرحمان الراشد خبرنگار روزنامه شرق الاوسط وقتی از جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر پرسید : چرا در جنگ 1967 با اسرائیل شکست خوردید ، او گفت : اسرائیل بر ما برتری هوایی دارد ، در ضمن تعداد خلبانهای آنها سه برابر خلبانهای ما بود، یعنی روزی چند بار میتوانند از یک هواپیمای جنگنده استفاده کنند. بیش از چهار هزار تن در دو عملیات فنی و کیفی اسرائیل علیه حزب الله با سودجویی از بی سیم و پیجر کشته و زخمی شدند .

امروز ما در جنگ تکنولوژی بسر میبریم ، نه شجاعت ناشی از مغز شوئی و توهم قدرت و باور به اینکه نیروی غیبی به داد ما میرسد !! عبدالناصر بیش از نیم سده پیش از برتری فنی و علمی اسرائیل می نالید و امروز کودنی نظیر سید علی خامنه ای از درک آن عاجز است.

در درازنای تاریخ فناوری نقش تعیین کننده در جنگ ها داشته و دارد و شما آیا از دستار بندانی که خواهان تسخیر جهانند ، فناوری و یا اختراعی دیده اید ؟ چگونه ایده لوژی واپسگرایی اسلام که دشمن قسم خورده علم است میتواند مقابل تکنولوژی غرب به ایستد. انگلیس ها با استفاده از فناوری توپ و کارگذاری آن در کشتی ها ، نیمی از جهان را فتح کردند . آنها با سودجویی از راه آهن توانستند حمل و نقل تدارکات و سربازان خود را

تسريع بخشند. اين تكنولوجي و دانش اتمي آمريکا بود که در جنگ جهاني دوم ، ژاپن را شکست داد. اسرائيل با بسط خلاقيت ذهني براي حفظ و بقاي مردم خود مي کوشد و در مقابل جمهوري چهل و جنون و جنايت اسلامي جنگ افروزش را در سرکوب مردم ايران دنبال مي کند. جمهوري اسلامي و گروه هاي نيابتي آن نظير حزب الله ، حماس ، حشدالشعبي ، کتائب حزب الله و حوثي ها ، قدرت خود را در تمایل به قرباني کردن افراد و سربازان خود مي بينند. جمهوري اسلام براي نگهداري بشار اسد بيش از 70 ميليارد دلار هزينه کرد و چند هزار تن از نيروهاي قدس نيز کشته داد که ظرف 11 روزه تمام سرمايه گذاريش باد هوا شود. بدبخت تروريست هاي عرب که دل به سلاح هاي کيبي شده روسي ، چيني و کره شمالي با نام هاي تغيير يافته : شاهد ، فاتح ، القسام ، زلزال و... بستند.

در اين کتاب به نحوه شکل گيري ذهني آخوند وژن روح الله خميني در صدور انقلاب اسلامي و شکل تکامل يافته آن ديدن خواب امپراتوري اسلامي به رهبري سيد علي خامنه اي ، پس از شکست دولت عثماني و پايان رقت بار آن مي پردازم. سياست محور مقاومت به غير از صدمات مالي و جاني که ملتي را به زير خط فقر کشيد ، احمقانه ترين سياستي بود که جهان تا کنون بخود ديده بود.

اصطلاح محور مقاومت براي اولين بار توسط روزنامه لیبیائی الزحف الاخضر در پاسخ به گفته جورج دبليو بوش مبني بر اينکه ايران ، عراق و کره شمالي محور شرارت هستند ، استفاده شد. روزنامه جمهوري اسلامي از محور مقاومت در شورش شيعیان عراق نام برد و نوشت : اگر خط شيعیان عراق نياز به پيوند ، اتحاد و تحکيم دارد ، اين وحدت بايد بر محور مقاومت و مبارزه با اشغالگران تحقق يابد. در سال 2006 ميلادي سعيد صايم وزير کشور فلسطين در مصاحبه با شبکه تلویزیونی العالم جمهوري اسلامي از اين اصطلاح استفاده کرد . علي اکبر ولايتي مشاور سيد علي خامنه اي نيز به تبعيت از کسانیکه از اين اصطلاح استفاده کرده بودند گفت : زنجيره مقاومت در برابر اسرائيل توسط ايران ، سوريه ، حزب الله ، دولت جديد عراق و حماس از شاهراه سوريه ميگذرد. سوريه حلقه طلائی زنجيره مقاومت در برابر اسرائيل است . اين عبارت بين بشار اسد و سعيد جليلي دبیر شورای عالی امنيت ملی جمهوري اسلامي نيز رد و بدل شد. بدین سان محور مقاومت از زبان سيد علي خامنه اي با همياري حسن نصراله از حزب الله ، يحيی سنوار و اسماعيل هنيه از حماس ، فالح الفياض از حشد الشعبي عراق، بشار اسد از سوريه و عبدالمالک حوثي از حوثي هاي يمن خارج شد تا خاورميانه را به آشوب کشيده و مردم ايران را خاکستر نشين کرده و به جنگي ديگر بکشاند. خوشبختانه تا اين لحظه حسن نصراله و کليه سران و فرماندهان حزب الله ، فرماندهان حماس و تروريست هاي اين گروه کشته شده اند . بشار اسد متواري و

حکومتش فرو ریخته و حوثی ها تحت حملات سنگین آمریکا و اسرائیل روزهای پایانی خود را میگذارند . حشد الشعبی عقب کشیده و تنها میماند علی و حوضش .

دکتر روزبه آذربرزین

بهار 2733 مادی - 2025 میلادی

بن مایه های مورد استفاده :

از حجتیه تا حزب الله دکتر علیرضا نوری زاده انتشارات تلویزیون کانال یک لس آنجلس 2007 میلادی.

اسرائیل هیوم نشریه

افواج المقاومة اللبنانیه امام موسی صدر 1970 میلادی

امام خمینی و جنبش های اسلامی معاصر عبدالقیوم سجادی تهران

ان بی سی نیوز

انتشارات دانشگاه آکسفورد

انجمن خاور میانه دانشگاه کلمبیا نیویورک 1989 میلادی

ایران اینترنشنال

ایران وایر

آیات رحمانی صادقی تهرانی تهران

بررسی حکم امام خمینی در باره سلمان رشدی علی اصغر رضوانی قم انتشارات مسجد جمکران

بولتن نیوز

بهار نیوز

بی بی سی لندن

پایگاه خبری صاحب نیوز

پی بی اس

تاریخ نامه انقلاب پژوهشکده امام خمینی

تاریخچه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکز توسعه فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی

تایمز اسرائیل

جروزالم پست اسرائیل

جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران رسول جعفریان

حدیث ولایت آیت الله سید علی خامنه ای تهران سازمان تبلیغات اسلامی

خاطرات آیت الله ابوالقاسم خزعلی قم

خاطرات سرلشگر منصور قدر تهران بنیاد مطالعات جمهوری اسلامی

خاطرات سیاسی علی اکبر محتشمی قم

خبرگزاری ایرنا

خبرگزاری تسنیم

خبرگزاری ایلنا

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)

خبرگزاری یورو نیوز

دایره المعارف جهان نوین اسلام تهران نشر کتاب

در حسرت قادسیه سرتیپ اسد بهبودی 1361

در دامگه حادثه پرویز ثابتی شرکت کتاب لس آنجلس

درس تجربه حمید احمدی در گفتگو با ابوالحسن بنی صدر آلمان 1380 خورشیدی

دویچه وله آلمان

دیدبان ایران

دیلی نیوز

دیو مقدس دکتر روزبه آذربزین انتشارات نیو هورایزون لس آنجلس

رادیو پیام اسرائیل

رادیو فردا

رجا نیوز

روزنامه اطلاعات

روزنامه جمهوری اسلامی

روزنامه رسالت

روزنامه کیهان

ساختار سیاسی اجتماعی لبنان و تاثیر آن بر پیدایش جنبش امل علی حق شناس تهران
نشر سنا 1388 خورشیدی

سایت جامع خمینی

سایت جریان نو

سیاست صدور انقلاب اسلامی علی فلاح نژاد نشر بهمن تهران
شش هزار کیلومتر در جستجوی واقعیت دکتر علیرضا نوری زاده تهران 1356
صحیفه نور روح الله خمینی تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
صدای آمریکا

صفحه آخر با مهدی فلاحتی

علمای مجاهد محمد حسن رجبی تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی
عوامل بیداری اسلامی اسلام تایمز
عهد نامه ایران و عراق 1975 میلادی
فرارو

فلاحیان – مردی برای همه فصول جنایت دکتر علیرضا نوری زاده نشر نیما
قرآن

کارنامه دولت جمهوری اسلامی 1367

کشف اسرار روح الله خمینی قم

کیهان لندن

کیهان هوائی جمهوری اسلامی سالهای 1361 تا 1370

گاردین

مادی گری و خدانشناسی مهندس مهدی بازرگان نشر تشیع قم 1355 خورشیدی

مبانی نظری صدور انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی

مجلس شورای اسلامی . قانون بودجه کل کشور سال 1366

مجموعه سخنرانیهای آیت الله روح الله خمینی

مجموعه سخنرانیهای آیت الله مطهری

مشرق نیوز

موسسه مطالعات فلسطین بیروت لبنان

نشریه لوموند پاریس

نشریه معاریو اسرائیل

نشریه نیوز ویک آمریکا

نشریه واشینگتن پست آمریکا

نشریه وال استریت ژورنال

نشریه هاآرتص اسرائیل

نقش دیپلماسی فرهنگی در صدور انقلاب اسلامی غلامرضا عراقی قم

نگاهی به کارنامه جمهوری اسلامی نهضت مقاومت ملی ایران پاریس 1369

وبسایت راسخون

وبگاه خبری تابناک

ویکی پدیا

ویکی شیعه

هفته نامه یدیشی

پهرست نوشته های این کتاب

صدور انقلاب آغاز فاجعه

جنبش امل

برقراری حکومت اسلامی در لبنان

نحوه شکل گیری حزب الله در تهران

نقش آخوند علی اکبر محتشمی پور در صدور انقلاب اسلامی

دفتر تبلیغات قم و نقش آن در صدور انقلاب

وزارت ارشاد اسلامی و صدور انقلاب

نقش سازمان تبلیغات اسلامی در صدور انقلاب

سازمان حج و زیارت و صدور انقلاب اسلامی

وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی و عملکردش در صدور انقلاب

نقش انجمن دانشجویان مسلمان خارج از کشور در برنامه توطئه جهانی صدور انقلاب

یاری رساندن مجمع روحانیون مبارز به صدور انقلاب اسلامی

جامعه روحانیت مبارز و نقش آن در صدور انقلاب اسلامی

حوزه علمیه قم ، نخستین کانون برای انجام توطئه جهانی

صدور انقلاب اسلامی از راه فروش ارزان نفت و یا مفت

صدور انقلاب اسلامی منجر به جنگ ایران و عراق شد

جنگ ایران و عراق و پیامد های آن

آغاز رویا بافی با تشکیل محور مقاومت

لبنان پیش از دست نشاندگی

ورود امام موسی صدر به صحنه سیاسی لبنان

انفجار مقر تفنگداران دریایی آمریکا توسط سازمان جهاد اسلامی در بیروت

سازمان جهاد اسلامی

سید حسن نصرالله

تاریخچه مختصر جنگهای بین لبنان و اسرائیل

سمینار جهانی توطئه در لندن

ماجرای سلمان رشتی و پیامد های آن

جمهوری اسلامی پس از خمینی

محور مقاومت در رهبری سید علی خامنه ای

عملیات گروه های نیابتی جمهوری اسلامی در غرب

آدم کش های اجیر شده توسط جمهوری اسلامی

سپاه قدس ، گروه های تروریستی را هماهنگ می کند

ترور گنده لات قاسم سلیمانی

آخوند سید علی خامنه ای ادعای خدائی می کند.

حوثی های یمن

حشد الشعبی

سازمان بدر

گردان های امام علی

کتاب حزب الله

عصائب اهل الحق

جنبش حزب الله النجباء

گردان های سید الشهداء

گردان های جهاد سازندگی

سرایا الخراسانی

سرایا عاشورا

سرایا العتبات

گردان های آستان حضرت علی

گردانهای صلح

جیش المختار

تیپ ابوالفضل العباس

حضور جمهوری اسلامی در سوریه

نیروی قدس سپاه پاسداران

حزب الله لبنان

حزب الله سوریه

گردان فاطمیون

گردان زینبیون

گردان لوا ذوالفقار

سرایا السلام

حزب الله عراق

کتاب امام علی

کتاب سید الشهداء

اشتباه محاسباتی و پیامد های شوم آن، حمله حماس به اسرائیل

فروری سگری سوریه

اولتیماتوم دو ماهه پزیدنت ترامپ به سید علی خامنه ای

دستیابی به بمب اتم ، رویائی که هیچگاه تحقق نخواهد پیدا کرد

مصطفی احمدی روشن

دکتر اردشیر حسین پور

آتش سوزی در پژوهشگاه فضائی جمهوری اسلامی

شرکت های پوششی برای مخفی نگهداشتن پروژه های اتمی

منصور حبشی زاده

تجهیزات غنی سازی اورانیوم و قاچاق آنها

اصغر صدیق زاده

جدید ترین افشاءگری راجع به برنامه اتمی رژیم آخوندی

زندگی در اصفهان خطرناک است

احتمال بروز سانحه در تاسیسات اتمی همواره وجود دارد.

گروه نیابتی جدید جمهوری اسلامی در سوریه پس از بشار اسد

بازی اتمی جمهوری اسلامی ، از سعد آباد تا رم

سخن پایانی

صدور انقلاب آغاز فاجعه

صدور انقلاب اسلامی یا صدور تنش و بلوا و جنگ در اصل دوم قانون من درآوردی به اصطلاح اساسی جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی که سخن از امامت و رهبری مستمر و نقش امام امت در تداوم انقلاب اسلامی و در اصل 154 که حکایت از مبارزه حق طلبانه !! مستضعفین علیه مستکبرین در هر نقطه از جهان دارد به چشم می خورد. این ادعا بر خواسته از هجو و جنگ نامه قرآن است که دنیا را به دو بخش دارالسلام یا دارالایمان و دارالحرب تقسیم کرده است. آنچه از هجو نامه قرآن به عنوان جهاد بر مسلمانان و مومنان واجب آمده ، نشان میدهد که مسلمانان بر اساس یک توهم که از مغز زنباره و گردنه زن و جنایتکار اسلام ، محمد ابن عبدالله تراوش کرده میبایستی دنیا را از دیگرباوران پاک و جهان را تبدیل به ژوراسیک پارک کنند.

جهاد یا جنگ مقدس یکی از ابتکارات مهم زنباره عرب ، محمد در ترغیب پیروانش به نابود کردن دشمنان اسلام بوده است که امروزه دست آویز سید علی خامنه ای است. در هجو نامه قرآن در موارد متعدد ، مسلمانان مکلف به جهاد شده اند . احکام جهاد را در سوره البقره از آیه 190 به بعد میتوانید مشاهده کنید. آیه 154 سوره البقره و آیات 169 و 170 سوره آل عمران میگوید : فکر نکنید آنهایی که در راه خدا شهید شده اند ، مرده اند . آنها دارای عمر جاودانه بوده و نزد خداوند متنعم و از فضل و رحمت او در شادمانی بسر خواهند برد. همانطوریکه اشاره کردم ، مسلمانان دنیا را به دارالسلام و دارالحرب تقسیم کرده اند. دارالسلام کشورهای عقب مانده و مفلوکی است که فقر اندیشه ، فقر مالی و فساد در آن بیداد می کند که به تصرف اسلام در آمده و بخش دیگر دارالحرب است که مردم آن در رفاه و آسایش و شادی زندگی می کنند که هنوز به تصرف اسلام در نیآمده تا بدبخت و زبون شوند. پیروان محمد معتقدند بین این دو قسمت دنیا هیچگاه صلح و آشتی نمیتواند حاکم شود. (قابل توجه شاه سلطان حسین آمریکائی ، آقای بایدن) و مسلمانان باید تمام دنیا را از

وجود دیگر باوران پاک کنند. زنباره عرب با این تئوری موفق شد تا مخالفان و دشمنانش را بیرحمانه سرکوب کند و جانشینانش با اجرای قاعده مذکور توانستند قلمروی اسلام را در سال 750 میلادی از چین تا سلسله جبال پیرنه در اسپانیا گسترش دهند.

در جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی از همان روزهای نخست اشغال ایران ، آخوند وژن روح الله خمینی از هر فرصتی برای بیان انقلاب جهانی اسلامی و استقرار حکومت الله در جهان سود جست. آخوند مرتضی مطهری نیز صدور انقلاب اسلامی را برای ادامه حیات جمهوری اسلامی واجب می شمرد. او باور داشت : اگر انقلاب ما در محدوده جغرافیائی ایران ، محبوس بماند ، بزودی از جوش و خروش می افتد و نابود میشود ، پس باید بهر قیمتی شده سفره مردم ایران را خالی کنیم و از جان فرزندان این آب و خاک مایه بگذاریم تا حسن نصرالله بگوید : تا زمانی که جمهوری اسلامی پول دارد ما هم داریم !

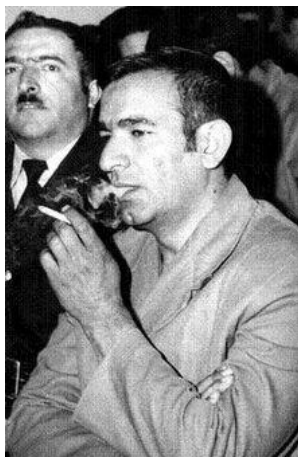
در اکتبر 1980 میلادی (آبان 2688 مادی) جنبش های رهائی بخش اسلامی به عنوان نخستین اسخوان بندی سازمانی صدور انقلاب اسلامی به طور رسمی شروع بکار کرد. اندکی پس از این رخداد اولین کنگره بین المللی " امامان جمعه و جماعت " در تهران با شرکت دستار بندان و ملایان و امامان جمعه کشور های دنیا در تهران تشکیل شد .

آخوند روح الله خمینی در این کنگره خطاب به آخوند های شرکت کننده گفت : امر اسلامی ، امری جهانی است که الله همه مسلمانان را موظف کرده که برای برقراری حکومت عدل الهی ! در سراسر جهان به جان و مال و با ایثار فرزندان و جوانان خود بکوشند! شما امامان جمعه و جماعت در بازگشت به وطن خود ، صدای رسا و برحق نان را در نمازهای جمعه و در موعظه ها به گوش ملت ها برسانید . از آن نترسید که مورد شتم و حمله و آزار قرار گیرید. اگر مستکبرین و سر سپردگان قدرت های شیطانی به شما حمله کنند ، به زندان بکشانند، بدانید که در امر دعوت دین الله ، پیروز خواهید شد . اینکار شما باعث میشود تا ملت ها بیدار شوند و دعوت شما را اجابت خواهند کرد. (روزنامه کیهان 29 فوریه 1980 میلادی) در آن زمان سیستم های اطلاعاتی جهان غرب سکوت اختیار کردند و مردم دنیا با فریب رسانه های خود در محکوم کردن شاه فقید ، پیروزی خمینی را بهم شادباش می گفتند.



مهدی هاشمی ، برادر داماد آخوند حسین علی منتظری بنیانگذار سازمان جنبش های رهائی
بخش اسلامی

سید مهدی هاشمی (تیر ماه 2652 – مهر 2695 مادی) برابر با (1944- 1987 میلادی)
برادر داماد منتظری و بنیانگذار سازمان جنبش های رهائی بخش برای صدور انقلاب و از
پایه گذاران سپاه پاسداران بود. در زمان شاه فقید به اتهام شرکت در قتل سید ابوالحسن
شمس آبادی در اصفهان دستگیر شد و محکوم شد که در جریان فتنه خمینی از زندان آزاد
گشت. پس از اشغال ایران توسط تازی پرستان ، مسؤل واحد روابط عمومی و عضو
شورای عالی فرماندهی سپاه پاسداران بود .



سیدمهدی هاشمی ، پیش از فتنه خمینی

سید مهدی هاشمی در زمان شاه فقید همراه با محمد منتظری ، معروف به محمد رینگو با
گروه های مسلح در لبنان و لیبی ارتباط داشتند. در ماجرای سفر مک فارلین و رسوائی
ایران گیت که در آن دولت ریگان بطور مخفیانه به جمهوری اسلامی سلاح می فروختند تا

بدینوسیله هفت گروگان آمریکائی در لبنان که اسیر عماد مغنیه بود را آزاد کنند ، مهدی هاشمی متهم به بهره برداری سیاسی شد.



اعضای هیئت مذاکره کننده آمریکا – اسرائیل با جمهوری اسلامی . بالا سمت چپ : رابرت مک فارلین . بالا سمت راست : الیور نورث . پائین سمت چپ : هاوارد تیچر و پائین سمت راست : امیرام نیر اسرائیلی.

سید مهدی هاشمی بلند پرواز که خواب پست های بالاتری را می دید در پناه آخوند منتظری می خواست تا خمینی و ملایان محافظه کار را پائین بکشد، در مهر 2694 مادی برابر با 1986 میلادی دستگیر شد و به اتهام قتل ابوالحسن شمس آبادی ، قنبر علی صفر زاده ، عباسقلی حشمت و چند تن دیگر توسط آخوند رازینی در دادگاه ویژه روحانیت محاکمه و یکسال بعد اعدام شد. قبر این مهره جنایتکار رژیم و صادر کننده انقلاب اسلامی در قطعه شماره 2 بهشت معصومه قبر شماره 90 است. فعالیت های سید مهدی هاشمی در دو قطب داخل و خارج از ایران بایستی مورد بررسی قرار گیرد.

برادران هاشمی مهدی و هادی که داماد منتظری بود با استقرار آخوند منتظری در قم به او پیوستند و در خانه ای که به اندرونی منتظری متصل بود اقامت گزیدند. در مهرماه 2688 مادی برابر با 1980 میلادی ، مهدی به ریاست فرمانده جنبش های رهائی بخش اسلامی منصوب شد که در ابتداء مخالفت با صدام حسین و صدور انقلاب به عراق در صدر برنامه های آن بود. صدور انقلابی که منجر به جنگ هشت ساله ایران و عراق شد که در بخش های آینده بدان می پردازم. آخوند منتظری و مهدی هاشمی سازمانی را به وجود آوردند که از نظر مالی متکی به بنیاد مستضعفان بود. این بنیاد عظیم در آن زمان صاحب 4500

واحد تولیدی صنعتی و هزاران واحد کشاورزی و مرغداری مصادره شده با هجده هزار خانه و ویلای غصب شده بود. جنبش رهایی بخش اسلامی در راستای صدور انقلاب دنیا را به مناطقی که میتوانست در آنها سم پاشی کند تقسیم کرد. در مورد فعالیت های خارج از ایران، نام واحد مطالعات و تحقیقات اسلامی !!! را گزیدند. این مهدی هاشمی بود که کنگره بین المللی امامان جمعه و جماعت را راه انداخت. با هزینه سرسام آوری 925 دستار بند را از 82 کشور به تهران آوردند و از آنها پذیرائی نمودند. در این کنگره امامان مسلمانان آمریکا، لهستان، آلبانی، لهستان به همراه 25 امام از افریقا حضور داشتند. این کنگره محل مناسبی بود برای توطئه. بعدها در هر نقطه از جهان که شاهد بلوای مسلمانان بودیم، رهبرشان در کنگره تهران شرکت کرده بود. مهدی هاشمی ارتباطش هیچگاه با سپاه پاسداران قطع نشد. همزمان با صدور انقلاب تشکیلات جدیدی در سپاه پاسداران به عنوان اردوگاه نوجوانان بسیجی برای عملیات انتحاری و بنا به تعبیر مهدی هاشمی "عروج به لقا الله" بنا نهاد. اینک هدف کاملاً مشخص شده بود: برای جا انداختن اسلام نکبتی در سراسر جهان همه گونه خرابکاری، ترور و ایجاد رعب و وحشت و ایجاد تشنجات سیاسی - چریکی مجاز و واجب گردید. واحد ویژه اروپا ی غربی در زمان مهدی هاشمی نیرومند تر از آن شد که تصورش میرفت. قتل های مخالفین در اروپا در این بخش می گنجد که بدانها اشاره خواهم کرد. در آن زمان سدها طلبه از کشورهای اروپائی در حوزه علمیه قم در درس آخوند منتظری شرکت داشتند. هدف جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی این بود که اسلام توسط خرد گم کردگان هر کشور توسعه یابد.

دکتر علی اکبر ولایتی مشاور سید علی خامنه ای که آن زمان وزیر امور خارجه بود بارها نزد آخوند منتظری و سپس آخوند خمینی از دست سید مهدی هاشمی شکایت برد که او در همه کشور های جهان بر روی ماموران سفارتخانه های جمهوری اسلامی اعمال نظر می کند. درگیری های بین سید مهدی هاشمی و وزارت امور خارجه سالها ادامه داشت و این هاشمی بود که صلاحیت کاردانهای سفارت را باید تائید میکرد. سید مهدی هاشمی خیلی زودتر از ولایتی از گزارش مامورین سیاسی آگاه میشد. سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی فرانسه، انگلیس، آلمان بیشتر او را می شناختند تا ولایتی را. نمایندگان جدائی طلب باسک اسپانیا و جدائی طلب نوول کالدونی فرانسه با ماموران هاشمی دیدار و تماس داشتند. در فوریه 1985 میلادی، نمایندگان جبهه متحد کاناک فرانسه به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی، میهمان سید مهدی هاشمی بودند. رابطه ارتش رهایی بخش ایرلند هم با سید مهدی هاشمی حسنه بود. در لبنان و لیبی ماموران هاشمی با چریک های ایرلندی آشنا و به آنها آموزش خرابکاری و ترور میدادند. منابع اطلاعاتی و امنیتی فرانسه در شورش کارخانه

های اتوموبیل سازی در سال 1984 میلادی ، نفوذ سازمان جنبش های رهائی بخش اسلامی را تأیید کردند. شهرهائی چون بندر مارسی ، مونبلیه و تولوز از حجم بالای مسلمانان افراطی وابسته به جمهوری اسلامی پر شد. در افریقا ، واحد تعلیمات و تبلیغات اسلامی بسیار فعالانه عمل میکرد .لبنان برای جنبش های رهائی بخش اسلامی شاه راهی شد که مفصلاً راجع به آن خواهم نوشت.



انشعاب در سازمان امل (امواج المقاومة اللبنانية) از جمله تاکتیک های جمهوری اسلامی در لبنان بود . حسین موسوی که یک آموزگار جاه طلب بود از سوی جمهوری اسلامی برای اینکار انتخاب شد. انشعاب در امل تنها کار جمهوری اسلامی در لبنان نبود. با ضیاء الحماسی یک سازمان فلسطینی طرفدار جمهوری اسلامی شکل گرفت و با شیخ عباس الموسوی ، صبحی الطفیلی ، حسن الحلیل ، حقیف النابلسی و ابراهیم امین چندین سازمان افراطی حزب الله در هر گوشه لبنان به راه انداختند. نقش تمامی این سازمانهای دست نشانده جمهوری اسلامی مبارزه با استقرار و هرگونه نظم در لبنان بود. جندالله شیخ کریم شمس الدین و انجمن روحانیون مبارز شیعه لبنان به رهبری شیخ محمد حسین الفضل الله و یا ماهر الحمود هم مدیون فعالیت های جنبش رهائی بخش اسلامی تهران بود که با سرازیر

شدن پول به بهای فقر تدریجی مردم ایران به لبنان به منظور صدور انقلاب اسلامی شکل گرفت.

در کنار لبنان ، کشورهای چاد و سیرالئون ، کویت ، عربستان سعودی ، مصر ، هندوستان ، مراکش ، تونس ، فیلی پین ، بنگلادش و تایلند هدف های بعدی جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی بودند تا پول مردم مسخ شده ایران را در آن کشور ها خرج صدور انقلاب کنند.

قتل انورالسادات به کمک چند لیبیائی به عنوان ضربه اصلی جمهوری اسلامی به حامی شاه فقید تلقی شد. روابط جنبش رهائی بخش اسلامی با اخوان المسلمین سوریه منجر به شورش بزرگ 1984 میلادی گشت که هشداری بود به حافظ اسد ، پدر جنایتکار فراری ، بشار اسد.

جنبش امل



امام موسی صدر



مصطفی چمران ساوه ای

در حقیقت سازمان امل توسط تروریست حکومتی مصطفی چمران و با مساعدت امام موسی صدر و جمعی از شیعیان لبنان پا گرفت تا پایه های یک قدرت نظامی - تروریستی را در لبنان بگذارد. مصطفی چمران از شاگردان کودن کبیر مهندس مهدی بازرگان و از همپالگی های مهندس سبحانی ، دکتر شیبانی و فریبکار بزرگ علی شریعتی بود . او پس از قیام 28 مرداد که به سرنگونی حکومت مصدق انجامید به نهضت مقاومت ملی پیوست وزیر نظر بازرگان ، سید رضا زنجانی و آخوند سرخ سید محمود طالقانی فعالیت کرد . او مسئول پخش روزنامه " راه مصدق " در دانشگاه بود . او پس از فارغ التحصیلی در رشته الکترونیک دانشکده فنی دانشگاه تهران با بورسیه دولت شاهنشاهی به آمریکا رفت و به محض رسیدن پایش به آمریکا اقدام به تاسیس انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه برکلی کالیفرنیا کرد. او زاده خیابان 15 خرداد محله سرپولک تهران بود. پدرش حسن چمران ساوه ای از ترک های ساوه بود که از روستای چمران به تهران نقل مکان کرده بود.

تحصیلات ابتدائی او در مدرسه انتصاریه پامنار و متوسطه را در دارالفنون و البرز طی کرد . در آمریکا او مثلث خیانت و جنایت را با ابراهیم یزدی و صادق قطب زاده تشکیل داد . او در آمریکا با یک دختر آمریکائی بنام تامس هیمن ازدواج کرد و از او صاحب چهار فرزند شد . با فشار چمران ، تامس هیمن مجبور به رفتن به لبنان شد و چون شرایط زیست در آنجا را مناسب ندانست به آمریکا برگشته و از چمران جدا شد. چمران در لبنان با زنی بنام غاده جابر ازدواج کرد . واسطه این ازدواج ، امام موسی صدر و آخوندی بنام غروی بود. عامل انحراف مصطفی چمران که با نبوغ بالایش میتواندست برای ایران مثر مثر واقع شود ، آخوند سرخ سید محمود طالقانی بود که او را در سن 15 سالگی شستشوی مغزی داد .

چمران پشت به وطن کرده در سال 2671 مادی برابر با 1963 میلادی برای آموزش نظامی به کوبا رفت و همان سال او به اتفاق صادق قطب زاده و ابراهیم یزدی به مصر رفت تا آموزش چریکی ببینند . در مصر آنها سازمان "ساما" را که علیه شاه فقید فعالیت میکرد ، تاسیس کردند. چمران در مراجعت به آمریکا در سال 1965 میلادی در سن حوزه کالیفرنیا گروه تشیع سرخ را زیر چشم اف بی آی و سی آی ا به منظور تربیت شبه نظامیان مسلمان تاسیس کرد .

در گام بعدی ، چمران در سال 1971 میلادی به لبنان رفت، ا و به اردوگاه های تروریستی سازمان آزادی بخش فلسطین پیوست و جنبش امل را با امام موسی صدر تاسیس کرد. کار چمران ، آموزش تروریست ها در الجزایر ، مصر و سوریه بود. در آن زمان بین گروه

چمران و صادق قطب زاده با گروه محمد منتظری مشهور به محمد رینگو اختلاف و نزاع های متعددی رخداد.

پس از پیروزی فتنه خمینی ، چمران به عنوان معاون نخست وزیر در کابینه مهدی بازرگان جهت سرکوب و کشتار به کردستان رفت. چمران در 31 خرداد 2689 مادی برابر با 1981 میلادی برای سرکشی و توجیه فرمانده جدید دهلاویه در جنگ ایران و عراق بجای ایرج رستمی به آن ناحیه رفت که از پشت سر هدف گلوله خودی ها قرار گرفت. پیکر بیجان او را به اهواز انتقال دادند و قبر او در بهشت زهرا تهران ، قطعه 24 ردیف 71 شماره 25 است .

در مورد سازمان تروریستی امل در جواب سؤال اینکه :آیا، در فرآیند شکل گیری جنبش امل، نهضت آزادی به عنوان یک تشکل مبارز ایرانی نقش ایفا کرد و در مورد مسائل مربوط به آن جنبش و شکل گیری اش در جلسات نهضت آزادی بحث می شد یا اینکه مهندس چمران، فارغ از تعلقات خود به نهضت آزادی، در تشکیل امل نقش ایفا می کرد؟ دکتر ابراهیم یزدی میگوید : قاعدتا منظور شما باید نهضت آزادی ایران در خارج از کشور باشد؛ زیرا در آن تاریخ برای نهضت در داخل ایران امکان فعالیت وجود نداشت. در خارج از کشور نهضت آزادی سازمان و تشکیلات داشت. دکتر چمران، صادق قطب زاده و من (ابراهیم یزدی) مسوولین اصلی بودیم و من مسوول هماهنگی. مسایل لبنان، از جمله امل هم، در جلسات ما سه نفر و هم در جلسات شورای نهضت در اروپا و آمریکا مطرح می شد. ما سه نفر با آقای امام موسی صدر جلسات مشترک داشتیم. در سفرهایم به لبنان و به شهر صور، بعضا در کلاس های آموزش امل اصول فکری درس می دادم. فعالیت شادروان مرحوم دکتر چمران در حرکت المحرومین و امل هم براساس انگیزه های فردی اش بود و هم تصمیمات جمعی در نهضت آزادی خارج از کشور. سؤال بعدی چنین بود : پیش از انقلاب 57، اصولا رابطه میان شما، دوستانتان در نهضت و در کل چهره های سیاسی ایران با بچه های امل چگونه بود و پیوند امل با چه جریانی در ایران قوی تر بود؟ ابراهیم یزدی جواب میدهد: در خارج از کشور، علاوه بر ما سه نفر، آقای دکتر طباطبایی، که عضو شورای نهضت در اروپا هم بود، با آقای صدر تماس مستقیم داشت. در لبنان، بیروت و صور یا در جاهای دیگر، دکتر چمران، علاوه بر تماس و ارتباط دائم با آقای صدر، با تمام کادرهای امل به طور روزانه در تماس بود. ما نیز در سفرهای خود با کادرها، با آقای نبیه بری و سایرین در تماس بودیم. آقای دکتر جلیل ضرابی نیز به عنوان مسوول درمانگاه امام حسین در شهرک صدر، با بسیاری از فعالان امل در تماس بود. ایشان یکی از اعضای اولیه نهضت آزادی و از اعضای گروه سوم بود که در دادگاه نظامی محاکمه و محکوم شده بود.

ایشان پس از اتمام تحصیل در دانشکده پزشکی تهران به آمریکا آمد و تخصص خود را در کودکان تمام کرد و به اتفاق همسرشان که پزشک و متخصص کودکان شده بود در بیمارستانی در شیکاگو به کار مشغول شد. آقای دکتر ضرابی عضو شورای شاخه نهضت آزادی در آمریکا و بسیار فعال در انجمن اسلامی دانشجویان و انجمن اسلامی پزشکان آمریکا بودند. هنگامی که جنگ‌های داخلی لبنان در دهه 1970 بالا گرفت آقای صدر با من تماس گرفت و بعد از توضیح وضع وخیم پزشکی در بیروت خواست که پزشکان ایرانی برای کمک به لبنان بروند. من با چند پزشک ایرانی که عضو یا هوادار نهضت بودند، تماس گرفتم و از آن میان آقای دکتر ضرابی دعوت را پذیرفت و کار در بیمارستان را رها کرد و به بیروت رفت و مسوولیت درمانگاه امام حسین را پذیرفت و تا زمان پیروزی انقلاب آنجا بود. امل، به عنوان یک سازمان، با گروه خاصی در ایران در تماس نبود، اما آقای صدر به صفت شخصی با بسیاری از روحانیان ایران در تماس بود. سؤال بعدی:

تاچه زمانی ارتباط شما و دوستان‌تان با امل برقرار بود؟ پاسخ ابراهیم یزدی: در زمان استقرار در پاریس، که همزمان بود با ناپدید شدن آقای صدر در لیبی، یک هیات بلند پایه از مجلس شیعیان و امل به ریاست دکتر چمران به پاریس آمد تا در مورد ناپدید شدن امام موسی صدر از آقای خمینی کمک بگیرد. پس از انقلاب نیز چندین هیات شیعه لبنانی، از مجلس شیعیان و امل، به ایران آمدند و ارتباط تا مدت‌ها برقرار بود. اما به تدریج رابطه ضعیف و کم‌رنگ و پس از دولت موقت تقریباً قطع شد. یک علت آن اختلاف در مورد چگونگی برخورد با دولت لیبی در مورد ناپدید شدن امام موسی صدر بود. برخی از گروه‌های تند و افراطی، که روابط نزدیکی با گروه‌های چپ فلسطینی و لیبی داشتند و با سیاست‌های آقای صدر در رابطه با فلسطین و سوریه موافق نبودند، اهمیتی به ناپدید شدن آقای صدر نمی‌دادند و روحانیان شورای انقلاب، به‌رغم سوابق همکاری و دوستی با آقای صدر، در شورای انقلاب رای به برقراری روابط با لیبی دادند و مسئله آقا موسی صدر مسکوت ماند. این امر به شدت بر روابط میان دولت ایران و شیعیان لبنان، به خصوص امل تاثیر منفی بر جای گذاشت. از سال 1360 به بعد، نهادهای مختلفی در ایران فعالیت‌های جدیدی را، بیرون از سازمان امل، در لبنان آغاز کردند. سؤال کننده از ابراهیم یزدی می‌پرسد:

تحلیل شما از دلایل انشعاب در امل و شکل‌گیری حزب‌الله در برابر آن چیست؟ یزدی می‌گوید: در واقع حضور فعال ایران در لبنان و تفاوت دو استراتژی موجب این شکاف شد. استراتژی آقای صدر در لبنان سه محور اصلی داشت. یک محور آن سازماندهی شیعیان

لبنان و کسب حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برابر با سایر ادیان و مذاهب بود. مجلس اعلی شیعیان لبنان برای این هدف تشکیل شد. سازمانی کاملاً شیعی و تا حدودی غیرسیاسی و دربرگیرنده تقریباً تمام جناح‌های شیعه لبنانی است. یزدی اضافه می‌کند: باید توجه داشت که ادیان و مذاهب در لبنان بیشتر ویژگی قومی داشته‌اند تا دینی یا مذهبی. البته در سال‌های اخیر تغییرات زیادی به وجود آمده است. هم مسیحیان و هم مسلمانان توجه و تمرکز بیشتری به دین و مذهب پیدا کرده‌اند. دو محور دیگر استراتژی امام موسی صدر بر ایجاد حرکت‌های مردمی فراطائفی و دینی که دربرگیرنده منافع مردم لبنان باشد، استوار بود. حرکت المحرومین اولین سازمان در این راستا بود و در جلب توجه و حمایت لبنانیان، اعم از مسلمان یا مسیحی، موفق بود. امل سازمان دوم در این راستا بود. امل مخفف «امواج المقاومة اللبنانية» برای دفاع از تمامیت ارضی لبنان در برابر تهاجمات مستمر اسرائیل به جنوب لبنان تشکیل شد. اگرچه هر دو سازمان توسط رهبری شیعه تأسیس شده بود اما لازمه موفقیت در هر دو محور پرهیز از تمرکز و توجه به ابعاد مذهبی آنها بود. علاوه بر اینها، سیاست نهایی آقای صدر و سایر رهبران شیعه لبنان ایجاد حکومتی دموکراتیک، به معنای غیرطائفی، در لبنان بود، نه تشکیل دولت اسلامی. اما برخی از رهبران و فعالان سیاسی ایران با این سیاست‌ها موافق نبودند و به هویت مشهود و بارز اسلامی و شیعی در این فعالیت‌ها، تمرکز و توجه فراوان داشتند. آقای صدر بر لبنانی بودن حرکت‌ها و نه لزوماً اسلامی بودن آنها اصرار داشت و آن را در درازمدت به نفع مسلمانان و شیعیان می‌دانست. آقای صدر ضمن آنکه به دنبال جلب حمایت دولت‌های اسلامی بود، به شدت مراقب حفظ استقلال حرکت، هم از نظر سیاسی و هم مالی و اقتصادی نیز بود. کمک‌های خارجی از این نوع به شیعیان لبنان یکی از دلایل یا علل شکاف در میان آنان است. سؤال بعدی این بود: چرا در عنوان این جنبش شیعی هیچ صفت دینی وجود ندارد و آیا این به مفهوم نگاه سکولار آقای صدر و چمران در مبارزه سیاسی بوده است؟ ابراهیم یزدی می‌گوید:

در پاسخ پرسش بالا توضیحاتی داده‌ام. استراتژی آقای صدر یا چمران مربوط به نگاه سکولاریستی آنها که نداشتند، نبود. همان طور که می‌دانید، تعریف جامع و کاملی از سکولاریسم وجود ندارد و سکولاریسم در هر کشوری متأثر از شرایط ملی و تاریخی همان کشور تعریف شده است. شرایط ویژه اقوام و ترکیب جمعیتی ادیان و مذاهب در لبنان به گونه‌ای است که تشکیل حکومت دینی، بدون فروپاشی لبنان، امکان ندارد. منافع ملی لبنان و تمام گروه‌ها در گرو دموکراتیک بودن یا به عبارتی غیردینی یا غیرطائفی بودن حکومت است.

در حقیقت پرسش و پاسخ با ابراهیم یزدی بسیاری از مسائل جنبش امل را روشن می‌سازد.

برقراری حکومت اسلامی در لبنان

شرح کوتاهی از فعالیت های مهدی هاشمی در صدور انقلاب ، بیایانگر این واقعیت است که با بررسی نیت و تلاش های جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی می بینیم که مبنای کار همان است که این مهره جنایتکار رژیم آخوندی در امر گسترش نفوذ دستار بندان اشغالگرایران بر منطقه گذاشته بود و هرگز از آرمان صدور انقلاب پا پس نکشید.

آمریکا و کشورهای اروپائی ، پس از سر شکستگی های نخستین علیرغم هشدار های مکرر شرق شناسان و اسلام شناسان خود که فریاد برآوردند : غیر مسلمانان برای بنیادگرایان اسلامی دارالحرب هستند و باید منتظر جهاد آنها علیه خود باشیم ، اندک اندک متوجه شدند که تروریسم دولتی آخوند خمینی همانا مقابله جوئی دارالسلام و دارالحرب است.

دو سال پس از بنیاد " سازمان جنبش های رهائی بخش اسلامی " دستار بندان حاکم بر ایران اشغالی توجه ویژه به لبنان نشان دادند. جنگ داخلی فرقه ای و مذهبی از یک سو

و عدم حضور یک دولت توانمند از سوی دیگر فاکتورهای مثبتی برای آخوند های تهران بود تا بر این کشور دست بیندازند. اولین اقدام ، دویاره کردن جنبش امل بود . در سال های 1980 و 1981 میلادی ، سازمان مجاهدین اسلامی و الامل الاسلامی در لبنان به رهبری عزیز الحکیم و حجت الاسلام تقی المدرسی شکل گرفت که محل تشکیل هر دو سازمان مذکور در تهران بود. این دو سازمان تروریستی در بعلبک لبنان فعالیت داشتند.

در سال 1982 میلادی امل اسلامی لبنان به رهبری حسین موسوی با بودجه ای هنگفت و سر به فلک کشیده برای ایجاد شکاف بیشتر و فرو ریختن سازمان امل نبیه بری ، که پس از امام موسی صدر آنرا اداره میکرد و خواهان حکومت غیر دینی بود ، پایه گذاری شد که هدفش گروگان گیری و عملیات تروریستی بود. در آن زمان جنبش " جمعیت الاسلامیه " به رهبری فتحی یاکان ، خواستار برپائی یک حکومت اسلامی در لبنان شد. دستار بندان اشغالگر در تهران برای پیاده کردن حکومت اسلامی در لبنان علیرغم خواست خود به اتحاد شیعیان و سنی های لبنان نیاز مبرم داشتند. در گام بعدی تهران ، حرکت التوحید الاسلامیه

به رهبری شیخ سعید شعبان و خلیل اکاوی (اخوی) نیز به جمع گروه و سازمانهای وابسته به جمهوری اسلامی اضافه شد.

نحوه شکل گیری حزب الله لبنان



حسین الموسوی

از سال 1982 میلادی ، حسین الموسوی رهبر امل اسلامی با آغوش باز پذیرای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران شد و همزمان با آن حزب الله لبنان بشرحی که در زیر می‌دهم پایه گذاری شد . برای شناخت بیشتر سازمان تروریستی حزب الله باید به سران دوگانه !! آنها در لبنان و در تهران اشاره کنم. نام این تشکیلات در لبنان " حزب الله " و در تهران "مدیریت مرکزی حزب الله " بود.

آخوند سید علی اکبر محتشمی پور میگوید : موسس اصلی حزب الله لبنان شخص روح الله خمینی بود. یعنی فکر و اندیشه تاسیس حزب الله مربوط به این آخوند وژن و جنایتکار است که با این اندیشه لبنان را هم ویران کرد.

پس از پس گرفتن خرمشهر در جریان جنگ ایران و عراق توسط نیروهای ایرانی، علی اکبر محتشمی پور در سوریه به عنوان سفیر جمهوری اسلامی مشغول به کار بود. در آن زمان یک هیئت سیاسی- نظامی متشکل از فرماندهان سپاه پاسداران و ارکان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به سوریه رفتند که آخوند محتشمی پور ترتیب دیدار آنها را با حافظ اسد رئیس جمهور سوریه پیش آورد. در این هیئت، علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه، سرهنگ سلیمی وزیر دفاع، محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران و رفیق دوست عضو شورای فرماندهی سپاه و صیاد شیرازی از فرماندهان ارتش حضور داشتند. آنها به مدت چهار ساعت با حافظ اسد گفتگو کردند. صحبت آنها با حافظ اسد در مورد اعزام نیروهای نظامی ایران به سوریه به منظور مقابله با اسرائیل بود که جنوب لبنان را اشغال کرده بود. آنها گفتند که کلیه سلاح و مهمات و هزینه 11 لشکر اعزامی را خود جمهوری اسلامی می پردازد. و یک اتاق مشترک برای فرماندهان ایرانی و سوری در دمشق تشکیل خواهند داد. هیئت اعزامی با حافظ اسد کودن که کشورش را به جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی فروخت و پیامد های هولناک آنرا در زمان صدارت پسر جنایتکارش بشار اسد و کشته شدن بیش از نیم میلیون سوری دیدیم، به توافق رسیدند. در آن زمان لشکر محمد رسول الله به فرماندهی حاج احمد متوسلیان و کلاه سبز های ارتش به سوریه اعزام شدند.



آخوند محتشمی پور با حسن نصرالله

بالغ بر دو هزار نیرو از سپاه و بسیج و ارتش وارد سوریه شدند و سلاح ها با هواپیما های نظامی به سوریه منتقل شد. روز پنجم ، اعزام نیرو از تهران بنا به دستور آخوند خمینی متوقف شد و از این روی محتشمی پور همراه با محسن رفیق دوست به تهران رفتند و در دیدار با خمینی از وضعیت لبنان اشغال شده توسط نیرو های اسرائیلی !! داد سخن دادند. آنها به خمینی گفتند : الان که ما حافظ اسد را راضی کردیم و دوهزار تن از نیروهای ما در سوریه هستند اگر اینکار متوقف شود تاثیر منفی روی شیعیان لبنان که تحت فشار از سوی اسرائیل هستند میگذارد و به صدور انقلاب ما لطمه میزند. این خواست شما بود که اسرائیل نابود شود و اکنون امکانات آن مهیا شده ! خمینی پس از شنیدن گفته های محتشمی پور و رفیق دوست گفت : ما اکنون در جنگ با صدام حسین هستیم ، صلاح نیست به کشور دیگر نیرو اعزام کنیم. در ایران تمام مساجد و حسنه ها در خدمت نیروهای ما هستند. چه کسی می خواهد از سربازان ما در سوریه پشتیبانی کند. البته مخالفت خمینی در ابتداء بخاطر این بود که چرا شورای دفاع از تصمیم خود برای اعزام نیرو به سوریه ، او را در جریان امر قرار نداده بود و خمینی خبر را از طریق رسانه ها دریافت کرده بود. بر اصل قانون اساسی من درآوردی اسلامی ، آخوند خمینی فرمانده کل قوا بود.

در کنار اعزام نیرو به سوریه و تشکیل حزب الله در لبنان ، در راستای صدور انقلاب نکبت بار اسلامی ، جمهوری اسلامی در تهران دست به تشکیل شورای عالی افغانستان هم زد که در آن وزیر کشور ، وزیر اطلاعات ، فرمانده کل قوا ، نماینده آخوند منتظری که تروریست مشهور ابو شریف بود برای مردم افغانستان تصمیم می گرفتند!! در این شورا تصمیم بر آن شد که وضعیت افغانستان و عراق باید مثل لبنان شود. در این مورد نظر روح الله خمینی این بود که ما باید در این کشور ها تشکیلاتی را برنامه ریزی کنیم که مطیع ما باشند. آنها همگی باید در راهی که ما پیشنهاد می کنیم و آن نابودی اسرائیل است قدم بردارند. ما نمی خواهیم شرکت سهامی باز کنیم و هر گروهی خود را شریک ما بداند و سهم ش را بخواهد . ما تصمیم میگیریم و آنها اجراء می کنند نه اینکه خودشان بروند با اسرائیل سرشاخ شوند که شاید منافی نصیبشان بشود. این مسئله باعث کینه میشود هر گروه که منافع بیشتری کسب کند !! مابقی سعی بر حذف او دارند. ما الان هشت ماه است که در افغانستان گروه مجاهد شیعه داریم ، ولی آنها بجای اینکه با دشمن بجنگند با خودشان می جنگند. شیعه با شیعه و سنی با سنی . بخاطر همین بود که مجاهدین در برابر طالبان شکست خوردند. در عراق هم حزب الدعوه از یک طرف ، امل اسلامی از طرف دیگر و گروه های شیعه عراقی شرکت سهامی تشکیل دادند و ما باید طرح حزب الله لبنان را در این کشور ها پیاده کنیم. با طرح شوم روح الله خمینی حزب الله لبنان شکل گرفت و مسائل مختلف آن اعم از مرامنامه ، اساسنامه در بیست رویه نوشته شد. در ابتداء حزب الله شورائی اداره میشد ولی پیش از حملات مرگبار اسرائیل در 2024 میلادی به وسیله دبیرکل حزب الله که دست نشانده تهران بود مدیریت میشد.

نقش آخوند علی اکبر محتشمی پور در صدور انقلاب اسلامی

آخوند محتشمی پور که سفیر رژیم آخوندی در دمشق سوریه بود در شورش های اخوان المسلمین سوریه دست داشت. پس از خروج اخوان المسلمین از چند شهر سوریه که با سرکوب خونین آنان پایان یافت ، حافظ اسد پدر بشار اسد از دستار بندگان تهران ، احضار محتشمی پور را درخواست نمود. از سال 1983 میلادی که محتشمی پور در نجف به سفیری گمارده شده بود ، سوری ها چشم خود را برای نقل و انتقال سلاح توسط او که به منظور مسلح کردن حزب الله صورت می گرفت بسته بودند. در زمان شاه فقید این محتشمی پور بود که پذیرش چریک های مجاهدین و فدائیان خلق در اردوگاه های فلسطین را واسطه گری میکرد. آخوند خمینی از نجف در مذاکراتی که با یاسر عرفات ، ژرژ حبش و نایف حواتمه بود ، رضایت آنان را برای آموزش چریکهای ایرانی پشت به وطن کرده چپی و مجاهد جلب کرده بود.

آخوند محتشمی ، سفارت جمهوری اسلامی در دمشق را به صورت پایگاه خطرناکی از افراطیون مراکشی ، تونس ، لبنانی و فلسطینی در آورده بود و تحت پوشش دیپلماتیک کامیون کامیون تجهیزات نظامی را در انبار ها سفارت جاسازی میکرد تا به دست حزب الله لبنان برساند. سوری ها زیاده روی های محتشمی را تحمل نکردند و محتشمی نیز در پاسخ به تحریک اخوان المسلمین علیه آنان پرداخت.

حافظ اسد که از تمامی عملیات محتشمی آگاه بود در صدد نابودی او بر آمد و با ارسال یک بسته پستی منفجره که حاوی هجو نامه قرآن بود موجب مجروح شدن او شد. محتشمی برای درمان راهی اروپا شد و حافظ اسد به تهران فشار آورد که محتشمی را پس از درمان به سوریه نفرستند. آخوند محتشمی پور پس از درمان به تهران برگشته و پست وزارت کشور را به او دادند. او پس از مرگ خمینی و ریاست هاشمی رفسنجانی از کار بر کنار شد.

رهبری و مدیریت حزب الله لبنان در ایران

شورای عالی حزب الله لبنان ، در تهران با نام مدیریت مرکزی حزب الله خوانده میشد که فعالیت های حزب الله لبنان را زیر نظر داشته و انجام خواست های خمینی و سپس خامنه ای را از آنها انتظار داشتند. در شورای مدیریت مرکزی حزب الله تهران اشخاص زیر عضویت داشتند:

آخوند محمد تقی مدرسی ، رئیس شورای مرکزی و رئیس حزب عمل اسلامی

آخوند محمد حسین فضل الله ، نایب رئیس شورای مرکزی و مسئول حزب الله لبنان

آخوند جنایتکار هادی غفاری مسئول حزب الله ایران

آخوند هادی مدرسی مسئول تشکیلات اسلامی نجات بحرین

آخوند عباس مهری رئیس جنبش اسلامی نجات کویت

آخوند باقر حکیم رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق

آخوند حائری کرمانی

آخوند صادق لواسانی رئیس جنبش رهائی بخش اسلامی قطر

آخوند محمد احمد صفوت عضو بر جسته تشکیلات تکفیرا و الهجره مصر

آخوند مهدی حکیم عضو رهبری حزب الدعوه اسلامیه عراق و مسئول حزب الله در انگلیس

رهبری و مدیریت حزب الله در لبنان

آخوند محمد حسین فضل الله ، نماینده روح الله خمینی و رئیس شورای حزب الله لبنان

آخوند صبحی الطفیلی مسئول حزب الله در ناحیه بعلبک

حسین الموسوی رئیس تشکیلات امل انشعابی

آخوند صلاح الدین مسئول جمعیت اسلامی صیدا

آخوند ماهر الحمود مسئول جمعیت علمای مسلمان در صیدا و بیروت

آخوند سعید شعبان مسئول جنبش وحدت اسلامی طرابلس

آخوند محرم العرفی مسئول جمعیت الاسلامی در صیدا و نماینده روح الله خمینی در جنوب لبنان

آخوند محمد الجوزو مفتی سنی های جبل لبنان

پاسدار علی عرفانی (ابو تراب) فرمانده شاخه نظامی حزب الله

عباس الحکیم فرمانده نظامی حزب الله

علی صالح فرمانده شاخه نظامی حزب الله

حمید افجه ای مسئول اطلاعات و مجله حزب الله

همانطوریکه مشاهده می کنید در ابتدای تشکیل حزب الله لبنان نامی از حسن نصراله نیست

قدر مسلم در رویه های آینده کتاب به عملکرد حزب الله و رهبران آن به اضافه مخارجی که از جیب ملت اسلام زده و مسخ شده ایران ربودند اشاره خواهم کرد.

سازمانهای دیگر صدور انقلاب اسلامی در ده سال نخست اشغال ایران

جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی برای گسترش ایده لوژی کپک خورده اسلامی به تشکیل سازمان های دیگر پرداخته تا بوسیله آنها مبادرت به صدور نکبت و بدبختی کند .

مهم ترین این سازمانها عبارت بودند از :

دفتر تبلیغات اسلامی قم

وزارت ارشاد اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان حج و زیارت

وزارت اطلاعات و امنیت

انجمن دانشجویان مسلمان در خارج از کشور

مجمع روحانیون مبارز و جامعه روحانیت مبارز

دفتر تبلیغات اسلامی قم و نقش آن در صدور انقلاب اسلامی

کانون توطئه ، دسیسه و آشوب در قم که نام دفتر تبلیغات اسلامی دارد



تشکیلات عریضی با بودجه هنگفت که نقش اصلی آن در صدور انقلاب اسلامی و به آشوب کشیدن کشور هاست. در حوزه معاونت تبلیغی این دفتر به جذب و اعزام مبلغ برای فریب و شستشوی مغزی خام اندیشان و مسخ شدگان مسلمان اشاره شده که تا کنون 43 هزار مبلغ برای توطئه و دسیسه به نقاط مختلف ایران و جهان فرستاده است.

دوسال پس از پیروزی فتنه خمینی ، دفتر تبلیغات اسلامی قم با هدف اشاعه ارزش های اسلامی !! اقدام به افتتاح معاونت آموزش کرد . در تشکیلات معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی قم ، دانشگاه باقر العلوم ، موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا ، موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه وجود دارند .

بودجه بی حساب و کتاب و پولی که به این دفتر واریز میشود باعث شده که در گوشه و کنار آن موسسات ریز و درشتی که کوچکترین منفعتی برای ایران و ایرانی ندارد به وجود آید. یکی از این تشکیلات مخرب ، معاونت پژوهش است . کار این بخش دروغ بافتن راجع به فرهنگ و معارف اسلامی ، سیره اهل بیت ! ، مهدویت و فلسفه و کلام اسلامی !! اخلاق و معنویت اسلامی !!! و تمدن اسلامی !!!! و بخورد خام اندیشانی است که از اسلام ، این دین واپسگرا ، خون ریز و دروغگو هیچ چیز نمیدانند.

معاونت فضای مجازی و هنر و رسانه نیز بخشی از این دفتر است که از هنر طلبه ها برای تبلیغ دین استفاده کند.

نابکاران ، فریبکاران و دشمنان قسم خورده ایران و ایرانی در این دفتر از بدو تاسیس تا کنون که ریاست آنرا به عهده داشته اند بشرح زیرند :



آخوند محمد عبائی خراسانی



آخوند محمد جعفری گیلانی



آخوند سید حسن ربانی



آخوند احمد واعظی

این دفتر در تهران ، اصفهان ، خوزستان ، ایرانشهر و خراسان نیز شعبه دارد

اهداف روبنایی دفتر

الف) تبیین، تبلیغ و گسترش باور، بینش و ارزش های اسلامی و انقلابی !!

ب) تعمیق و توسعه دانش و معرفت اسلامی !!

اهداف علمیاتی

الف) حضور و مشارکت در مراجع سیاست گذاری و برنامه ریزی تبلیغی و علمی کشور به منظور تأمین نیازهای فکری - دین مدیریت کلان نظام

ب) شناخت مداوم مخاطبان و بازیابی نیازها و معضلات فرهنگی نظام و اقشار جامعه برای هدفمندی و کارآمدسازی تبلیغات اسلامی و پژوهش های دینی

ج) ارائه آموزش های مورد نیاز برای تربیت فضا در عرصه تبلیغات اسلامی و فعالیت های پژوهشی دینی

د) جذب و ساماندهی و اعزام روحانیون مورد نیاز داخل و خارج از کشور و مرکز ذی ربط و تأمین محتوای تبلیغی برای آنان

ه) تلاش و همکاری در جهت تولید و عرضه منشورات مکتوب، محصولات دیداری و شنیداری، نرم افزارها و پایگاه های اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ و معارف اسلامی با بهره گیری از ذخائر علمی - فرهنگی حوزه های علمیه

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم برای ارتقای کیفیت فعالیت ها و بهره وری در تحقق اهداف خود موارد زیر را مورد اهتمام جدی قرار می دهد

حفظ و تقویت صفات متمایز دفتر شامل: نوگرایی و نواندیشی !! پیشگامانه در فعالیت های دینی، توجه به عرصه های دارای خلا، نو شدن سازمانی و توانایی بسیج نیروهای مستعد حوزوی در عرصه های تحقیق، آموزش، تبلیغ

کوشش در جهت بهبود شیوه های پاسخ گویی به نیازها و خواسته های مخاطبان از طریق بهره گیری از روش ها و فناوری های روزآمد در قالب های هنری مؤثر و تأکید بر بهینه سازی روش های سنتی.

نکته قابل توجه این است که سرپرست این دفتر از سوی سید علی خامنه ای منصوب میشود. در حال حاضر سرپرستی معاونت آموزشی این دفتر با آخوند شمس الله مریجی و

معاونت پژوهش را آخوند نجف لک زائی و معاونت فرهنگی و تبلیغی را آخوند سعید
روستا آزاد و معاونت فضای مجازی ، هنر و رسانه را دکتر مسعود معینی و معاونت منابع
انسانی را آخوند علی اصغر ثنائی به عهده دارند.



از وزارت خانه های مخوف و سرکوبگر جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی است که در امر صدور انقلاب نکبت بار اسلامی کوشا است. این وزارت خانه در اعمال سانسور در حوزه فرهنگ و هنر غیر اسلامی !! بسیار کارآمد است. این تشکیلات ضد ایرانی پس از پیروزی فتنه خمینی و اشغال ایران توسط دستار بندان تازی پرست با ترکیب وزارت فرهنگ و هنر با وزارت اطلاعات و جهانگردی شکل گرفت. وزارت ارشاد اسلامی به عنوان یکی از اصلی ترین متولیان حوزه فرهنگ و هنر اسلامی ، وظیفه سیاست گذاری در زمینه اطلاع رسانی ، بسط فرهنگ زمخت و منحط اسلامی ، و تبلیغات برای جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی و صدور انقلاب را بر عهده دارد. در زمان رهبری سید علی خامنه ای این وزارت خانه مخوف چنان عرصه فعالیت های فرهنگی و هنری را تنگ کرده که بجرات میتوان گفت : راه تنفس فرهنگ و هنر ایرانی را بسته است. وزیر پشت به وطن کرده و زشت کردار این وزارتخانه سید عباس صالحی است.



سید عباس صالحی

کسی که متصدی وزارت ارشاد است ، فارغ التحصیل حوزه علمیه مشهد و قم است. معلم او آخوند وژن و کودن و فاسدی است بنام سید ابراهیم علم الهدی ، پدر زن ابراهیم رئیسی که در سقوط هلیکوپتر او را به قتل رساندند. او زمانی سردبیر مجله حوزه و مدتی مسئول دفتر تبلیغات اسلامی قم بود که بدان اشاره کردم.

جای تاسف بسیار است که امروزه در جمهوری اسلامی چه بر سر وزارت معارف و صنایع مستظرفه زمان قاجار ، وزارت فرهنگ زمان رضا شاه بزرگ ، وزارت فرهنگ و هنر زمان شاه فقید و وزارت اطلاعات و جهانگردی زمان محمد رضا شاه پهلوی آمده است. وزارتخانه هائی که در زمان قاجار و پهلوی وظیفه آموزش و پرورش و حفظ فرهنگ گهر بار ایرانی را داشتند و امروز تبدیل به تبلیغات برای واپسگرایانه ترین و فاسد ترین رژیم عالم و خفقان و سانسور شده است.

نقش سازمان تبلیغات اسلامی در صدور انقلاب

سازمان شبه دولتی تبلیغات اسلامی به دستور آخوند جنایتکار خمینی پس از اشغال ایران توسط دستار بندان در اول تیرماه 2689 مادی برابر با 1981 میلادی تشکیل شد. این سازمان یکی از ارگانهای تبلیغاتی و صدور انقلاب اسلامی به سایر نقاط دنیا است. در بدو تاسیس ریاست این نهاد با آخوند احمد جنتی بود.



سمت راست : محمد قمی رئیس جدید سازمان

سمت چپ : سید مهدی خاموشی رئیس پیشین سازمان

این سازمان در ابتدای پیروزی فتنه خمینی تحت نام " نهاد شورای عالی تبلیغات اسلامی " با هزینه مصادره شده از انتشارات امیر کبیر تهران به سرپرستی عبدالرحیم جعفری شکل گرفت. در دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست آخوند جنایتکار محمدی گیلانی همراه با احمد جنتی با لگد زدن بر سر و صورت جعفری از او می خواهند تا انتشارات امیر کبیر را به جنتی و نهاد شورای تبلیغات اسلامی اهداء کند. در اقدام بعدی این سازمان ، انتشارات خوارزمی را نیز مصادره شد، معاونت . این نهاد ضد ایرانی و ایران ویران کن ، زیر نظر سید علی خامنه ای قرار دارد. حوزه هنری و سینمای نامشروع جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی زیر نظر این نهاد فعالیت دارند. سازمان تبلیغات اسلامی دارای چهار معاونت راهبردی و امور استانیها ، معاونت آموزشی و پژوهشی ، معاونت امور فرهنگی و تبیغ و معاونت اداری و مالی است. سازمانهای زیر وابسته به این نهاد است : خبرگزاری حکومتی مهر ، دانشگاه سوره ، حوزه هنری انقلاب اسلامی ، انتشارات سوره ، سازمان دارالقرآن الکریم ، پژوهشکده تبلیغ اسلامی باقرالعلوم ، موسسه اطلاع رسانی تبیان ، موسسه انتشاراتی امیرکبیر ، روزنامه آگاه ، تهران تایمز به زبان انگلیسی ، سازمان مدارس معارف اسلامی صدرا و شرکت کتاب شهر.

مسئولیت‌های تعریف شده برای این نهاد به این شرح است :
سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هدایت، سازماندهی، پشتیبانی و نظارت بر تبلیغات دینی-مردمی !

زمینه‌سازی برای یافتن نیروهای مؤمن و پیدایش تشکلهای انجمن‌های اسلامی و جمعیت‌های مشابه و نظارت بر فعالیت آنها.

تلاش در جهت احیاء و اشاعه معارف ، فرهنگ و تاریخ تشیع از تمام راه های ممکن !!!و حراست از آن، با همکاری مراجع و نهادهای ذیربط

تحقیق و بررسی و خنثی کرده تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام !! شناسائی ترفند های تبلیغی علیه اسلام !!

انجام مطالعات راهبردی و بررسی‌های کاربردی در زمینه نیازهای فرهنگی قشرها مختلف جامعه به ویژه جوانان !! و طراحی برنامه‌ها و شیوه‌های تبلیغی نوین و اصلاح و احیای روش‌های سنتی در تبلیغات اسلامی

تدوین و انتشار کتب و نشریات مناسب و ضروری به منظور معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی، و تبیین مواضع انقلاب اسلامی و انجام پژوهش‌های لازم به ویژه

در زمینه نظام تربیتی و مبانی سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی و حمایت از پژوهشگران متعهد !!! (به ویژه توده ای ها)

تلاش جهت هدایت افکار عمومی با استفاده از رسانه‌های همگانی و فعالیت مستقیم رسانه‌ای در صورت لزوم.

شناسایی و معرفی آثار نمونه فرهنگی و هنری، افراد و شبکه‌های تبلیغی- مردمی جامعه اسلامی و تهیه و عرضه فراورده‌ها و آثار نمونه فرهنگی- هنری، در جهت ارائه الگوهای مناسب هنرمندان متعهد و انقلابی و حمایت از آنان.

برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی و انجام اقدام‌های لازم برای هرچه فعال‌تر شدن افراد تأثیرگذار مانند: روحانیون !!، دانشگاہیان، معلمان و هنرمندان در جهت رشد فرهنگ اسلامی و مقابله با آثار نامطلوب فرهنگ‌های بیگانه !!

برنامه ریزی فرهنگی و تبلیغی جهت علاقه مندان به فرهنگ اسلامی ، در خارج از کشور
با همکاری مراجع ذی صلاح !!!!
نظارت و هماهنگی در برگزاری
هرچه بهتر مراسم و شعائر انقلابی و دینی در کشور و خارج از کشور با مشارکت کلیه
نهادهای مردمی و دولتی

برگزاری کنفرانس‌ها، جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی مردمی !! در کشور و دعوت
اسلام شناسان خارجی به منظور تعمیق و گسترش معارف اسلامی و فراهم کردن زمینه
شرکت هنرمندان و شبکه‌های تبلیغی- مردمی در کنفرانس‌ها، نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های
فرهنگی .

انجام همکاری‌های فرهنگی- تبلیغی با مراکز اسلامی و فرهنگی داخل و خارج کشور در
راستای اهداف سازمان و به منظور تأمین ارتباط افراد و مراکز اسلامی و فرهنگی- مردمی
برای تألیف قلوب !!!! آنان با هماهنگی سایر مراجع ذی‌صلاح

نظارت بر ترجمه متون دینی و تعیین ضوابط و مقررات مربوط به تهیه، ترجمه و انتشار
این متون جهت بهره‌برداری در کشور و خارج از کشور .

نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم و انجام فعالیت‌های قرآنی از طریق تربیت مربی، تدوین
جزوات آموزشی، و همکاری با وزارتخانه‌های ذی‌ربط جهت گسترش آموزش و معارف
قرآن کریم

سؤال اینجاست که با هزینه های میلیارد تومانی کدام یک از مسولیت های !!! اشاره شده
حتی یک گره از گره های کوری که دستار بندگان اشغالگر در کشور ما پیش آورده اند ، باز
می کند؟

سازمان حج و زیارت و صدور انقلاب اسلامی



سازمانی وابسته به وزارت ارشاد اسلامی که مسئولیت اجراء و نظارت بر سفرهای زیارتی و ترتیب اغتشاش و تظاهرات زیارت کنندگان علیه کشور میزبان را در حج تمتع ، عمره مفرده در عربستان سعودی و زیارت عتبات در عراق و سوریه را بر عهده دارد.

در راس وظائف این سازمان : اجرای کلیه دستورات و ارشادات آخوند سید علی خامنه ای نگاشته شده است. لطفا به سایت رسمی این سازمان ، بخش وظائف نظری بیندازید تا متوجه این امر شوید.

با نگاهی به پیشینه این سازمان از زمان شاه فقید متوجه می شوید که خدمات این سازمان همواره خفت بار بوده و همواره بر بار بردگی و بندگی اختیاری ایرانی اسلام زده و دور شدن او از فرهنگ گهر بار ایران افزوده است.

در 27 دیماه 2651 مادی برابر با 1944 میلادی ، عمال ددمنش عربستان یک ایرانی خرد گم کرده بنام ابوطالب افخمی اردکانی را بخاطر بیماری و استفراغ به جرم توهین به ساحت مقدس کعبه ، همان جایی که جنیفر لویز بر تاق آن قر داد و رقصید، گردن میزنند.

خبر این اقدام وحشیانه به شاه جوان میرسد و ایشان به وزارت خارجه دستور میدهد تا اعتراض رسمی و سخت ایران را به عمال عربستان سعودی ابلاغ کند . به دستور شاه روابط سیاسی ایران و عربستان قطع میشود و تا سالیان دراز بخاطر حفظ جان ایرانیان .ویزای حماقت به خردگم کردگان مسلمان داده نمی شود

هر ساله در مراسم حج بسیاری از زائران جان می بازند. فاجعه منا که اخیرا رخ داد نمونه آنست. روز دوم مهرماه 2723 مادی برابر با 24 سپتامبر 2015 میلادی ، همزمان با عید قربان در مراسم رمی جمرات در منطقه منا مکه 2236 مسلمان خرد گم کرده زیر دست و پا له میشوند. از میان کشته شدگان 464 تن زائر مسخ شده ایرانی بودند که به لقاء الله پیوستند و گوشت کوبیده آنان به تهران منتقل شد. تعداد کشته شدگان بسیار بیشتر از رقم اعلام شده بود . برخی آمار ها میزان مرگ و میر را 7700 تن برآورد کردند. در مراسم مشابه در سال 2698 مادی برابر با 1990 میلادی 1426 تن جان می بازند. در 9 مرداد سال 2695 مادی برابر با جولای 1987 میلادی ، 275 ایرانی خردگم کرده بخاطر فرمان آخوند خمینی مبنی بر برائت از مشرکین در مراسم حج شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل سر میدهند و در ساک زائران ایرانی مواد منفجره که سپاه پاسداران قرار داده بود کشف میشود . حاجی های شعار دهنده می خواهند وارد مسجد الحرام شوند که با مخالفت نیرو های امنیتی عربستان مواجه میشوند . آنها دست به چاقو و قمه میزنند که نیرو های انتظامی عربستان با باتوم برقی و چوبی به مقابله می پردازند. آتش بیار این معرکه محسن میر دادمادی فرستاده آخوند مهدی کروبى ، و علی شکوری از دانشجویان خط امام بودند. در این درگیری 405 تن از حجاج ایرانی و پلیس عربستان کشته میشوند.



بنای یادبود کشته شدگان اغتشاشگر مراسم حج در بهشت زهرا

سپاه برای انتقال مواد منفجره به عربستان از ساک‌های زائران بدون اجازه آن‌ها استفاده کرد. یکی از افراد سپاه که از متصدیان این امر ناجوانمردانه بود گفت که روسای من اصرار دارند تا بگوییم این امر توسط سید مهدی هاشمی انجام شده است. سپاه پاسداران برای نا امن کردن مراسم حج 314 کیلو گرم تی ان تی و کشتن حجاج در ساک زائران جاسازی کرده بود. (از متن نامه آخوند حسین علی منتظری به روح الله خمینی)



تمبر یادبود کشته شدگان مراسم حج

با نگاهی به گاهشمار مراسم حج می بینید که هر ساله در این مراسم بسیاری از حاجی ها کشته و حاجیه خانم های ایرانی کشته و یا مورد تعرض جنسی قرار میگیرند.

وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی و عملکردش در صدور انقلاب



نام دیگر این نهاد ضد بشری واجا است که در ضمن صدور انقلاب نکبت بار اسلامی به گردآوری و پرداخت اطلاعات امنیتی داخلی و خارجی ، فعالیت های جاسوسی و مقابله با سازمانهای جاسوسی خارجی منهای شوروی و هم چنین مقابله با سازمانهای آزادی خواه و سیاسی مخالف رژیم آخوندی می پردازد. در حال حاضر سرپرست این نهاد مخوف آخوند سید اسماعیل خطیب است.



آخوند سید اسماعیل خطیب

این آخوند جنایتکار متولد شهر قائنات است . او از شاگردان سید علی خامنه ای ، فاضل لنکرانی ، مکارم شیرازی و مجتبی تهرانی بوده و سابقه اطلاعاتی و امنیتی در سپاه پاسداران از دو سال پس از پیروزی فتنه خمینی دارد. پیش از تصدی پست وزارت اطلاعات او سرپرست حراست قبر امام رضا در مشهد ، حراست بیت رهبری و مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه بوده است.

وزارت اطلاعات از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا بخاطر حمایت از تروریسم و نقض حقوق شهروندان ایرانی در لیست تحریم قرار دارد. وزارت اطلاعات در 46 سال گذشته تعداد زیادی از منتقدان و مخالفان رژیم آخوندی را در داخل و خارج از ایران به قتل رسانده است. ربودن لطف الله زم و جمشید شارمهد و به قتل رساندن آنها جدیدترین عملیات این سازمان جهنمی است. بنا به گزارش وزارت دفاع آمریکا ، تعداد مزدورانی که برای این سازمان کار می کنند ، بالغ بر 30 هزار تن برآورد شده است. اعضای فعال این نهاد ضد ایرانی با عنوان " سربازان گمنام امام زمان " شناسائی میشوند.



دیدار سیدعلی خامنه ای با مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات در فروردین سال 2726 مادی برابر با 2018 میلادی . کیفیت پائین عکس عمدی است.

در جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی برای تربیت مزدور اطلاعاتی ، دانشگاه امام باقر را تاسیس کرده اند. هشت سال پیش نام این دانشگاه !!! به دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی !! تغییر یافت. محل این کانون توطئه در منطقه ازگل در شمال شرقی تهران قرار دارد.

تمامی مراحل گزینش، برای ورود به دانشگاه ممکن است یک سال یا حتی دوسال طول بکشد. پذیرش این دانشگاه از طریق آزمون سراسری به صورت نیمه متمرکز و مصاحبه است و متقاضیان باید از شرایط و ضوابط عمومی و اختصاصی دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی مندرج در دفترچه راهنمای انتخاب رشته های تحصیلی آزمون سراسری برخوردار باشند. پروسه گزینش این دانشگاه طی چند مرحله که از طریق تماس مستقیم توسط دانشگاه و در مدت زمان حداقل یک سال انجام می شود. پذیرش نهایی داوطلبان منوط به داشتن شرایط قید شده در دفترچه ثبت نام کنکور سراسری از جمله اعتقاد و التزام عملی به دین مبین اسلام و اعتقاد و پایبندی به ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی ایران و آمادگی هر گونه فداکاری !!!! نیز داشته باشد.

این دانشگاه در سه مقطع کارشناسی ، کارشناسی ارشد و دکتری مزدور می پذیرد.

کارشناسی:

امنیت بین المللی، امنیت نرم ، امنیت اطلاعات ، حفاظت اطلاعات ، امنیت اقتصادی !! ،
ضد تروریسم !! ، علوم فنی امنیت ، ارتباطات مهندسی فناوری اطلاعات و پژوهشگری
امنیت !

کارشناسی ارشد :

مدیریت اطلاعات ،حفاظت اطلاعات ، مطالعات امنیتی ، پژوهشگری امنیت ، امنیت
اطلاعات ، امنیت اقتصادی ! ، امنیت بین الملل ! ، بیو تروریسم !! ، علوم جرم شناسی
امنیتی ، مهندسی مخابرات امنیتی ، و مهندسی فناوری اطلاعات و امنیت .

دکتری :

مدیریت اطلاعات

وزارت اطلاعات دارای چندین زندان مخفی در رضائیه ، سنندج و کرمانشاه است
قتل های زنجیره ای در ایران توسط وزارت اطلاعات با سر پرستی علی فلاحیان و
قربانعلی دری نجف آبادی رخداد. از چهره های شناخته شده در داخل ایران که بوسیله
وزارت اطلاعات به قتل رسیدند میتوان به داریوش فروهر و همسرش ، محمد جعفر پوینده
، محمد مختاری ، کاظم سامی کرمانی ، سعیدی سیرجانی ، احمد میر علائی ، غفار حسینی
، ابراهیم زال زاده ، مجید شریف ، پیروز دوانی ، احمد تفضلی ، حمید حاجی زاده با
پسرش کارون اشاره داشت. بنا بگزارش سازمان عفو بین الملل در فاصله سالهای 1979 تا
1992 میلادی حداقل 200 بهائی در ایران اعدام شدند که کار وزارت اطلاعات بود. در می
1992 میلادی ، فیض الله مخودباد 77 ساله و عضو جمعیت یهودیان به اتهام جاسوسی
برای آمریکا توسط وزارت اطلاعات دستگیر و اعدام شد. پیش از کشتن او چشمانش را از
کاسه درآورده بودند. کشتار سه کشیش مسیحی ، هایک هوسپیان مهر ، تاتاوس میخائیلیان و
مهدی دیباج همراه با حاج محمد ضیائی رهبر اقلیت سنی بندر عباس در زمره اقدامات
وزارت اطلاعات در اقلیت ستیزی مذهبی بود.

وزارت اطلاعات در خارج از کشور در مدت کوتاهی بیش از 300 تن از مخالفان رژیم
آخوندی را به قتل رساند که بیشتر آنها در عراق و ترکیه به قتل رسیدند. قتل های زنجیره
ای در اروپا در دوره فلاحیان موجب حذف فیزیکی شاپور بختیار ، عبدالرحمان برومند ،
فریدون فرخزاد ، عبدالرحمان قاسملو ، صادق شرفکندی ، کاظم رجوی ، محمدحسین نقدی
، رضا مظلومان (کورش آریامنش) ، شهریار شفیق و ده ها تن دیگر شد.

ربایش عبدالمالک ریگی ، ربایش جمشید شارمهد در امارات ، ربایش حبیب اسبورد در ترکیه ، دستگیری علیرضا اکبری و ربایش فرود فولادوند از زمره عملیات این نهاد ضد بشری است.

اولین وزیر اطلاعات آخوند محمد ری شهری بود که همراه با سعید حجاریان به عنوان پایه گذاران این وزارتخانه شناخته شده اند. در زمان علی اکبر هاشمی رفسنجانی سرپرستی این نهاد به جنایتکار مخوف علی فلاحیان واگذار شد. در زمان محمد خاتمی فریبکار ، قربان علی دری نجف آبادی جای فلاحیان را گرفت. پس از نجف آبادی ، نوبت به آخوند علی یونسی رسید . در زمان محمود احمدی نژاد ، غلامحسین اژه ای به این سمت برگزیده شد. پس از برکناری اژه ای ، حیدر مصلحی با سفارش سید علی خامنه ای سرپرست وزارت اطلاعات شد. زمانی که ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد ، وی سید اسماعیل خطیب را به مجلس معرفی کرد و هم اکنون سید اسماعیل خطیب به عنوان هشتمین وزیر اطلاعات ، تصدی این وزارتخانه را بر عهده دارد.

نقش انجمن دانشجویان مسلمان خارج از کشور در برنامه توطئه جهانی صدور انقلاب

به عنوان نهادی که در صدور انقلاب نکبت بار اسلامی نقش دارد و دارای سابقه ننگینی است باید مورد بحث قرار گیرد.

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا، آمریکا و کانادا، نام تشکلی است که نزدیک به دو دهه پیش از پیروزی فتنه خمینی در خارج از کشور فعالیت داشت. فعالیت های این تشکل از آنجا حائز اهمیت است که یکی از مهم ترین گروه های مبارز علیه حکومت پهلوی در پیش از اشغال ایران توسط دستار بندان تازی پرست در خارج از کشور به حساب می آمد و بعد از اشغال نیز تعدادی از اعضای قوه مجریه و مقامات بالا و میانی کشور از میان کسانی بودند که سابقه عضویت و فعالیت در این انجمن های اسلامی را داشتند. اروپا محور تشکیل انجمن های اسلامی بعد از واقعه 15 خرداد سال 2671 مادی برابر با 1963 میلادی در خارج از کشور است. باید گفت که قبل از این تاریخ، گروه ها و انجمن هایی در اروپا و به خصوص در آلمان بودند که افراد منفردی در شهرهای مختلف به خاطر مسلمان بودن شان دست به فعالیت می زدند و جسته و گریخته کارهایی هم انجام می دادند. برای نمونه مصطفی حقیقی یکی از آنهاست که به مناسبت تبعید روح الله خمینی به ترکیه، عده ای از دانشجویان مسلمان ایرانی بدون داشتن هیچ گونه تشکیلاتی که منحصر به ایرانی ها باشد و فقط به دلیل مخالفت با رژیم پهلوی و اعتراض به موضوع تبعید حضرت امام، به هانوفر رفتند و جلوی

دادگستری آنجا دست به اعتصاب غذا زدند. البته جسته و گریخته در شهرهای مختلف دو، سه نفر هم‌دیگر را پیدا کرده بودند و با هم در زمینه‌های قرآنی، احکام و در مسائل اعتقادی همکاری می‌کردند؛ مثلاً در شهرهایی مثل برانشوایگ (Braunschweig)، گیسن (Giessen)، وورتسبورگ (Wurzburg)، برلین (Berlin) و هانوفر (Hannover) و وین (Wien) این فعالیت‌های مختصر وجود داشت. برای مثال هسته اولیه انجمن اسلامی شهر وین در سال 2667 مادی برابر با 1959 میلادی توسط دکتر ولایی، دکتر افشار و... تشکیل شده بود و در 25 ژوئیه 1965 به ثبت اداره امنیت شهر وین رسید.

«اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا» متشکل از تمام دانشجویان کشورهای مسلمان در اروپا حدود سال 2669 مادی برابر با 1961 میلادی تشکیل شد که مخفف آن اومزو (UMSO) است و در فارسی اومسو می‌گویند. با تشکیل این مجموعه، بسیاری از دانشجویان مسلمان ایرانی که در شهرهای مختلف وجود داشتند به این سازمان پیوستند و در جلسات آن شرکت می‌کردند. معمولاً این تشکیلات سیاسی نبود و بیشتر تشکیلات اعتقادی بود که ملیت‌هایی از کشورهای مسلمان مانند: عرب، ترک، ایرانی، افغانی، مالزی و... در آن شرکت داشتند. البته آخوند بهشتی در فروردین سال 2673 مادی برابر با 1965 میلادی برای تبلیغ دینی به مسجد شهر هامبورگ آمده بود.

آخوند بهشتی چون شخصیتی تشکیلاتی داشت به سرعت با این تشکیلات «اومزو» ارتباط برقرار کرد. در بهمن ماه همان سال سه تن از دانشجویان ایرانی: عبدالله توسلی، اسدالله خالدی و مصطفی حقیقی (توسلی و اسدالله خالدی از دانشجویان شهر گیسن و مصطفی حقیقی از دانشجویان شهر برانشوایگ) برای انسجام بیشتر فعالیت‌ها دور هم جمع شدند. همان طور که اشاره شد، مصطفی حقیقی را می‌توان به عنوان یکی از پایه‌گذاران «اومزو» نام برد. او به عنوان نماینده دانشجویان مسلمان در اکثر کنگره‌های «اومزو» و بخصوص کنگره «اومزو» در مکه، شرکت می‌کرد. وی از افراد بسیار فعال در میان دانشجویان مذهبی در اروپا بود. در نهایت این سه تن در بهمن سال آن سال در شهر گیسن و در منزل خالدی جمع شدند و در مورد این که چه باید کرد، به بحث پرداختند. آن‌ها برای احیاء حداقل مبانی دینی و جمع کردن نیروهای مسلمان ایرانی که به خارج از کشور می‌آمدند و با فضای آن جا غریبه بودند، دور هم جمع شدند. بحث آن‌ها این بود که افرادی که برای تحصیل بخارج می‌آیند را جذب کنند تا به دام نیروهای چپ و بی دین نیفتند! در ضمن با تلاش، دیگر خردگم کردکان مسخ شده را در شهرهای مختلف آلمان شناسائی و آن‌ها را یکجا جمع کنند.

«اومزو» یک تشکیلات سیاسی نبود، بلکه بیشتر تشکیلاتی بود که در راستای انجام وظایف دینی فعالیت می‌کرد مانند: نماز جماعت، سخنرانی، نماز جمعه، یادگیری و تفسیر قرآن و... درست است که افراد اخوان المسلمین آنجا حضور داشتند و بعضی از نیازهای مالی این مجموعه را تأمین می‌کردند، اما نهایتاً این مجموعه، مجموعه غیرسیاسی بود. دانشجویان ایرانی به ویژه بعد از واقعه 15 خرداد چهل و دو احساس نیاز داشتند که در رابطه با مسائل سیاسی ایران حرکتی انجام دهند.

در اواخر دهه 30 و اوایل دهه 40 انقلاب‌های مختلف چپ‌گرایانه اتفاق افتاده بود و فیدل کاسترو در کوبا، مائو در چین، انقلاب الجزایر، انور خوجه در آلبانی و... به عنوان الگو مطرح بودند و طبیعتاً کشش و جذابیتی میان نسل جدید و جوان ایجاد کرده بودند. شما وقتی وارد خانه جوانی می‌شدی که برایش مسائل سیاسی مهم بود، عکس چه‌گوارا را در اتاقش می‌دید، برای برخی از جوانان در آن زمان زدن عکس چه‌گوارا در اتاق، شخصیت و تشخیصی به شمار می‌آمد!!! این هم یکی از عواملی بود که نیروهای مسلمان را به واکنش وادار کرد که در مقابل جریان چپ بتوانند حرفی برای گفتن داشته باشند. نبود یک تشکیلات با بینش اسلامی در خارج از کشور انگیزه‌ای شد تا جنبش‌های دانشجویی اسلام سیاسی شکل بگیرد. درست است که کنفدراسیون دانشجویان و محصلین حدود 5 سال قبل از اتحادیه تشکیل شده بود ولی جهت‌گیری این سازمان در همان سمت و سوی چپ بود و آنجا بچه‌های مسلمان همه در اقلیت و در آزار و اذیت بودند. نمونه آن قطب‌زاده، چمران و شریعتی بودند که سرانجام نتوانستند در چارچوب این سازمان به فعالیت ادامه دهند.

فشار روانی که روی افراد مسلمان در خارج بود باعث شد که افرادی به فکر یک تشکیلاتی بیفتند که بتوانند خودشان را از اینکه هستند بالاتر بکشند و دارای یک شخصیت و جایگاهی شوند که دیگر از این فشار روانی که برای‌شان ایجاد شده است، خارج شوند. در ضمن محیط اجتماعی و فرهنگی غرب بود. آن محیط، محیط بچه مسلمان نبود، محیطی نبود که بچه مسلمان در آن راحت باشد، به خصوص آن زمان‌ها که با حالا خیلی فرق داشت. شما برای نماز خواندن!، تهیه گوشت حلال!! و این نوع مسائل در گرفتاری و مصیبت بودید!! در دانشگاه به سختی می‌شد رعایت محرمات کنید!!!، ادای واجبات کنید!!! و واقعاً در آن محیط دردرساز بود. برای بچه‌های مسلمان یک فرهنگ غریبه بود. اگر افرادی این تشکیلات را درست می‌کردند این دور هم بودن‌ها باعث می‌شد یک مقدار از فضای سنگین آنجا کم بشود. این افراد به این نتیجه رسیدند دعوت‌نامه‌ای را در سوم اسفند همان سال برای دوستان مسلمان که در شهرهای دیگر بودند بفرستند. این افراد عبارت بودند از: عبدالله توسلی، اسدالله خالدی، مصطفی حقیقی، کریم خدایناهی، ایوب شهین، سیدحسین

سادات‌دربندی و علی ابریشمی که در 21 اسفند مجدداً در منزل خالدی جمع شدند و در واقع دومین جلسه اتحادیه را برگزار کردند.



بعد از اینکه جلسه دوم به فاصله یک ماه تشکیل شد، بعدها برای اینکه سلسله شماره‌ای برای این گردهمایی‌ها گذاشته شود این جلسه 21 اسفند «نشست اول» نام گرفت. نام مجموعه را هم آن موقع «اتحادیه» گذاشتند، بلکه نام «مجمع عمومی انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی مقیم اروپا» را بر آن گذاشتند. اساسنامه‌ای را هم که الگویی از اساسنامه سازمان دانشجویی دانشگاه تهران بود با یک سری تغییراتی به عنوان اساسنامه خودشان در آن جلسه تصویب کردند. این تقریباً پایه و اساس تشکیل اتحادیه انجمن‌های اسلامی در اروپا بود.

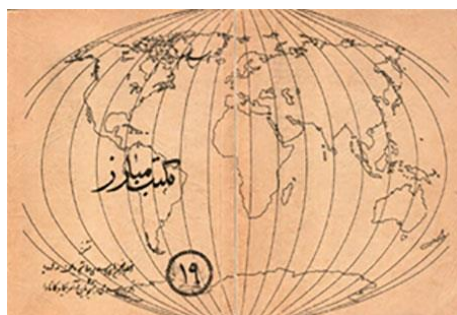
در نشست دوم که به تاریخ 14 آبان 2674 مادی برابر با 1966 میلادی برگزار گردید، نام تشکیلات را تغییر داده و نام «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا» را انتخاب کردند. در این فاصله آخوند بهشتی هم در هامبورگ بودند و این افراد اکثراً بهشتی را از قبل می‌شناختند، مثلاً مهدی نواب از شاگردان بهشتی در مدرسه «دین و دانش» قم بود و از ایران ایشان را می‌شناخت. در 21 اسفند قرار شد این جریان را با

بهشتی در میان بگذارند که ما چنین کاری می‌خواهیم انجام بدهیم. ایشان گفتند شما از «اومزو» بیرون نیایید؛ چون «اومزو» در اروپا و به خصوص در آلمان به طور قانونی ثبت شده بود و اینها می‌توانستند تحت نام آن کارشان را ادامه بدهند و گرفتار مسائل قانونی نشوند. این پیشنهاد مورد توجه اعضاء قرار گرفت و آن‌ها با رؤسای «اومزو» صحبت کردند. مسئولین «اومزو» قبول کردند که این گروه به عنوان مجموعه فارسی زبان در داخل اتحادیه انجمن‌های اسلامی فعالیت کنند و از آنجا نام این گروه به «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا (گروه فارسی زبان)» تغییر کرد. حتی نشریه «مکتب مبارز» که از همان جلسات اول قرار شد انتشار پیدا کند تا شماره 8 آن با آرم «اومزو» چاپ می‌شد. از نشست ششم به بعد اتحادیه مستقل شد و خودشان به اداره ثبت مراجعه و اتحادیه را ثبت قانونی کردند و از «اومزو» خارج شدند.

آخوند بهشتی در هدایت قضیه و مشورت دادن به نیروهای جوانی که تجربه تشکیلاتی نداشتند نقش محوری داشت. به جز این مورد، بحث استقلال اتحادیه از تأکيدات او بود. تا نشست ششم یعنی سال 2678 مادی برابر با 1970 میلادی که او به ایران برگشت، مستمراً بر بحث استقلال اتحادیه و به خصوص استقلال مالی آن تأکید داشت و این یک رویه جالبی در اتحادیه شد که تا آخرین نشست اتحادیه، نشست هفدهم، همچنان پابرجا بود و باعث شد که اتحادیه بتواند مستقل بماند و مستقل صحبت کند و مستقل موضع بگیرد. واقعاً اعضا به آن اعتقاد داشتند و قضیه استقلال اتحادیه روی افکار آن‌ها حک شده بود. از دیگر مواردی که آخوند بهشتی پیشنهاد دادند و مورد قبول قرار گرفت و بعداً تا مدتی مورد مناقشه بود، بحث فعالیت‌های سیاسی بود. ایشان اعتقاد داشت تا افراد به سلاح علم و فرهنگ اسلامی !!! مجهز نشوند وارد شدن به مسائل سیاسی تقریباً آن‌ها را به انحراف خواهد کشاند. نظر بهشتی این بود که شما اول باید یک خودسازی فرهنگی - اسلامی کرده باشید، بعد کار سیاسی را شروع کنید. تجربه نشان داد که در کنفدراسیون به علت اینکه اصلاً بحث و کار فرهنگی جایگاهی نداشت، نتیجه این شد که هر چند وقت یکبار انشقاق و انشعاب و درگیری بر سر اینکه هیئت دبیران از این جناح یا آن جناح بشود به وجود می‌آمد. این پیشنهاد که ابتدا کار فرهنگی صورت پذیرد و بعد از رشد و نمو اعضا از نظر فرهنگی، می‌توان کار سیاسی را آغاز کرد، باعث شد که اتحادیه به یک انسجام محتوایی و بعد شکلی برسد. البته نیروهایی در داخل اتحادیه بودند و اختلاف نظرهایی وجود داشت که باید کار علنی سیاسی کرد. برخی اعضاء کار سیاسی می‌کردند اما مخفیانه و حتی بدون نام اتحادیه. اما کار سیاسی علنی اتحادیه تقریباً از فوت فریبکار وژن علی شریعتی در سال 2685 مادی برابر با 1977 میلادی شروع شد.

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای اتحادیه در اداره این نوع تشکیلات این بود که ساواک به هیچ عنوان نتوانست به میان اعضای اتحادیه نفوذ کند. ولی در کنفدراسیون تا دل‌تان بخواهد نیروی ساواکی نفوذ کرده بود. می‌دانید بعد از انتشار نام ماموران و خبرچینان ساواک در خارج، چند نفر آنها عضو کنفدراسیون بودند؟ چون عضو کنفدراسیون شدن کاری نداشت و فرد اهل هر فرقه‌ای بود می‌توانست عضو کنفدراسیون شود. ولی عضو اتحادیه شدن به این راحتی نبود، اولاً طبق اساسنامه انجمن‌ها، فرد را 6 ماه زیر نظر می‌گرفتند که به عنوان مسلمان شناسایی شود. 6 ماه فرد در جلسات فرهنگی شرکت می‌کرد و مواظب او بودند که آیا واجبات و محرمات را رعایت می‌کند یا خیر. در اروپا دوری از محرمات و انجام واجبات مشکل بود. اگر فرد می‌خواست تظاهر کند خیلی زود لو می‌رفت. در ضمن حداقل زیر نظر داشتن فرد 6 ماه بود و بعضی‌ها تا 2 سال نمی‌توانستند عضو بشوند. این رویه باعث شد که یک انسجام بسیار قوی در اتحادیه به وجود بیاید که حتی ساواک با آن قدرت زیادی نتواند یک عضو نفوذی در اتحادیه داشته باشد.

در نشست اول و دوم تصویب شد «مکتب مبارز» به عنوان ارگان رسمی اتحادیه منتشر شود.

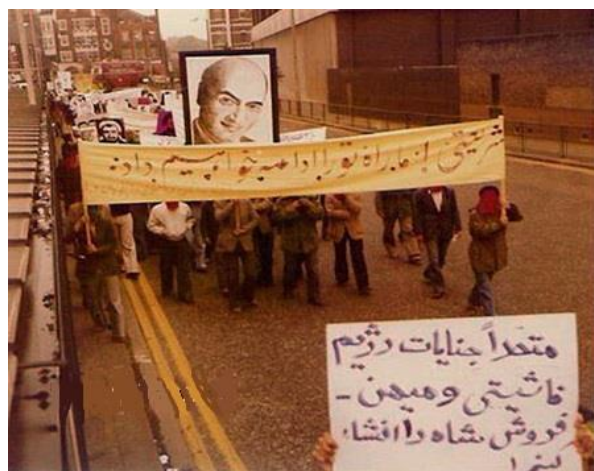


اعضای اولیه اتحادیه، انتخاب نام مکتب مبارز را تحت‌تأثیر کتاب مهندس مهدی بازرگان با عنوان «اسلام؛ مکتب مبارز» برگزیدند. «مکتب مبارز» اولین نشریه ارگان رسمی اتحادیه بود که چاپ شد. در سال‌های اولیه فعالیت، دوره‌های آموزشی ایدئولوژی اسلامی در مسجد هامبورگ به همت آخوند بهشتی تشکیل شد. آن جلسات با نام «بحث‌های ایدئولوژیک» منتشر شد. پس از آن نشریه‌ای که به عنوان ارگان اتحادیه به شمار می‌آمد، مجموعه «کرامه» بود. مجموعه «کرامه» بعد از تشکیل کمیته فلسطین در اتحادیه و لزوم توجه به مبارزات فلسطین منتشر شد. این مجموعه (که انتشار آن تا پیروزی فتنه خمینی ادامه داشت) اخبار مربوط به فلسطین و مبارزات آن‌ها با اسرائیل را پوشش می‌داد.

علت انتخاب نام کرامه برای نشریه به دلیل احترام به شهیدانی بود که در منطقه کرامه در فلسطین به شهادت رسیدند. از نشست هشتم ماهنامه‌ای به نام «قدس» و به نام کمیته فلسطین منتشر شد که به عنوان ارگان اصلی اتحادیه انجمن‌های اسلامی درآمد و تمام بیانیه‌ها و اعلام مواضع اتحادیه در این نشریه چاپ می‌شد.

«مکتب مبارز» هر 6 ماه یک دفعه یعنی سالی دو بار چاپ می‌شد. مجموعه «کرامه» هم نظم خاصی نداشت. ولی «قدس» از زمانی که ارگان اتحادیه شد نظم خاصی پیدا کرد و تقریباً هر ماه با 8 تا 16 صفحه چاپ می‌شد. حجم نشریه قدس اختصاص به یاوه‌ها و فریب‌های روح الله خمینی داشت. تحلیل‌هایی راجع به فلسطین، اخبار ایران و بحث‌های ایده‌ل‌وژیکی مطالب دیگر این هجو نامه بود.

برجسته‌ترین فعالیت سیاسی اتحادیه دانشجویان مسلمان اروپا تشییع جنازه علی شریعتی بود که اولین فعالیت علنی اتحادیه به حساب می‌آمد. در این مراسم شعارهای ضد شاه فقید به فراوانی به چشم می‌خورد



لندن 1977 میلادی

بعد از آن اعتصاب غذای مهر همان سال در کلیسای سنت‌مری پاریس با مشارکت روحانیون مبارز بود. یک اعتصاب غذای سراسری در رم، پاریس و انگلستان در زمستان همان سال انجام شد و اعتصاب غذای دیگری در مهرماه 1978 میلادی و در زمان حضور آخوند زشت کردار جنایتکار روح الله خمینی در پاریس برگزار شد. البته به مناسبت‌های مختلف تظاهرات‌های دیگری نیز برپا می‌شد. از جمله فعالیت‌های برجسته اتحادیه، اعتصاب غذای رم و تظاهرات واتیکان بود که خیلی سر و صدا کرد. این تظاهرات که علیه شاه فقید برگزار شد در محوطه و میدان واتیکان صورت گرفت. البته، نیروهای انتظامی واتیکان و نیروهای پلیس ایتالیا ریختند و اعضا را گرفتند و بردند

جریان تأسیس انجمن اسلامی در آمریکا شبیه اروپا بود. آنجا هم انجمن‌های اسلامی متشکل از گروه‌های عرب و غیرعرب وجود داشتند که دانشجویان مسلمان ایرانی در آن‌ها شرکت می‌کردند. انجمن اسلامی آن‌جا نیز محفلی دینی و غیرسیاسی بود. در 26 ماه مارس 1967 کنفرانس منطقه شرق انجمن‌های اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا بود که در این کنفرانس 150 تن از 20 کشور اسلامی شرکت داشتند. در آن کنفرانس اعضای ایرانی و افغانی با هم بودند. در خلال کنفرانس افراد فارسی زبان دور هم نشستند و در مورد این موضوع که ما باید یک انجمن مستقل تشکیل دهیم صحبت کردند. شبیه اروپا، «انجمن‌های اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا (فارسی زبان)» را تشکیل دادند.

شاخص‌ترین پشت به وطن کرده‌های آن روز ابراهیم یزدی، محمد هاشمی، مصطفی چمران، دکتر محمدتقی بانکی، محسن نوربخش و تعدادی از افراد دیگر هم بودند.



تظاهرات ضد شاه توسط دانشجویان مسلمان آمریکا و کانادا با نقاب



تظاهرات دانشجویان ایرانی علیه سفر شاه فقید و بستری شدن ایشان در بیمارستان در این تظاهرات آتش بیار معرکه جواد ظریف بود که در رژیم آخوندی وزیر امور خارجه شد.

با افزایش تعداد دانشجویان ایرانی در هند در دهه 2679 مادی برابر با 1971 میلادی، در شهرهای دانشگاهی آن کشور انجمن‌های اسلامی تأسیس شد. از جمله موسسین این انجمن‌ها می‌توان به این افراد اشاره کرد: جواد سرافراز، جواد سلیمی و مهدی نبی‌زاده در انجمن شهر بنگلور (Bangalore)، احمد حرّی و مختار کلانتری در انجمن شهر پونا (Pune)، رضا بیگزاده، حمید مودتی و رجب قدیرزاده در انجمن شهر علیگر (Aligarh). دو سال مانده به فتنه خمینی و اشغال ایران توسط دستار بندان تازی پرست بنا بر تصویب هیئت مدیره و برای تصویب اتحادیه انجمن‌های اسلامی شبه‌قاره هند و فیلیپین، صادق طباطبایی از طرف اتحادیه به هند و پاکستان و تایلند و فیلیپین رفت و در هر یک از این کشورها به تشکیل هسته‌های دانشجویی اسلامی مبادرت نمود. بعداً این هسته‌ها توسط اتحادیه در مقیاس کشورها و بعد در شبه‌قاره متحد شدند. لازم به ذکر است پیش از این در سوریه و لبنان انجمن‌های اسلامی تشکیل شده بود که با تلاش واحدهای دانشگاه‌های بیروت، سوریه و چند عضو فعال در مصر، ارتباط سازمانی منسجمی را فراهم آورده بودند. با گسترش انجمن‌های اسلامی دانشجویان در بسیاری از کشورها، طرح ایجاد سازمان جهانی انجمن‌های اسلامی دانشجویان مسلمان (فارسی زبان)، ضمن هماهنگی‌های لازم با انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا در اواسط سال 1978 میلادی در دستور کار قرار گرفت. به همین منظور نماینده اتحادیه صادق طباطبایی مجدداً در همین سال به کشورهای شبه‌قاره هند رفت تا زمینه تحقق طرح مذکور را فراهم آورد. پس از بازگشت نماینده

اتحادیه، مقدمات تدوین اساسنامه این سازمان آماده شد و از تصویب نشست‌های اروپا و آمریکا و کانادا گذشت و قرار شد در بهار سال 1980 میلادی اولین جلسه مقدماتی و تدارکاتی آن با حضور نمایندگان و هیئت‌مدیره‌های کلیه واحدها در سراسر جهان در آلمان غربی برگزار گردد که با پیروزی فتنه خمینی و بازگشت بسیاری از اعضای فعال اتحادیه‌ها به ایران، طرح فوق جامه عمل به خود نپوشید. اولین نشست انجمن اسلامی شبه‌قاره هند در 26 دی ماه 1979 میلادی بود. لازم به یاد آوری است که منوچهر متکی که زمانی وزیر امور خارجه جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی بود از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان در هند بود.



تظاهرات ضد شاه توسط دانشجویان مسلمان ایرانی در فیلپین

یاری رساندن مجمع روحانیون مبارز به صدور انقلاب اسلامی

از تشکل های دیگر صدور انقلاب اسلامی و به ناآرامی در آوردن اجتماعات دیگر کشور ها ی جهان میتوان به روحانیون مبارز اشاره داشت.



تاسیس ۱۳۶۷

این مجمع از تشکل های سیاسی - مذهبی در جمهوری اسلامی است که از روحانیون جناح چپ تشکیل و سپس در جناح اصلاح طلبان قرار گرفت. اعضای آن نظیر سید محمد موسوی خوئینی ها در اشغال سفارت آمریکا و علی اکبر محتشمی پور در تشکیل حزب الله نقش محوری داشتند. این تشکل با انشعاب از جامعه روحانیت مبارز و با موافقت روح الله خمینی به وجود آمد. از رهبران آن میتوان به مهدی کروبی و محمد خاتمی اشاره داشت. دبیر کل این نهاد ضد ایرانی با موسوی خوئینی ها میباشد. برخی از اعضای مجمع روحانیون مبارز مرده و زنده عبارتند از: علی اکبر آشتیانی، سید هادی خامنه ای، سید محمد علی ابطحی، سید مهدی امام جمارانی، مجید انصاری، محمد علی انصاری، اسداله بیات زنجانی، سید محمد خاتمی، محمد علی خسروی، سید محمد هاشمی، صادق خلخالی، آخوند محمد علی صدوقی، سید علی اکبر محتشمی پور.

جامعه روحانیت مبارز و نقش آن در صدور انقلاب اسلامی



این نهاد با انگیزه دینی و با شعار نگهداشت دست آوردهای انقلاب اسلامی شکل گرفت. این نهاد دارای جریان های همسوئی نظیر حزب موفقه اسلامی که مسؤل به آتش کشیدن سینما ها و مسبب فاجعه سینما رکس آبادان است به همراه جامعه اسلامی مهندسان ، انصار حزب الله و انجمن های اسلامی اصناف بازار تهران است . نخستین دبیر آن آخوند وژن فضل الله محلاتی بود . زمانی آخوند جنایتکار محمد رضا مهدوی کنی دبیر کل این جامعه بود و اکنون آخوند محمد علی موحدی کرمانی همه کاره این تشکیلات است.

بر پایه اساسنامه جامعه روحانیت مبارز، اهداف این جامعه چنین عنوان شده است :

سازماندهی روحانیت شیعه، رشد و اعتلاء آن

تحکیم مبانی انقلاب اسلامی و دفاع همه جانبه از دستاوردهای آن و تقویت نظام جمهوری اسلامی

حمایت همه جانبه از اندیشه های !!! آخوند روح الله خمینی و اصل ولایت فقیه

گسترش فضایل اخلاقی !!! در جامعه اسلامی

همکاری با کلیه مراکز اسلامی خارج از کشور

ارتباط با روحانیون سایر مذاهب

تعامل مثبت و سازنده !!! با ادیان دیگر

نظارت بر عملکرد مسئولان نظام و نقد دلسوزانه

در سه سال اول اشغال ایران توسط تازی پرستان دستار بند اگر آخوند جنتی به عنوان سرپرست

تبلیغات اسلامی به کشور های مختلف دنیا سفر میکرد ، در حقیقت پیاده کردن توطئه ای بود که دارالسلام را بسط بدهند . او در چین کمونیست ، تایلند و موریتانی و سیرالئون و هندوستان و اکثر کشورهای افریقائی مسلمان اصرار داشت تا آن کشورها طلبه های علوم دینی را به قم بفرستند. عین همین درخواست را آخوند وژن خمینی از شواردنادره وزیر امور خارجه شوروی که از سوی گورباچف پیامی برای خمینی آورده بود تکرار کرد که : روحانیون و طلاب خود را برای کسب حقیقت اسلام !! به حوزه های علمیه ما بفرستید. رهبران کودن کشور های یاد شده آیا از درک این توطئه جهانی جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی عاجز بودند؟ در سه سال اول اشغال ایران دوهزار و یکصد طلبه از کشورهای فرانسه ، آلمان ، آمریکا ، شوروی ، چین ، بلغارستان ، موریتانی ، لبنان ، ترکیه و کشورهای افریقائی در حوزه علمیه قم تحصیل خیانت به مردم خود میکردند.

اصرار جمهوری اسلامی برای جذب طلاب در حقیقت برنامه ریزی دراز مدت برای تربیت کادرهای آینده برای تبلیغات اسلامی در راستای پیاده کردن جهاد اسلامی علیه دیگر باوران بود و پاک کردن دارالحرب از وجود آنها بود.

از سال 1982 میلادی جوامع اروپایی را عرصه تاخت و تاز خود قرار دادند . در پاریس در عید فطر پر رفت و آمد ترین خیابانهای پاریس را بسته تا دایناسور های مسلمان در آنها نماز عید فطر را بخوانند.



خیابان کاونتری لندن با چراغانی ماه رمضان



کالگری کانادا



نماز جماعت در مسکو عید فطر سال 2022 میلادی

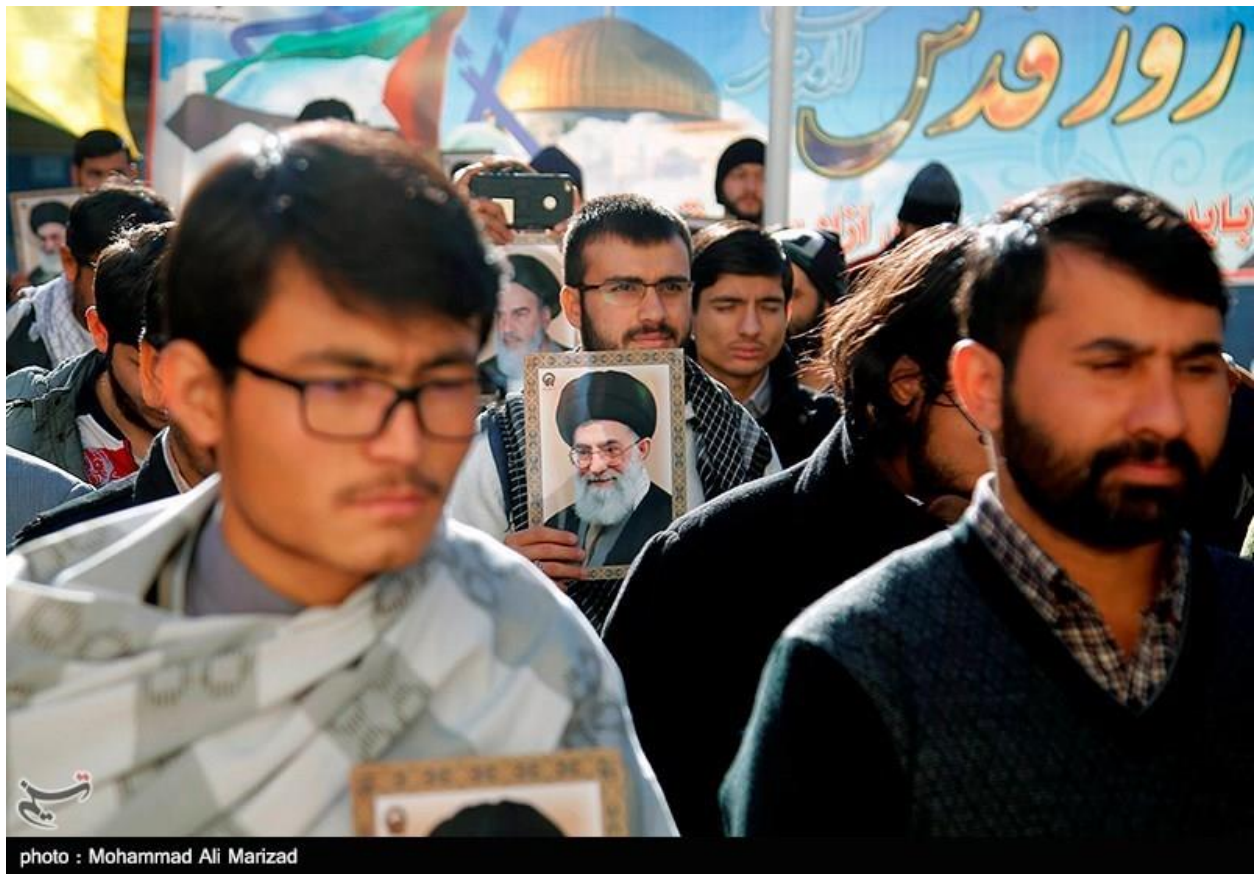


اسپانیا

برای صدور انقلاب اسلامی مبلغان جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی در تمامی کشورهای اروپائی و آمریکا و کانادا با پول هنگفت پخش شدند.

حوزه علیمه قم ، نخستین کانون توطئه جهانی







حوزه علمیه قم به عنوان بزرگترین کانون توطئه و فساد 103 سال پیش توسط انگلیس ها با فرستادن عبدالکریم حائری یزدی به منظور ساختن قطبی توانمند در مقابل عتبات عراق ساخته شد. برای آگاهی بیشتر لطفا به کتاب دیو مقدس ، شرح حال روح الله خمینی از نوشته های من ، نگاهی بیندازید. حوزه علمیه عنوانی جدید برای سازمانها ، نهاد ها و

ومراكز آموزشی نظامند علوم دینی در مذهب شیعه دوازده امامی است .



در حکومت مستضعفان عالم شکوه مراكز اسلامی به واتیکان طعنه میزند.

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم هم مطابق همه ساله ردیفی مستقل در بودجه دارد؛ این نهاد فرهنگی و مذهبی در سال گذشته، ۴۱۴ میلیارد تومان بودجه مصوب داشته است. در بودجه ۱۴۰۳، پیشنهاد شده است که ۷۳۰ میلیارد تومان بودجه برای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم تخصیص یابد؛ یعنی حدودا ۷۶ درصد افزایش بودجه داشته است. البته این رقم، به غیر از بودجه پیشنهادی اختصاصی است که ۱۰۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. به غیر از دفتر تبلیغات حوزه

شورای عالی حوزه‌های علمیه از دیگر نهادهای مذهبی دریافت‌کننده بودجه است؛ سال گذشته ۴ هزار ۷۷۶ میلیارد تومان بودجه مصوب داشته است؛ این بودجه در سال ۱۴۰۳ بناست به ۵ هزار و ۴۶۲ میلیارد تومان افزایش یابد؛ حدود ۱۴/۳ درصد افزایش بودجه. البته برای امسال، پیشنهاد شده این نهاد مذهبی یک‌هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بودجه اختصاصی داشته باشد. **مرکز خدمات حوزه‌های علمیه** هم در ردیف بودجه مستقلش، برای سال ۱۴۰۲، رقمی معادل ۶ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان دیده می‌شود که این رقم قرار است برای ۱۴۰۳، به ۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برسد؛ حدوداً ۱۷ درصد افزایش. برای چاپیدن ملت اسلام زده ما تا توانستند نهاد و ارگان در دل این مدرسه جهل و توطئه بنا کرده اند.

بنا به گزارش سایت فردای اقتصاد پیشنهاد دولت از بودجه 1402 برای حوزه علمیه قم بیش از 6400 میلیارد تومان است. این در حالی است که بودجه سال پیش این فسادکده 2800 میلیارد تومان بوده است، یعنی 128 درصد افزایش برای اشاعه جهل. با این ارقام به راحتی میتوان حقوق عقب مانده بیش از یک صد هزار کارگر را پرداخت. با نظری بر بودجه آموزش و پرورش در جمهوری جها اسلامی مشاهده می کنید که هرساله از میزان بودجه آموزش و پرورش کاسته شده و در عوض برای آموزش طلبه هاافزوده شده است تا جائیکه به آنها کمک های مالی در امر ازدواج و حتی خانه خریدن هم میدهند.

در زمان شاه فقید آموزش در تمام مقاطع مجانی بود. در جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی شش میلیون کودک بخاطر فقر از تحصیل محرومند و در کلیه مدارس دولتی از کودکان برای ثبت نام شهریه دریافت میشود تا صرف شکمبارہ های طلبه خارجی شود.

آخوند سید هاشم حسینی بوشهری مدیر حوزه های علمیه کشور در آمل با اشاره به توسعه حوزه‌های علمیه در خارج از کشور بیان داشت: مسئولیت حوزه‌های خارج از کشور تحت نظر مستقیم خامنه ای در جامعه‌المصطفی است که اقدامات مناسب و مطلوبی در این زمینه انجام شده است

وی با اعلام اینکه از کشورهای مختلف در حوزه‌های علمیه ایران طلبه داریم، افزود: از **120 کشور دنیا** طلبه در قم داریم و کمی کمتر از آن هم ایران در کشورهای مختلف. **مدرسه علمیه دایر کرده است.**

هم اکنون 120 هزار طلبه در 450 مدرسه در سراسر کشور مشغول به تحصیل هستند و تعداد این مدارس متناسب با امکانات مدارس علمیه کشور توسعه می‌یابد.



این ارقام هنگفت و نجومی که در راستای توطئه برای اسلامیزه کردن جهان در این چهل و شش سال گذشته صرف شد، چه سودی برای ایران و ایرانی داشته است جز نابودی فرهنگ گهر بار ایران، نا امن کردن جهان، بسط اغتشاش و شورش در کشورهایی که تعدادی مسلمان در آن زندگی می‌کنند، بسط و اشاعه خرافات و مهملات مذهبی که یک خروار آن یک ریال هم ارزش ندارد، نابودی تمامی فروزه های نیکی که زمانی ایرانی به آنها می‌بالید، و سدها مورد منفی دیگر.

در حال حاضر سرپرستی حوزه علیمه قم با آخوند علیرضا اعرافی است. او در دیدار با رئیس مرکز ملی آمار در قم گفت: تمام زندگی و آینده و برنامه های ما به آمار و تحلیل و برنامه ریزی صحیح مبتنی است؛ حوزه علمیه نیز در زمینه فهم و تحلیل و بهره برداری و

گفتمان سازی در این عرصه نقش مهمی دارد

مدیر حوزه های علمیه تصریح کرد: قم، شهری اثرگذار در عرصه فرهنگی و جبهه مقاومت و دنیا است؛ به همین جهت، گزارش جامعی در زمینه قم در دایره آمار و ارقام باید تهیه شود؛ زیرا جایگاه قم در سطح جهان بسیار ویژه است.

آخوند اعرافی عنوان کرد: قم دارای یک بخش دانشگاهی با 70 هزار دانشجو و مراکز مختلف علمی است؛ در بعد حوزوی نیز قم دارای 100 هزار طلبه است که این تعداد دارای ویژگی های خاصی هستند؛ این 100 هزار نفر نمونه ای از تمام ایران هستند !!! و از هیچ شهر و روستایی نیست که در قم دارای طلبه نباشند؛ **همچنین نمایندگان طلبه 100 کشور جهان نیز در قم تحصیل می کنند**

وی با اشاره به افراد شاخصی که در حوزه بین المللی در قم تحصیل کرده اند، گفت: اکثر جمعیت طلاب در قم، محصل هستند و 10 هزار نفر نیز تعداد مدرسین و تولید کنندگان علمی حوزوی است.

وی افزود: 150 تا 200 هزار فارغ التحصیل حوزوی نیز وجود دارد که در کشور و سطح جهان مشغول به فعالیت هستند؛ شهر قم علاوه بر آنچه پذیرایی می کند، مرکزیتی نیز نسبت به 2000 مجموعه در ایران است، یعنی دارای شعبی است که در قم فرماندهی می شود. مدیر حوزه های علمیه کشور تصریح کرد: قم در درون خود یک جامعه 100 هزار نفری دارد و 200 هزار نفری که مرتبط با قم بوده اند و همچنین فرماندهی خاصی نیز در بیرون یعنی نسبت به قم و سطح کشور و جهان دارد

آخوند اعرافی عنوان کرد: **بین 200 تا 300 موسسه و مرکز و مدرسه علمی و آموزشی و پژوهشی در قم فعال است**؛ بیش از 200 گرایش و مقطع در قلمروی علوم انسانی اسلامی با نگاه جدید در حوزه علمیه فعالیت دارند که چکیده فعالیت های حوزوی در 40 سال اخیر نیز گردآوری شده است

وی گفت: آمار قم برای مرکز ملی آمار، بسیار مهم است؛ زیرا یک مجموعه آماری ملی و بین المللی است و به شکل کامل روی کلیت نظام نیز تاثیرگذار است

عضو شورای عالی حوزه های علمیه افزود: نکته دیگر آن است که در رویکرد جدید مدیریت حوزه، تاکید خاصی روی افق های بلند مدت و نگاه آماری، ارقامی و حرکت برای پاسخگویی به نیازهایی که در جامعه وجود دارد داریم؛ در این رابطه دارای یک طرح آزمایشی هستیم؛ در این طرح، نیازهای علمی، فرهنگی در حوزه، رسالت های حوزه نسبت به امور مختلف در کشور و جهان تا ده سال آینده !!!! مشخص می شود. (خواب شومی که در صورت ماندگاری برای مردم ایران و جهان دیده اند)

مدیر حوزه های علمیه کشور تصریح کرد: حوزه، زمانی به فلسفه اصلی خود باز می گردد که به حوزه اجتماعی ورودی جدی داشته باشد و به همین دلیل هم به آمارهای خود نیاز داریم و هم به آمارهای مختلف اجتماعی و فرهنگی و جمعیتی؛ به همین دلیل ارتباط حوزه و مرکز ملی آمار تثبیت شده است.

آخوند اعرافی عنوان کرد: حوزه می تواند در ترویج فهم آماری نقش آفرین باشد؛ جامعه نیز باید در زمینه آمار و ارایه اطلاعات و فهم آمار عملکرد بهتری داشته باشد و حوزه می تواند در ترویج این گفتمان نقش آفرین باشد

وی گفت: حوزه و آمار، دو مقوله در هم تنیده هستند که می توانند خدمات ارزشمندی به یکدیگر ارایه دهند و ثمره این تعامل به کلیت کشور واصل خواهد شد؛ صحت و انتقان آمار و فهم آمار در سطح جامعه نیز بسیار مهم است؛ پیشرفت فناوری آماری نیز بسیار با اهمیت است.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم افزود: باید بدانیم که در مدار یک تمدن غربی حرکت می کنیم که دارای دستاوردها و آسیب هایی است؛ در رویکرد انقلاب اسلامی و در عرصه بیانیه گام دوم و رویکرد تمدنی که در سند الگوی اسلامی تشریح می شود، رویکردهای جدیدی داریم که این رویکردها نیازمند شاخص است که به مبنای آماری مبدل می شود. مدیر حوزه های علمیه تصریح کرد: می توانیم در آینده نظام شامل بر گفتمان اسلامی خود داشته باشیم و در این میسر می توانیم با مرکز ملی آمار تعامل داشته باشیم؛ فعال تر شدن کارگروه مشترک حوزه و مرکز آمار می تواند آثار مهمی در این حوزه داشته باشد. در خلال گفتگوی سرپرست حوزه علیمه قم با رئیس مرکز آمار نکات تکان دهنده بسیاری وجود دارد که باید به آگاهی سران کشورهای مختلف که باوری به غیر از اسلام دارند برسد . 450 مدرسه مذهبی در ایران اسلام زده خطری است بسیار جدی و کابوسی ترسناک که تنها با خیزش عمومی مردم و سرنگونی جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی برطرف میشود.

صدور انقلاب اسلامی از راه فروش نفت ارزان و یا مفت

به سیرالئون هر ساله 350 هزار تن نفت ارزان توسط جمهوری اسلامی فروخته شد تا مقامات سیرالئون چشم خود را بر فعالیت های تبلیغی مرکز اسلامی جمهوری اسلامی در این کشور ببندند.

آخوند ها در دانشگاه فری تاون توانستند دکتر محمد بنگو استاد دانشگاه را که دلباخته انقلاب اسلامی ایران شده بود با خود همراه کنند . این فرد چندین بار به تهران سفر کرده و دستورات جمهوری اسلامی را جهت اجرا به سیرالئون برده است.

در افریقای غربی: آخوند مهدی توره ، در سنگال و آخوند زید عبدالمنعم و در داکار از دست نشاندگان جمهوری اسلامی در گسترش اسلام بودند.

در گامبیا : داود اسماعیل هر سال به مناسبت دهه فجر ، میهمان جمهوری اسلامی بود . او اتحادیه دانشجویان مسلمان در گامبیا را رهبری میکرد . از اقدامات این اتحادیه ، بستن کافه رستوران های گامبیا به هنگام رمضان بود.

در موریتانی ، نیجریه و مالی مراکز تبلیغات اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی بسیار نیرومند بود . دستار بندان اشغالگر تهران مقامات این کشور ها را با فروش نفت ارزان و یا خرید اورانیوم از غناء و اهدای کمک های دیگر به کشور مالی واداشتند که چشمان خود را بر روی توطئه جهانی صدور انقلاب اسلامی ببندند.

در کشور چاد ، جنبش اسلامی انقلابی به رهبری موسی بنیاء بطور کامل تحت فرمان جمهوری اسلامی بود.

در افریقای مرکزی و در کشور های زئیر و بوروندی گروه انقلابی اسلامی به رهبری اسماعیل عثمان و امامان جماعت که از میهمانان دهه فجر بودند در اجرای فرمانهای دستار بندان تهران عمل میکردند. جمهوری اسلامی در این دو کشور کلی مدارس مذهبی راه اندازی نمود.

در کنیا و نایروبی ، آخوند خالد الاسلام تلاش چشم گیری در سازماندهی مسلمانان بکار برد. از اقدامات آنها به آتش کشیدن سینما ها و مشروب فروشی ها بود. در تانزانیا ، به خاطر حضور یک اقلیت نیرومند شیعه دست جمهوری اسلامی در صدور انقلاب نکبت

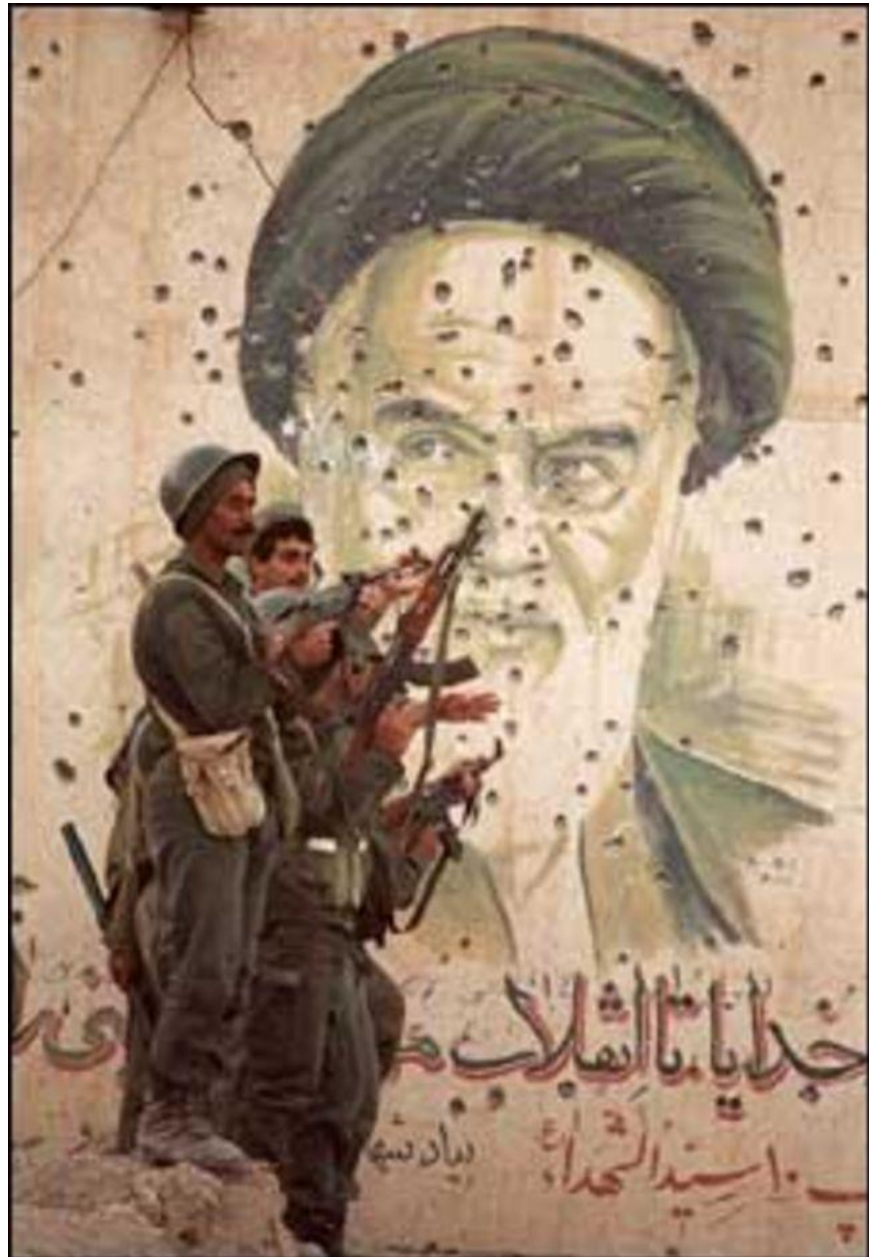
بار اسلامی باز بود . فرزندان این اقلیت به عنوان طلبه راهی قم شده و در آنجا درس خیانت به کشورشان را می آموختند.

در جزایر کومور مبلغان ایرانی از جبهه رهایی بخش اسلامی به رهبری آخوند علی حجاب و آخوند سعید عبدالله حمایت می کردند. این دو آخوند با تحریک جمهوری اسلامی موجب اغتشاش و شورش در کومور شدند و زمانی که جانشان را در خطر دیدند به فرانسه گریختند. جمهوری اسلامی موفق به حفظ جبهه رهایی بخش اسلامی کومور شد.

در افریقای جنوبی ، دست سران جمهوری اسلامی بیش از سایر کشورهای افریقائی باز بود. حضور سه میلیون مسلمان در این کشور ، مبلغان و دستار بندان تروریست تهران را بدانجا کشاند. یکی از رهبران اسلامی افریقای جنوبی عبدالله حسین دیدات است که تشکیلات بین المللی جوانان مسلمان را اداره می کند. این آخوند زشت کردار پلید با اخوان المسلمین همکاری نزدیک داشته است . جمهوری اسلامی موفق شده بود که پاکستانی و هندی های ساکن افریقای جنوبی را با خود همراه سازد . همراه سازی مسلمانان خرد گم کرده براحتی آب خوردن مسیر بود . با پرداخت پول تمام قضایا حل بود. در افریقای جنوبی دستار بندان اشغالگر ایران هفده در صد از سرمایه اصلی بزرگترین تصفیه خانه نفت آن کشور (ساسولبروگ) را خریداری کرده بودند.

در افریقا عرب زبان ، تونس ، مراکش ، مصر و الجزایر هدف های همیشگی صدور انقلاب اسلامی بود. در الجزایر گروه تروریستی مصطفی بو یالی و طرفداران شیخ عبداللطیف سالیانی و در تونس جنبش اسلام گرا دکتر اشف الغنوشی و گروه های افراطی اسلامی دیگر با دیپلماتهای جمهوری اسلامی ارتباط نزدیک داشتند. رهبران این گروه ها بکرات به تهران سفر کرده و چریکهای مسلمان این کشور ها برای آموزش های نظامی به ایران می آمدند تا تحت نظر سپاه پاسداران آموزش های چریکی – ترور و خرابکاری ببینند. در تونس به علت حضور شیعیان فاطمیون کار صدور انقلاب نکبت بار اسلامی آسانتر بود.

صدور انقلاب اسلامی منجر به جنگ بین ایران و عراق شد



مهمترین محرک عراق برای حمله به ایران ریشه در اختلافات مرزی دو کشور داشت که روح الله خمینی با ندانم کاری این بهانه را به صدام حسین داد. بعد از پیروزی فتنه خمینی در ایران و اوج احساسات انقلابیان پرشور برای صدور انقلاب نکبت بار اسلامی به یک کشور مسلمان دیگر مثل عراق که در حقیقت دخالت در اوضاع داخلی آن کشور بود ، درگیری های مرزی به تدریج گسترده و شدید شد. مبادله آتش توپخانه بخصوص در منطقه قصر شیرین، آزمون کوچکی بود برای ارزیابی محدوده اراده طرفین جهت گذر به مرحله

بعدی و تشدید درگیری ها. برخوردها در دیگر مناطق مرزی نیز صورت گرفت. لغو یک جانبه پیمان ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام حسین و اعلام بازگشت شط العرب (اروند رود) به حاکمیت عراق، درگیری های پراکنده مرزی را به جنگی تمام عیار تبدیل کرد.



آبراه اروند رود یا همان شط العرب حدود 200 کیلومتر طول دارد. عرض آن از 232 متر در منطقه بصره تا 800 متر در دهانه جنوبی رودخانه متغیر است. شط العرب از به هم پیوستن رودخانه های دجله و فرات بوجود آمده و به خلیج فارس سرازیر می شود. اهمیت اروند رود برای عراق استراتژیک و حیاتی و تنها راه دستیابی این کشور به آب های آزاد است.

در اهمیت اروند رود همان بس که طی سده های گذشته، منطقه بین النهرین همواره مورد توجه دو قدرت برتر منطقه یعنی امپراطوری های ایران و عثمانی بوده است.

این منطقه در سال ۱۵۰۸ میلادی به تصرف شاه اسماعیل صفوی در آمد. شش سال بعد سلطان سلیم اول، بر منطقه استیلا یافت. در سال ۱۵۲۹ مجدداً به تصرف ایران در آمد و در سال ۱۵۴۳ توسط عثمانی ها اشغال شد.

ضعف هر قدرت به پیروزی دیگری می انجامید و منطقه بین النهرین دست بدست می شد. معاهده ۱۶۳۹ به صلحی پایدار بین ایرانی ها و عثمانی ها نینجامید و به جنگ ۱۷۳۰ ختم شد. پیمان ۱۷۶۴ بر مبنای معاهده ۱۶۳۹ جهت ایجاد مرز مشترک بسته شد.

جنگ ۱۸۲۱ بین عثمانی ها و ایرانی ها به اولین معاهده ارزروم به سال ۱۸۲۳ انجامید. ناتوانی قدرت های مسلمان در شکست قطعی یکدیگر و یا ابعاد صلحی پایدار، زمینه ساز ورود قدرت های غربی، بخصوص انگلیس و روسیه در منطقه شد و امضای پیمان ارزروم دوم به سال ۱۸۴۷. این پیمان تحمیلی، تامین کننده منافع قدرت های استعماری انگلیس و روسیه بود که به تدریج وارد مسابقه ای برای ایجاد نفوذ خود جهت کسب امتیاز از ایران بودند.

لرد کروزن انگلیسی معمار سیاست خاورمیانه ای امپراطور بریتانیا در آن زمان، به ایران به عنوان یکی از کلیدی ترین مهره های شطرنج در نبرد قدرت های جهانی نگاه می کرد. اکتشاف نفت در مسجد سلیمان و امتیاز اهدا شده به ویلیام ناکس داریسی برای استخراج آن، نیاز به اروند رود را به عنوان راه آبی جهت جابجایی ماشین آلات سنگین مورد توجه خاص قرار داد.

انگلستان کوشش کرد پهنه آبی مرز ایران را برای سهولت در دسترسی به منابع نفتی ایران و بهره برداری بهینه از امتیاز نفت جنوب هر چه بیشتر گسترش دهد.

شکست و فروپاشی امپراطوری عثمانی، آخرین بازمانده قدرت گسترده اسلامی سرزمین های عرب خاورمیانه را به زیر سلطه انگلیسی ها و فرانسوی ها برد.

ایجاد کشور عراق به عنوان مجموعه سیاسی _ ارضی نیمه مستقل در سال ۱۹۲۱ روابط ایران با همسایه غربی اش را وارد مرحله تازه ای کرد. سفر فیصل اول شاه عراق به ایران در سال ۱۹۳۲ با درخواست دولت ایران برای بازبینی مرز آبی در شط العرب طبق اصل تالوگ، یعنی نقطه میانی کانال اصلی باریک و عمیق ناوبری روبرو شد که او آنرا رد کرد. از آن زمان تنش بین دو کشور رو به افزایش گذاشت و به اتهامات طرفین مبنی بر تجاوز به مرز خود منجر شد. سرانجام دولت عراق به جامعه ملل در سال ۱۹۳۴ شکایت برد.

بعد از آنکه جامعه ملل نتوانست به مسئله رسیدگی کند دو کشور به مذاکرات مستقیم روی آوردند. کودتای ۲۹ اکتبر ۱۹۳۶ دولت جدیدی را در بغداد به قدرت رساند که پذیرفت مرز دو کشور تنها در ۶ کیلومتری آبادان و در نزدیکی پالایشگاه نفت، بر اساس خط تالوگ ترسیم شود. توافق نامه در معاهده مرزی سال ۱۹۳۷ دو کشور جای گرفت.

جنگ جهانی دوم پایانی بود بر سلطه انگلستان و فرانسه به عنوان قدرت های استعماری کلاسیک جهان و آمریکا و شوروی به عنوان قدرت های پیروزی جنگ جهانی دوم به ایجاد جنگ سرد و سیاست توسعه طلبانه در جهان روی آوردند.

کودتاهای متعدد در عراق به بی ثباتی در منطقه دامن زد و به عمیق تر شدن طغیان کردها علیه دولت های بغداد انجامید. در آوریل ۱۹۶۹ دولت ایران قرارداد ۱۹۳۷ را ملغی اعلام کرد و تنها خط مرکزی را به عنوان مرز دو کشور طبق اصل قوانین بین المللی پذیرفت. دولت بعثی عراق ایران را به توطئه کودتا علیه خود متهم کرد و در نهایت نیروهای نظامی دو کشور در مقابل هم به صف آرایی برخاستند.

در این زمان قدرت نظامی برتر ایران، عراق را از هرگونه عملیات نظامی برحذر می داشت. در نهایت بغداد به قرار داد ۱۹۷۵ الجزیره علیرغم میل باطنی اش تن داد. پاره کردن همین قرارداد توسط صدام حسین که خودش یکی از امضا کنندگانش بود به جنگی انجامید که غیر از ویرانی و کشتار نتیجه ای در بر نداشت و مرزها نیز در همانجایی ماندند که بودند.

صدام حسین که همواره در صدد بازبینی معاهده الجزایر بوده، وضعیت ایران انقلابی را آنچنان که دوست داشت ارزیابی می کرد. کشوری متشنج با ارتشی بدون روحیه، پراکنده و بی انگیزه.

اشتباه محاسباتی عراقی ها در وهله اول این بود که تصفیه های بی شمار فرماندهان کار آزموده و مجرب ارتش ایران و هرج و مرج دوران انقلاب را از جمله دلایلی می دیدند که در صورت حمله ارتش عراق به شکست سریع ایران منجر می شود.

در مقابل دشواری های رژیم هنوز کاملاً مستقر نشده در تهران، ارتش بغداد دارای روحیه ای بالا، ۱۲ لشکر آماده مجهز به ۴۵۰ هواپیما و ۲۳۰۰ تانک بود.

از دید بغداد، بحران گروگانگیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران که عواقب وخیم سیاسی و تحریم های تسلیحاتی شدیدی را دنبال داشت، ایران را منزوی و شکننده در برابر حمله ای همه جانبه کرده بود.

رهبران عراق از تاریخ درس نگرفته بودند که نباید به کشوری انقلابی حمله کرد، زیرا انقلاب نتیجه حضور گسترده مردم در صحنه سیاسی است و با کودتا تفاوت ماهوی دارد.

گرچه برتری توان نظامی عراق بر نیروهای ایرانی در ابتدا پیروزی هایی را نصیب عراق کرد اما این موفقیت ها کوتاه مدت بود و به سرعت به جنگی فرساینده تبدیل شد.

پیروزی فرضی به کابوسی برای دولت عراق تبدیل شد که امکانات دو کشور را در تمام زمینه ها برای دهه ها به نابودی کشاند. کمبود استراتژیست های نظامی در ایران را امواج انسانی پاک کننده میادین مین که با فرستادن کودکان دبستان و دبیرستانی توسط دستار بندان اشغالگر صورت میگرفت، از جان گذشتگی و دفاع از میهن، به همراهی عشق و دفاع از اسلام و وجود رهبری کاریزماتیک تا حدودی جبران کرد.

انزوای ایران و همبستگی کشور های عربی

ایران انقلابی، گرچه به دروغ و فریب نزد ملت ها از محبوبیت بالایی به دلیل پیام رهایی بخش و ضد امپریالیستی اش !!!، برخوردار شد ولی از جانب کشورهای غربی (به دلیل گروگانگیری) و عربی (نگران از اندیشه صدور انقلاب) مورد بی مهری قرار گرفت. اقبال عراق بیشتر به بد اقبالی ایران بر می گشت. غربی ها و شوروی از تجهیز عراق به تسهیلات پیشرفته دریغ نمی کردند و دولت های نفتی عربی از پر کردن خزانه بغداد خودداری نمی کردند.

انزوای ایران اوضاع را آن چنان آشفته ساخته بود که شورای امنیت سازمان ملل به عنوان حافظ صلح و امنیت جهانی، نگرانی چندانی از حمله عراق به ایران از خود نشان نداد.

رفتار ایران در قبال شورای امنیت بیشتر بر عدم همکاری استوار بود. مقایسه حمله عراق به ایران و به کویت در بعد عکس العمل جهانی بسیار گویا است و نشانگر این واقعیت که برداشت مجامع جهانی از خطر تا حد زیادی بستگی به جایگاه دولت ها در طبقه بندی جهانی دارد.

در تمامی دوران جنگ هشت ساله، دولتمردان کشورهای عربی از متحدان نزدیک صدام بودند

کشورهای عربی کمک های مالی بسیار مهمی به دولت عراق کردند با این امید که نیروهای ایرانی در همان مرزهای غربی خود زمین گیر شده و نتوانند تهدید کننده دیگر کشورهای عربی باشند. سرمایه گذاری آنها آنگاه به بار نشست که هشت سال جنگ به پیروزی ایران نینجامید.

انگیزه دیگر صدام از حمله به ایران پر کردن خلا رهبری در جهان عرب بود که از زمان درگذشت جمال عبدالناصر، بدون جانشین مانده بود.



ناصر توانسته بود با تکیه بر شعارهای پان عربیستی، ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی در ابعادی کوچک قد علم کند و خود را به عنوان ناجی عرب ها معرفی کند.

شکست سنگین ۱۹۶۷ اعراب به دست اسرائیلی ها، ناصر را ناامید کرد. گرچه او همچنان از محبوبیت برخوردار بود ولی دیگر آن پرچمدار احیای بزرگی از دست رفته عربی نبود.

در بین رهبران عرب دو تن خود را برای تکیه بر صندلی خالی مانده "رئیس" شایسته می دیدند؛ یکی معمر قذافی رهبر لیبی و دیگری صدام حسین رهبر عراق بود.

هر دو تن با کودتای ارتش به قدرت رسیده بودند و خود را شایسته آن می دیدند که سرنوشت اعراب را در دست بگیرند. قذافی به دلیل شخصیت غلیانی اش مورد عنایت چندانی قرار نگرفت. چرا که علاوه بر حرکات غیر قابل پیش بینی، تنها دارایی اش پول نفتی بود که با بخشی از آن به نهضت های انقلابی دیگر کشورها کمک می کرد.

صدام حسین اما در شخصیت خود صلاح الدین ایوبی می دید که احیاگر غرور از دست رفته عرب ها است. کشورهای کوچک عرب گرچه خطر ایران را فوری می دیدند ولی از تهدید احتمالی عراق هم بیمناک بودند.

از این همه گذشته، زمانه عوض شده بود. آمریکا تکیه گاه کشورهای ضعیف عرب شده بود و دیگر تهدیدی برای آنها نبود. اگر صدام حسین محاسنی در کنار معایب بی شمارش داشت، با شعار ایرانی ستیزی و عقب راندن عجم ها، شاید بخت بهتری برای جانشینی ناصر داشت.

بی رحم و قصی القلبی از جمله خصوصیت هایی بودند که از او داوطلب غیر قابل قبولی ساخته بودند. البته نه مصر حاضر به پیروی از عراق بود و نه عربستان سعودی رهرو آن می شد و نه سوریه با چنین نیتی کنار می آمد.

حاصل کار ناموفق ماندن صدام حسین بود با جنگی ویرانگر که در دل خود، نطفه جنگ دیگری با رقیبی به غایت تواناتر را می پروراند.

ناکامی عراق در تهییج عرب های ایرانی ساکن خوزستان که صدام حسین و همکاران اش "عربستان" می نامیدند به نیت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و بازپس گیری تمامی اروند رود، نزد ایرانیان نیز به گونه ای دیگر تجربه شد.

در طول جنگ، رهبران ایران بارها از "برادران شیعه عراقی" خواستند تا بر علیه دیکتاتور عراق شورش کنند و خود را از بند او برهانند.

هر دو کشور شناخت درستی از جامعه شیعه و سنی کشور دیگر نداشتند و به ویژه عامل ملیت و تعلق به میهن را نزد آنان نادیده گرفته، بیشتر به مذهب و قومیت تاکید داشتند.

هر دو ملت نه در فکر احیای رویای نژاد پرستانه بودند و نه به همبستگی مذهبی با دیگری باور عمیقی داشتند. آنها نیز که به ندهای بغداد و تهران پاسخ مثبت دادند، کشته و تبعید شدند.

حوادث خوزستان را همه می دانند، همچنانکه اعدام سید محمد صدر و خواهرش بنت الهدی و اخراج صدها شیعه عراقی به ایران در دوران پیش از جنگ از یادها نرفته است.

جنگی که در چنین شرایطی شروع شد، آنقدر به درازا کشید که رمق طرفین را گرفت.



صدام حسین در اندیشه ادامه حیات سیاسی خود و حزب بعثش بود. جمهوری اسلامی هم پس از انهدام سکوی های نفتی به خصوص سرنگون شدن هواپیمای مسافربری، موجودیت خود را در خطر می دید. خزانه ایران خالی و تامین نیروی انسانی جبهه ها با مشکل رو به رو شده بود.

این جنگ نه پیروزی محسوسی برای عراق در پی داشت و نه رهایی بخش قدس و کربلا برای ایران بود.

هشت سال جنگ، باعث فرونشاندن عطش بعثیان عراقی نشد و ماجراجویی تازه آن ها در خلیج فارس به سقوط و مرگ صدام حسین منتهی شد.

در ایران هم این جنگ، زخم هایی را بر تن و جان ملتی نهاد که در پی مدینه فاضله جمهوری اسلامی می کوشیدند به بازتعریف خود و نظامی سیاسی که بتواند برآورنده آرزوهای برآورده نشده آن ها در طول تاریخ باشد، بپردازد.

جنگ با هوس های آخوند خمینی و صدام حسین شروع شد و ادامه یافت و بدون نتیجه ای محسوس و مثبت برای ملت های دو طرف پایان گرفت.



سی و یکم شهریور 2688 مادی برابر با 22 سپتامبر 1980 میلادی آغاز تجاوز ارتش بعث عراق در دوران رژیم صدام حسین به ایران و آغاز جنگ هشت ساله بین ایران و عراق بود.

ایران در یک سال و نیم از آغاز جنگ، درگیر و مشغول ایجاد بسترهای قانونی برای تشکیل نظام جمهوری اسلامی پس از فروپاشی رژیم شاهنشاهی بود. در نتیجه دچار اختلاف نظرها و چالش‌های سیاسی بسیاری بود. از سوی دیگر دچار فعالیت گروه‌هایی مثل فرقان و درگیری‌های مسلحانه گروه‌هایی همچون حزب دموکرات کردستان ایران و حزب خلق عرب وابسته به عراق در برخی از استان‌های مرزی بود.

روابط خارجی ایران بخاطر صدور انقلاب نکبت بار اسلامی اساساً متحول و بسیاری از کشورهای دوست ایران تبدیل به دولت‌های متخاصم یا دولت‌های غیردوست شده بودند. چالش‌های شدیدی بین افراد و گروه‌های رقیب در صدر حاکمیت وجود داشت که عملاً موجب شد آنان به تهدیدهای مرزهای غربی کشور نگاه جدی نداشته باشد. از نظر ساختاری ایران قبل از آغاز جنگ فاقد نهادهایی مانند شورای عالی امنیت ملی بود که بتواند به طور

منظم مسائل مربوط به تهدیدهای نظامی و امنیتی علیه کشور را بررسی و ارزیابی کند و بحران‌های امنیتی و دفاعی را مدیریت نماید

البته قانون اساسی جدید ایران نهادی با عنوان شورای عالی دفاع را پیش بینی کرده بود که قبل از شروع جنگ هنوز تشکیل نشده بود. برای مسئولان کشور هم آن قدر مسائل ساختاری و موضوعات داخلی وجود داشت که کمتر به تهدید خارجی، آن هم از نوع جنگ فکر می‌کردند. از سوی دیگر، معرفت لازم و ادراک کلی از تحولات محیطی و نیت حزب بعث عراق در بین دستگاه‌های سیاسی و نظامی و امنیتی کشور وجود نداشت که بر مبنای آن احتمال وقوع جنگ را پیش بینی کنند؛ بنابراین، درک صحیحی از تهدیدهای جدی عراق که ممکن بود به بروز جنگ بینجامد، در ستاد مشترک ارتش و شورای عالی دفاع به وجود نیامده بود تا اقدامات بازدارنده لازم برای ابعاد سیاسی، حقوقی، نظامی و بین‌المللی انجام گیرد. بر همین اساس برآورد دقیقی از تهدید عراق وجود نداشت. همچنین یک طرح مؤثر نظامی در سطح ستاد ارتش برای مقابله با تهاجم ارتش عراق آماده نشده بود

باید توجه داشت به دلیل جو حاکم و شرایط محیطی آن دوران، به اطلاعات و اخبار دریافتی از تحرکات عراق اعتنای زیادی نمی‌شد و انتظار تهیه یک طرح و انتظار تهیه یک طرح مؤثر در آن شرایط خیلی با واقعیات سازگار نبود. گفته می‌شود چهار ماه پیش از آغاز جنگ، ستاد مشترک ارتش طرحی را برای مقابله با تهاجم احتمالی عراق تهیه و ابلاغ کرده بود. بر آن اساس، نیروی زمینی ایران در طرح آفندی ابومسلم که از سابق وجود داشت و اهداف آن بصره و بغداد و کرکوک بود، تجدیدنظر کرد و طرح پدافندی ابوذر را تهیه نمود. در آغاز جنگ به علت تغییر عمده در اوضاع منطقه و دگرگونی در ساختار و گسترش واحدهای منظور شده در طرح ابوذر، این طرح دیگر قابل اجرا نبود. در ضمن هیچگونه همکاری بین ارتش و سپاه پاسداران و نیروهای بسیج وجود نداشت.

نیروی هوایی ایران نیز طرحی را به نام «شبح 3» آماده کرده بود، ولی این نیرو نیز عملاً نتوانست این طرح را اجرا کند. البته لشکرهای 81 و 92 زرهی طرح پدافندی ابوذر را در 20 شهریور 2688 مادی برابر با 1980 میلادی با اعزام گروه‌های رزمی از دیگر یگان‌ها و تیپ‌های مستقل مورد مطالعه قرار دادند. با اینکه پیش از آغاز جنگ، قرائن و شواهد بسیاری مبنی آمادگی ارتش عراق برای یک تهاجم گسترده به ایران وجود داشت، ولی یگان‌ها و ارتش کاملاً در مرزهای غربی کشور مستقر نبودند. بعد از آغاز جنگ نیز مدتی زمان برد تا این یگان‌ها کاملاً به مناطق جنگی اعزام شوند. بنابراین وضعیت آمادگی دفاعی و نظامی در کشور وجود نداشت. دولت هم در آن هنگام در حال سازماندهی،

بازسازی و ایجاد نیروهای مسلح متناسب با شرایط پس از پیروزی فتنه خمینی بود. پس می‌توان گفت که عامل بازدارندگی بین ایران و عراق از بین رفته بود.

در آغاز جنگ، هرچند ایران درآمد نفتی مناسب داشت، تولید نفت ایران نسبت به دو سال قبل از آن کاهش یافته بود و اوضاع اقتصادی کشور نسبت به دوران رژیم گذشته بسیار محدودتر شده بود. در چنین شرایطی ایران دچار چالش‌های سیاسی بسیاری با کشورهای جهان بود؛ از جمله با آمریکا، برخی کشورهای اروپایی، شوروی و بعضی از کشورهای عربی. پس ایران در آغاز جنگ، از نظر نظامی در وضعیتی نابسامان، از نظر سیاسی متشتت و دچار چنددستگی و اختلافات داخلی، از نظر اقتصادی در حال آشفتگی و از نظر بین‌المللی در شرایط نسبتاً منزوی به سر می‌برد. اما حکومت عراق در آستانه جنگ دارای ثبات سیاسی بود، ساختاری یکپارچه داشت و قدرت متمرکز استبدادی و دیکتاتوری و حاکمیت امنیتی و پلیسی را بر کشورش حاکم کرده بود و از تهدیدهای خارجی هم نگران نبود. این کشور یک پیمان دوستی و همکاری سیاسی، نظامی و اقتصادی با اتحاد جماهیر شوروی در سال 1972 است و با کشورهای بلوک شرق نیز مناسبات خوبی برقرار کرده بود.

در همین حال عراق در حال تلاش برای کاستن از اتکاء به شوروی و شروع روابط حسنه با فرانسه بود. همچنین در حال نزدیک شدن به آمریکا و برخی کشورهای اروپایی و فاصله گرفتن از سوریه به دلیل رقابت‌های حزبی بود. حزب بعث تفکرات ضدشیعی و ضدایرانی داشت و ایران و انقلاب اسلامی را تهدید برای خود به شمار می‌آورد. این حزب در جهان عرب احساس برتری می‌کرد و می‌کوشید قدرت و نفوذ عراق را در بین اعراب توسعه دهد. عراق خود را برای جنگ با ایران آماده می‌کرد و برای این منظور رئیس‌جمهور عراق تصفیه درونی را در حزب بعث آغاز کرد. او مخالفان خود را به شدت سرکوب کرد تا پس از آغاز جنگ هیچ‌گونه نگرانی داخلی نداشته باشد. با قدرت گرفتن صدام در حزب بعث، زمینه برای تشدید واگرایی و اختلاف با ایران بیشتر فراهم آمد و نهایتاً خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی صدام حسین، عراق را به جنگ با ایران کشانید.

محاسبات صدام حسین بر این مبنا بود که شرایط نابسامان داخلی و بین‌المللی ایران و همچنین توسعه قدرت نظامی ارتش عراق، این کشور را سریع و آسان به اهداف خود در جنگ خواهد رساند. عراق تهاجم را زمانی شروع کرد که ایران آمادگی ورود به یک جنگ تمام عیار را نداشت. ارتش ایران در بحران هویت و نیز مدیریت و فرماندهی به سر می‌برد و در حال تصفیه و بازسازی بود. رابطه ایران با کشورهای پشتیبانی‌کننده و منابع لجستیک

قطع بود. فرماندهانی که برای ارتش انتخاب می‌شدند، اگرچه از بدنه ارتش بودند، با طرح‌هایی که ارتش در زمان شاه و با همکاری مستشاران آمریکایی تهیه کرده بود، آشنایی چندانی نداشتند. همچنین سیستم لجستیک ارتش را خوب نمی‌شناختند.

سپاه پاسداران تازه شکل گرفته بود و هنوز ساختار نظامی و تجهیزات جنگی نداشت؛ بسیج هم تازه متولد بود و سازماندهی و آموزش گسترده‌ای نداشت. در سطح تصمیم‌گیری ملی، اختلاف‌های سیاسی گسترده‌ای وجود داشت که مدیریت کشور را ناکارآمد کرده بود. دولت رجایی با رئیس‌جمهور در حال چالش بود و بسیاری از وزرا و از جمله وزیر امور خارجه و تعدادی از مدیران کشور همچنان تعیین نشده بودند. از سوی دیگر در برخی استان‌های کشور درگیری‌های مسلحانه بین احزاب مورد حمایت عراق با مأموران دولتی در جریان بود.

رئیس‌جمهور عراق با تصور نادرست از وضعیت اقتصادی نظامی و ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جمهوری اسلامی و با گمان ضعف نظامی و سیاسی ایران و اطمینان از موفقیت و پیروزی ارتش عراق، جنگ را برنامه ریزی کرد. صدام محیط منطقه‌ای و بین‌المللی را برای چنین حمله‌ای مناسب و مساعد می‌دید. او در شرایطی تصمیم به تهاجم نظامی علیه ایران گرفت که آمریکا به دلیل از دست دادن منافعش در ایران و فروپاشی نظامی شاهنشاهی، به دنبال راهی برای بازگشت به ایران بود.

با ظهور اندیشه انقلاب اسلامی، شوروی هم نگران افول مکتب مارکسیم در کشورهای مسلمان و همچنین درگیر اشغال افغانستان بود. رؤسای کشورهای عربی نیز با احتمال تکرار نهضت اسلامی مردم در کشور هایشان نگران از دست دادن تاج و تخت خود بودند. در چنین شرایطی، صدام احساس می‌کرد با همسو شدن اهداف و قدرت‌های جهانی و کشورهای عربی همسایه ایران با اهداف او، می‌تواند اقدام نظامی کند و موجبات شکست جمهوری اسلامی را فراهم آورد و با سربلندی حکومت خود را در عراق تداوم بخشد. او از بهانه‌های تاریخی برای تهاجم نظامی به ایران سود جست.

دولت عراق با آغاز جنگ قصد داشت ظرف چند روز یا چند هفته به یک پیروزی عظیم نظامی برسد. عراق سعی می‌کرد از طریق جنگ بر رودخانه اروند تسلط یابد و معاهده مرزی 1975 را ملغی اعلام کند. همچنین با جداسازی استان خوزستان از ایران و تصرف مناطق مشخصی از غرب کشور، ایران را وادار به تسلیم در برابر خواسته‌های خویش کند و خود را قهرمان جهان عرب در جنگ قادسیه لقب دهد. دولت عراق احساس می‌کرد با دادن هزینه و تلفات قابل قبولی، قادر به دستیابی به اهداف استراتژیک جنگ است، ولی به

نظر می‌رسد رژیم عراق برخی واقعیت‌ها و حقایق را در مورد ملت ایران نادیده گرفته بود. البته آنچه دولت عراق مشاهده می‌کرد، بسیار متفاوت بود با آنچه بعدها در جریان مقاومت ملت ایران در برابر تهاجم و تجاوز گسترده عراق اتفاق افتاد. به دور از تبلیغات دستار بندان که ایران را اسلام نجات داد باید بگویم که نجات ایران در گرو وطن پرستی سربازان و کسانی بود که به ایران و حفظ تمامیت ارضی آن اندیشه می‌کردند که در این خصوص شاهزاده رضا پهلوی که جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی بر سلطنت پدرش پایان داد داو طلب شرکت در جنگ برای حفظ ایران بود.



در روز 31 شهریور 2688 مادی با هجوم ارتش عراق به مرزهای غرب و جنوب و حمله هوایی به چند فرودگاه ایران جنگ 8 ساله دولت عراق به رهبری صدام حسین علیه ایران آغاز شد

این واقعه در حالی اتفاق افتاد که تنها 19 ماه از پیروزی فتنه خمینی می‌گذشت. صدام حسین رئیس جمهوری وقت عراق چند روز پیش از این اقدام، پیمان 1975 الجزایر را در برابر دوربین‌های تلویزیون بغداد پاره کرد و در نطقی با تأکید بر مالکیت مطلق کشورش بر اروندرود که آن را شط العرب می‌نامید و طرح این ادعا که جزایر سه‌گانه ابو موسی ،

تنب بزرگ و تنب کوچک ایران به اعراب تعلق دارد، همزمان جنگ زمینی، هوایی و دریایی علیه ایران را آغاز کرد

برای اولین بار اخبار ساعت 2 بعدازظهر روز 31 شهریور، خبر بمباران فرودگاه مهرآباد را مخابره کرد. روزنامه کیهان درباره فضای فرودگاه و آنچه طی این حمله بر مردم حاضر در آنجا گذشت، نوشته است: «یکی از کارمندان هواپیمایی گفت که به هنگام مراجعت از فرودگاه به خانه متوجه شدم 3 فروند هواپیما با فاصله نسبتاً کمی بر فراز فرودگاه در حال پرواز هستند. از آنجایی که حدس می‌زدم هواپیماها خودی باشند چندان توجهی نکردم، تا اینکه صدای انفجار برخاست و آنگاه متوجه شدم که بمب انداخته‌اند.» یک شاهد دیگر درباره نوع هواپیماهای بمباران شده در این حمله گفته است: «دو هواپیما در این هجوم دچار آسیب شده‌اند که یکی از آن‌ها هواپیمای 707 و متعلق به شرکت هواپیمایی هما بود و دیگری یک فروند هواپیمای سی 130 بود.» او همچنین گفته است: «هواپیماهای دشمن 3 فروند و از نوع میگ روسی بوده است»

با شنیده شدن صدای انفجار مهرآباد در غرب تهران، مردم این منطقه برای اطلاع از چگونگی واقعه به خیابان‌ها ریختند و با مشاهده بمباران قسمتی از فرودگاه به منظور کمک به سمت آن هجوم آوردند که مأمورین انتظامی در حوالی فرودگاه ضمن جلوگیری از حرکت آنها از مردم خواستند که حوالی فرودگاه را ترک کنند و در صورت نیاز به کمک مردم، مقامات مربوطه اطلاعیه صادر خواهند کرد

روزنامه کیهان فردای آن روز درباره تعداد مجروحین و مصدومین حمله عراق به تهران نوشته است: «تا ساعت یک بامداد امروز تعداد مجروحین حادثه فرودگاه 38 تن اعلام شد که 15 تن به بیمارستان امام خمینی، 8 تن به بیمارستان شریعتی، 3 تن به بیمارستان صنایع هواپیمایی، 8 تن به بیمارستان میمنت و سه تن به درمانگاه بیمه‌های اجتماعی منتقل شده‌اند. از این تعداد گروهی که جراحاتشان سطحی بود مداوا و از بیمارستان مرخص و برخی دیگر بستری شده‌اند

این تنها فرودگاه مهرآباد تهران نبود که از سوی جنگنده‌های عراقی مورد حمله قرار گرفت. در ساعت 1:45 دقیقه روز 31 شهریور 6 هواپیمای میگ عراقی باند فرودگاه اهواز را بمباران کردند. خبرنگار کیهان از اهواز گزارش داده است: «این واقعه در حالی اتفاق افتاد که حدود 600 تن در فرودگاه حضور داشتند. بر اثر این حمله قسمتی از باند فرودگاه اهواز ویران شد و چند تن نیز زخمی شدند

آنچنان که بعدها گفته شد این حمله زمانی اتفاق افتاد که مسافران پرواز 228 از اهواز عازم خارک، بوشهر و شیراز بودند. در این هنگام بود که در بخشی از فرودگاه صدای مهیبی برخاست و در پی آن دو راکت توسط میگ عراقی به قسمت جلویی سالن مسافران پرتاب شد و کلیه شیشه‌های سالن فرودگاه فرو ریخت. هواپیماهای عراقی بعد از حمله و یکبار دور زدن بر فراز فرودگاه از محل دور شدند. در پی این حمله نیروهای نظامی در نقاط مختلف خوزستان به حالت آماده باش درآمدند

حدود ساعت یک و 50 دقیقه 31 شهریور، 8 میگ عراقی، فرودگاه و چند نقطه حساس دیگر شهر تبریز هم با 11 راکت مورد حمله قرار گرفت. در پی این حمله یک فروند هواپیمای مسافربری تهران تبریز که قرار بود ساعت 2 بعدازظهر در فرودگاه تبریز به زمین بنشیند تغییر مسیر داده و در اصفهان به زمین نشست. همزمان با این واقعه فرودگاه همدان و پایگاه هوایی نوژه این شهر نیز مورد حمله جنگنده‌های عراقی قرار گرفت و خساراتی به آن وارد شد. در همین حال خبرگزاری پارس اعلام کرده است: «: مسئولان فرودگاه شیراز به دلایل امنیتی پروازهای عادی شرکت هواپیمایی ایران (هما) از فرودگاه شیراز را نیز تا اطلاع ثانوی لغو کرده‌اند. فرودگاه‌های بوشهر، آبادان، کرمانشاه و جزیره مینو از دیگر نقاطی بودند که مورد حمله جنگنده‌های عراقی قرار گرفتند

روز اول مهر ستاد مشترک ارتش اعلام کرد «: در حملات متقابل ایران به مواضع دشمن، 11 فروند هواپیمای میگ عراقی سرنگون شده و 4 فروند ناوچه موشک انداز نیز غرق شده است

جنگ در حالی شروع شد که نیروهای مسلح انتظار جنگ را نداشتند و از آمادگی چندانی برای رویارویی در یک نبرد بزرگ برخوردار نبودند.

در پی آغاز حمله، ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور وقت طی پیامی که شامگاه 31 شهریور از رادیو تلویزیون پخش شد، گفته است: «عراق به جای جنگ با رژیم اشغالگر قدس به جنگ با ایران اقدام کرده است و کوشش ما برای اجتناب از این جنگ به جایی نرسیده و اکنون ناچاریم درسی را که صدام قصد داشت به ایران بدهد به خود وی بدهیم.» وی که با لحنی محکم و مطمئن صحبت می‌کرد ادامه داده است: «کار عراق جزئی از یک توطئه گسترده بر ضد جمهوری اسلامی ایران است. حمله عراق به هیچکدام از پایگاه‌ها کمترین آسیبی نتوانست وارد کند !!»

هاشمی رفسنجانی نیز فردای آن روز در گفت‌وگو با خبرگزاری پارس گفته است: «ریاست جمهوری و فرمانده کل قوا، مسئولان ارتش، اعضای شورای عالی دفاع، نخست‌وزیر، ریاست مجلس، رئیس سپاه پاسداران و وزیر دفاع، حوادث و درگیری‌های دیروز و حمله عراق به ایران را از آغاز زیر نظر گرفتند. ارتش در پس این حمله به حال آماده باش درآمده و در پاره‌ای از نقاط به پاسخگویی به حملات دشمن پرداخته است. گزارش‌ها حاکیست که ضربان سنگینی از سوی نیروهای انقلاب به دشمن وارد شده است و نتیجه این ضربات متعاقباً در اختیار مردم قرار خواهد گرفت. مردم باید صبر خود را حفظ کنند و به پادگان‌ها نزدیک نشوند و به اخبار به‌جز آنچه از طرف مقامات مسئول اعلام می‌شود توجه نکنند که خبرپراکنی علیه مسئولان می‌تواند جزئی از توطئه باشد

در اولین روز حمله سراسری عراق به جمهوری اسلامی ایران، نیروهای عراقی به پاسگاه‌های مرز مشترک با ایران از آبادان تا شمال قصر شیرین هجوم آوردند و با پشتیبانی آتش توپخانه و بمباران هوایی، بسیاری از پاسگاه‌ها را تصرف یا محاصره کرده، پیشروی به سوی نقاط سوق الجیشی را شروع کردند. نیروهای خودی هم که آمادگی چندانی نداشتند، با احساس خطر از تصرف نقاط بیشتر و شهرهای مهم، پی در پی درخواست کمک و پشتیبانی می‌کردند.

هوایماهای دشمن نیز بعدازظهر، هجوم به شهرها و مناطق استراتژیک را آغاز کردند و تا قبل از تاریکی شب، با تجاوز به 19 شهر، فرودگاه‌ها و پایگاه‌ها را هدف قرار دادند. همچنین درگیری‌هایی بین نیروهای دریایی جمهوری اسلامی و عراق در اروندرود و خلیج فارس رخ داد که از جمله نتایج آن غرق چهار فروند ناوچه موشک انداز عراقی بود.

نیروهای ارتش عراق در ادامه تجاوزات اخیر خود به نقاط مرزی خوزستان تحرکات و اقدامات خود را گسترش داده و به سراسر مرز و پاسگاه‌های مرزی جبهه جنوب حمله ور شدند. در منطقه مرزی خرمشهر، نیروهای زرهی عراق که از قبل در نقاط مرزی مستقر شده بودند، به سوی خاک ایران به حرکت درآمده، پاسگاه‌های مرزی را زیر آتش گرفتند و با پیشروی به سوی جاده خرمشهر اهواز به حدود 10 کیلومتری این جاده رسیدند. علاوه بر این، بعدازظهر امروز ناگهان حجم وسیعی از آتش روی خرمشهر شروع شد و قسمت غربی شهر، از جمله کوی طالقانی، راه آهن و مولوی زیر آتش گسترده خمپاره و توپ‌های دشمن قرار گرفت و بسیاری از مردم خرمشهر را به خاک و خون کشید.

درگیری پاسگاه‌های منطقه خسرو آباد از عصر روز گذشته شدت یافت. شهربانی آبادان اعلام کرد: «در منطقه آبادان، عراق با سلاح‌های سنگین و خمپاره اجرای آتش کرد که در اثر آن عده‌ای کشته و مجروح شدند و تعدادی از مخازن نفت، اسکله‌ها و بعضی تأسیسات دیگر منهدم شد. تیراندازی ادامه داشته و پالایشگاه آبادان زیر آتش سنگین عراق قرار دارد»

از سوی دیگر در پاسگاه‌های مرزی محورهای شطیط، طلاییه، کوشک، سوبله، فکه و عین خوش درگیری به شدت ادامه دارد و آتش شدید عراق روی آنها اجرا می‌شود. گزارش رسیده در آخرین ساعات روز حاکی از آن بود که پاسگاه‌های طلاییه قدیم منهدم شده و سقوط کرده‌اند و تانک‌های عراقی در آن مستقر هستند. ارتباط اکثر پاسگاه‌ها قطع شده و از آنها خبر دقیقی در دست نیست

سپاه دشت آزادگان اعلام کرد: «در ساعت 17 امروز پاسگاه سوبله به علت عدم دستور آتش از سوی فرماندهی آن !!، سقوط نموده، عده‌ای از برادران ارتشی کشته و مجروح شدند و تعدادی تانک و خودرو به آتش کشیده شد»

با توجه به شدت آتش عراق و پیشروی نسبی نیروهایش در نواحی مختلف و همچنین حملات هوایی امروز عراق نیروهای مستقر در منطقه درگیری از امکان ادامه پیشروی دشمن و حتی اشغال خوزستان احساس خطر کرده، پی در پی درخواست کمک می‌کنند

در محور دهلران، به گزارش ژاندارمری ایلام: «در قسمت پاسگاه چلات درگیری نیروهای عراقی با نیروهای مستقر در پاسگاه شدید است. علاوه بر آن، نیروهای عراقی از قسمت رودخانه در حال پیشروی هستند»

در محور صالح آباد ژاندارمری اعلام کرد: «نیروهای عراقی در ارتفاعات انجیره و شینو مستقر شده و پاسگاه‌های انجیره مورد تهدید قرار گرفته است»

در محور سومار، گزارش ژاندارمری قصر شیرین حاکی است: «پاسگاه گیس که و کلیه ارتفاعات گیس که به تصرف نیروهای عراقی که از پشتیبانی توپخانه برخوردارند درآمده است. علاوه بر آن، پاسگاه‌های کانی شیخ و بازرگان فاقد پشتیبانی بوده، در معرض سقوط قرار دارند. همچنین عراق بعد از ظهر امروز با استقرار تعداد زیادی تانک در برابر سایر پاسگاه‌های مرزی این منطقه از جمله چقاشیرگه، سه‌نپان، شهر نفت و سلمان تعدادی را کشته و پاسگاه‌ها را تسخیر کرده است.»

در محور قصر شیرین، حدود یک گردان تانک و پیاده نظام عراق در دو کیلومتری منظریه و اطراف آن موضع گرفته‌اند و احتمال حمله به پاسگاه‌های خسروی، ولد کشته و تنکاب وجود دارد

فرماندهان یگان‌های ژاندارمری مستقر در یگانهای مختلف مناطق میانی و شمالی، تقاضای کمک، پشتیبانی و تقویت پاسگاه‌های مرزی را نموده‌اند

در ساعت دو و بیست دقیقه چهار فروند میگ عراقی به فرودگاه مهرآباد و پایگاه یکم شکاری حمله کردند که باند پایگاه و 6 هواپیمای نظامی مورد اصابت بمب قرار گرفت

در ساعت یک و 55 دقیقه میگ های عراقی به فرودگاه بوشهر حمله و قسمتی از باند و چند ساختمان را تخریب کردند حمله هوایی به بوشهر ساعت 5 و 40 دقیقه باز تکرار شد.

در ساعت یک و چهل و پنج دقیقه میگ های عراقی با تجاوز به اهواز، باند فرودگاه و سیلو ماکروویو را بمباران کردند. در شهرهای آبادان، خرمشهر، دزفول، ایلام، گیلان، غرب، کرمانشاه، شاه آباد غرب، قصر شیرین، همدان، سنندج، پیرانشهر، اصفهان، رضائیه، تبریز و شهر کرد شاهد بمباران میگ های عراقی بودیم.

به گزارش لشکر 92 زرهی دو فروند ناوچه موشک انداز عراقی و یک فروند ناوچه گارد ساحلی جمهوری اسلامی در حوالی دماغه شط به گل نشسته است

شهربانی ماهشهر اعلام کرد: «در ساعت سه و نیم بعدازظهر کشتی راهنما به نام آزادی متعلق به اداره بنادر و کشتیرانی بندر امام خمینی از خور موسی به طرف دریا در حرکت بود که از ناحیه چپ آسیب دید که به احتمال زیاد با مین خودی برخورد کرده است

ابوالحسن بنی صدر اعلام کرد: «در درگیری‌های مرزی امروز در بوشهر، نیروهای مسلح ایران ۴ ناوچه موشک انداز عراق را در آب‌های بوشهر غرق کردند

به گزارش رادیو بغداد، نیروهای عراقی هشت قایق جنگی و یک جت فانتوم ایران را در جریان درگیری با نیروهای ایرانی در شط العرب منهدم کردند



پس از بازپس گرفتن خرمشهر توسط نیروهای جمهوری اسلامی از عراق ، دولت آمریکا و دولت‌های اروپایی و برخی از کشورهای منطقه خلیج فارس کوشیدند به جنگ پایان دهند .

در این میان، شورای امنیت سازمان ملل، به درخواست اردن، در 21 تیر 2690 مادی برابر با 1982 میلادی قطعنامه 514 را به تصویب رساند و در آن با اظهار نگرانی عمیق از ادامه برخورد دو کشور، خواستار آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی و تلاش در جهت دستیابی به راه حلی جامع و عادلانه و شرافتمندانه براساس اصول منشور ملل متحد شد

دستار بندان اشغالگر و در راس آنها هاشمی رفسنجانی بخاطر رشوه هائی که در خرید اسلحه از اسرائیل میگرفت این قطعنامه را نپذیرفتند و وزارت امور خارجه آن را تلاشی هماهنگ و سازمان‌یافته از سوی قدرت‌های جهانی در جهت ممانعت از دستیابی ایران به خواست‌های قانونی خود !! و جلوگیری از سقوط رژیم بعثی عراق !! تلقی کرد و اعلام

داشت جمهوری اسلامی ایران تا تحقق خواست‌های خود و دفع کامل قوای متجاوز عراق، به دفاع مشروع خود ادامه خواهد داد.



در پی انجام دو عملیات از سوی ایران، یکی در محور جنوب و دیگری در منطقه سومار، که منجر به آزادسازی بخش‌های مهمی از خاک ایران و تسلط نیروهای ایران بر شهر مندلی عراق شد، شورای امنیت به درخواست عراق، قطعنامه 522 را به تصویب رساند و خواستار آتش‌بس فوری و عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی شد و از دولت عراق، به سبب آمادگی‌اش برای همکاری در اجرای قطعنامه 514، استقبال کرد.

به دنبال گسترش دامنه جنگ به خلیج فارس و حملات عراق به نفتکش‌ها و انتشار گزارش نمایندگان ویژه دبیرکل سازمان ملل پس از بازدید از مناطق اشغالی توسط عراق و شهرهای بمباران شده در ایران و عراق، چهارمین قطعنامه شورای امنیت به شماره 540 صادر شد و در آن به گزارش واقع‌بینانه نمایندگان دبیرکل در بررسی مناطق مسکونی و تأیید لزوم بررسی دقیق علل جنگ اشاره گردید.

در 16 دی 2694 مادی برابر با 1987 میلادی، نیروهای ایرانی، طبق یک برنامه‌ریزی دقیق نظامی، به اطراف بصره رسیدند. احتمال سقوط بصره و پیروزی ایران تقویت شد و این باور پدید آمد که موازنه نظامی در صحنه نبرد به نفع ایران تغییر کرده است. نگرانی قدرت‌های بزرگ و کشورهای عربی، آنها را به این نتیجه رساند که تنها راه پایان دادن به جنگ، تلاش مشترک آمریکا و شوروی در چارچوب همکاری بین‌المللی است.

به همین منظور، خاویر پرزدکوئیار، دبیرکل سازمان ملل، در آن سال اعلام کرد که اعضای شورای امنیت برای پایان دادن به جنگ مصمم‌اند و نظریات و دیدگاه‌ها باید برای تحقق این هدف به یکدیگر نزدیک شوند و شکل اجرایی به خود گیرند.

دبیرکل سازمان ملل به استناد قطعنامه 598 از طرفین درگیر خواست تا با قطع جنگ وارد روند مذاکره و عمل شوند. وی همچنین بر ضرورت همکاری کامل ایران و عراق، برای دستیابی به راحل جامع و عادلانه و شرافتمند، تأکید کرد و از اعضای شورا خواست که از تلاش‌های وی حمایت کنند. جنگ افروزان متوهم که خواب دارالسلام را می‌دیدند و در ضمن رشوه‌های خرید اسلحه از اسرائیل را به جیب‌های گشاد عبای خود واریز میکردند، آتش بس را درست ندانسته و به قطعنامه سازمان ملل پشت کردند.

در همین حال تشنج در منطقه افزایش یافت و در اوایل شهریور 2695 مادی برابر با 1987 میلادی، نیروی دریایی آمریکا 46 کشتی در منطقه مستقر کرد و فرانسه و انگلیس نیز اعلام کردند که آنها نیز نیروهای دریایی بیشتری به منطقه اعزام خواهند کرد. به دنبال آن با حمله یک هلیکوپتر جنگی آمریکایی به کشتی کوچک ایرانی به نام ایران اجر در 80 کیلومتری شمال شرقی بحرین، آمریکا رسماً وارد جنگ با ایران شد

عراق با روحیه تازه‌ای که از حمایت مؤثر آمریکا به دست آورده بود، حمله با سلاح شیمیایی را ادامه داد و توانست کلیه اراضی تصرف شده را از ایران پس بگیرد. در ۲۵ اسفند همان سال، صدام و رهبران بعثی عراق شهر کردنشین حلبچه و روستاهای اطراف آن را، به دلیل همکاری نیروهای کرد با قوای ایران، بمباران شیمیایی کردند. در این فاجعه 5 هزار غیرنظامی قربانی شدند



عراق با وجود شواهد مسلم و انکارناپذیر، به‌کار بردن مواد شیمیایی را انکار کرد، اما در پی ارائه مدارک موثق از سوی ایران و بررسی کارشناسان اعزامی از سوی سازمان ملل، شورای امنیت برای اولین بار در ۹ اردیبهشت 2696 مادی برابر با 1988 میلادی

قطعه‌نامه 612 را به اتفاق آرا تصویب کرد. این قطعه‌نامه، ضمن محکوم کردن شدید به کار بردن سلاح‌های شیمیایی، هر دو طرف را از استفاده این سلاح‌ها منع کرد



گورستان قربانیان حلبچه

حمله موشکی ناو آمریکایی مستقر در خلیج فارس، به نام وینسنس، به هواپیمای مسافربری ایرباس ایران در 12 تیر 2696 مادی برابر با 1988 میلادی رخداد. در این حمله، همه 290 سرنشین هواپیما کشته شدند.

پذیرش قطعنامه طی نامه‌ای با امضای رئیس جمهوری ایران، در ۲۷ تیر همان سال به دبیرکل سازمان ملل تسلیم شد. در این نامه تصریح شده است که تجاوز به ایران ابعاد بی‌سابقه‌ای یافته و باعث کشیده شدن سایر کشورها و حتی غیر نظامیان بی‌گناه به جنگ شده است و جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیتی که برای جان انسان‌ها !!! و اجرای عدالت !!! و برقراری صلح و امنیت !!! منطقه‌ای و بین‌المللی قائل است، قطعنامه 598 شورای امنیت را می‌پذیرد. دو روز بعد آخوند زشت کردار جنایتکار روح الله خمینی که رویای خلیفه گری اسلام را غیر ممکن دانست با نوشیدن جام زهر قطعنامه 598 را به آگاهی مردم ایران رساند.

وزیر خارجه ایران نیز با تأکید بر اینکه مذاکرات مستقیم پس از اعلام آتش‌بس آغاز شود، با پیشنهاد عراق موافقت کرد و مقرر شد دبیر کل سازمان ملل در گزارشی به اعضای شورای امنیت، زمان برقراری آتش‌بس را اعلام کند. سرانجام در نشست غیررسمی با اعضای شورای امنیت، تاریخ برقراری آتش‌بس ۲۹ مرداد 2696 مادی برابر با 1988 میلادی اعلام شد.

جنگ ایران و عراق و پی آمد های آن

جنگ ایران و عراق یکی از مهمترین رخدادهای جمهوری‌های جهل و جنون و جنایت اسلامی است. بخاطر حماقت های روح الله خمینی و رشوه هائی که هاشمی رفسنجانی از اسرائیل برای خرید اسلحه میگرفت طولانی ترین جنگ سده بیست رقم خورد. جنگ های جهانی اول و دوم هیچ یک به درازای هشت سال نکشید. جنگی با بیش از یک میلیون کشته و زخمی و خسارتی برابر با یک میلیارد و صد و نود میلیون دلار برای دو کشور. بسیاری از کشور های غربی و شرقی و حتی جهان سومی به ایران و عراق اسلحه فروختند. آمریکا از طریق اسرائیل به جمهوری اسلامی اسلحه فروخت که ماجرای ایران گیت و رسوائی آن از آن جمله است. در اتریش وزارت دادگستری دو تن از وزیران آن کشور را بجرم فروش غیر قانونی اسلحه به جمهوری اسلامی تحت پیگرد قرار داد. قتل مرموز نخست وزیر سوئد، اولاف پالمر در سال 1986 میلادی به ماجرای فروش غیر قانونی اسلحه به جمهوری اسلامی گره خورد.

از دید بیمار آخوند روح الله خمینی که این جنگ را موهبت الهی نامید ، در تحلیل این جنگ باید به پنج مرحله یا بخش بطور مجزا اشاره داشت:

دوران پیش از جنگ و زمینه آغاز آن

تجاوز عراق به خاک ایران تا فتح خرمشهر و باز پس گیری این شهر توسط ایران و اعلام آمادگی عراق برای آتش بس

تجاوز جمهوری اسلامی به خاک عراق

دوران پس از پذیرش قطعنامه 598 شورای امنیت سازمان ملل از سوی خمینی و نوشیدن جام زهر

زیانها و خسارت های وارده بر ایران

در مورد چهار بخش نخستین ، بدانها بطور اختصار اشاره کردم و در بازنگری این بخش ها اگر به نکته ای بر خورد کردم که قبلا نوشته نشده بود ، آنرا می نویسم.

در سال 1975 میلادی ، پس از سالها تیرگی در روابط ایران و عراق ، شاه فقید و صدام حسین با میانجی گری حواری بومدین ، رئیس جمهور الجزایر در کنفرانس اسلامی الجزایر با هم دیدار کردند و توافقی را امضاء نمودند. ادامه کار به عباسعلی خلعت بری وزیر امور خارجه ایران و سعدون حمادی وزیر امور خارجه عراق با حضور عبدالعزیز بوتفلیقه وزیر امور خارجه الجزایر محول شد. بدین گونه مرز آبی ایران و عراق در اروند رود مشخص شد. با اشغال ایران توسط تازی پرستان دستار بند ، صدام حسین اولین کسی بود که جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخت. صدام حسین طی ارسال نامه رسمی جهت حفظ روابط دوستانه و حسن همجواری تمایل خود را نشان داد ، اما جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی از آغاز بنا را بر اصل ایجاد آشوب و هرج و مرج با تحریک شیعیان عراق که 50 درصد جمعیت عراق را تشکیل میدهند گذاشت. تعیین آخوند دعائی به عنوان سفیر کار نسنجیده ای بود که از چشم مقامات امنیتی عراق دور نماند. دو ماه از اشغال ایران توسط دارو دسته خمینی نگذشته بود که صدام حسین پیام تبریکی برای خمینی فرستاد و خمینی در بیاناتی تحریک آمیز صدام را تهدید کرد که مثل شاه او را از عراق بیرون می کند !! در 19 فروردین 2688 مادی برابر با 1981 خمینی در نطقی از مردم و ارتش عراق خواست تا حکومت صدام را سرنگون کنند. دو ماه بعد از این نطق ، شیعیان عراق

به تحریک آخوند محمد باقر صدر در راستای پشتیبانی از خمینی در شهرهای جنوبی عراق دست به شورش زدند که توسط صدام سرکوب شد. در این میان گروگان گیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران پیش آمد. این عمل احمقانه بزرگترین لطمه را به حیثیت سیاسی ایران وارد ساخت. در عراق سوء قصد نافرجامی علیه طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق انجام شد که اوضاع را بشدت وخیم کرد. پشت این ترور آخوند محمد باقر صدر بود که دستگیر و اعدام شد. آمریکا روابطش را با جمهوری اسلامی قطع و تمام پولهای ایران که از زمان شاه فقید در بانکهای آمریکا بود بلوکه شد. آمریکا سلاح هایی که در زمان شاه فقید خریداری و پول آنها پرداخت شده بود را به جمهوری اسلامی تحویل نداد.

جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی عراقی های مقیم تهران را به خیابان کشید تا علیه صدام حسین تظاهرات کنند. ندانم کاری پشت سرهم در حال انجام بود. دادگاه های انقلاب اسلامی هم هر روزه ده ها تن از سران ارتش شاهنشاهی را اعدام میکردند. در کردستان و ترکمن صحرا و آذربایجان اوضاع آرام نبود و سپاه پاسداران به سرکردگی مصطفی چمران با کرد ها در نبرد بود. در چنین اوضاعی تنها یک رهبر احمق و روان پریش دست به تحریک کشور همسایه اش عراق میزد. عراق نیز دست به اخراج ایرانی های مقیم عراق زد. صدام مال و اموال آنها را گرفته و در مرز رهایشان ساخته بود.

قیام نوژه توسط سیستم امنیتی شوروی و حزب خائن توده لو رفت که در جریان آن 250 تن از خلبانان زنده نیروی هوایی شاهنشاهی اعدام شدند. در محافل رژیم صبحت از انحلال ارتش مطرح بود و مجاهدین خلق که ادعا میکردند: آنها قیام نوژه را لو داده اند، بیش از هر ارگانی خواهان انحلال ارتش بودند. جمهوری لومپن ها در اقدامی غیر قابل تصور و باور در آن شرایط حساس، مدت خدمت سربازی را که دوسال بود به یکسال کاهش داد و ارتشی که هشتاد درصد نیرویش از کادر وظیفه تامین میشد به یکباره فرو ریخت. جمهوری اسلامی فرمانده لشکر 92 اهواز را که وظیفه اش حفاظت از خوزستان بود، اعدام کرده بود و به دستور محمد غرضی استاندار خوزستان خود لشکر هم منحل شده بود.

در بخش های پیشین به جزئیات آغاز نبرد تا نوشیدن جام زهر توسط آخوند احمق و جنایتکار خمینی اشاره کردم و در این قسمت به زیانهای حاصله از صدور انقلاب اسلامی که منجر به جنگ هشت ساله ایران و عراق شد اشاره خواهم کرد.

در جریان این جنگ خسارت های بسیار سنگینی در کلیه امور کشور وارد شد و مشکلات ریشه ای فراوانی برای توسعه اقتصادی ایران اسلام زده به وجود آورد. مشکلاتی که

دورنمایی بس تیره و تار داشت و تا چند نسل گریبانگیر مردم ایران را گرفت. از پس این خسارتها مالی و جانی بود که دستار بندگان اشغالگر تازی پرست جسته و گریخته اظهار داشتند که آن زمان که صدام حاضر به پرداخت خسارت به ایران بود ، آنها تحت توهمات آخوند زشت کردار خمینی و رشوه گیر بزرگ علی اکبر هاشمی رفسنجانی لب به اعتراض نگشودند . علیرغم اینکه این فاجعه پایان نگرفت و پس از 46 سال این بار خامنه ای بجای خمینی در راستای صدور انقلاب اسلامی در قالب محور مقاومت و گروه های نیابتی اش بر طبل جنگی می کوبد که عواقب آن بسیار خطرناک تر و مرگبارتر از جنگ با عراق است . این بار جنگ با اسرائیل و آمریکا ایران را به نابودی کامل میکشاند.

خسارت های انسانی

نزدیک به یک میلیون نوجوان و جوان در این جنگ کشته و یا مفقود شدند. دستار بندگان نامرد کودکان را از پشت میز دبستان و دبیرستان سوار اتوبوس میکردند تا میدانهای مین را پاک کنند.

بیش از یک میلیون ایرانی که رژیم آخوندی از آنها به عنوان جان باز نام میبرد معلول و مصدوم شدند.

بیش از چهار میلیون ایرانی که در غرب و جنوب غربی ایران زندگی میکردند ، آواره و در به در شدند .

بیش از یک میلیون جوان که نمی خواستند قربانی مقاصد توسعه طلبانه خمینی وژن شوند از ایران گریختند و اکثر آنها به ترکیه و پاکستان رفتند که شرایط زیستی بسیاری از آنها رقت بار بود.

آیا کسی از لطمه های روحی و آسیب های روانی این جنگ احمقانه و وسعت و میزان آن در رژیم آخوندی حرفی به میان آورد؟ آیا درد داغ جوان های از دست رفته که بر قلب پدران و مادران ایرانی نشست در رقصی می گنجد ؟

خسارت های مالی و اقتصادی

زیانهای مالی و اقتصادی این جنگ را در سه بخش مجزا باید مورد بحث قرار دهیم.

لطمه به نیروهای مسلح از نظر انسانی و نابودی تجهیزات نظامی

لطمه به بخش های کشاورزی ، صنعت نفت ، صنایع ، راه و راه آهن ، شهر ها و مسکن ها .

لطمه های اجتماعی و انسانی شامل معلولان ، آوارگان ، بیکاری ، اعتیاد ، فقر و فحشاء ، مهاجرت از کشور ، و ناهنجاریهای روانی و روحی.

لطمه به نیرو های مسلح : وزارت ارشاد اسلامی در 27 شهریور 2696 مادی برابر با 1988 میلادی ، تعداد تلفات نیروهای مسلح را بشرح زیر اعلام کرد :

ارتش 35170 تن

پاسدار و بسیجی 79644 تن

ژاندارمری 5061 تن

کمیته های انقلاب اسلامی 1006 تن

جهاد سازندگی 2075 تن

پلیس 264 تن

جمع 123220 تن

تعداد مفقودین 60711 تن و تعداد کشته شدگان غیر نظامی شامل زنان و کودکان 11000 تن اعلام شد. از آنجا که در این 46 سال حتی یک حرف راست کسی از سران دستار بند جمهوری اسلامی نشنیده ، هیچ کس به آمار آنها اعتماد ندارد و تلفات نیرو های مسلح را بیشتر از آنچه وزارت ارشاد اعلام کرده میدانند. منابع خارجی تنها در یک مورد و آن عملیات کربلا ، تعداد تلفات نیروهای ایرانی را بالغ بر 25000 تن میدانند. پنتاگون ، وزارت دفاع آمریکا میزان تلفات نیرو های مسلح ایران را 262000 تن یعنی بیش از دو برابر رقم اعلام شده توسط ملایان گزارش کرده است. دایره المعارف نظامی عرب ، تعداد تلفات نیروهای ایرانی را 300000 تن میدانند. کارشناسان نظامی ایرانی کل تلفات را بالغ بر 350000 تن تخمین میزنند . با یک حساب سر انگشتی هزینه تربیت این نیرو حدود

32 میلیارد دلار است. گذشته از هزینه ، تربیت افسران و درجه داران بین 12 تا 19 سال زمان لازم دارد که به هیچ قیمتی قابل خریداری نیست. خسارات وارده بر نیروهای مسلح از لحاظ اسلحه و مهمات به 16 میلیارد دلار بالغ میشود . بنابراین هزینه انسانی و تجهیزات به 48 میلیارد دلار میرسد.

سپاه پاسداران و بسیج : در زمان جنگ ایران و عراق تعداد افراد شاغل در سپاه پاسداران 195000 و تعداد بسیجی ها 490000 تن بودند. عمده تلفات نیرو های بسیج که با آموزش چند هفته ای عازم جنگ شدند در آبادان ، خرمشهر ، سوسنگرد ، هورالعظیم و عملیات والفجر به ویژه در تصرف جزایر مجنون و شبه جریزه فاو و عقب نشینی از این مناطق بود .

تلفات سپاه و بسیج در طول جنگ 425000 تن . اسیر 11000 تن و معلول 100000 تن .

تلفات سنگین سپاه و بسیج ناشی از عوامل زیر بود : نداشتن فرماندهان بصیر و کارآموزده (اکثر فرماندهان باج گیران دیروز محله بدنام و لاتهای تهران و شهرستانها بودند) . نداشتن آموزش کافی . استفاده از نیروی بسیج در خطوط نخست جبهه به منظور پاک سازی میدانهای مین . نداشتن سلاح سنگین . حملات نسنجیده و احساسی ناشی از مغز شوئی پیش از حمله . رفتار خود سرانه سپاه و بسیج و عدم همکاری آنها با ارتش. رقابت فرماندهان سپاه و بسیج با فرماندهان ارتش . نداشتن انضباط سربازی و عدم مراعات سلسله مراتب .

آخوند هاشمی رفسنجانی رقم هزینه های جنگ را 50 میلیارد دلار اعلام کرد که دروغ بزرگی است . او تنها از اسرائیل 70 میلیارد سلاح خرید که 15 درصد آنرا به عنوان رشوه برای خودش گرفت. کارشناسان خارجی هزینه جنگ ایران و عراق را بطور ماهیانه تا 500 میلیون دلار برآورد میکردند و اگر این رقم را در ماه هائی که جنگ ادامه داشته ضرب کنیم به رقم 90 میلیارد دلار بر میخوریم . تحقیقات صلح استکهلم هزینه جنگ ایران منهای خرید اسلحه را 91 میلیارد دلار و واردات نظامی ایران را 26 میلیارد دلار برآورد کرده است.

زیانهای صنایع نفت : در جریان جنگ هشت ساله ایران و عراق تمامی تاسیسات نفتی و پتروشیمی جنوب ایران بر اثر بمبارانهای مکرر نیروی هوایی عراق صدمه های جدی خوردند.

زیانهای وارده بر صنایع نفت (آمار ارائه شده توسط سازمان برنامه و بودجه)

ساختمانها و تاسیسات عمومی 171 میلیارد و شش صد میلیون دلار

ماشین ها و تجهیزات 449 میلیارد و هفت صد میلیون دلار

لطمه به مصالح و ثروت ملی 253 میلیارد و چهار صد میلیون دلار

خسارت ناشی از کاهش ظرفیت و تولید نفت یک تریلیون و هفتاد و هشت میلیارد و دویست میلیون دلار

خسارت ناشی از مشکلات و نارسائی دو تریلیون و سی میلیارد و پانصد میلیون دلار

عدم النفع یک و نیم تریلیون دلار

در این آمار به خسارتهای دیگر اشاره شده که در مجموع به رقم پنج تریلیون و دویست و هشتاد و شش میلیارد و هفت صد میلیون بر میخوریم.

خسارت وارده بر بخش کشاورزی: بیشترین زیانها بر بخش کشاورزی در نخستین سال جنگ وارد آمد. جمهوری چهل و جنون و جنایت اسلامی خسارت وارده بر بخش کشاورزی را 25 میلیارد دلار گزارش کرده اند. در سالهای بعدی جنگ دیگر چیزی از بخش کشاورزی در استانهای درگیر جنگ باقی نمانده بود که خسارت بیشتری ببیند.

در خوزستان 1300 روستا ویران شدند . نخلستانها و کشتزار های نیشکر بکلی نابود شدند . تولید خرما در زمان شاه فقید به 210 هزار تن میرسید . (مرکز آمار ایران) .

در زمان شاه فقید تولید نیشکر در طرح هفت تپه معادل یک میلیون و چهل و پنج هزار تن بود که از آن 88 هزار تن شکر به دست می آمد.

خسارت های وارده بر بخش های صنعتی و تاسیسات زیر بنائی: آسیب های وارده بر واحدهای صنعتی بسیار گ 1983 میلادی سترده بود و اکثر آنها بخاطر نداشتن مدیران کارآموزده و لایق و نیروی متخصص و لوازم یدکی به تعطیلی کشیده شدند. بمباران مراکز تولید نیرو ، ظرفیت شبکه برق سراسری را کاهش داد و عدم مدیریت صحیح و نرسیدن به این تاسیسات و پولی که باید خرج تاسیسات زیر بنائی شود به جیب گشاد تروریست های عرب ریختن باعث شده که امروز یعنی پس از 38 سال که از جنگ گذشته ایران با مشکل برق و گاز و آب و بنزین مواجه باشد. میزان خسارت های زیر بنائی 160 میلیارد دلار برآورد شده است (گفته وزیر نیروی دولت میرحسین موسوی) . بنا به گزارش سازمان برنامه و بودجه در سال 2691 مادی برابر با 1983 میلادی خسارت های ناشی از جنگ تا این سال 15 تریلیون و سیصد و نود و پنج میلیارد و چهار صد میلیون دلار بوده است. در این گزارش خسارتهای وارده بر نیروهای مسلح و خسارتهای انسانی محاسبه نشده است.

شمار شاغلان پیش از جنگ در مناطق جنگ زده 241761 تن بودند که با شروع جنگ رقم بیکاران به 131205 تن رسید. به عبارت دیگر 55 درصد شاغلان ، شغل خود را از دست دادند. تا سال 2691 مادی برابر با 1983 میلادی 251225 خانوار آواره شدند. از این تعداد 70665 خانوار در اردوگاه ها ، چادر ، مدارس و مساجد و کپر زندگی میکردند. این نحوه زندگی جز فحشاء ، اعتیاد و ناهنجاریهای روانی و اجتماعی ارمغان دیگری نداشت.

آغاز رویا بافی با تشکیل محور مقاومت

اصطلاح محور مقاومت برای اولین بار توسط روزنامه لیبیائی الزحف الاخضر در پاسخ به گفته جورج دبلیو بوش مبنی بر اینکه ایران ، عراق و کره شمالی محور شرارت هستند ، استفاده شد. روزنامه جمهوری اسلامی از محور مقاومت در شورش شیعیان عراق نام برد و نوشت : اگر خط شیعیان عراق نیاز به پیوند، اتحاد و تحکیم دارد ، این وحدت باید بر محور مقاومت و مبارزه با اشغالگران تحقق یابد. در سال 2006 میلادی سعید صایم وزیر کشور فلسطین در مصاحبه با شبکه تلویزیونی العالم جمهوری اسلامی از این اصطلاح استفاده کرد . علی اکبر ولایتی مشاور سید علی خامنه ای نیز به تبعیت از کسانی که از این اصطلاح استفاده کرده بودند گفت : زنجیره مقاومت در برابر اسرائیل توسط ایران ، سوریه ، حزب الله ، دولت جدید عراق و حماس از شاهراه سوریه میگذرد. سوریه حلقه طلایی زنجیره

مقاومت در برابر اسرائیل است . این عبارت بین بشار اسد و سعید جلیلی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز رد و بدل شد. بدین سان محور مقاومت از زبان سید علی خامنه ای با همیاری حسن نصراله از حزب الله ، یحیی سنوار و اسماعیل هنیه از حماس ، فالح الفیاض از حشد الشعبی عراق، بشار اسد از سوریه و عبدالمالک حوثی از حوثی های یمن خارج شد تا خاورمیانه را به آشوب کشیده و مردم ایران را خاکستر نشین کرده و به جنگی دیگر بکشاند. خوشبختانه تا این لحظه حسن نصراله و کلیه سران و فرماندهان حزب الله ، فرماندهان حماس و تروریست های این گروه کشته شده اند . بشار اسد متواری و حکومتش فرو ریخته و حوثی ها تحت حملات سنگین آمریکا و اسرائیل روزهای پایانی خود را میگذارند . حشد الشعبی عقب کشیده و تنها میماند علی و حوضش .

لبنان پیش از دست نشاندگی

لبنانی ها بقایای تاجران فنیقی اند که در هزاره های کهن اگر در ایران ، مصر ، روم مشعل فرهنگ و دوستی و خوشگذرانی روشن شد ، آنها مشعلدارش بودند . آنها حریر چینی را برای فرعون مصر میبردند و جام های زرین شراب را از ایران به کارتاژهای شمال افریقا می رساندند . آنها هرگز دست به شمشیر نبردند و با اینکه بارها مورد تهاجم بیگانگان قرار گرفت ولی باز از خاکستر بلند شد و خود را یافت . شگفتی آور است ، ساکنان سرزمینی از طرابلس تا صور در کنار دریای مدیترانه و بر بلندی های بقاع تا جبال عالیه زیبا ترین شهر ها و روستا ها بنا کردند و هر بار با یورش بیگانگان ره غربت در پیش گرفتند و خیلی زود در جامعه میزبان اعتبار و جایگاه خود را یافتند . پس از ظهور اسلام و ورودش به فلسطین و شام اگر به نوشته های ناصر خسرو و ابن بطوطه نگاهی بیندازیم از مردمانی سخن به میان آمده که متمدن ، خوش ذوق ، اهل حال و خوشگذران و شاد بودند. آنها در کنار نصاری و یهود و مسلمانان پیرو محمد و مذاهب گوناگونش از حنابله ، شافعی ، اسماعیلی ، ناجیه اثنی عشری و پیروان عبدالله درزی ایرانی و... با صلح و صفا زندگی میکردند. ناقوس کلیسای کسلیک مسلمانان را ناراحت نمیکرد همانطوریکه اذان مزگت پهلوی کلیسا موجب رنجش مسیحیان نمی شد. روزهای شنبه مسلمانان و مسیحیان به حرمت سبت یهودیان به هنگام عبور از کنار کنیسه ها کلاه از سر بر میداشتند. چه شد که بر سر این مردم یک روز مصیبت بارید . لبنان تا پیش از اینکه به مصیبت مشابه فلسطین دچار شود ، تنها یکبار در درون خود شاهد ریخته شدن خون فرزندان به دست یکدیگر بود . لبنان دیگر آن لبنان دیروز نبود . هر بار با تحریک خارجی ، یک روز مصر ، روز دیگر سوریه ، زمانی آمریکا و اسرائیل و در اوج خفت دست نشانده جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی شدن بساطش بهم ریخته شد. سقف خانه اش فرو ریخت و مردمانش آواره شدند. عروس خاور میانه ، شهر زیبای بیروت جایگاه ددان دستار بند و دایناسورهای

مسلمان شد . لبنان زمانی پذیرای هنرمندان موسیقی ایران بود که برای ضبط کارهای خود به بیروت می‌رفتند.



پاریس خاورمیانه در دهه 70 میلادی



در مرور تاریخ 500 سال اخیرمان و زمان صفویه چون شاه اسماعیل صفوی مذهب تشیع را برای زمامداری خود انتخاب کرد و از چند و چون مذهب اهل بیت بی خبر بود دست به دامان آخوندهای جبل عامل لبنان زد و شیخ بهاء الدین عاملی و اجداد امام موسی صدر را به ایران دعوت کرد. از ابتدای سده بیستم، لبنان در صحنه سیاسی و فرهنگی و اجتماعی شاهد رویارویی دو فرهنگ بوده است. هرگاه این دو فرهنگ در کنار هم قرار گرفته اند، لبنان راه ترقی و اعتبار و عظمت را پیش گرفته و هر زمان که رو در روی هم قرار گرفته اند، در خطر نابودی و از هم گسستن قرار گرفته است. مسلمانان لبنان که هنگام جدائی از دولت عثمانی دل در گرو وصلت با شام و تشکیل سوریه بزرگ داشتند و مسیحیان لبنان که فرانسه را مادر خود میدانستند. دو فرهنگ کاملاً متفاوت که یکی راه پیشرفت دارد و دیگری راه واپسگرایی و پس رفت. در جریان استقلال لبنان پس از جنگ جهانی دوم و آزاد شدن قهرمانان استقلال مثل ریاض الصلح، عبدالحمید کرامی، کمال جنبلاط، پیر جمیل، صبری الحماده، مفتی خالد، حمید فرنجه، بشاره الخوری و... از زندان قلعه راشیا فرانسه، رهبران مسلمان پذیرفتند که دست از اندیشه سوریه بزرگ بکشند و مسیحیان هم میثاق بستند که هیچگاه لبنان را جزئی از فرانسه ندانند. جمعیت مسلمانان و مسیحیان در لبنان برابر است و در میان مسلمانان شوربختانه تعداد شیعیان بیشتر است و همین امر باعث شد تا جمهوری اسلامی لبنان را عرصه تاخت و تاز خود قرار دهد. در لبنان تا پیش از تقسیم فلسطین اقلیت یهودی فعالی در زمینه اقتصاد و زراعت وجود داشت که کم کم از تعداد آنها کاسته شد. مهمترین طایفه های لبنان عبارتند از: مارونی ها با برجسته ترین شاعران و نویسندگان لبنان که شهرت جهانی دارند نظیر سعید عقل و مسیحی مارونی. مسیحیان ارتدوکس لبنان که سخت به هویت عربی خود پیوند دارند. گروه بعدی مسیحیان لبنان، ارمنی های آن کشورند که بیشترشان کاتولیک هستند.

مسلمانان لبنان نیز به طایفه های زیر تقسیم میشوند: سنی ها که بیشتر در طرابلس و صیدا زندگی می کنند. شیعیان لبنان تا پیش از ظهور امام موسی صدر در صحنه دینی و سیاسی بحساب نمی آمدند. آنها بخاطر این مسئله همواره در حال پیوستن به احزاب چپ و حزب کمونیست و حزب بعث لبنان بودند، یعنی دو جناحی که وابسته به دمشق و بغداد بودند.

ورود امام موسی صدر به صحنه سیاسی لبنان



موسی صدر در 14 خرداد 2636 مادی برابر با 1929 میلادی در قم به دنیا آمد. پدرش آخوند صدر الدین صدر و مادرش صفیه طباطبائی قمی بود. پدر مادر موسی صدر، حسین طباطبائی قمی آتش بیار معرکه مزگت گوهر شاد در زمان رضا شاه بزرگ بود. موسی صدر پس از مهاجرت به لبنان، مجلس اعلای شیعیان لبنان و جنبش امل را تاسیس کرد. در جریان فتنه خمینی و اشغال ایران توسط دستار بندان تازی پرست طی سفری به لیبی ناپدید شد که گفته شد توسط معمر قذافی با همکاری جلال الدین فارسی به قتل رسید. همسر او پروین خلیلی دختر آخوند عزیزاله خلیلی کازرونی است که مقیم نجف بود. بچه های امام موسی جهت تحصیل به فرانسه فرستاده شدند. او دو پسر و یک دختر داشت.



موسی صدر رضا صدر صدرالدین صدر

فرتور خانوادگی، پدر با دو پسرش



امام موسی صدر با دخترش حورا و پسرانش صدرالدین و حمیدالدین



سمت چپ فرتور موسی صدر و مصطفی چمران

ورود امام موسی صدر به لبنان در کمتر از دو سال باعث انقلابی در ترکیب سیاسی و اجتماعی و فرهنگی شیعیان و روابط و نزدیکی آنها با هم شد. موسی صدر با تأسیس مجلس اعلای شیعیان و جنبش امل هزاران شیعه را جذب کرد. از ابتدای کار دولت زمان شاه فقید ، همراه با مراجع مذهبی قم و نجف حمایت مالی خود را دریغ نکردند. کامل الاسعد رئیس پارلمان لبنان بنای ناسازگاری را با او گذاشت که ما را چه شده که یک سید عجمی را

رئیس الشیعه کرده ایم. دولت ایران در پشتیبانی از امام موسی صدر به کامل الاسعد فشار آورد که دست از عناد با موسی صدر بردارد. با تیره شدن روابط شاه فقید و موسی صدر منصور قدر سفیر ایران در لبنان به این اختلاف با گزارش های دور از واقعیت دامن میزد و کامل الاسعد را برای دشمنی بیشتر با موسی صدر تشویق میکرد. جالب اینجاست که جناب سفیر از دشمنان شاه که به نفع خمینی در عراق و کویت حمایت میکردند جانبداری می نمود. دیدار موسی صدر با دشمن شاه، عبدالناصر در مصر و سفرش به عربستان و بنا نهادن پایه گفتگوی بین علمای سنی و شیعه کار را به جایی رساند که او را نامزد ریاست جمهوری و نخست وزیری لبنان کردند. با غیبت یا ربوده شدن موسی صدر و سپس قتل او کسانی مانند محمد حسین فضل الله، صبحی الطفیلی، نعیم قاسم و نماینده خامنه ای در لبنان محمد یزبک میدان دار سیاست جمهوری اسلامی در لبنان شدند. آنها با حمایت از رژیم آخوندی تهران و نوکری سوریه خود را به عنوان بزرگان مذهب شیعه جا زدند. محمد حسین فضل الله در یک مورد با دریافت 70 میلیون دلار از میلیاردر ایرانی عبدالحسین بهمن در کویت، مزگت حسنین را در بیروت ساخت و با این پول برای خودش زندگی شاهانه تشکیل داد. گروه تروریستی حزب الله به دست آخوند علی اکبر محتشمی پور از دل جنبش امل بطور نامشروع به دنیا آمد. آغاز کار بدین گونه بود که در پی حمله اسرائیل به لبنان تعدادی پاسدار و بسیجی و لشکر ذوالفقار به لبنان اعزام شدند. در آن زمان چون فرستادن افراد بیشتر از طریق عراق و ترکیه غیر ممکن بود سپاه پاسداران در لبنان به آموزش جوانان لبنانی همت گمارد و بدین گونه حزب الله تشکیل شد. حزب الله در آغاز با یاری 2000 تن از افراد نیروی قدس به عملیات خرابکاری، گروگان گیری دست میزد. با انتخاب حسن نصرالله به دبیر کلی تبدیل به دستگاه عریض و طویلی شد که در لبنان باعث تغییر سیاست شد.

انفجار مقر تفنگداران دریایی آمریکا توسط جهاد اسلامی در بیروت

در 23 اکتبر 1983 میلادی، تروریست های حزب الله یک مأموریت صلح بانی بین المللی را در لبنان هدف گرفتند و خودروهای بمب گذاری شده انتحاری را به داخل مقر تفنگداران دریایی آمریکا در بیروت و یک تاسیسات نظامی فرانسوی در همان نزدیکی راندند و

منفجر کردند . اطلاعات از طبقه بندی خارج شده نشان میدهد که بمب گذاری ها به دستور جمهوری اسلامی انجام شده بود. چهار دهه بعد، این حملات با صدایی بلند در تهدیدات جدید حزب الله و دیگر اعضای شبکه نیابتی ایران تکرار می شود و مقامات ارشد و دیگر چهره های برجسته آنان هشدار می دهند اگر اسرائیل تلاش کند حماس را از غزه بیرون بیندازد یا هر کسی سعی کند مانع باز کردن جبهه های دیگر از سوی شبه نظامیان منطقه ای در جنگ جاری اسرائیل شود، نیروهای آمریکایی هدف گرفته خواهند شد. این هشدارها را نباید دست کم می گرفت چون تنها دو هفته از جنگ غزه گذشته، تاسیسات آمریکایی در عراق، سوریه، و جاهای دیگر از سوی نیروهای نیابتی هدف گرفته شده است.

در آن زمان ، صدیق النبولسی، مفسر وابسته به حزب الله در تلویزیون «الجدید» لبنان گفت که اگر آمریکا به اصطلاح «محور مقاومت» ایران را هدف بگیرد، آن وقت این گروه ها می توانند شناورهای دریایی آمریکا را در منطقه هدف بگیرند. النبولسی با اشاره

به حزب الله برای پرواز دادن پهپادها بر فراز میدان گاز طبیعی برون کرانه ای کاریش اسرائیل هشدار داد که پهپاد های این گروه می توانند به نحوی مشابه به ناو هواپیمابر یو اس اس جرال آر. فورد برسند. او در تهدیدات خود گفت : اگر از قدرت آتش خود علیه مقاومت لبنان یا محور مقاومت استفاده کنید، در و پنجره های جدیدی از جهنم به روی شما باز خواهد شد. من به آمریکایی ها می گویم: به یاد بیاورید در لبنان چه بر سرتان آمد، و چطور با عجله نیروهای خود را خارج کردید. وقتی پرسشگر از او سوال کرد که آیا اشاره ضمنی او به بمب گذاری های 1983 است، جواب داد: قطعاً، من حتی اشاره ضمنی نمی کنم.



حمله 1983 میلادی را سازمان جهاد اسلامی، یگان تروریستی حزب الله، انجام داد که طی آن صلح بانان آمریکائی و فرانسوی را که بخشی از «نیروی چندملیتی در لبنان» بودند، هدف گرفتند. ۲۴۱ تنگدار پرسنل دیگر آمریکایی، ۵۸ سرباز فرانسوی، و ۶ غیرنظامی

در آن انفجارها کشته شدند. شماری از عوامل حزب الله که حمله را هدایت کردند، بعد از آن ارتقاء رتبه یافتند و به رهبری سازمان جهاد اسلامی رسیدند؛ از آن جمله شکر فواد و حمید طلال. البته اسناد زیادی حکایت از رهبری سپاه پاسداران جمهوری اسلامی و شخص پاسدار اسماعیل عسکری دارد. در جریان این عملیات هزار کیلو گرم مواد منفجره با دو کامیون به داخل آسایشگاه های صلح بانان نیرو های چند ملیتی لبنان ، مخصوصا تفنگداران دریائی آمریکا فرستادند



قابل توجه آن است که این تنها یکی از سه عملیات چشمگیری بود که منافع آمریکا را در لبنان طی یک دوره یکسال و نیمه هدف گرفت. در 18 آپریل 1983 در یک حمله انتحاری به سفارت آمریکا در بیروت 63 تن از جمله 17 آمریکائی کشته شدند.



سفارت آمریکا پس از حمله

قربانیان اکثرا اعضای سفارت و سیا بودند.

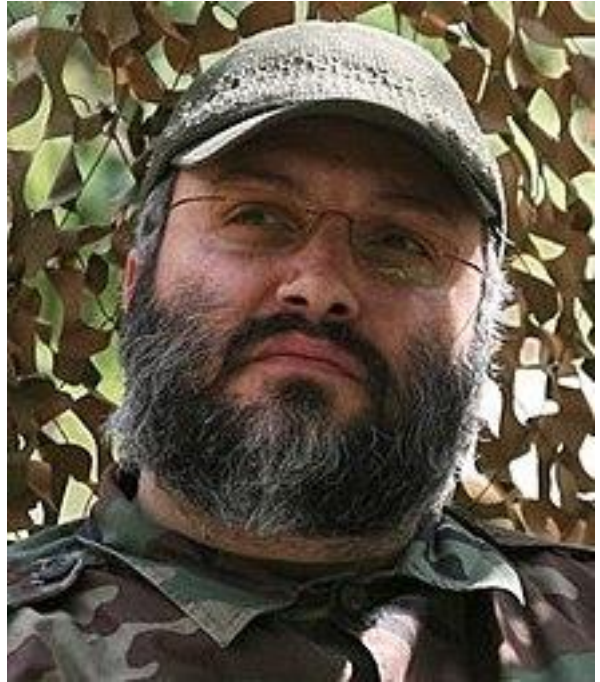
رئیس‌جمهور آمریکا رونالد ریگان حمله به مقر تفنگداران دریائی آمریکا را یک «اقدام نفرت‌انگیز» خواند و متعهد شد نیروی نظامی آمریکا را در لبنان حفظ کند. او در مورد حمله انتحاری به سفارت آمریکا نیز گفت: این یک بمب‌گذاری تبهکارانه تروریستی است. وزیر دفاع آمریکا، کاسپار واینبرگر در مورد حمله به مقر تفنگداران آمریکا گفت: تغییری در سیاست آمریکا در لبنان ایجاد نخواهد شد.

در تلافی این حمله، فرانسه به مواضعی در دره بقاع که به سپاه پاسداران جمهوری اسلامی تعلق داشت حمله هوایی کرد. رئیس‌جمهور ریگان نیز دستور حمله به پادگان شیخ عبدالله در بعلبک را صادر کرد. در این پادگان سپاه پاسداران به تروریست‌های حزب الله آموزش نظامی میداد. دستور ریگان بخاطر لابی‌گری وزیر دفاع واینبرگر انجام نشد. در این بین امین جمیل رئیس‌جمهور لبنان احساس همدردی عمیق خود و مردم لبنان را به آگاهی ریگان رساند. انفجار سفارت آمریکا نیز از سوی سازمان جهاد اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی انجام گرفت و طبق معمول رژیم آخوندی خود را مبری از هر عمل تروریستی خواند. سفارت آمریکا پس از حمله آپریل به منطقه به ظاهر امن در شرق بیروت انتقال یافت اما در 20 سپتامبر سال بعد یعنی 1984 مورد حمله انتحاری دیگری قرار گرفت که در جریان آن دو سرباز آمریکائی و 22 لبنانی کشته شدند.

سازمان جهاد اسلامی

سازمان جهاد اسلامی یک گروه شبه نظامی شیعه بود که توسط جمهوری اسلامی تامین مالی و لجستیکی میشد. آموزش‌های ترور و خرابکاری این گروه توسط سپاه پاسداران جمهوری اسلامی صورت میگرفت. این سازمان بنا به خواسته رژیم آخوندی خواستار خروج آمریکا از لبنان بود. این سازمان در سال 1989 میلادی اقدام به بمب‌گذاری در پرواز مک دامل داگلاس دی سی 10 772 از چاد به پاریس کرد که در جریان آن 170 مسافر و خدمه پرواز کشته شدند.

رهبر این گروه تروریستی عماد مغنیه عضو سابق نیروی 17 الفتح بود. محل فعالیت این گروه در دره بقاع و بعلبک بود.



عماد مغنیه

عماد مغنیه مشهور به حاج رضوان از فرماندهان کل نیروی حزب الله لبنان وابسته به جمهوری اسلامی بود. او در 12 فوریه 2008 میلادی در دمشق سوریه به هلاکت رسید.

او در 7 دسامبر 1962 میلادی در محله شیاح بیروت به دنیا آمد. برادرانش جهاد و فواد هر دو در درگیری با اسرائیل کشته شدند. او 13 سال داشت که جذب مبارزان فلسطینی اردوگاه های جنوب لبنان شد. او به نیروی 17 الفتح که کارش حفاظت از یاسر عرفات بود پیوست. در گام بعدی او مبادرت به تشکیل گروه تروریستی جهاد اسلامی کرد. عماد مغنیه در سال 1982 به ایران آمد و با آخوند روح الله خمینی دیداری هم داشت. او خود را شاگرد مصطفی چمران میدانست. با وجود سن کم تا هنگام مرگ او هشت فرزند داشت.

از اقدامات دیگر سازمان جهاد اسلامی ترور تیمسار غلامعلی اویسی و برادرش غلامحسین اویسی در پاریس بود.



حسن عبدالکریم نصرالله رهبر کشته شده حزب الله مردی بود از روستای البازوریه در شرق بیروت که همراه با خانواده فقیرش راهی پایتخت لبنان شد. پدرش میوه فروش دوره گرد بود که در منطقه کرنیتینا و محله سن الفیل در نزدیکی اردوگاه های آوارگان فلسطینی آلونکی اجاره کند. پس از مدتی او توانست دکان میوه فروشی کوچکی دایر کند که حسن و حسین برادرش هر روز پس از مدرسه به آنجا میرفتند تا کمکی به پدر کنند. فقر مطلق مادی و اندیشه هر بچه ای را با شعار های دهان پرکن انقلابی!! پیوند میداد. دوران ابتدائی را در مدرسه نجاح گذراند و سپس به مدرسه دولتی سن الفیل رفت. 15 سال بود که با کشته شدن تعدادی فلسطینی در اتوبوسی در عین الرمانه جنگهای داخلی لبنان آغاز شد. پدر حسن در آن شرایط خانواده اش را به جنوب لبنان نقل مکان داد. در نسوریه حسن و برادرش به دبیرستان دولتی صور رفتند. شهری که مرکز فعالیت های امام موسی صدر بود و با پیوستن حسن به جنبش امل پا به زندگی سیاسی - نظامی گذاشت. در آن زمان مصطفی چمران که با پول نظام پادشاهی ایران در صور هنرستانی بر پا کرده بود سید حسن را جذب کرد. در حسنیه صور سید حسن با آخوندی بنام محمد الغروی آشنا میشود و از او می

خواهد تا ترتیبی بدهد که او به نجف رفته و مثل موسی صدر مجتهد شود. آخوند غروی سیدحسن را پیش آخوند محمد باقر صدر به نجف می فرستد. توصیه دیگر غروی این بود که از مصطفی خمینی خواست از پدرش روح الله خمینی خرج تحصیل سید حسن را گرفته و به او بپردازد. در نجف سید حسن پس از آشنائی با مصطفی خمینی راه به بیت روح الله پیدا کرد. در 1978 میلادی رژیم عراق مبادرت به اخراج ایرانیان کرد که سید حسن هم جزو آنها بود. سید حسن به لبنان بازگشت و به عنوان مبلغ امام موسی صدر و جنبش محرومین به منبر رفت. غیبت امام موسی صدر در بیروت و پیروزی فتنه خمینی و اشغال ایران فصل تازه ای در زندگی سیدحسن نصرالله گشود. او به دستور اربابان دستار بند تهران به بعلبک رفت که با شیخ صبحی الطفیلی و عباس الموسوی و نعیم قاسم جناح طرفداران روح الله خمینی را در جنبش امل به وجود بیاورند.



صبحی الطفیلی



نعیم قاسم



عباس الموسوی

با حمله اسرائیل به لبنان بنا به دستور آخوند محتشمی پور آنها از جنبش امل بریده و حزب الله را تاسیس کردند. صبحی الطفیلی دبیر کل حزب الله شد و عباس الموسوی به ریاست شورای سیاسی، ابراهیم امین السید به ریاست دفتر اجرائی و سید حسن نصرالله معاون امین السید شد. در همین سال با زن اولش فاطمه یاسین آشنا و با او ازدواج کرد. از این زن صاحب 4 فرزند شد که پسر بزرگش هادی 18 ساله در مصاف با اسرائیلی ها کشته شد. به دنبال عزل آخوند حسینعلی منتظری از جانشینی خمینی، سپاه پاسداران در لبنان دست به تصفیه خونی طرفداران منتظری زد. الطفیلی نیز بخاطر پیوندش با منتظری برکنار شد و عباس الموسوی به دبیر کلی حزب الله رسید. در این زمان سید حسن نصرالله راهی ایران شد تا در لویزان آموزش نظامی و در قم آموزش مذهبی ببیند. در ایران به توصیه علی فلاحیان به بیت رهبری در خیابان پاستور راه پیدا کرد.



خامنه ای همراه با سید حسن نصرالله و گنده لات جنایتکار قاسم سلیمانی

پس از کشته شدن عباس الموسوی به دستور خامنه ای ، سید حسن به لبنان برگشت و با اینکه 32 سال بیشتر نداشت به دبیرکلی حزب الله منصوب شد. سید حسن توانست حزب الله را به مهمترین گروه سیاسی - نظامی لبنان با حمایت های بیدریغ جمهوری اسلامی که سفره مردم ایران را خالی و به جیب آنها واریز میکرد تبدیل کند. از زبان سید حسن نصرالله شنیده ایم که گفته : همه چیز ما را جمهوری اسلامی تامین می کند ، تا وقتی جمهوری اسلامی پول دارد ما هم داریم. با قتل رفیق الحریری توسط سوریه و سپس خروج ارتش سوریه از لبنان ، حزب الله در موقعیت سختی قرار گرفت . در یک نگاه به کارنامه

حسن نصرالله ، کاری که او با لبنان کرد جز ویرانی و آشوب و جنگ نبود . او کار را بجائی کشاند که ستایشگرانش را به منتقدین آتشین تبدیل کرد که همصدا با آمریکا و اسرائیل خواهان پایان یافتن نمایش حزب الله به دستور سید علی خامنه ای شدند. آنها خواهان محاکمه کسانی شدند که در راستای قدرت طلبی های سید علی خامنه ای ، لبنان زیبا را به ویرانه تبدیل کردند.

تاریخچه مختصر جنگ های بین اسرائیل و لبنان

پس از کشته شدن سید حسن نصرالله و جانشین او به همراه تمامی فرماندهان ارشد حزب الله در طرح نوین خاور میانه ای نیتانياهو و با اعلام آتش بس میان اسرائیل و لبنان ، ساکنان جنوب لبنان بخانه های خود بازگشتند. تا کنون چندین بار میان اسرائیل و لبنان جنگ روی داده که بدانها اشاره می کنم.

نخستین جنگ میان اسرائیل و لبنان در سال 1948 میلادی و پس از پایان جنگ جهانی دوم رخداد . زمانیکه اسرائیل در روز 14 می 1948 اعلام استقلال کرد ، فردای آن روز جنگ آغاز شد.



بشاره الخوری ، رئیس جمهور لبنان در حال نظارت بر عملیات نظامی جنگ اعراب با اسرائیل در سال 1948 میلادی

بر خلاف مصر ، اردن و سوریه که ارتش هایشان وارد اسرائیل شدند ، نظامیان لبنان در جبهه شمالی مستقر شدند تا جلوی پیشروی اسرائیل را در مناطق مرزی جنوب لبنان بگیرند. اسرائیل موفق به اشغال مناطقی از جنوب لبنان شد. یکسال بعد در پی مذاکرات آتش بس میان لبنان و اسرائیل ، اسرائیل روستاهای اشغال شده را ترک گفت. در این جنگ تلفات لبنان شامل نظامیان و غیر نظامیان به دو هزار تن و تلفات اسرائیل هجده تن بود.



سربازان اسرائیلی در بندر صیدا

پس از تشکیل دولت اسرائیل ، لبنان مقصد اصلی آوارگان فلسطین شد. با شکل گیری سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) این شبه نظامیان از خاک لبنان مشابه آنچه حزب الله انجام میداد به اسرائیل حمله میبردند. در سال 1978 میلادی بخاطر دست اندازیهای ساف ، اسرائیل به لبنان یورش برد . افراد مسلح ساف پس از پیاده شدن در اسرائیل ، سر نشینان یک اتوبوس را گروگان گرفتند. در جریان آزاد سازی مسافران اتوبوس 38 اسرائیلی به قتل رسیدند. پس از این جنایت ، نیرو های اسرائیلی وارد جنوب لبنان شدند و پس از یک اشغال دو ماهه و ایجاد یک منطقه حائل بین دو کشور از لبنان عقب نشستند.

در سال 1982 میلادی اسرائیل در جریان جنگ داخلی لبنان به این کشور حمله کرد.

هزاران سرباز اسرائیلی همراه با سدها تانک و خود رو زرهی از مرزهای لبنان گذشتند تا خاک لبنان را از وجود تروریست های ساف پاک کنند. اسرائیل از چندین جبهه وارد خاک لبنان شد و ظرف یک هفته به حومه بیروت رسید. این جنگ سه ماه طول کشید و در جریان آن بیست هزار لبنانی کشته شدند. تلفات اسرائیل در این جنگ 654 نظامی بود. پس از این جنگ بود که سازمان آزادی بخش فلسطین از لبنان خارج و به تونس رفت. با خروج سازمان آزادی بخش فلسطین ، جمهوری اسلامی ایران با ریخت و پاش بی حساب مالی و مایه گذاشتن جان جوانان خرد گم کرده ایرانی حزب الله را جایگزین ساف در لبنان کرد.

در آپریل 1996 میلادی نیرو های اسرائیلی در واکنش به موشک پرانی حزب الله وارد خاک لبنان شدند . این عملیات دو هفته طول کشید که توان آنرا مردم لبنان پرداختند ، نه حزب الله. در این حمله حتی یک سرباز اسرائیلی زخمی نشد ولی 250 تن لبنانی جان خود را از دست دادند .



جنگ 33 روزه جون 2006 میلادی

این جنگ در پی حملات موشکی حزب الله به اسرائیل آغاز شد . تروریست های حزب الله ضمن موشک باران کردن اسرائیل به داخل خاک اسرائیل رفته و به دو خود روی نظامی

یورش بردند. آنان هشت سرباز اسرائیلی را کشتند و دو تن را به گروگان بردند. در واکنش به این سبعیت حزب الله، ارتش اسرائیل به حملات گسترده هوایی دست زدو با آتش توپخانه هدف های متعددی در داخل لبنان را مورد حمله قرار داد. این جنگ 34 روز طول کشید. در این جنگ 1200 لبنانی و 165 سرباز و غیر نظامی اسرائیلی کشته شدند. پس از 34 روز با پذیرش قطعنامه 1701 شورای امنیت سازمان ملل آتش بس اعلام شد.

آخرین درگیری های لبنان و یا در حقیقت حزب الله با اسرائیل مربوط به سالهای 2023 و 2024 میلادی است. این درگیری ها از هشتم اکتبر سال 2023 و در پی حمله سازمان تروریستی حماس به دستور آخوند جنایتکار سید علی خامنه ای به اسرائیل شکل گرفت.

در جریان این درگیری ها، اسرائیل در حمله های هدفمند خود سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله را که سالها بشکل مخفیانه زندگی میکرد را کشت. در جریان حملات اسرائیل فرماندهان ارشد حزب الله از فواد شکر گرفته تا جانشین حسن نصرالله همگی کشته شدند.

روز 23 سپتامبر 2024 نیروی هوایی اسرائیل حمله های خود را به مواضع حزب الله در جنوب لبنان آغاز کرد و روز اول اکتبر همین سال نیرو های زمینی ارتش اسرائیل وارد لبنان شدند. در نهایت در روز 26 نوامبر، حزب الله و اربابان دستار بند آن در تهران بر سر آتش بس با اسرائیل به توافق رسیدند، و این زمانی بود که رهبر ناقص العقل و ناقص العضو جمهوری اسلامی برای طرفداران داخلی خود شعار: ما پیروز شدیم را سر میداد!

یکبار دیگر لبنانی ها 3800 تن را از دست دادند، هزاران تن مجروح و بیش از یک میلیون آواره پیامد توهمات سید علی خامنه ای برای نابودی و محو کردن اسرائیل از روی نقشه بود. از آن سوی 60 هزار تن اسرائیلی نیز که ساکن شمال اسرائیل بودند، آواره شدند. در جریان این جنگ هشت و نیم میلیارد دلار خسارت به جنوب لبنان وارد آمد. خساراتی که پیش از این جنگ و نزاع های قبلی بین حزب الله و اسرائیل تمامی از جیب مردم اسلام زده ایران پرداخت شده و میشود.

سمینار جهانی توطئه در لندن

جای تعجب نیست که انگلیس این پیر استعمار و حامی اسلام ناب محمدی در 8 آگست 1984 سینمار جهانی برای پیروزی فتنه خمینی و اشغال ایران توسط دستار بندان تازی پرست در لندن برگزار کند. در این سمینار گروهی واپسگرا ، آشوبگر و جنگ طلب گرد هم آمدند تا بار دیگر مسئله دارالسلام و دارالحرب را زنده کنند. شعار سمینار این بود که ما اینجا جمع نشده ایم تا از امام خمینی و علمای اسلامی مدح بگوئیم و یا آنها را تحسین کنیم ، زیرا حمد و ثنا ویژه خداوند است !! و حضرت امام خمینی هم نیازی به تعریف و تحسین ندارند !! چرا ؟ بخاطر اینکه ایشان به تکلیف اسلامی خود عمل می کنند. در جهان امروز کوچکترین جرقه نور کافی است تا دنیا را که در تاریکی بسر میبرد !! خیره سازد. انقلاب اسلامی ایران لمحہ ای از نور نبود که مغلوب تاریکی شود !! اشغال لانه جاسوسی (سفارت آمریکا) نشان داد که انقلاب اسلامی یک واقعیت اعجاب انگیز و تحسین بر انگیز است . اینکار باعث شد تا ما در موسسه اسلامی احساس کنیم که بعد از زمستانی سرد و طولانی و تاریک برای مسلمانان جهان ، بهار تجدید حیات و قدرت !!! فرا رسیده است.

انقلاب اسلامی ایران کاملاً بخود متکی بود !! زیرا اسلام یک حقیقت تام است !! انقلاب اسلامی ایران خود حقیقت است !! حقیقت اسلام تنها خاص جمعیت کم و پراکنده حجاز نبود . این حقیقت باید تمام گیتی را در بر گیرد !! بدین ترتیب یک مقابله جهانی بین کفر و اسلام اجتناب ناپذیر است. و ما باید خود را برای چنین رویارویی آماده کنیم.

(برآستی در زمان برگزاری این توطئه جهانی سرویس های اطلاعاتی کشورهای غربی کجا بودند؟)

این نشان دهنده اهمیت رویارویی با استعمار و امپریالیسم برای ما مسلمانان است!! امروزه جهان بسوی یک درگیری جهانی بین حق و باطل و کفر و اسلام پیش می رود!! امروزه تمدن غرب به مثابه چتر وحدت کافران در آمده است ، تمدنی که به نابودی شخصیت جامعه انسانی !!! جهانی منجر شده است. غرب به تکنولوژی خود مینازد و ما مسلمانان باید در بوته آزمایش واقعی آنها دفن کنیم !!! آنها دانش ما را ربودند و بنام خود خواندند !!!

غرب میراث خوار تمدن اسلامی ماست !! این یک بدبختی ظالمانه است !! اکنون قدرت سیاسی کافران باید مورد آزمون قرار گیرد . مظاهر قدرت در غرب تمامی نشان از فساد درونی دارد !! غرب امروز دیگر واژه خاصی در محدوده جغرافیائی نیست !! فلسفه کشورهای که خود را ابر قدرت می نامند پوچ و بی ریشه است !! فلسفه وجودی آنها فاقد

موازن اخلاقی است !! اخلاق را باید در جامعه های سنتی مسلمانان و در مساجد جستجو کرد !!!! با اطمینان میگوئیم که تحصیلکرده های غربگرا در اختیار کافران در جوامع مسلمانان هستند !! آنها بجای اینکه منافع مسلمانان را تامین کنند ، منافع غرب را پاسدارند !! هیچ رهبر غربی وجود ندارد که در جهت واژگونی دنیای ضد مذهبی تلاش کند!! و حقانیت اسلام را بپذیرد !! بطور کلی تمام حکومت های قومی بخشی از خانه جهانی کفر هستند!! دنیا نیاز به جامعه بدون طبقه اسلامی دارد!!!! حکومت باید از آن الله باشد !!

حکومت های فعلی هیچکدام به جریان اصلی اسلام مرتبط نیستند!!! حتی چهل کشور مسلمان !! ما امروز باید شجاعانه با ایثار جان و مال دنیا را به بهشت اسلامی تبدیل کنیم !!!! تنها مرزی که ما در دنیا می شناسیم مرز کفر و اسلام است !! مرز کشورها بی معنی است !! اگر در کشورهای مسلمان عنصر فاسدی دیدیم باید او را از ببریم ! قطع عضو کوچک و فاسد تنها راه نجات امت اسلام از زمین گیر شدن است. این طبیعی است که اسلام از روز تشکیل پدر را مقابل فرزند و شوهران را در مقابل همسرانشان قرار داد !! اگر در خانواده عنصر فاسدی پیدا شود باید او را جراحی کرد !!!!توده های مسلمان هرگز اسلام را رها نخواهند کرد !! انحراف مربوط به گروه کوچکی از تحصیلکرده هاست !! انقلاب اسلامی ایران اولین شکست جهانی کفر است . جمهوری اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی نشان داد که میتوان علف های هرز کفر را خشک و نابود کرد !!! انقلاب اسلامی ایران یک حرکت جهانی و بین المللی است که ریشه ظلم را می خشکاند!!!! مردم ایران نباید از حکومت الله انتظارات زیادی داشته باشند !!!! آنچه برای ما مهم است عملکرد جمهوری اسلامی ایران در مقابل کفر است!! پیروزی انقلاب اسلامی در حقیقت شکست غرب به دست اسلام است!! اجازه دهید تا نخستین دست آوردهای پیروزی انقلاب اسلامی را فهرست وار بیان کنیم: شکست کامل کفر در تمام ابعاد سیاسی- اقتصادی و نظامی. ناسیس یک نظام اسلامی . تبدیل یک جامعه جاهلی !!!! به جامعه مترقی اسلامی !!!! و پی گیری آشتی ناپذیر در جنگ با کفار !!!!!

شاید باورتان نشود که این یاوه ها و تهدید ها در بیخ گوش کشور های اروپائی در لندن تربیون جهانی پیدا کرد و پخش شد و کوچکترین واکنشی از هیچ ارگان و مقام دولتی این کشورها بگوش نرسید. زمانیکه چکیده گفتار در روز اول و افتتاحیه به آگاهی شما رسید پرداختن به روزهای کنگره و پانل های مختلف آن که تنها بوی خون و مرگ و اغتشاش میدادند ضروری نیست. در راستای صدور انقلاب و به ناآرامی کشیدن خاورمیانه و دنیا موسسه اسلامی لندن ششمین کنگره سالیانه خود را در هتل اینتر نشنال لندن تحت عنوان "

آینده حرمین " با 500 شرکت کننده از 40 کشور جهان در چهار روز برگزار کرد. در این سمینار از مسلمانان جهان خواسته شد که مکه را از سلطه خاندان سعودی آزاد کنند!!! جالب اینجا بود که دولت فخیمه انگلیس در مقابل خاندان سعودی ، مصر و ترکیه به طرفداری از موسسه اسلامی لندن بر آمد. روزنامه ملیت چاپ ترکیه شرکت کنندگان در سمینار را اعضای حزب الله و سر سپردگان جمهوری اسلامی شناسائی کرد. مجله عراقی الدستور چاپ لندن نیز این فتنه را زیر سر جمهوری اسلامی ایران دانست. در این سمینار توصیه شد که : گروهی از علما به کلیه نقاط جهان سفر کنند و ماهیت و وضع خطرناک حرمین تحت سلطه سعودی ها را برای امت اسلامی تشریح کنند. کنفرانس های محلی و منطقه ای در نقاط مختلف جهان برگزار شود و امت اسلام را از خطر سلطه آل سعود بر مکه و اماکن مقدس مدینه گوشزد کنند. کمیسیونی از علما و معماران اسلامی تشکیل شود تا نسبت به تخریب اماکن مذهبی توسط آل سعود تحقیق کنند!!! نظارت سیاسی پس از سرنگونی آل سعود بر حرمین !! توسط حکومتی اسلامی مشابه جمهوری اسلامی ایران !!!!

در این سمینار از جهاد اسلامی در سراسر جهان به ویژه در لبنان ، فلسطین و افغانستان حمایت شد. شرکت کنندگان خواستار حذف سعودی از نام کشور عربستان شدند. این سمینار امام خمینی را نماینده واقعی اجرای اسلام اصیل میدانند!!!!

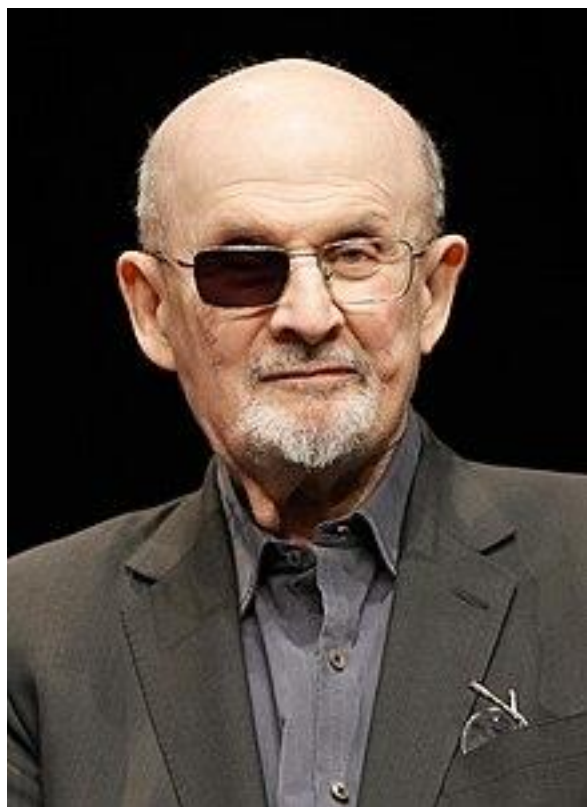
ماجرای سلمان رشدی و پیامد های آن

زمانیکه در ساعت 6 صبح روز شنبه 29 مرداد 2696 مادی برابر با 1989 میلادی رسماً میان ایران و عراق آتش بس اعلام شد و نیروهای ناظر سازمان ملل در مرز دو کشور مستقر شدند و چندی بعد هیت جمهوری اسلامی به نمایندگی علی اکبر ولایتی با طارق عزیز و همراهان او ملاقات کردند که جای تاسف بسیار بود ، چون در هیت جمهوری اسلامی مشتکی لومپن و منگول که کوچکترین دانشی در زمینه سیاسی و حقوقی نداشتند با تیم طارق عزیز که همگی کارشناس و متخصص بودند وارد مذاکره شدند. در کنار ولایتی متخصص اطفال ، آخوند حسن روحانی و حسن حبیبی وزیر دادگستری حضور داشتند. حاصل مذاکره بخاطر ضعف هیت اعزامی جمهوری اسلامی با بهانه تراشی و کارشکنی عراقی ها همراه بود و در مرحله نخست عراق از پرداخت خسارت طفره رفت . در چنین شرایطی آخوند روح الله خمینی کودن دست به عمل دیگری زد که ایران را نزد جهانیان

منزوی تر ساخت. اعلام فتوای قتل سلمان رشتی بخاطر نوشتن کتاب آیات شیطانی در 25 بهمن همان سال که واکنش جهانی علیه جمهوری اسلامی به همراه داشت. دود این اقدام ابلهانه طبق معمول به چشم مردم ایران رفت. خمینی وژن از دایناسورهای مسلمان خواست: مولف کتاب آیات شیطانی که علیه اسلام و پیامبر و قرآن مطلب نوشته و چاپ کرده به همراه ناشر کتاب محکومک به اعدام میباشند!! از مسلمانان غیور می خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتید ، سریعاً اعدام کنید!! تا دیگر کسی جرات نکند به مقدسات ما مسلمانان توهین بکند. بدانید هرکسی در این راه کشته شود ، شهید محسوب میشود!!

روز بعد از این فتوا ، بنیاد شهید در جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی یک میلیون دلار جایزه برای قاتل سلمان رشتی تعیین کرد! در اولین اقدام علیه این حرکت جنون آمیز احمقانه تمام کشور های اروپائی و کانادا سفیران خود را از ایران فرا خواندند. آخوند سید علی خامنه ای در نماز جمعه دانشگاه گفت : اگر سلمان رشتی توبه کند ، بخشیده میشود که روح الله خمینی نسبت به این حرف خامنه ای واکنش تند نشان داد و گفت : اگر سلمان رشدی زاهد زمان هم بشود ، بر هر مسلمان واجب است او را به درک واصل کند. در 14 اسفند همان سال انگلیس بطور کامل روابط سیاسی اش را با ایران قطع کرد. پس از انگلیس ، فرانسه نیز که با انگلیس دو کشور عضو مهم بازار مشترک اروپا بودند با جمهوری اسلامی قطع رابطه کرد. سید علی خامنه ای برای به دست آوردن دل روح الله خمینی در سفر به یوگسلاوی تند تر از روح الله خمینی راجع به ضرورت اعدام سلمان رشدی سخن گفت. آخوند علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی نیز برای اینکه از خمینی و خامنه ای عقب نماند اظهار داشت : بر هر فلسطینی واجب است در اذای هر کشته فلسطینی ، پنج آمریکائی ، فرانسوی و یا انگلیسی را بکشد!! منافع آمریکا را در جهان بخطر بیندازد! هوایما های آنان را ربوده و با کلیه سرنشینان آن منفجر کنند!! (سخنان آخوند رفسنجانی در نماز جمعه دانشگاه تهران ، 15 اردیبهشت 1368 خورشیدی)

پس از این سخنرانی دولت هلند که سفیر خود را به تازگی به تهران فرستاده بود ، فرا خواند. روشن است که سود تمام این حرکات ابلهانه و جاهلانه به صدام حسین میرسید. این سخنان باعث شد تا دبیر کل سازمان ملل موضع خود را از پشتیبانی جمهوری اسلامی تغییر دهد.



احمد سلمان رشدی نویسنده بریتانیایی هندی الاصل ، نخستین بار با کتاب بچه های نیمه شب به شهرت رسید و جایزه ادبی من بوکر را دریافت داشت. آیات شیطانی چهارمین اثر او بود که مورد استفادۀ روح الله خمینی برای به انحراف کشیدن شکست مفتضحانه اش در جنگ ایران و عراق آنهم برای مصرف داخلی بود. با نوشتن این کتاب که بمراتب بسیار سنگین تر از آن توسط زنده یاد دکتر مسعود انصاری و نویسندگان دیگر نگاشته شده بود ، مورد غضب آخوند خمینی قرار گرفت و این آخوند جنایتکار حکم قتل او را صادر کرد. سلمان رشدی بخاطر این فتوای احمقانه سالیان دراز در خفا زندگی کرد. این نویسنده عضو انجمن پادشاهی ادبیات انگلستان است و در این راستا نشان شوالیه از پادشاه انگلستان دریافت کرده است. سلمان رشدی از سال 2000 میلادی در آمریکا و در نیویورک زندگی می کند. در آگست 2022 میلادی در آمریکا یک دایناسور مسلمان بنام هادی مطر 24 ساله با چاقو به او حمله کرد و جراحات سنگینی بر او وارد ساخت. پس از این حمله او یک چشم و کنترل یک دستش را از دست داد. جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی یک هزار متر زمین باارزش را در ایران را به هادی مطر اهداء کرد!

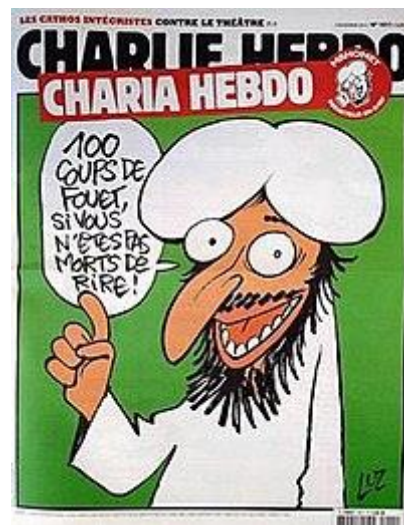
سلمان رشدی در 19 جون 1947 میلادی در شهر بمبی هندوستان به دنیا آمد . او در یک خانواده مسلمان چشم به دنیا گشود و چون مورد اذیت هندو ها قرار می گرفتند به پاکستان

مهاجرت کردند. سلمان رشدی در 14 سالگی راهی انگلستان شد. او مدرک کارشناسی تاریخ را از کالج کینگ، کمبریج دریافت کرد.

به عقیده برنارد لوئیس، خمینی فتوای قتل سلمان رشدی را بر اساس حدیثی از پیامبر اسلام، محمد صادر کرده که در این حدیث از قول محمد گفته شده: **هرکسی به من توهین کند و مسلمانی آنرا بشنود، باید شخص توهین کننده را بکشد!!** مصطفی مازح از اعضای حزب الله لبنان از جمله کسانی بود که به فرمان روح الله خمینی برای کشتن سلمان رشدی اقدام کرد و در هنگام بمب گذاری در هتلی در مرکز لندن با انفجار نابهنگام بمب کشته شد.

تهدیدهای خمینی باعث شد تا شرکت بریتیش ایرویز و ایر کانادا از سفر سلمان رشدی با هواپیماهای خود جلوگیری کنند. در سال 1991 میلادی، هیتوشتی ایگراشی مترجم کتاب آیات شیطانی در تسوکوبا، ایباراکی و در دانشگاهی که تدریس میکرد به دست اسلام گرایان ترور و به قتل رسید. مترجم ایتالیائی کتاب آیات شیطانی در میلان ایتالیا مورد ضرب و شتم و ضربات چاقو مسلمانان قرار گرفت. ویلیام نیگارد، ناشر نروژی هدف سوء قصد قرار گرفت و بشدت زخمی شد. در سیواس ترکیه اسلام گرایان سی و هفت تن را که برای سخنرانی عزیز نسین مترجم کتاب آیات شیطانی در هتلی جمع شده بودند، زنده زنده سوزاندند و کشتند.

این فتوای غیر انسانی خمینی، پیامدهای ننگین تری نیز داشت و آن قتل نویسندگان و کاریکاتوریست های شارلی ابدو در 2010 میلادی بود که دنیا را در شوک فرو برد.



مجله فرانسوی شارلی ابدو، یک مجله فکاهی چپ گرای فرانسوی است که چهارشنبه هر هفته منتشر میشود. این مجله به نقد مسیحیت، یهودیت و اسلام می پردازد که در سالهای

2010، 2015 و 2020 میلادی هدف حملات تروریستی قرار گرفته است. تمام این حملات در پاسخ به انتشار کاریکاتورهای زنجاره، گردنه زن و جنایتکار اسلام روی داده است. در حمله دوم دایناسورهای مسلمان 12 تن از کادر تحریریه مجله کشته شدند. مهاجمان پس از کشتار و به هنگام خروج از دفتر نشریه ترسناکترین کلمه دوران یعنی "الله اکبر" را فریاد زده و گفتند: انتقام محمد را گرفتیم !!! پس از این ترور رعب انگیز چاپ نشریه نه تنها متوقف نشد بلکه تیراژ آن به هشت میلیون نسخه رسید.



محل حادثه، لحظاتی پس از ترور 7 ژانویه 2015 میلادی



کارکنان شارلی ابدو که کشته شدند.



چند کاریکاتور از سید علی خامنه ای که در مجله شارلی ابدو انتشار یافته است.



جمهوری اسلامی پس از خمینی و ادامه راه صدور انقلاب اسلامی

سید علی حسینی تبریزی (خامنه ای) فرزند سید جواد تبریزی ملقب به میرزای تبریزی در آستانه فتنه خمینی ، روحانی جوانی بود که در جمع بچه مذهبی های مشهد و تهران شناخته شده بود. در آن زمان شهرت برادرش محمد که لیسانس حقوق بود خیلی بیشتر از او بود. پدر سید علی ، ملای مشهدی در یک خانه سد متری در خیابان های جنوب شهر مشهد زندگی میکرد. سیدعلی و خواهرش بدری همراه پدرشان روزهای جمعه به حرم امام رضا میرفتند که اینکار معمولی نبود و آخوند های دیگر با خانواده در ملاء عام ظاهر نمی شدند. سیدعلی ، جوان باریک اندامی بود با قد بلند و دارای دوستانی بود نظیر عباس واعظ طبسی ، و هاشمی نژاد ، دانی محمد علی ابطحی یار غار محمد خاتمی . آنها در دوران طلبگی همدرس بودند. سیدعلی هیچگاه نتوانست ره به کلاس استاد های فقه مطرح آن زمان مثل آخوند دامغانی و آخوند میرزای آشتیانی ببرد. آمد و شد سیدعلی به بیت آخوند حسن طباطبائی و یا آخوند میلانی و آخوند احمد کفانی بیشتر بخاطر دوستی با آقازاده های آنها بود نه کسب دروس مذهبی. سید علی خامنه ای صدای خوشی داشت و در مجالس روضه خوانی مرثیه می خواند.



فرتور سیدعلی خامنه ای ، ردیف دوم ، وسط در جمع دستگیر شدگان ساواک



سیدعلی خامنه ای

در جریان آتش زدن سینما رکس آبادان ، سیدعلی خامنه ای با نام مستعار حاج عبدالله رابط هیت متلفه اسلامی با گروه تروریستی شهاب بود. در این خصوص میتوانید به کتاب سینمارکس آبادان فاجعه ای که مردم ایران و دنیا باید بدانند نوشته نویسنده این کتاب مراجعه کنید.

سید علی خامنه ای از سن هجده سالگی به جمع شنوندگان سخن های مسموم محمد تقی شریعتی ، پدر فریبکار بزرگ علی شریعتی در آمدو راه به سیاست باز کرد. سید علی خامنه ای در کوتاه زمانی که به قم رفت با سید هادی خسرو شاهی، حجتی کرمانی و رضا صدر آشنا شد. از آنجائی که سید علی اهل شریعت نبود خیلی زود جذب علی شریعتی و افکار او شد. او در مراجعت به مشهد با دختر یک بازاری مشهد بنام خجسته ازدواج کرد .

او هر بار که روی منبر میرفت در ضدیت با نظام شاه فقید داد سخن میداد و یکی دوبار تیمسار بهرامی به دادش رسید و موجب آزادیش شد. سیدعلی خامنه ای در مشهد با برپائی کلاس تفسیر قرآن جائی در بین بچه محصل ها و تعداد کمی دانشجو باز کرد. یکی از کسانی که پای ثابت این جلسه بود عباس سلیمی نمین سردبیر کیهان هوائی زمان شاه فقید و مدیر فعلی مرکز پژوهشهای تاریخی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بود.

در جریان فتنه خمینی ، سید علی خامنه ای بر خلاف هاشمی رفسنجانی ، موسوی اردبیلی ، مهدوی کنی ، مطهری و منتظری در جمع مریدان و نزدیکان خمینی نبود. اگر او را در مدرسه رفاه می دیدید ، بیشتر سرگرم صحبت با چپی ها ، ملی – مذهبی ها بود و گاهی به حیاط مدرسه میرفت و پیپ می کشید.

ای جلو گیری از نفوذ بیگانه



آیت الله خامنه ای از زبان: آیت الله خامنه ای

کلام: کشفیه، چهره‌های سبزه، سبزه
در آن سال بسیار زیاد بود و همه از
ویناچ آن سال بهیچ سطح هستند.
پس از واقعه خونی بازنه‌های خرد
ما ۱۳۴۱ هجری خورشیدی را می بینیم
است. خرمال زنده بارداشت و
ساز: زندهای ختم وای خانی در زندان
بود و پس از آزادی از زندان بار
دیگر است به سوزان سیاسی
سوز: گشادهای زنده و ۵ سال
۱۳۴۲ خلی در عرض ۱۲ سال
ازاد داشت.

تجهیزات نظامی در سطح بسیار بالایی قرار دارد و وسایلی و
تجهیزات نظامی متعددی که اکنون در اختیار ارتش ایران هستند در
جهان کم نظیر می باشد اما هر کس که این امر باید به این حقیقت هم
توجه داشت که در حالیکه ما از اینها تکنیک و تخصصی به خودکامی
ترسیم نمی توان اطمینان داشت که بتوانیم این کارهای و نظام
تسلحاتی را بدون کمک کشورهای خارجی دارای تکنیک و
پیشرفته حفظ نموده و ادامه دهیم
✽ از لحاظ امنیت های اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی تر جهت
حفظ ارتش از نفوذ خرمال بیگانه به اقدامی به عمل آورده اند
چ ما ضد اطلاعاتی ارتش را بازسازی کرده ایم و این
بازسازی هر بار با تصفیه بوده است و این بازسازی بر مبنای این
فلسفه بسیار روشن انجام گرفته که که یک واحد رزمی بودن داشتن
پوشش پنهانی که از رویای ماچ داشتن و هر کس را می بیند شرف
ثروت کار فانی ارائه دهد و چشم پنهان چیزی جو نمکند
اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی نیست.
✽ از نظر تجهیزات ایمن و تکنیک در ارتش و بین نظامیان چه
اطلاعاتی انجام داده اند
✽ ما رویه عمومی را در داخل یک سازمان تربیت بسیار
مفیدی به نام اداره سیاسی اینترفونیک حل کرده ایم و روابط
عمومی داریم اما نه مثل گذشته که در جهت تثبیت شخص فعالیت
و تبلیغ گند بلکه در خدمت جدایی سیاسی، اجتماعی و یک

لایه در صحنه نظامی بوده است و اما
خانی و توانایی و طایفه من به عنوان یک
مرد می توانم ردایت باشد اما هر مورد
مردی داشته ایم، همیشه بافت و ساخت
مانی می توانیم یکسان بوده است می باشد تا
اسلامی و یک نظام توحیدی پیرو
بی اطلاعاتی و ساختار با نظام توحیدی
است چه در دوران حیات آیت الله کاشانی
که هنوز نیمه کاره هستند و برای آنکه
نه عمل پوشش نیز به زمان پیشین
مردی طرح های فرا مدت تا حد ممکن
می در ارتش از میان نرفته رفت با به
از بین نرفته رفت بلکه سلسله مراتب
به به فاکتورهای عمومی، سیاسی،
اینهمه خواهد شد ممکن است که در
ت وجود داشته باشد کاری که ما
تست که این اطلاعات را می توانیم تربیت
ازاد داشته ایم بهیچ وجه پس ما با نانی
اطلاعاتی نخواهیم کرد بلکه با ایجاد

✽ در مورد تصفیه در ارتش میا و شرایط کار بر چه اساسی
است.
چ تصفیه در ارتش دارای شرایطی است که از مهمترین آن
کارهای فرو گرفتن در جهت انقلاب اسلامی و دور بودن از اهداف
اطلاعی است با این صیغه تصفیه را هر کس مرتباً در ارتش اصلاح
کرده و خواهیم کرد
✽ در مورد اقدام سپاه پاسداران با ارتش تصفیه اتفاق شده
است.
چ در حلق حاضر اسلام سپاه پاسداران با ارتش شکن پانز
نیست سپاه پاسداران وظیفه و ریای دارند که در وضع کنونی
نمی توانیم انجام این وظایف را به ارتش محول کنیم
✽ به عنوان یک عضو شورای انقلاب نظر خود را در مورد
گروه های آمریکایی در خدمتگاه آمریکا و اینکه آیا محاکمه
می شود یا نه بیان کنید.
چ در این مورد باسی نظر شورای انقلاب و وزیر امور
خارجیه که خود ایشان نیز عضو شورای انقلاب هستند اعلام شود.
✽ اگر دکتر پاشی، ای انسن می نمود و صادق طباطبائی
کاتیدای ریاست جمهوری بودند شما به همکاری ای می نمود
چ من به کاتیدای که از طرف حزب جمهوری اسلامی ایران
تعیین شود ریای نخواهم داد
✽ سالات سید - وقت صحبت است است گفتند با



سید علی خامنه ای با تعدادی از ارتشی هائی که مخالف شاه فقید بودند و یا به هنگام فتنه خمینی پشت به وطن کردند دوستی و نزدیکی داشت ، نظیر تیمسار مسعودی ، امیر رحیمی ، سرتیپ مجلی و قره نی و بعدا به عنوان نماینده خمینی و معاون وزارت دفاع در زمان مهدی بازرگان منصوب شد، حلقه ای از افسران جوان منجمله نامجو ، فکوری ، صیاد شیرازی ، آشتیانی ، سلیمی ، صالحی و.... را دور خود جمع کرد.

در دوران ریاست جمهوری سیدعلی خامنه ای درگیری او با سید حسین موسوی منجر به جانبداری خمینی از موسوی شد. در جریان فتوای قتل سلمان رشتی ، وقتی سید علی خامنه ای گفت : اگر سلمان رشتی توبه کند ، بخشیده میشود ، خمینی توی دهان او زد. در جریان عزل آخوند حسین علی منتظری ، سخن از شورای رهبری بود که سید علی خامنه ای در کنار احمد خمینی و هاشمی رفسنجانی قرار گیرد. در آن زمان هیچگاه بحث رهبر شدن سیدعلی خامنه ای مطرح نشده بود. طرح شورای رهبری سرانجامی نداشت تا اینکه صحنه برای شعبده بازی هاشمی رفسنجانی آماده گشت. با بیان وصیت شفاهی – جعلی خمینی که فقط هاشمی رفسنجانی شنیده بود !! و مهدوی کنی آنرا تکرار کردو گفتند : وقتی این سید جلیل را دارید ، دنبال کسی نگردید . ورق برگشت و با روی کار آمدن سیدعلی خامنه ای

سقوط همه جانبه اقتصادی – سیاسی – عاطفی – آموزشی – بین المللی رقم خورد. با سیاست های غلط و بچگانه سید علی خامنه ای روز به روز وضع معیشتی مردم خرابتر و خرابتر شد و اکثر مردم به زیر خط فقر سوق داده شدند. فساد کشور را فراگرفت و سرکوب معترضان شکل ترسناک بخود گرفت. این زمانی بود که در حوزه علیمه قم 22 تن ، در حوزه مشهد 2 تن و در سایر نقاط ایران 16 آخوند بر سید علی خامنه ای ارجعیت داشتند تا به مقام رهبری برسند . در قانون اساسی جمهوری اسلامی ذکر شده : رهبر باید از بین مراجع تقلید انتخاب شود و سیدعلی خامنه ای مرجع تقلید نبود.

کسانی که بر سید علی خامنه ای ارجعیت داشتند عبارت بودند از : در مشهد آخوند حسن طباطبائی قمی ، آخوند فلسفی ، آخوند شیرازی و درقم : آخوند منتظری که جانشین خمینی بود و با توطئه او را حذف کردند ، آخوند وحید خراسانی ، آخوند فاضل لنکرانی ، آخوند بهجت ، آخوند صادق روحانی و.... رده بعدی شامل آخوند موسوی اردبیلی ، آخوند صافی گلپایگانی ، آخوند ناصر مکارم شیرازی، آخوند صائعی و...

زمانی که کروبى ، موسوى ، توسلى و احمد خمینی سرگرم خاک کردن خمینی بودند ، هاشمی رفسنجانی با شامورتی بازی از 54 نماینده مجلس از کل 72 تن حاضران برای خامنه ای رای مثبت برای رهبری گرفت. پس از این ماجرا دو معاون سابق وزارت

اطلاعات ، یعنی محمدی گلپایگانی و اصغر حجازی که همه کاره دفتر خامنه ای بودند ، در گوشش خواندند که : اگر میخ ولایت را محکم نکوبید ، علی اکبر هاشمی رفسنجانی قالیچه خلافت را از زیر پای شما می کشد. توطئه کار ساز شد و رهبر متوهم تسلیم . برنامه غرق کردن هاشمی رفسنجانی در استخر کوشک پیاده و او را از صحنه سیاسی رژیم آخوندی حذف کردند. توطئه دیگر، نابودی سید احمد خمینی بود. خیلی زود اطرافیان خامنه ای را مثنی لومپن سپاهی و در راس آنها پاسدار محمود احمدی نژاد پر کردند. کسانی چون حسین شریعتمداری سر دبیر روزنامه حکومتی کیهان کنار خامنه ای جمع شدند که تفاله چای او را از ته استکان جمع و برای درمان بیماران به قیمت گزاف می فروخت! بزودی سید علی خامنه ای به مالیخولیای توطئه دچار شد که تمام سران کشورها نقشه قتل و نابودی او را کشیده اندو هر ناکارآمدی که بخاطر بی کفایتی او و اطرافیانش در امور کشور پیش می آمد ، تمامی آنها را به حساب دشمن خارجی گذاشت. سیدعلی خامنه ای بر روی تمام ارگان های مملکت دست انداخت تا جائی که در هیچ کشوری نمی توانید بیا بید که شاه و یا رئیس جمهور امکانات و قدرت او را داشته باشند. سید علی خامنه ای به راحتی میلیارد ها دلار را به گروه های تروریستی عرب میدهد بدون اینکه با مجلسیان صحبتی کرده باشد. او بکرات و هر بار ده میلیون دلار تنها به خالد مشعل رئیس شورای سیاسی حماس و سدها میلیون دلار به مقتدی صدر داد . به دستور او میلیارد ها دلار صرف نگهداری بشار اسد در سوریه شد که ظرف یک هفته همگی دود و به هوا رفت.

در چنین شرایطی بستر آلوده به فساد در جمهوری اسلامی پذیرای آخوند پلیدی شد بنام محمد تقی مصباح یزدی.



این آخوند بد کردار بدسرشت که پنج سال از سید علی خامنه ای بزرگتر است در یزد به دنیا آمد . پدرش رفو گر جوراب بود و از آنجائیکه دستش می لرزید و چشمانش کمسو . جورابها را بخانه میبرد تا همسر روستائی اش آنها را تعمیر کند. محمد تقی علیرغم فقر شدید به مدرسه میروید . بنا به توصیه دوست پدر محمدتقی او را برای طلبگی به مدرسه شفیعیه یزد می فرستند. در این مدرسه معلم محمد تقی ، آخوند محقق رشتی است که علاوه بر علوم دینی ، ادبیات و زبان فرانسه را به او می آموزد. بعدها او بنیانگذار و رئیس موسسه آموزشی و پژوهشی خمینی شده ، عضو مجلس خبرگان ، شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضو جامعه مدرسان حوزه علمیه قم و چند پست دیگر میگردد. او از مهره های تند رو در حذف مخالفان جمهوری اسلامی بود . آخرین پست او انتخاب او برای مجلس خبرگان از سوی مردم خراسان بود که پیش از رفتن به مجلس فوت می کند.

سید علی خامنه ای در خاطراتش ذکر کرده که مصباح یزدی هرگز توسط ساواک دستگیر و یا زندانی نشد، چون بسیار ملاحظه کار بود. رابطه سید علی خامنه ای با مصباح یزدی تا زمان رهبر شدن خامنه ای بسیار تیره و تار بود. مصباح یزدی در مورد خامنه ای گفته بود : آقای خامنه ای حتی یک صفحه رسائل را بدون اعراب نمی تواند از رو بخواند. جالب اینجاست ، بمحض اینکه با شعبده بازی هاشمی رفسنجانی ، خامنه ای رهبر شد ، مصباح یزدی شروع به ستایش از او نمود . او ولایت فقیه را روح انقلاب و مشخصه حکومت ملایان میدانست. او باور داشت که رئیس جمهوری که حکم از دست رهبر میگیرد در فرمانبرداری و اطاعت از او به مثابه اطاعت از الله عمل می کند !! او از حامیان اسلام

بنیادگرا و طیف اصولگرا بود . مصباح یزدی آخوندی متعصب ، قدرتمند ، لجوج مثل مرشدش سید علی خامنه ای بود . او بود که فرمان قتل روشنفکران و دگر اندیشان را صادر میکرد، که به قتل های زنجیره ای معروف شد. او همچنان در جریان قتل های محفلی کرمان حضور پر رنگ داشت. او دشمن قسم خورده دموکراسی بود . در دهه هفتاد خورشیدی تنها آخوند مورد اعتماد خامنه ای بود . مصباح یزدی قرارگاه عمار را برای سرکوب کردن اعتراضات سراسری 1388 خورشیدی دایر کرد. از مصباح یزدی به عنوان یکی از بزرگترین عامل ارباب و سرکوب در جمهوری اسلامی یاد می کنند.

در مورد جنایات این آخوند بد کردار میبایستی به دوران کودکی و نوجوانی او نظری انداخت و از نحوه بزرگ شدن و بکرات مورد تجاوز قرار گرفتنش توسط محقق رشتی بازنگری نمود.

در مورد تعریف و تمجید از سید علی خامنه ای او بارها گفته بود : رهبر جمهوری اسلامی فراتر از لیاقت مردم ایران است !! یا گفته دیگر او : مخالفت با ولی امر مسلمین حضرت آیت الله خامنه ای ، نوعی شرک است !! درست مثل اینکه با خدا و اهل بیت کسی مخالفت کند!! او در مرداد 1399 خورشیدی در دیدار با خامنه ای خواست که پاهای خامنه ای را ببوسد که به پابوس خامنه ای معروف شد. مصباح یزدی از حامیان اصلی محمود احمدی نژاد بود . در مورد احمدی نژاد گفته بود : انتخاب آقای احمدی نژاد مشحون به کرامات و معجزات بود . امام زمان هم برای انتخاب ایشان دعا کرده بود!!! . پس از آنکه احمدی نژاد علیرغم مخالفت سید علی خامنه ای ، اسفندیار رحیم مشائی را انتخاب نمود ، روابط مصباح یزدی با احمدی نژاد تیره شد. از دید مصباح یزدی جمهوری اسلامی بزرگترین نعمتی بود که الله به مردم ایران داد!!! او برای غیر مسلمانان هیچ حقوق شهروندی قائل نبود و در ضمن پیروان اهل سنت و سنی ها را مسلمان نمی شناخت. او خواهان تبلیغات در بین سنی ها بود که آنها را از سنی گری بسوی شیعه گری بکشانند. او خواهان اعدام هاشم آغا جری به جرم اهانت به امامان شیعه شد. مصباح یزدی بود که اعدام حبیب الله آشوری برای نوشتن کتاب توحید را پیش آورد.

این آخوند فریبکار و جنایتکار در سخنانی احمقانه معتقد بود که در جریان جنگ 33 روزه حزب الله با اسرائیل سربازان اسرائیلی با مردانی با لباس سفید و شمشیر می جنگیدند ، از این روی قدرت پیشروی نداشتند!!! زمانی که این آخوند بدکاره در پی مشکلات حاد گواشی در دیماه 1399 خورشیدی درگذشت ، سید علی خامنه ای و محمد محمدی ری

شهری، در تهران . علم الهدی در مشهد. حسین نوری همدانی در قم بر پیکر او نماز خواندند. پیکر ناپاک این آخوند را در قم به خاک سپردند.

در جمع ناپاکان آن زمان ما مهره های مخوفی چون محمود احمدی نژاد تیر خلاص زن ، علی احمدی مقدم ، مهدی نصیری ، حسین الله کرم ، دکتر زارعان ، حسن عباسی تنوریسن سوپر گاو اسلامی ، علی سعیدلو ، هاشمی ثمره ، عبدالرسول عبودیت ، مبشری و... وجود داشتند و دارند. سعید امامی در محضر مصباح یزدی فنون و رموز جنایت را آموخت. آخوند ها غروی و غرویان نوچه های مصباح یزدی بودند که احکام قتل دگر اندیشان را به بچه های وزارت اطلاعات میدادند.

محور مقاومت در رهبری سید علی خامنه ای

همانطوریکه بیش از این نوشتم ، مسئله صدور انقلاب نکبت بار اسلامی به زمان خمینی و پیروزی فتنه او بر میگردد.

ریشه های ایدئولوژیک این محور حتی به قبل از پیروزی فتنه خمینی در سال 1979 میلادی بر می گردد. در آن زمان خمینی ، فلسطین را به عنوان نقطه مرکزی ایدئولوژیک خود در نظر گرفت و با توسعه شبکه فراملی از ایده ها و افراد تکامل یافت و به محور و به نیرویی تاثیرگذاری در منطقه تبدیل شد. نیروئی که برای سران جمهوری اسلامی خواب خلیفه گری اسلامی در منطقه و چه بسا دنیا را به دنبال داشت.



سیاستگذاران و رسانه‌های غربی، محور مقاومت را به عنوان یک «شبکه تروریستی» می‌شناسند و آن را تهدیدی برای ثبات در خاورمیانه می‌دانند که گروه‌های تشکیل دهنده محور مقاومت در عمل چنین برداشتی را تأیید کردن که نمونه آشکار آن حمله حماس در ماه اکتبر 2023 میلادی به اسرائیل بود.

پس از ترور سید حسن نصرالله در 28 سپتامبر 2024 میلادی، جو بایدن، رئیس جمهور وقت آمریکا، حمله هوایی اسرائیل به حومه جنوبی بیروت را ستود و آن را حمله‌ای به «گروه‌های تروریستی مورد حمایت ایران» و «حکومت وحشت» آن‌ها توصیف کرد. مقامات اسرائیلی این محور را اختاپوس می‌نامد و می‌گویند «ایران سر اختاپوس است و شاخک‌های آن را از حوثی‌ها گرفته تا حزب الله و حماس تشکیل داده‌اند.

پس از آنکه وزیر دفاع اسرائیل فلسطینیان را «حیوانات انسان‌نما» خواند، نویسنده کتاب از آنها به عنوان دایناسورهای مسلمان یاد می‌کند (توماس فریدمن، ستون‌نویس نیویورک تایمز، این محور را «انگل مهاجم» توصیف کرد. او ضمن توجیه و تقلیل نسل‌کشی اسرائیل، نوشت که ایران یک زنبور انگلی است و حوثی‌ها، حزب‌الله، حماس و کتائب حزب‌الله تخم‌های آن هستند و نتیجه‌گیری کرد: ما هیچ راهبرد متقابلی نداریم که این انگل را نابود کنیم بدون اینکه کل جنگل به آتش کشیده شود.

نشریه «میدل ایست آی» در گزارشی به قلم محمد عطایی، استاد تاریخ دانشگاه ماساچوست تولد محور مقاومت از دل آرمان فلسطین را شرح داده و گفته چگونه این جنبش در چهار دهه گذشته از پس جنگ‌ها و اختلافات داخلی برآمده و به جنبشی تبدیل شده که با وجود ترور بسیاری از سران گروه‌های محور مقاومت، همچنان زنده و پابرجاست.

محور مقاومت پس از سال 1979 میلادی و طی چندین رویداد مهم در جریان فتنه خمینی در سال‌های 1978-1979 میلادی در ایران، حمله عراق به ایران در سال 1980 و حمله اسرائیل به لبنان در سال 1982 ظهور کرد.

عراق، تحت ریاست جمهوری صدام حسین، از گسترش فتنه خمینی در هراس بود و اسرائیل نگران یک محور نوظهور سازمان آزادی بخش فلسطین و ایران در لبنان بود.

این تهاجم‌ها که به دنبال مهار فتنه خمینی در داخل مرزهای ایران بود، ایران را به سمت سوریه سوق داد و بذر محور مقاومت را همان جا پاشید. بنابراین، برخلاف روایات رایج

باید بدین نکته توجه نشان داد که شکل‌گیری محور مقاومت در کنار یک اقدام توسعه‌طلبانه از یک اقدام تدافعی بین ایران و سوریه نیز سرچشمه می‌گیرد.

در آن زمان، ایران و سوریه نگرانی‌های ژئوپلیتیکی مشترکی در مورد جاه‌طلبی‌های صدام حسین در منطقه داشتند. آن‌ها از سقوط لبنان به دست رژیم‌های عربی مانند اردن و مصر که اسرائیل را به رسمیت شناخته بودند، می‌ترسیدند.

بین این دو کشور، دشمنی با اسرائیل به نقطه مشترک ایران و سوریه تبدیل شد.

در جون 1982 میلادی، اسرائیل به لبنان حمله کرد و طی آن نزدیک به 50000 لبنانی و فلسطینی کشته شدند. این تهاجم توانست سازمان آزادیبخش فلسطین را از لبنان بیرون کند، اما آن را با مقاومت مسلحانه قدرتمندتری با نام جهاد اسلامی و حزب الله جایگزین کرد. این آغاز ظهور مقاومت اسلامی در هر دو حوزه لبنان و فلسطین بود. در این مورد قبلاً اشاره کرده بودم.

حزب الله از دل مقاومت لبنان و فلسطین در برابر تهاجم اسرائیل بیرون آمد و توانست تا سال 1985 میلادی ارتش اسرائیل را از بیروت و بیشتر خاک لبنان در جنوب بیرون کند.

همکاری ایران و سوریه با فراهم کردن پایگاه‌ها، آموزش نظامی و تسلیحات، در موفقیت حزب الله در برابر ارتش اسرائیل، که منجر به خروج اسرائیل از لبنان در سال 2000 میلادی شد، بسیار مهم بود.

این دستاوردها در جون 2006 میلادی، زمانی که اسرائیل در پی دستگیری سربازان اسرائیلی توسط حزب الله در یک حمله فرامرزی، به منظور مبادله آن‌ها با اسرای لبنانی در اسرائیل، حمله همه‌جانبه‌ای را به لبنان آغاز کرد، به اوج خود رسید.

اسرائیل ارتش خود را به لبنان سرازیر و اعلام کرد که تا زمانی که حزب الله را سرکوب نکند، جنگ متوقف نخواهد شد. سی و سه روز بعد، اسرائیل با آتش‌بس موافقت کرد.

سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) در تشکیل حزب الله تأثیرگذار بود. برخی از رهبران کلیدی آن، مانند عماد مغنیه یا ابو حسن سلامه، در اصل اعضای فتح بودند.

سلامه، اهل جبل عامل در جنوب لبنان، نمونه‌ای از نفوذ اولیه فتح بر حزب الله، از جمله تعهد استوار این حزب به مقاومت مسلحانه فلسطین بود.



ابو حسن سلامه



عماد مغنیه

ابو حسن سلامه به عنوان فرمانده حزب الله از سال 1982 میلادی تا زمان ترور وی توسط اسرائیل در سال 1999 میلادی، مقاومت را در جنوب سازماندهی کرد و از سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف)، حماس و جهاد اسلامی حمایت گسترده ای کرد.

گردان های عزالدین قسام، شاخه نظامی حماس و گردان های سپاه قدس جمهوری اسلامی، شاخه مسلح جهاد اسلامی، از طریق همکاری با محور مقاومت، به طور پیوسته توانایی ها و تخصص های نظامی خود را توسعه داده اند و به چالشی اساسی برای ارتش اسرائیل تبدیل شدند.

مسلسل هایی که زمانی برای عقب نشینی اسرائیل از غزه استفاده شده بود به زرادخانه هایی شامل فناوری موشکی تبدیل شد که می توانست تا تل آویو و فراتر از آن برود. ارتقای چنین قابلیت های نظامی ناشی از همکاری طولانی با ایران، سوریه و حزب الله بود که در زمینه توسعه موشک ها و پهپادها با حماس و جهاد اسلامی تخصص داشتند.

این توانایی در نبردهای مختلف، به ویژه در نبرد 11 روزه در سال 2021 میلادی به نمایش گذاشته شد.

از سال 2000 میلادی، محور مقاومت در کانون جنگ ها و درگیری های منطقه گسترش یافت. حمله آمریکا به عراق در سال 2003 میلادی و حمله داعش در سال 2014 میلادی، چندین گروه شبه نظامی عراقی را وارد محور مقاومت کرد.

پس از انقلاب 2011-2012 میلادی در یمن، انصار الله قاطعانه در کنار محور مقاومت قرار گرفت و با حزب الله، حماس و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روابط خود را توسعه داد. با این حال، آرمان فلسطین، در تقاطع جهان گرایی اسلامی و آزادی خواهی جهان سومی، عامل وحدت بخش در میان بازیگران مختلف محور مقاومت باقی مانده بود.

تاریخ محور مقاومت مخلوطی از تنش‌ها و درگیری‌های زیاد بر سر سیاست بین‌عربی و درگیری میان گرایش‌های پان‌عرب، چپ و اسلام‌گرایی بازیگران آن بوده است.

در مقاطع دشوار، ایران، سوریه، حزب‌الله و حماس از هم جدا شدند و حتی با هم برخورد کردند و شایعات و گمانه‌زنی‌هایی را در مورد از بین رفتن قریب‌الوقوع شراکت‌هایشان به وجود آمد.

در طول سال‌های شکل‌گیری روابط ایران و سوریه در دهه 1980 میلادی، اختلافاتی بین حافظ اسد، رئیس‌جمهور سوریه و روح‌اله خمینی بر سر موضوعات مختلفی از جمله پیوند ایران با عرفات و مخالفان اسلامی در سوریه، بر سر حزب‌الله و امل در لبنان و جنگ ایران و عراق ظاهر شد.

دستاربندان در ایران با اخوان‌المسلمین همدردی کردند و روابط خود را با گروهی از اخوان‌المسلمین در سوریه حفظ کردند که اسد را نگران کرد. حمایت آخوند‌های ایران از جنبش‌های سنی لبنان و حزب‌الله منجر به تنش‌های بزرگی بین دمشق و تهران بر سر لبنان شد.

اسد در ابتدا نسبت به حزب‌الله بی‌اعتماد بود و می‌ترسید که اخوان‌المسلمین در سوریه را تقویت کند و از دشمن ارشدش عرفات حمایت کند. اسد همچنین نسبت به نفوذ ایران در لبنان که به نظر او حیاط خلوت سوریه بود، ابراز نگرانی می‌کرد.

در طول دهه 1980 میلادی، اختلافات بین دمشق و تهران، حزب‌الله را در مسیر درگیری با سوریه قرار داد و منجر به قتل عام 28 تن از اعضای حزب‌الله توسط ارتش سوریه در سال 1987 میلادی شد.

در همان زمان، رقابت و درگیری بین حزب‌الله و امل که طرفدار سوریه بود نیز وجود داشت، زیرا امل می‌ترسید که جایگاه خود را در جامعه شیعه از دست بدهد. درگیری حزب‌الله و امل که به «جنگ برادران» معروف شد، در اواخر دهه 1980 میلادی ادامه داشت تا اینکه سوریه و ایران در سال 1990 میلادی توافقی را بین دو گروه لبنانی امضا کردند.

با تحکیم شراکت تهران و دمشق در دهه 1990 میلادی، حمایت ایران از نیروهای مقاومت فلسطین و لبنان به طور فزاینده‌ای با اتحاد آن با سوریه مرتبط شد. بنابراین، یک دهه طول کشید تا تهران و دمشق به همزیستی مسالمت‌آمیز برسند و بسیاری از انتظارات در مورد فروپاشی این مشارکت را نقش بر آب کنند.

با این حال، در پی حمله آمریکا و سرنگونی صدام حسین در عراق در سال 2003 میلادی، تنش‌ها بین تهران و دمشق بر سر دیدگاه‌های متفاوت آن‌ها برای نظم سیاسی پس از صدام ظهور کرد.

سوری‌ها خواهان ایفای نقش حزب حاکم سابق بعث بودند، در حالی که ایران فعالانه آن را تضعیف می‌کرد. یک دشمن مشترک از بین رفته بود و گمانه‌هایی را در مورد از بین رفتن احتمالی شراکت ایران و سوریه ایجاد کرد. با این حال، این شراکت دوام آورد و توانست بیش از انتظارات ظاهر شود.

با قیام‌های عربی پس از سال 2010 میلادی که به بهار عربی مشهور شد، محور مقاومت با یکی از چالش‌برانگیزترین بحران‌های خود مواجه شد؛ زمانی که اعتراضات ضد رژیم، سوریه را فرا گرفت و این کشور به سمت جنگ داخلی تبدیل شد. سرکوب معترضان و مخالفان سیاسی در سوریه و نقش بعدی ایران، به مشروعیت هر دو رژیم ضربه زد.

در اوایل سال 2012 میلادی، حماس بی‌سروصدا پایگاه خود در سوریه را ترک کرد و وجود گسلی را در محور مقاومت بر فراز سوریه آشکار کرد.

با نظامی‌شدن اعتراضات در سوریه و تبدیل‌شدن به جنگ با مجموعه‌ای از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، حزب‌الله در اوایل سال 2013 میلادی به دخالت در جنگ سوریه مبادرت ورزید.

حزب‌الله به دلیل نادیده گرفتن نقش مقاومتی خود در برابر اسرائیل و ورود به جنگ داخلی در سوریه، هم در داخل لبنان و هم در سرتاسر منطقه با واکنش شدیدی مواجه شد.

از نظر اسد، حماس به او خیانت کرد و در کنار دشمن اصلی او، اخوان المسلمین قرار گرفت. در یک لحظه شکاف در سراسر منطقه، که به نظر می‌رسید فرقه‌ای باشد، از دست دادن حماس یک شکست بزرگ برای محور مقاومت بود. با این حال رابطه حماس با ایران و حزب‌الله قطع نشد.

حتی شاخه نظامی جنبش، گردان‌های عزالدین قسام، از طریق همکاری با نیروی قدس سپاه پاسداران جمهوری اسلامی و حزب‌الله به تقویت توانایی‌های خود ادامه داد.

طی چند سال، نقش میانجی‌گری گنده لات قاسم سلیمانی، رهبر سابق نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حسن نصرالله رهبر حزب‌الله، روابط بین سوریه و حماس را احیا کرد و با سفر رهبری حماس به دمشق در سال 2022 میلادی به اوج خود رساند.

این تلاش‌ها زمانی آشکار شد که ایالات متحده، هم در دوران ترامپ و هم بایدن، به شدت به دنبال پیمان ابراهیم برای ایجاد یک خاورمیانه جدید با محوریت عادی‌سازی روابط با اسرائیل بودند. این پیمان، در واقع صلح اسرائیل با فلسطینی‌ها را با عادی‌سازی روابط اسرائیل از جمله خاندان‌های حاکم بر عربستان سعودی، بحرین و امارات جایگزین می‌کرد.

با این حال، اقدامات جنون آمیز حماس در 7 اکتبر که با کارگردانی سپاه پاسداران و شخص سید علی خامنه ای، نه تنها پیمان ابراهیم را از مسیر خود خارج کرد، بلکه محور مقاومت را نیز احیا کرد. البته حیاتی که زیاد دوام نیاورد. حملات سهمگین اسرائیل به نوار غزه و نابودی در سد بالائی از تروریست های حماس پیآمد عمل احمقانه دستار بندان تهران و رهبران مزدور حماس بود. در گام بعدی سران و فرماندهان حزب الله در جریان تک های هدفمند اسرائیل کشته شدند.

آرزوی بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل برای خاورمیانه جدید و احیای پیمان ابراهیم، خیلی زودتر از تصور به واقعیت نزدیک شد.

در طول چهار دهه گذشته، محور مقاومت به یک نیروی مهم شکل‌دهنده چشم‌انداز سیاسی خاورمیانه تبدیل شده بود. پایان این محور که از تضادها و پارادوکس‌های فراوان خود در منطقه‌ای ناآرام خاور میانه بخاطر آتش افزوزی های جمهوری اسلامی جان سالم بدر برده بود غم انگیز و عبرت برانگیز بود.

در روزهای منتهی به تهاجم سال 1982 میلادی به لبنان، رافائل ایتان، رئیس وقت ستاد ارتش اسرائیل، باور داشت که اسرائیل «یک ماشین نظامی خوب روغن کاری شده و آماده دارد. چرا از آن استفاده نکنیم؟ بعد ها اسرائیل از این ماشین نظامی بخوبی استفاده کرد و با آن حماس و حزب الله را زمین گیر نمود

عملیات گروه های نیابتی جمهوری اسلامی در غرب

خبرگزاری «رویترز» با انتشار یگ گزارش تحقیقی به نقش گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی در جنگ با اسرائیل در کشورهای غربی پرداخته است و نمونه‌های مختلفی از همکاری حکومت ایران با باندهای جنایت‌کار حرفه‌ای برای ترور، تهدید، و ربایش مخالفین تهران، را شرح می‌دهد.

با تشدید درگیری میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، تهران با راهاندازی موجی از حملات و آدمربایی در کشورهای اروپایی و آمریکایی در ایجاد ناامنی داشته و دارد. واشنگتن و متحدانش از افزایش شدید چنین توطئه‌هایی که مرتبط با جمهوری اسلامی است، آگاهی دارند

خبرگزاری رویترز در بررسی اسناد دادگاه و اظهارات عمومی مقامات دولتی دریافته است که از سال 2020 تا 2024 میلادی، دستکم 33 طرح ترور یا آدمربایی در غرب صورت گرفته است که مقامات محلی و اسرائیلی آنها را به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند

یکی از این طرح‌ها حمله به ساختمانی در شهر آتن، پایتخت یونان، بود که یک مرکز یهودی و رستوران کوشر در آن قرار دارد

سید فخر عباس، تبعه پاکستانی مقیم ایران، با استخدام یکی از آشنایان قدیمی خود که ساکن یونان بود، به او دستور داد تا به این ساختمان حمله کند. عباس به این فرد گفت که با گروهی کار می‌کند که برای هر قتل 15 هزار یورو می‌پردازد

بررسی ارتباطات در شبکه پیام‌رسان «واتس‌آپ» نشان می‌دهد که آنها اوایل سال 2023 میلادی درباره استفاده از مواد منفجره یا به آتش کشیدن این ساختمان گفت‌وگو کرده بودند.

عباس از این فرد می‌خواهد تا مدارک مستدل و کافی برای اثبات تعداد تلفات ارائه کند تا برای دریافت دستمزد دچار مشکل نشوند. او بدون اشاره به اینکه با چه گروه یا سازمانی کار می‌کند، می‌خواهد که عملیات به گونه‌ای انجام شود که رضایت کارفرما را جلب کند

نتایج تحقیقات پلیس که شامل سدها صفحه اسناد و مدارک، پیام‌های ردوبدل شده، اظهارات مقام‌های امنیتی، و شهادت شاهدان است، نشان می‌دهد که چگونه عباس در یک فرآیند طولانی تلاش می‌کند تا سید ارتضا حیدر، هموطن پاکستانی خود را جذب و از او برای طراحی و حمله به این هدف در شهر آتن استفاده کند.

مقامات یونانی سال گذشته حیدر و یک پاکستانی دیگر را بازداشت کردند و گفتند که آنها ضمن ارتباط با یک شبکه تروریستی در خارج از این کشور، قصد داشتند تا با اجرای

عملیاتی در آتن موجب «خسارت انسانی» شوند. این دو فرد با اتهامات مرتبط با تروریسم در یونان مواجه هستند ولی خود را بیگناه معرفی می‌کنند.

حیدر که بهار امسال با محدودیت‌هایی از بازداشت موقت آزاد شد، می‌گوید که خلافی انجام نداده است. او به رویترز می‌گوید که تصاویری از ساختمان را برای عباس فرستاد ولی هیچ اقدامی انجام نداد و فقط امیدوار بود که بدون آسیب رساندن به سایرین دستمزد دریافت کند.

وکیل حیدر نیز می‌گوید که او «هرگز به صورت قابل توجهی» در فعالیت‌های غیرقانونی شرکت نکرد و اقدام عملی انجام نداده است.

متهم پاکستانی دیگر به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخی نداده است. عباس، آمر عملیات، با اتهامات مرتبط با تروریسم مواجه شد و در پاکستان نیز به ظن قتل تحت تعقیب است، با این حال از موقعیت او اطلاعی در دست نیست.

پلیس یونان از اظهار نظر خودداری می‌کند و این پرونده در انتظار تصمیم مقامات قضایی برای انجام محاکمه است.

سازمان «موساد»، سرویس اطلاعاتی اسرائیل، که در تحقیقات در یونان کمک کرد، می‌گوید که این عملیات توسط جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی شد و بخشی از یک شبکه چند ملیتی ترور است که توسط حکومت ایران هدایت می‌شود. دولت اسرائیل از اظهار نظر در مورد این پرونده یا سایر فعالیت‌های موساد خودداری کرد.

هرچند که تهران، ادعای موساد را رد می‌کند، ولی روش‌های عملیاتی این طرح با الگوهای مطابقت دارد که در برخی دیگر از توطئه‌های منتسب به جمهوری اسلامی دیده می‌شود.

این عملیات قرار بود توسط آدم‌کشان غیرایرانی اجرا شود که برای این منظور استخدام شدند و هدف حمله غیرنظامیان اسرائیلی یا یهودی بود.

رویترز موفق به پیگیری دست‌کم دو مورد مشابه دیگر شده است که ظاهراً مرتبط با اتباع پاکستانی است.

اهداف توطئه‌های انتسابی دیگر به جمهوری اسلامی شامل مقامات ارشد آمریکایی، روزنامه نگاران ایرانی، و یا منتقدین حکومت ایران، در خارج از کشور است

کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا، و نامزد حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، اخیراً گفت که سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا آگاهی‌هایی را در مورد «تهدیدهای واقعی و خاص ایران برای ترور او» در اختیار آنها قرار داده است

برت هولمگرن، مدیر موقت مرکز ملی ضد تروریسم، یک سازمان هماهنگ‌کننده اطلاعاتی ایالات متحده، می‌گوید که از سال 2020 میلادی جمهوری اسلامی به‌صورت چشمگیری توطئه‌های مرگبار علیه مقامات پیشین ایالات متحده، مخالفان ایرانی، یهودیان، و اهداف اسرائیلی، در داخل و خارج آمریکا را تشدید کرده است

تهران نیز همچنین رقبای خود را به اقدامات تروریستی متهم می‌کند و به کشته شدن اعضای ارشد نیروهای امنیتی خود توسط اسرائیل و ایالات متحده اشاره کرده است

نماینده‌ی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد، امیر سعید ایروانی در نیویورک به رویترز گفته است تهران «هیچ قصد یا برنامه‌ای برای مشارکت در عملیات ترور یا آدم‌ربایی در غرب یا هیچ کشوری» ندارد!!!



امیر سعید ایروانی . مزدور دروغگو و نماینده دائمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل

اودر ادامه می‌افزاید که چنین ادعاهایی «ساختگی» است و با هدف «انحراف توجه از جنایات رژیم اسرائیل در غزه» مطرح می‌شود!!

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، در طول سال‌ها بارها خواستار نابودی اسرائیل شده است. تهران از سوی آمریکا و سیاستمداران غربی به «یهودستیزی» متهم شده است. جمهوری اسلامی می‌گوید که به یهودیت احترام می‌گذارد اما با اسرائیل مخالف است.

افزایش توطئه‌های منتسب به جمهوری اسلامی در غرب در بحبوحه تشدید تنش‌ها میان ایران و اسرائیل صورت می‌گیرد

جمهوری اسلامی اخیراً در پاسخ به حملات هوایی و زمینی اسرائیل به حزب‌الله لبنان که حسن نصرالله، رهبر این گروه، و تعداد دیگری از رهبران ارشد آن را کشت، با ده‌ها موشک بالستیک به اسرائیل حمله کرد.

اسرائیل همچنین اعلام کرد که طرح ترور شخصیت‌های برجسته در این کشور را که توسط جمهوری اسلامی حمایت می‌شد، خنثی کرده است.

آدم‌کش‌های اجیرشده توسط جمهوری اسلامی

گزارش رویترز از توطئه‌های جمهوری اسلامی شامل حوادثی است که ادعا می‌شود یا مشخص شده است که توسط حکومت ایران سازمان‌دهی، توسط آن انجام، یا از طریق شخصی در ایران، یا دارای روابط نزدیک با تهران، هدایت شده است.

موارد اشاره شده در این گزارش احتمالاً بسیار کمتر از تعداد واقعی است زیرا فقط شامل مواردی است که مقامات رسمی آنها را به جمهوری اسلامی مرتبط کردند.

متیو لویت، مدیر برنامه مبارزه با تروریسم در اندیشکده «موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک»، می‌گوید که برخی از دولت‌ها به دلیل ملاحظات دیپلماتیک در متهم کردن علنی جمهوری اسلامی به این توطئه‌ها محتاط هستند.



دیوید بارنیا، مدیر موساد

دیوید بارنیا، مدیر موساد، سال گذشته گفت که سازمان اطلاعات اسرائیل در آن سال با شرکای بین‌المللی خود برای مقابله با 27 گروهی که سعی در انجام حملاتی در خارج از این کشور را داشتند، همکاری کرده است.

به گفته او این حملات به یهودیان یا اسرائیلی‌ها توسط جمهوری اسلامی «سازمان‌دهی، طراحی، و انجام می‌شد». اسرائیل از ارائه جزئیات این طرح‌ها خودداری کرد.

یکی از روندهای کلیدی در میان توطئه‌های ادعایی که توسط رویترز بررسی شده است، استفاده از آدمکش‌های اجیرشده، از جمله اعضای گروه‌های جنایت‌کار و باندهای تبه‌کار، است.

واشنگتن و متحدانش می‌گویند این برون‌سپاری تلاشی برای پنهان کردن ارتباط عملیات با جمهوری اسلامی است.

در ماه آذر گذشته دادگاهی در آلمان یک مرد ایرانی آلمانی را به اتهام برنامه‌ریزی برای آتش زدن یک کنیسه از طرف جمهوری اسلامی به دو سال و نه ماه زندان محکوم کرد

او پس از بررسی شرایط امنیتی در اطراف این کنیسه در شهر «بوخوم» به طرف ساختمان کوکتل مولوتوف پرتاب کرد. این مرد ایرانی آلمانی در دادگاه عالی منطقه‌ای در شهر «دوسلدورف» به جرم خود اعتراف کرد

تحقیقات نشان داد که او نیز مانند پرونده آتن، توسط فردی در ایران برای حمله به کنیسه استخدام شده است که در دو پرونده قتل غیرمرتبط با این حمله، در آلمان تحت بازجویی قرار دارد

در اسناد دادگاه گفته می‌شود که این مرد مقیم ایران از «سازمان‌های حکومتی ایران» دستور می‌گیرد.

پلیس ضد تروریسم یونان با انتشار بیانیه‌ای از دستگیری 7 تن به اتهام حمله به هتل و رستوران تحت مالکیت یک شهروند اسرائیلی و یک کنیسه در مرکز آتن طی سال جاری میلادی خبر داد

طبق بیانیه، یک زن 25 ساله یونانی، دو ایرانی 46 ساله و 36 ساله، و یک افغانی 44 ساله به دلیل حمله با بمب آتش‌زا به هتل و رستوران تحت یک مالکیت شهروند اسرائیلی دستگیر شده‌اند

این چهار تن متهم به ایجاد حریق شده‌اند که جان انسان‌ها را به خطر انداخت و همچنین با انگیزه‌های نژادپرستانه به اموال شهروندان غیر یونانی آسیب وارد کرده‌اند

بیانیه پلیس ضد تروریسم یونان می‌افزاید که طی حمله‌ای جداگانه در روز 29 خرداد سال جاری (2024 میلادی)، یک شهروند 44 ساله یونانی و یک فرد 26 ساله افغانستانی، سوار بر موتور در نزدیکی یک کنیسه در آتن با پرتاب مواد آتش‌زا به ورودی کنیسه مزبور باعث ایجاد حریق شدند. طبق بیانیه، یک شهروند 30 ساله ایرانی نیز در همین ارتباط دستگیر شده است

از جمله اتهام‌های این سه تن، آتش‌سوزی، حمل اسلحه و سرقت عنوان شده است.

پلیس ضد تروریسم یونان همچنین از کشف و ضبط شواهدی از جمله تلفن‌های همراه در یک اقامت گاه در آتن و همچنین در زندان خبر داده است.

پنج تن از دستگیرشدگان بازداشت و دو تن دیگر تحت محدودیت‌هایی تا زمان محاکمه آزاد شده‌اند.

در آمریکا از سال 2020 دست‌کم پنج پرونده ترور یا آدم‌ربایی مرتبط با جمهوری اسلامی توسط دادستانی مطرح شده است.

دادستان‌های ایالات متحده اخیراً یک مرد پاکستانی را که به گفته آنها روابط نزدیکی با جمهوری اسلامی داشته است، در ارتباط با تلاش خنثی شده برای ترور یک سیاستمدار یا مقام دولتی آمریکایی، متهم کردند.

این عملیات پاسخی به کشتن قاسم سلیمانی، از برجسته‌ترین فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی، توسط ایالات متحده در ژانویه 2020 میلادی بود.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا، و نامزد حزب جمهوری‌خواه در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، از اهداف بلقوه این فرد مظنون بود.



در اسناد دادگاه گفته می‌شود که فرد مظنون با نام آصف مرچنت، پس از اینکه مدتی در ایران اقامت داشت، در ماه ژوئیه (تیر) از پاکستان وارد آمریکا شد تا برای اجرای این طرح توطئه آدمکش استخدام کند.

آصف ماه گذشته میلادی به اتهام تلاش برای ارتکاب تروریسم و پرداخت پول برای قتل بازداشت شد.

پس از کشته شدن قاسم سلیمانی، علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، گفت که انتقام سختی در انتظار «جنایت‌کاران» است!!

با این حال دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل به رویترز می‌گوید که سیاست تهران این است که به‌صورت قانونی افراد مسئول «ترور» قاسم سلیمانی را تحت پیگرد قانونی قرار دهد!!

یکی دیگر از توطئه‌های قتل با استفاده از آدمکشان استخدام شده در آمریکا، مسیح علینژاد، روزنامه‌نگار ایرانی -آمریکایی، و از منتقدان جمهوری اسلامی، بود

دادستان‌های ایالات متحده ادعا می‌کنند که اعضای یک گروه جنایت‌کار اروپای شرقی به دستور فردی در ایران برای ترور مسیح علینژاد تلاش کردند

ظاهراً یک تبعه جمهوری آذربایجان و مقیم آمریکا، دستوراتی را از این فرد ساکن ایران، و همچنین مبلغ 30 هزار دلار، دریافت کرده است



خالد مهدی‌اف، تبعه جمهوری آذربایجان

دادستان‌ها می‌گویند که این مرد تبعه جمهوری آذربایجان با یک تفنگ تهاجمی «ای‌کی-47» به خانه مسیح علینژاد در منطقه بروکلین نیویورک رفت

این روزنامه‌نگار ایرانی - آمریکایی به رویترز می‌گوید هنگامی که مقامات آمریکایی به او اطلاع دادند که مرد مسلحی به خانه او آمده است، شوکه شد

علینژاد، از منتقدان سرسخت قوانین جمهوری اسلامی در زمینه پوشش اجباری برای زنان، پیش از این نیز به گفته دادستان‌ها هدف یک توطئه آذربایی توسط حکومت ایران بود که خنثی شد.

علینژاد 48 ساله، می‌گوید که مجبور به ترک خانه شد و برای مدتی ساکن مخفی‌گاه‌های موقت بود

او در ادامه می‌افزاید که در سال‌های اخیر نزدیک به 20 بار مجبور شده است تحت حمایت مأموران آمریکایی جابه‌جا شود و در یک دوره طولانی، او و همسرش از فرزند ناتنی‌اش جدا بودند

علینژاد درباره مخالفان جمهوری اسلامی مقیم آمریکا می‌گوید: ما دیگر احساس امنیت نمی‌کنیم



مسیح علینژاد

دادستان‌های ایالات متحده سه مرد را در برنامه‌ریزی برای این طرح قتل متهم کردند. خالد مهدی‌اف، تبعه جمهوری آذربایجان، در کیفرخواستی که ماه گذشته ارائه شد، به‌عنوان نفر چهارم در این توطئه معرفی شده است

وزارت دادگستری آمریکا درباره این پرونده اظهارنظری نکرد و وکیل مهدی‌اف نیز به درخواست رویترز پاسخ نداد

دو متهم دیگر پرونده خود را بیگناه معرفی می‌کنند، و فرد سوم که مقامات جمهوری چک سال گذشته او را دستگیر کردند، با اتهام کمک به قتل و جنایات دیگر در کشور خود گرجستان مواجه است

متیو اولسن، دستیار دادستان کل ایالات متحده در امور امنیت ملی، می‌گوید که تهران نتوانسته است رد پای خود را در موج توطئه‌هایش در خاک آمریکا پنهان کند

اولسن در مصاحبه‌ای گفت: «ما در تعدادی از این موارد موفق شده‌ایم بازیگران بدخواه را که بخشی از این گروه‌های نیابتی هستند، شناسایی کنیم، اما همچنین روابط مستقیم آنها را با رژیم ایران افشا می‌کنیم

محمدرضا انصاری، از جمله مقامات جمهوری اسلامی است که از سوی واشنگتن به عنوان مسئول طراحی حملات معرفی شده است. او از فرماندهان سپاه قدس در سوریه بود که مسئول برنامه ریزی و اجرای عملیات اطلاعاتی و ترور مخالفان ایرانی و سایر اتباع غیر ایرانی در آمریکا، اروپا، خاور میانه و آفریقا را بر عهده داشته است. به گفته واشنگتن، انصاری در اواخر سال 2021 میلادی با کمک یک ایرانی دیگر به نام شهرام پورصفی تلاش کرد تا دو مقام ارشد سابق دولت آمریکا یعنی جان بولتون و مایک پمپئو را به قتل برساند.



محمد رضا انصاری



WANTED BY THE FBI

SHAHRAM POURSAFI

Use of Interstate Commerce Facilities in the Commission of Murder for Hire; Providing and Attempting to Provide Material Support to Terrorists



Photograph taken in 2021



Photograph taken in 2020



Photograph taken in 2021



Photograph taken in 2021

DESCRIPTION

Aliases: Shahram Porsafi, Shahram Pursafi, Mehdi Rezayi

Date(s) of Birth Used: September 21, 1976

Place of Birth: Iran

Hair: Black and White

Eyes: Brown

Sex: Male

Nationality: Iranian

Languages: Farsi

دادستان‌های ایالات متحده پورصفی را که به گفته آنها یکی از اعضای سپاه پاسداران است، به توطئه برای قتل جان بولتون، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، متهم کردند. مایک پمپئو، وزیر امور خارجه سابق آمریکا در کتابش خود را هدف دوم معرفی کرده است.

بولتون در مصاحبه‌ای گفت که باور دارد همچنان یکی از اهداف جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند. او در ادامه افزود: «من فکر می‌کنم این بی‌سابقه‌ترین کارزار سوقصد علیه مقامات آمریکایی و مقامات پیشین در تاریخ ما است.

ایران اینترنشنال به اطلاعاتی اختصاصی دست پیدا کرده که نشان می‌دهد سرتیم عملیات ترور جان بولتون و مایک پمپئو، فردی به نام محمدرضا انصاری، از فرماندهان واحد

840 نیروی قدس سپاه پاسداران مستقر در سوریه بوده که اشتباهها برای انجام این نقشه

ترور یک مامور اف بی ای را اجیر کرده بود

طبق اطلاعاتی که گروه هکری بلک دور در اختیار ایران اینترنشنال قرار داده است، در این عملیات نافرجام جمهوری اسلامی قرار بود از افرادی غیر ایرانی برای انجام سوءقصد استفاده کند تا نقش جمهوری اسلامی در این میان افشا نشود، اما فردی که برای این کار اجیر شده بود، مامور خبرچین اف بی ای بود

طبق این گزارش، فرستاده سپاه پاسداران در 26 دی 1400 خورشیدی به واشینگتن رفت تا نقشه ترور جان بولتون را عملی کند. طبق نقشه واحد 840 نیروی قدس سپاه پاسداران، قرار بود جان بولتون در ازای ارائه 300 هزار دلار به یک فرد خارجی ترور شود. طبق اطلاعات ایران اینترنشنال، عامل برنامه‌ریزی این توطئه که از آمریکا نیرو اجیر کرده بود، شهرام پورصفی است که پیش‌تر اف بی ای عکس و مشخصات او را به عنوان مظنون منتشر کرده بود. این عضو 46 ساله نیروی قدس، تحت نام مستعار «مهدی رضایی» فعالیت می‌کرده است

پورصفی که متولد اندیمشک و ساکن شهرک غرب تهران است، مرداد ماه امسال رسماً به برنامه‌ریزی برای ترور جان بولتون و مایک پومپئو متهم شد. با این حال، اف بی ای رد پورصفی را از یک سال قبل پیدا کرده بود.

طبق این گزارش، پس از آنکه پورصفی در شبکه‌های اجتماعی شخصی را پیدا کرد و از او خواست در ازای 5 تا 10 هزار دلار از جان بولتون عکس بگیرد، اف بی ای متوجه این توطئه شده بود. پورصفی مدعی شده بود می‌خواهد درباره سوژه مورد نظر خود کتابی بنویسد. پورصفی به فاصله کمی به فرد مورد انتخاب خود پیشنهاد داد در ازای 300 هزار دلار بولتون را ترور کند. او تاکید کرده بود بهتر است ترور بولتون پیش از دومین سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی انجام شود.

طبق این گزارش، پورصفی همچنین به فردی که اجیر کرده بود وعده داد برای پروژه بعدی که «پاکسازی» مایک پمپئو، وزیر خارجه پیشین آمریکا، بود یک میلیون دلار پرداخت کند طبق اطلاعات ایران اینترنشنال، اداره تحقیقات فدرال آمریکا از ابتدا از توطئه نیروی قدس با خبر بود و فرد اجیر شده، که خود مامور اف بی ای بود، چندین بار به بهانه‌های مختلف انجام ترور را به تعویق انداخت

شهرام پورصفی اکنون در ایران است و با عکس خود و تحت نام «مهدی رضایی» در اتاق‌های کلاب هاوس شرکت می‌کند و از مواضع نظام و سپاه دفاع می‌کند

محمدحسین شاهمرادی، فرمانده اطلاعات حوزه 121 صابر ناحیه قدس تهران، و یک نیروی دیگر به نام «ابوالفضل عزیزاده» دیگر اعضای این گروه هستند واحد 840 نیروی قدس سپاه پاسداران، ترورهای برون مرزی این نیرو را انجام می‌دهد. به گفته منابع ایران اینترنشنال، هدایت میدانی توطئه ترور در آمریکا را همان گروهی بر عهده داشت که قرار بود شهروندان اسرائیلی را در گرجستان و کلمبیا ترور کنند، اما موفق نشدند طبق این گزارش، در شهریور 1400 خورشیدی نقشه ترور یک تاجر اسرائیلی در بوگوتا، پایتخت کلمبیا، لو رفت. این تاجر در حقیقت افسر اطلاعاتی پیشین اسرائیل و دیپلمات سابق این کشور بود.

دستگاه اطلاعاتی کلمبیا دو نفر را به این اتهام بازداشت کرد و آنها گفتند از «رحمت اسدی»، عضو سپاه پاسداران، 20 هزار دلار پیش پرداخت گرفته بودند تا در انتقام کشته شدن محسن فخری زاده، از اعضای ارشد برنامه هسته‌ای ایران، یک عملیات ترور انجام دهند.

دولت کلمبیا در آن زمان دولت ونزوئلا را مسئول این وضعیت خواند و گفت نیکلاس مادورو ونزوئلا را به بهشت حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. خاویر میلی، رئیس‌جمهور آرژانتین، همزمان با سی‌امین سالگرد بمب‌گذاری سال 1994 میلادی در مرکز جامعه یهودیان این کشور موسوم به «آمیا»، دولت ایران را «تروریستی» خواند و وعده داد که به «دهه‌ها انفعال و عدم پیگیری تحقیقات» در مورد این حمله پایان خواهد داد.

انفجار یک ون حامل مواد منفجره در کنار ساختمان «آمیا»، مرکز فعالیت‌های یهودیان در بوئنوس آیرس، در 27 تیر سال 1373 خورشیدی، 85 تن را کشت، حدود 300 تن را زخمی و ساختمان هفت طبقه این مرکز را به تلی از ویرانه تبدیل کرد.

شمار زیادی از کشته‌ها و مجروحان این حادثه شهروندان غیریهودی آرژانتینی بودند. انفجار آمیا مرگبارترین حادثه در تاریخ آرژانتین به شمار می‌رود.

رئیس‌جمهور آرژانتین در یک سخنرانی گفت: «امروز تصمیم گرفتیم که صحبت کنیم، نه این‌که سکوت کنیم. ما صدایمان را بلند می‌کنیم، نه این‌که دست روی دست بگذاریم. ما زندگی را انتخاب می‌کنیم، زیرا هر چیز دیگری به معنای استقبال از مرگ است»

دادگاه عالی جنایی آرژانتین در ماه آوریل امسال ایران را مسئول این حمله دانست و گفت که این حمله توسط شبه‌نظامیان گروه حزب‌الله لبنان و در چارچوب «طراحی سیاسی و استراتژیک» ایران انجام شد.

خاویر میلی راستگرا که از طرفداران سرسخت جامعه یهودی و اسرائیل است، در بخش دیگری از اظهارات خود گفت لایحه‌ای را پیشنهاد خواهد کرد که بر اساس آن، دادگاه محاکمه مظنونان این حمله به‌صورت غیابی برگزار شود.

او همچنین گفت که دولتش سیستم اطلاعات ملی را تقویت خواهد کرد تا از بروز حملات مشابه جلوگیری کند و منابع بیشتری را برای تحقیق در مورد حادثه آمیا اختصاص می‌دهد.

دادستان‌های آرژانتین چند مقام بلندپایه فعلی و سابق ایران و گروه حزب‌الله لبنان را به دادن دستور این بمب‌گذاری و همچنین حمله سال 1992 میلادی به سفارت اسرائیل در آرژانتین متهم کرده‌اند که منجر به کشته شدن 22 تن شد.

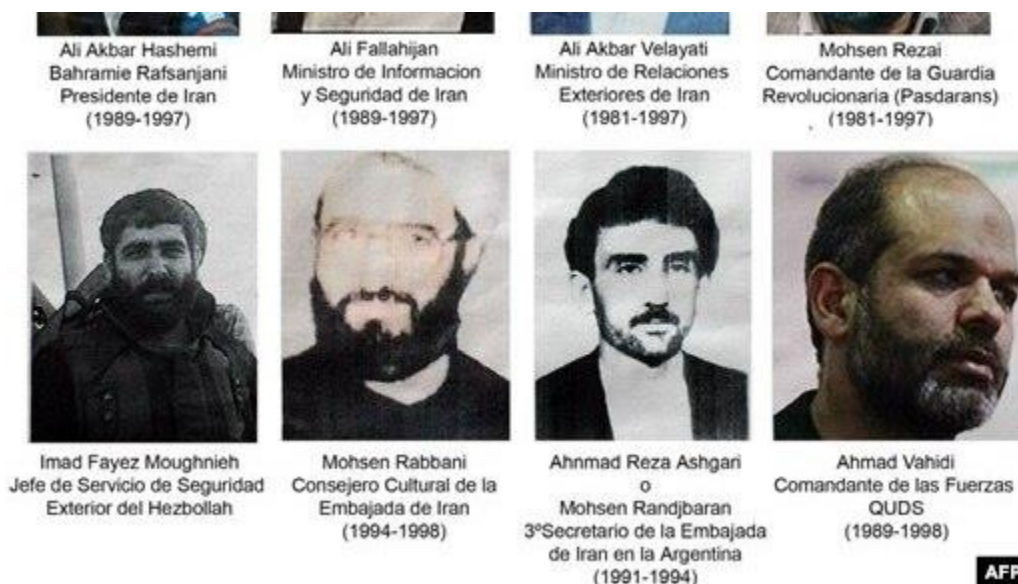
رئیس‌جمهور آرژانتین می‌گوید: «اگرچه آن‌ها (مظنونان) ممکن است هرگز نتوانند دوران محکومیت خود را بگذرانند، اما نمی‌توانند از محکومیت ابدی دادگاهی که گناهکار بودن آن‌ها را در مقابل همه جهانیان اثبات می‌کند فرار کنند»

آقای میلی حکم ماه آوریل دادگاه عالی را «گامی عظیم» در مسیر عدالت‌خواهی در پرونده آمیا خواند و گفت که به‌دلیل «لاپوشانی دولت تروریستی ایران» اقدامات بیشتری باید انجام شود.

حکومت جمهوری اسلامی دست داشتن در این بمب‌گذاری را رد کرده و از تحویل مظنونان به آرژانتین برای محاکمه در این کشور خودداری کرده است. تحقیقات قبلی و حکم بازداشت اینترنتی برای بازداشت مظنونان نیز به جایی نرسیده است.



بر اساس درخواست نهادهای قانونی آرژانتین، اینترپل در سال 2007 میلادی برای محسن ربانی و احمد رضا اصغری، دو عضو ارشد وقت سفارت ایران در بوئنوس آیرس، قرار توقیف بین‌المللی صادر کرد. این قرارها هنوز نیز اعتبار دارد. اتهام آن دو کمک میدانی بود



اینترپل برای علی‌اکبر ولایتی، محسن رضایی، احمد وحیدی و علی فلاحیان نیز قرار توقیف صادر کرده بود. در آن زمان ولایتی وزیر خارجه، رضایی فرمانده سپاه، وحیدی فرمانده نیروی قدس سپاه و فلاحیان وزیر اطلاعات بودند. آقای وحیدی هم‌اکنون وزیر کشور جمهوری اسلامی است

آقای میلی در اظهارات خود، حمله حماس به اسرائیل را با بمبگذاری سال 1994 میلادی در آمیا مقایسه کرد و از این گروه فلسطینی خواست که همه گروگان‌های در اختیار خود، از جمله هشت آرژانتینی، را آزاد کند.

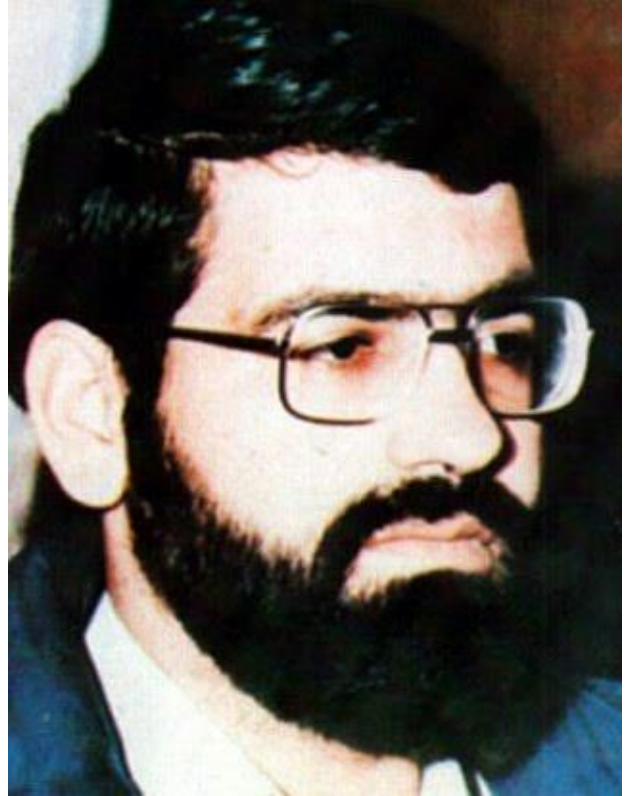
سپاه قدس ، گروه های تروریستی را هماهنگ می کند.

با مرگ خمینی و رهبری کودن ترین رهبر عالم سید علی خامنه ای که باور دارد ، رفاه مردم باعث میشود تا آنها از دین برگردند!!! بجای جذب گروه های به اصطلاح انقلابی و با تز احمقانه خامنه ای مبنی بر فقیر کردن مردم و تحت فشار قرار دادن آنها با هزینه کردن سد ها میلیون دلار، سپاه قدس ، شاخه خارجی سپاه پاسداران برای هماهنگ کردن گروه های تروریستی با آرایش جدید وارد میدان شد.

سابقه فعالیت‌های برون‌مرزی سپاه پاسداران به سال‌های ابتدایی این نهاد در سال 1358 خورشیدی بازمی‌گردد. بر اساس بند هفتم اساسنامه سپاه، حمایت از مستضعفین!! و نهضت‌های آزادیبخش!! یکی از وظایف سپاه برشمرده شده بود و بر همین اساس واحد نهضت های آزادیبخش با مسئولیت محمد منتظری ، معروف به محمد رینگو در سپاه تشکیل شد.

پس از محمد منتظری، مهدی هاشمی برادر داماد آیت الله منتظری مسئولیت این واحد را برعهده گرفت که در این کتاب به شرح حال و عملکردش مفصلاً در بخش های پیشین اشاره کرده ام. به دلیل سوابق پیش از پیروزی فتنه خمینی وی و همچنین حواشی‌ای که در عملکرد مهدی هاشمی در این واحد وجود داشت، در سال 61 از این سمت برکنار و واحد نهضت‌های آزادیبخش نیز منحل شده و وظایف آن به واحد اطلاعات سپاه واگذار شد.

در سال 63 و با تاسیس وزارت اطلاعات، تعدادی از نیروهای واحد اطلاعات سپاه نیز به این وزارتخانه رفتند و واحد اطلاعات سپاه با مسئولیت سید کاظم کاظمی ماموریت پشتیبانی و حمایت از نهضت‌های آزادیبخش!! را برعهده گرفت.



سید کاظم کاظمی

اما نیاز به فعالیت برون مرزی برای مبارزه با رژیم بعث عراق موجب شد تا قرارگاه‌های برون مرزی «بلال» به فرماندهی فریدون وردی‌نژاد و قرارگاه «رمضان» به فرماندهی مرتضی رضایی برای ساماندهی فعالیت‌های برون مرزی سپاه تشکیل شود. لشکر 9 بدر، تیپ ابوذر و تیپ 66 نیروهای ویژه هوابرد از جمله یگان‌های تحت امر این دو قرارگاه بودند



پاسدار فریدون وردی نژاد



پاسدار مرتضی رضایی

با مرگ کاظمی در سال 62، پاسدار احمد وحیدی که تا پیش از آن قائم مقام و معاون امنیت داخلی واحد اطلاعات سپاه بود، مسئول اطلاعات سپاه شد و تا پایان جنگ ایران و عراق نیز در همین مسئولیت باقی ماند.



پاسدار احمد وحیدی

دو سال پس از پایان جنگ ایران و عراق و با توجه به شرایط خاص منطقه نیاز بود تا فعالیت‌های برون مرزی سپاه سر و سامانی جدی‌تری به خود بگیرد و بر همین اساس در سال 69 به دستور سید علی خامنه ای ، نیروی جدیدی به نام نیروی قدس به ساختار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اضافه شد و پاسدار وحیدی نیز به عنوان اولین فرمانده این نیرو منصوب شد و تا سال 76 در این مسئولیت باقی ماند.

پاسدار احمد وحیدی اولین فرمانده نیروی قدس سپاه، در دولت دهم وزیر دفاع شد و هم اکنون رئیس دانشگاه عالی دفاع ملی و رئیس کمیته دفاعی - امنیتی مجمع تشخیص و شورای راهبردی روابط خارجی است.

در سال 1376 گنده لات قاسم سلیمانی فرماندهی نیروی قدس سپاه را بر عهده گرفت و بیش از دو دهه در این مسئولیت باقی ماند تا اینکه در 13 دی ماه سال 98 در فرودگاه بغداد توسط موشک‌های شلیک شده از یک پهپاد آمریکایی به همراه ابومهدی المهندس و جمعی دیگر از یارانش به درک واصل شد.

دوران فرماندهی گنده لات قاسم سلیمانی بر نیروی قدس سپاه را باید دوران توانمندی این نیرو در آشوب و تنش و جنگ و کشتار در خاور میانه دانست. در زمان سلیمانی بود که پنجاه میلیارد دلار تنها صرف نگهداری بشار اسد همراه با کشته شدن بیش از نیم میلیون تن از مردم سوریه و آوارگی چند میلیون تن از آنها شد.



گنده لات حاج قاسم سلیمانی دومین فرمانده نیروی قدس سپاه در زمان سلیمانی ، سپاه قدس به توان موشکی دست یافت .

نیروهای مقاومت فلسطینی که تا پیش از آن از ساده‌ترین تسلیحات بهره می‌بردند این بار با کمک نیروی قدس به تجهیزات و آموزش‌های پیشرفته‌ای مجهز شده بودند که برای نخستین مرتبه آنها را قادر می‌ساخت عمق اسرائیل و مراکز حساس آنها را هدف قرار دهند.



در این دوران همچنین دامنه نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه افزایش یافت .

در راستای فریب مردم ایران و در حقیقت نگهداری بشار اسد در سوریه ، دستار بندان اشغالگر مسئله تامین امنیت !! منطقه از تعرض داعش را پیش کشیدند که دروغی بیش نبود. آنها گفتند اگر ما در سوریه و عراق با داعش نجنگیم باید در ایران با آنها بجنگیم ! ما برای شما امنیت می آوریم! و زمانیکه در کرمان و در جریان مراسم سالگرد مرگ گنده لات قاسم سلیمانی ده ها تن از ایرانیان کشته شدند. دستار بندان لال شدند.

بنا به دروغ دستار بندان ، داعش و سایر گروه‌های تکفیری که طی هشت سال جنگ در سوریه و سپس عراق می‌رفتند تا منطقه غرب آسیا و بلکه سایر کشورهای جهان را با تهدیدی جدی روبرو کنند!!، با حضور رزمندگان نیروی قدس و سازماندهی سایر رزمندگان ایرانی و غیر ایرانی توسط آنان در دست یابی به اهداف خود ناکام ماندند و علی رغم تحمیل خسارات سنگین به عراق و سوریه موفق نشدند به نقشه‌های شوم خود دست یابند!!

در گام بعدی ، مهمترین صحنه اثرگذاری نیروی قدس، یمن بود. قریب به 6 سال بود که ارتش عربستان با همکاری امارات ، یمن را زیر شدیدترین حملات خود قرار داده بوداما با یاری سپاه قدس و حمایت مالی و تسلیحاتی به نیروهای مسلح یمن و انصار الله نسبت به روزهای ابتدایی جنگ، هم از تسلیحات پیشرفته‌تری برخوردار شده‌اند و هم توانسته‌اند عربستانی‌ها را وارد به عقب نشینی از مواضع روزهای اول خود بکنند



پهپادهای سری صماد، راصد و قاصف و موشک کروز سپاه قدس که به انصار الله داده شده بود .

ترور گنده لات قاسم سلیمانی



خود رو قاسم سلیمانی پس از اصابت موشک

در ساعت یک و هفت دقیقه بامداد به وقت ایران برابر با 13 دیماه 1398 خورشیدی برابر با سوم ژانویه 2020 میلادی ، ارتش آمریکا به دستور پرزیدنت ترامپ قاسم سلیمانی فرمانده جنایتکار سپاه قدس را کشت. در جریان این حمله کاروانی از خود رو که از فرودگاه بغداد برای دیدار با نخست وزیر عراق به راه افتاده بودند ، هدف راکت که از یک پهپاد آمریکائی شلیک شده بود قرار گرفتند و به غیر از گنده لات قاسم سلیمانی ، تروریست ابو مهدی المهندس جانشین فرماندهی گروه تروریستی حشد الشعبی نیز کشته شد. وزارت امور خارجه آمریکا دلیل این حمله را بابت گرفتن انتقام از کشته شدن نیرو های آمریکائی به دست سپاه قدس و جلوگیری از کشتار مجدد اعلام کرد. به غیر از سلیمانی و المهندس ، هشت تروریست دیگر نیز کشته شدند.

هواپیمای ایر باس ای 320 حامل قاسم سلیمانی نیم شب به وقت ایران از فرودگاه دمشق برخاست و در ساعت یک بامداد در فرودگاه بغداد نشست . نیرو های حشد الشعبی در فرودگاه بغداد منتظر قاسم سلیمانی و المهندس بودند. قاسم سلیمانی و المهندس به همراه سه تن از اعضای حشدالشعبی در تویوتای اول پنج تن دیگر از اعضای حشدالشعبی در تویوتای دوم نشسته تا بسوی شهر حرکت کنند. از لحظه فرود هواپیما تا شلیک راکت 15 دقیقه بیشتر طول نکشید.

ایده این عملیات در ابتدای دوره ریاست جمهوری ترامپ و زمانی که مایک پمپئو ریاست

سازمان سیا را بر عهده داشت مطرح شد. ابتدا وزارت دفاع و مدیریت اطلاعات ملی آمریکا با این ایده مخالف بودند ولی بعد از حمله راکتی به نیروهای آمریکایی مستقر در عراق که منجر به کشته شدن یک شهروند این کشور شد، آنها نیز متقاعد شدند تا این طرح را به ترامپ پیشنهاد دهند. به گفته این گزارش، این عملیات با کمکهای اطلاعاتی نیروهای اسرائیلی و اقلیم کردستان صورت گرفته است. به این ترتیب که اسرائیلی ها اطلاعات مربوط به تحرکات سلیمانی را براساس شنود از تلفن همراه او به دست آورده و در اختیار آمریکایی ها قرار داده بودند. این در حالی بوده که سلیمانی در شش ساعت منتهی به حادثه سه بار گوشی خود را عوض کرده بود. از مدتها قبل نیروهای اسرائیلی به آمریکاییها اطلاع داده بودند که ایران قصد خرید گوشی های پیشرفته برای فرماندهان نیروی قدس را از کشورهای عرب خلیج فارس دارد. آمریکاییها با نفوذ به شبکه فروشندگان این گوشی ها توانستند گوشی های آلوده به نرم افزار استراق سمع به آنها بفروشند. فرمانده نیروهای سپاه قدس در یمن نیز از اهداف این حمله بود که جان سالم به در برد. بنا به اسناد موجود، نقش مأموران واحد ضدتروریستی اقلیم کردستان را این طور توضیح می دهد که آنها با لباس مبدل در فرودگاه حضور داشتند و هدایت هواپیمای حامل سلیمانی به سمت توقفگاه و همچنین تخلیه بار همراه آن بر عهده آنها بود. به علاوه یکی از آنها که لباس پلیس بغداد را به تن داشت، پس از حمله به خودروهای منهدم شده نزدیک شد و پس از گرفتن چند عکس، به جمع آوری نمونه دی ان ای کشته شدگان برای شناسایی اقدام کرد.



قاسم سلیمانی

گنده لات قاسم سلیمانی در 20 اسفند 1335 خورشیدی در محله قنات ملک کرمان به دنیا آمد و در 13 دیماه 1398 در سن 62 سالگی در بغداد کشته شد. او دومین فرمانده سپاه قدس بود. قاسم سلیمانی در جریان جنگ ایران و عراق فرمانده سپاه کرمان و از فرماندهان عملیات های والفجر 8 ، کربلای 4 و 5 بود. او پس از جنگ فرمانده لشکر 41 ثار الله کرمان بود. تشکیل گروه های نیابتی را منصوب به او میدانند. گنده لات قاسم سلیمانی از دید مردم ایران یک قاتل و مهره سرکوب رژیم آخوندی شناسائی میشود. پس از کشته شدن قاسم سلیمانی ، دستار بندان تهران خبر از انتقام سخت از آمریکا دادند و با تبانی قبلی پادگان عین الاسد را خالی کرده و تعدادی موشک بدان شلیک کردند تا هواداران رژیم را راضی کنند. در جریان حمله انتقامی !! جمهوری اسلامی به پادگان هوایی عین الاسد تنها چند ساختمان ویران شد و به کسی آسیب نرسید ، چون پادگان تخلیه شده بود. پس از انتشار خبر مرگ قاسم سلیمانی بسیاری از مردم سوریه و عراق به شادمانی پرداخته و شیرینی پخش کردند. در جریان خاک سپاری گنده لات قاسم سلیمانی در ایران 59 تن بخاطر ازدحام و زیر دست و پا ماندن جان باختند.



نوجوانی قاسم سلیمانی

گنده لات قاسم سلیمانی در 12 سالگی روستای قنات ملک در شهرستان رابر از توابع کرمان را ترک و به کرمان رفته و در نوجوانی به شغل بنائی اشتغال ورزید. او در سنین جوانی ازدواج کرد و پنج فرزند بنام های : نرجس ، حسین ، فاطمه ، زینب و رضا دارد. زینب دختر او زن رضاصفی الدین فرزند هاشم صفی الدین از فرماندهان حزب الله بود که توسط اسرائیلی ها کشته شد. او مدیر بنیاد قاسم سلیمانی است. زینب در حال حاضر در تهران زندگی می کند .



زینب سلیمانی

دختر دیگر قاسم سلیمانی نرجس است که عضو شورای اسلامی شهر تهران ، ری و شمیران است. شوهر او سید ابوذر خضرائی افضل است که در زمان قالیباف که شهردار تهران بود ، صاحب امتیاز روزنامه حکومتی تهران امروز بود.

قاسم سلیمانی دو سال پیش از پیروزی فتنه خمینی از طریق آخوند سید رضا کامیاب از گردانندگان اصلی راه پیمائی و اعتصابات کرمان ، جذب نهضت خانه بر انداز خمینی شد. همین کامیاب بود که قاسم سلیمانی را با سید علی خامنه ای آشنا کرد.

سید رضا کامیاب در 7 مرداد 1360 توسط سازمان مجاهدین خلق ترور و به قتل رسید.



آخوند سید رضا کامیاب

این آخوند نابکار در سال 1329 در روستای نوده میر محراب از توابع گناباد به دنیا آمد . پدرش آخوند سید علی کامیاب بود که از حوزه علمیه فردوس فارغ التحصیل شده بود .در

نوجوانی به هنگام جمع آوری علوفه دچار سانحه شده و پدر فریبکارش در بین مردم شایعه ای پراکند که امام زمان بر بالین فرزندم حاضر شده و شخصا او را درمان کرده است !!!

سید رضا به تبعیت از پدرش به حوزه علمیه گناباد رفته و لباس تزویر و شارلاتانی آخوندی را به تن کرد. گام بعدی او رفتن به مشهد و تحصیل مذهبی در مدرسه رضوی ، عباسقلی خان و خیرات خان بود. جالب اینجاست که خطبه عقد و ازدواج این آخوند نابکار را سید علی خامنه ای که آن زمان چهره ناشناخته شده ای بود می خواند.

نحوه به قتل رسیدن سید رضا کامیاب توسط مجاهدین چنین بود : او در راه برگشت از کتاب فروشی بلوار راه آهن بطرف منزلش میروید تا خود را برای پرواز به تهران آماده کند . در نزدیکی میدان راه آهن موتور سواری کنار او می آید. در همین موقع اتوموبیلی جلوی او ایستاده و راه عبورش را مسدود می کند و موتور سوار بسوی آخوند کامیاب شلیک و تیر به نخاع او میخورد و درجا به قتل میرسد.

در اوائل دهه 90 میلادی ، در پی سقوط دولت دکتر نجیب الله در افغانستان ، این کشور به اشغال مجاهدین افغانی در آمد و سدها تن از مجاهدین عرب به رهبری اسامه بن لادن راهی سودان شدند و تحت حمایت رژیم عمر البشیر – حسن الترابی قرار گرفتند ، سپاه پاسداران نیز حضوری گسترده در سودان داشت . آن زمان بود که نخستین پایه های همکاری با تروریست های مصر ، فلسطین ، شمال افریقا و سایر کشورهای خاور میانه گذاشته شد. در جمع تروریست ها ، چهره های شناخته شده ای چون ایمن الظواهری از سران جهاد اسلامی مصر و کسانی که بعدا رهبری حماس و جهاد اسلامی فلسطین را عهده دار شدند نظیر خالد مشعل ، خالد نزار ، رمضان شلح دیده میشدند. در این بین ارتباط سعد بن لادن فرزند اسامه بن لادن با قاسم سلیمانی بسیار حسنه بود.

آخوند سید علی خامنه ای ادعای خدائی می کند

روح الله خمینی فریبکار آنقدر شعور داشت که مدعی نیابت خاص امام زمان و داشتن ماموریت الهی و گزیده شدن از عالم بالا نشود . اعتراض او به فخرالدین حجازی دستمال یزدی فروش که گفته بود : امام فروتنی به کنار ، بگو که خود امام زمانی ، از هوشمندیش مایه میگرفت، آنهم در کشوری که 75 درصد تحصیل کرده های آن خرافاتی و خرافه پرست هستند و سردبیر روزنامه حکومتی کیهان ، حسین شریعتمداری تفاله چای سید علی خامنه ای را برای شفا و درمان عرضه می کند وبسیاری از دستار بندان از راه تحمیق و فریب

مردم صاحب زندگی شاهانه شده اند. مردمی ساده لوح و مسخ شده که هر یاوه ای را حقیقت می‌شمرند. مردمی که فرتور خمینی را در ماه می بینند.

به گفته برخی کارشناسان خرافه پرستی به سبب عدم آگاهی و جهل، تقلید کوکورانیه از سنن پیشینیان، تنبلی و کاهلی، عدم توانمندی، کاهش اضطراب و هیجان، کسب آرامش و دستیابی به اهداف و خواست‌ها بروز می‌کند و موجب کاهش اعتماد به نفس، خودبینی و خودباوری، عدم درک نقاط قوت و ضعف و اختلال در عزم و اراده و کسب موفقیت می‌شود. در چهل و شش سال گذشته آخوند فرییکار از ضعف‌های بالا نهایت سود را جسته است. در چنین بستری، خمینی به راحتی می‌توانست فر ایزدی را به نفع خود مصادره کند و با چهره پلید و ضحاک گونه اش جامه فریدون به تن کند. هرچند که او در کتاب صحیفه نورش نوشته: ولایت فقیه، همان ولایت رسول الله است ولی در عمل ادعائی که سید علی خامنه ای متوهم کرد را به زبان نیآورد. او هیچگاه خود را به عرش الهی متصل ندانست. خمینی شیفته قدرت بود ولی باور داشت که مردم را هر چند با زبان و وعده باید راضی نگه‌داشت، درست بر خلاف خامنه ای که اعتقادش این است که: مردم را باید در فقر و فلاکت و فشار قرار داد تا بی ایمان نشوند !!!



آخوند سید علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با خانواده قاسم سلیمانی، فرمانده سابق نیروی قدس سپاه پاسداران در بخشی از صحبت‌هایش گفت: در جلسه‌ای خدا از زبان او حرف زده است. علی خامنه‌ای افزود: خدای متعال همین‌طور حرف می‌زد. در واقع زبان من بود، حرف خدا بود

رهبر ناقص العقل و ناقص العضو جمهوری اسلامی با اشاره به خاطره‌ای از حدود بیست سال پیش، گفت: «تو این حیاط با ۲۰ نفر از فرماندهان سپاه نماز خواندیم. بعد من نشستم روی پله، یک صحبت گرم و گیرایی کردم. قبلاً هم فکرش را نکرده بودم. خدای متعال همین‌طور حرف می‌زد. در واقع، زبان من بود، حرف خدا بود. خیلی جلسه‌ی عجیبی بود. خیلی تأثیراتی گذاشت!!»

علی خامنه‌ای این اظهارات را در دیدار با دختران و همسر قاسمی سلیمانی بیان کرد. سخنان سید علی خامنه ای را تنها در بیماریهای روحی او میتوان بررسی کرد. مالیخولیا، خود شیفتگی، ادعای خدائی کردن و نارسیسیسم شدید همراه با توهم از شاخصه های مستبدان در پایان کارشان است. جالب اینجاست که هیچکدام از مراجع و آخوند های دم کلفت نسبت به یاوه های سید علی واکنش نشان ندادند. البته این مزخرف گوئی ها در جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی تازگی ندارد. همه به یاد داریم که محمود احمدی نژاد در سخنرانی خود در سازمان ملل، هاله ای از نور دور سرش دید!! ویا سخنان محمد سعیدی، امام جمعه قم و تولیت قبر معصومه که گفته بود: خامنه ای به هنگام تولد وقتی از واژن مادرش خارج شد گفت: یا علی!!!

علی خامنه‌ای در 14 خرداد 1368 در زمان رهبر شدن گفته بود «باید خون گریست بر جامعه اسلامی که حتی احتمال [رهبری] کسی مثل بنده در آن مطرح شود. وقتی خامنه ای میگوید: خدا از دهان من و زبان من صحبت میکرد فقط اکسیر قدرت مطلقه و بدون پاسخگوئی میتواند چنین بلائی را سر یک فرد و یک ملت بیاورد.

پس از بیان این مهمات توسط خامنه ای که نشان دهنده اوج روان گسیختگی اوست، دیگر نباید شک داشت که دیکتاتور هیچ کنترل روانی ندارد. روان پریشی که ایران را بسوی جنگی مهیب و ویرانگر سوق میدهد. ایران امروز با رهبری طرف است که جنون و سفاهت او طعنه به شاه سلطان حسین صفوی آنهم با اختلافی بزرگ میزند. شاه سلطان حسین وارث مملکتی در هم ریخته و ورشکسته بود و آنرا راحت به رعیت ایران محمود افغان واگذار کرد. اما سید علی خامنه ای صاحب کشوری شد ثروتمند و توانا با اعتبار جهانی که ظرف 35 سال آنرا بطور کامل نابود کرد.

حوثی های یمن

نام حوثی‌ها برگرفته از نام حسین بدرالدین الحوثی، بنیان‌گذار این گروه و یک روحانی با نفوذ و برجسته در شمال یمن و نماینده سابق پارلمان این کشور است. این گروه که در دهه 1990 به وجود آمد به صورت رسمی انصارالله نامیده شده و برآمده از فرقه زیدی از فرقه‌های وابسته به اسلام شیعه است.



تحولات سال‌های پر تلاطم اخیر در یمن بعد از آنکه حوثی‌های این کشور به عنوان یک جنبش سیاسی مذهبی نزدیک به شیعیان، کنترل این کشور را در ابتدای سال 2015 به دست گرفتند، وارد مرحله جدیدی شد؛ هر چند که در سال‌های قبل از آن نیز این کشور صحنه ناآرامی‌های سیاسی گسترده‌ای بوده است.

حوثی‌ها به عنوان یک جنبش سیاسی – مذهبی شیعه در یمن در ابتدای سال 2015 با سرنگون کردن دولت عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهور یمن توانستند کنترل این کشور را به دست بگیرند.



عبد ربه منصور هادی الفضلی

در مارس 2015 عربستان و هم پیمانانش در خلیج فارس یک کمپین بمباران را در یمن به منظور بازگرداندن منصور هادی، هم پیمانانشان به قدرت در این کشور آغاز کردند که ناکام ماند. جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی در راستای تنش آفرینی و بسط محور مقاومت به این کشور بدبخت که دو سوم مردمان آن برای زنده ماندن متکی به کمک هستند روی آورده و با ریخت و پاش مالی و دادن اسلحه و موشک، آنها را در زمره دست نشاندگان خود در آورد.

نبرد عمده در سالهای اخیر در یمن بر سر بندر حدیده در ساحل دریای سرخ به عنوان یک بندر راهبردی است؛ بندری که از طریق آن بیش از 70 درصد اقلام پزشکی و غذایی یمن وارد خاک این کشور می‌شوند.

دکترین‌ها و باورهای فرقه زیدیه (حوثی ها) که نامش را از زید بن علی نواده امام علی گرفته به میزان چشمگیری متفاوت با باورهای شیعیان حاکم بر ایران است اما ایران، یک هم پیمان بزرگ این گروه محسوب می‌شود. در همین حال کارشناسان می‌گویند عقاید حوثی

ها به اسلام سنی‌ها نزدیک تر است تا شیعه . اوایل دهه 2000 حوثی‌ها با احیای فرقه زیدیه بیشتر مطرح شدند. حامیان این فرقه نگران بودند که سیاست‌های علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور سابق یمن که از نظر آنها رهبری فاسد و بیش از حد نزدیک به عربستان و آمریکا بود، باعث تضعیف این فرقه شود.

نقطه عطف مربوط به این گروه زمانی بود که آمریکا در سال 2003 به عراق حمله کرد؛ در همان سال شعار حوثی‌ها تبدیل به :الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، نفرین بر یهودیان و پیروزی برای اسلام شد. آنها کمی بعد از آن اسم خود را به انصارالله تغییر دادند.

زمانی که علی عبدالله صالح بعد از سال 2003 میلادی دست به چند سری عملیات نظامی علیه حوثی‌ها زد، همه چیز تغییر کرد. حسین بدرالدین الحوثی و چند تن دیگر از دستیارانش در سال 2004 به دست نیروهای دولت علی عبدالله صالح کشته شدند و رهبری این جنبش به عبدالملک الحوثی، برادر ناتنی کوچکتر حسین و رهبر فعلی انصارالله رسید.



عبدالملک حوثی

عبدالملک حوثی ، ملقب به ابو جبرئیل ، رهبر گروه تروریستی حوثی ها است . او در سال 1979 میلادی به دنیا آمد و آموزش های دینی را در زادگاهش ، صعه در شمال یمن فرا گرفت . آموزش او توسط پدرش بدرالدین حوثی صورت گرفت و او هیچگاه به مدرسه

نرفت. رهبر گروه حوثی هشت برادر دارد که او کوچکترین آنهاست. برخی اسناد موجود حکایت از آن دارد که او مدتی به اتفاق برادر بزرگش حسین ، در قم بسر میبردند.

در جریان جنگ یمن با عربستان سعودی ، دولت ریاض برای دستیگری او 30 میلیون دلار جایزه تعیین کرد.

از سال 2004 تا 2010 شش دور مختلف جنگ بین حوثی‌ها و نیروهای دولت یمن اتفاق افتاد.

زمانی که بهار عربی سراسر منطقه را فرا گرفت، حوثی‌ها در کنار دیگر مخالفان رژیم علی عبدالله صالح از جمله دشمنان سنتی او یعنی اخوان المسلمین وارد مبارزه با حکومت وی شدند. بعد از آنکه علی عبدالله صالح سرنگون شد حوثی‌ها باز هم در برابر دولت جدید بعد از او تحت رهبری عبد ربه منصور هادی که یک سنی متعلق به جنوب یمن بود، در جایگاه اپوزیسیون باقی ماندند.

در نهایت در ژانویه 2015 صنعا سقوط کرد و به دست ائتلاف تحت رهبری حوثی‌ها افتاد در حالیکه همزمان در عربستان ملک سلمان به قدرت رسید. بعد از این اتفاق بخش‌های بزرگی از مابقی نقاط دیگر یمن نیز سقوط کردند.

عربستانی‌ها و امارات متحده عربی در ماه مارس همان سال یک کمپین بمباران را به منظور باز گرداندن هادی که مجبور به فرار از یمن شد به راه انداختند و جنگ در یمن آغاز شد.

اواخر نوامبر 2017 علی عبدالله صالح از تمایلش برای تغییر جبهه خود و پیوستن به نیروهای وفادار به منصور هادی صحبت کرد. به این ترتیب او چند روز بعد از اعلام این مسئله به دست حوثی‌ها کشته شد.



علی عبدالله صالح ، رئیس جمهور یمن از سال 1978 تا 2012 میلادی

دولت یمن در زمان عبدالله صالح تلاش کرد با استخدام «مجاهدین» یمنی بازگشته از جنگ شوروی در افغانستان در ارتش، آنان را ساماندهی کند، ولی همین افراد بعداً مشکل ساز شدند و هسته‌های اولیه القاعده را در این کشور به وجود آوردند.

پس از نزاع های داخلی و اقدام عربستان برای برگرداندن منصور هادی که با ناکامی مواجه شد ، یمن به کام جمهوری اسلامی افتاد تا به عنوان بازوی محور مقاومت علیه آمریکا و اسرائیل وارد عمل شود. حوثی ها اعلام کردند که حملات خود را علیه آندسته از کشتی های اسرائیلی که قصد عبور از دریای سرخ و عرب ، تنگه باب المندب و خلیج عدن را دارند ادامه خواهند داد



حوثی ها تا دوسال پیش (نوامبر 2023 میلادی) بیش از 100 حمله علیه کشتی های عبوری در آبهای اشاره شده در بالا را انجام دادند. آنها دو کشتی را غرق و یک کشتی را توقیف کردند . آنها چهار ملوان را کشتندو موجب اختلال در کشتی رانی جهانی شدند. نا امن کردن آبهای بین المللی همراه با موشک پراکنی به اسرائیل با توصیه سید علی خامنه ای دکانی شد برای تروریست های حوثی. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در فرمانی نام حوثی های یمن را در 22 ژانویه

2025 میلادی به فهرست سازمانهای تروریستی برگرداند . پیش از این شاه سلطان حسین آمریکائی (جو بایدن) آنها را از لیست تروریستی خارج کرده بود

کاخ سفید در آن زمان در بیانیه ای تاکید کرده بود که حوثی های یمن با کمک نیروی قدس سپاه پاسداران که وظیفه آن ،آموزش و مسلح کردن سازمان های تروریستی در سراسر جهان است، از سال 2023 میلادی ده ها بار به سوی کشتی های جنگی نیروی دریایی ایالات متحده آتش گشوده اند و جان نیروهای نظامی آمریکایی را به مخاطره انداخته اند

بر اساس این بیانیه حوثی ها همچنین از اکتبر سال 2023 میلادی بدین سو بیش از 300 پرتابه نیز به سمت اسرائیل شلیک کرده اند و در پی حملات این گروه در مجموع چهار ملوان جان خود را از دست داده و دو کشتی نیز غرق شده اند

شبه نظامیان حوثی که از سوی ایران حمایت می شوند، بخش بزرگی از خاک یمن از جمله صنعا، پایتخت این کشور را تحت کنترل خود دارند

از زمان آغاز جنگ غزه این گروه شبه نظامی چندین بار کشتی های تجاری را در دریای سرخ و خلیج عدن مورد حمله قرار داده و هم چنین اهدافی در اسرائیل را با پهپاد و موشک مورد هدف قرار داده اند.

جو بایدن، رئیس جمهور پیشین آمریکا، نام حوثی ها را از این فهرست حذف کرده بود، زیرا سازمان های بشردوستانه !!! هشدار داده بودند که تنها از طریق همکاری با این گروه می توانند به جنگ زدگان و مردم نیازمند یمن کمک رسانی کنند!!



شرکت کشتیرانی مدیترانه، بزرگترین شرکت کشتیرانی جهان، اعلام کرده است که مسیر عبور کشتی‌های خود را از دریای سرخ تغییر می‌دهد. شرکت فرانسوی سی‌ام‌ای سی‌جی‌ام، شرکت کشتیرانی دانمارکی مرسک، شرکت آلمانی هاپاگ-لوید و همین‌طور شرکت نفتی بی‌پی هم اعلام کرده‌اند که عبور کشتی‌هایشان را از دریای سرخ متوقف می‌کنند.

ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده، که فرماندهی نیروهای ارتش آمریکا در خاورمیانه و شمال آفریقا را بر عهده دارد، گفته است که: این حملات، هر چند که از طرف حوثی‌ها در یمن انجام شده، اما با حمایت کامل جمهوری اسلامی امکان‌پذیر شده است.

این گروه مانند حماس و حزب‌الله لبنان، خود را بخشی از «محور مقاومت» به رهبری جمهوری اسلامی، در مقابل اسرائیل، آمریکا و کشورهای غربی معرفی می‌کند.

شورشیان حوثی ساختار جنبش خود را بر اساس الگوی حزب‌الله لبنان بنا کرده‌اند.

به گفته «مرکز مقابله با تروریسم» که یک موسسه پژوهشی آمریکایی است، حزب‌الله لبنان از سال 2014 میلادی در مقیاسی وسیع به حوثی‌ها آموزش و مشاوره نظامی داده است.

حوثی‌ها، جمهوری اسلامی را متحد خود می‌دانند، چون عربستان سعودی دشمن مشترک آنها است.

آمریکا و عربستان سعودی می‌گویند ایران موشک‌های بالستیک برای حوثی‌ها فرستاده که سال 2017 میلادی آنها را به سوی ریاض، پایتخت عربستان شلیک کرده‌اند. این موشک‌ها قبل از برخورد رهگیری و منهدم شدند.

عربستان همچنین جمهوری اسلامی را به ارسال پهپاد و موشک‌های کروز برای حوثی‌ها متهم کرده که می‌گوید این گروه برای حمله به تاسیسات نفتی سعودی در سال 2019 میلادی از آنها استفاده کرده است.

حوثی‌ها ده‌ها هزار موشک برد کوتاه به سوی عربستان شلیک کرده‌اند و اهدافی در امارات متحده عربی را هم هدف قرار داده‌اند.

تامین چنین تسلیحاتی نقض تحریم تسلیحاتی سازمان ملل متحد محسوب می‌شود، اما جمهوری اسلامی ایران اتهام ارسال سلاح برای حوثی را رد کرده است.

در حال حاضر حوثی‌ها بین 100 تا 120 هزار عضو و هوا دار دارند. آنها نیز نظیر جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی از کودکان برای پیشبرد مقاصد نظامی سود جسته و تنها در سال 2020 میلادی 1500 کودک که تروریست‌های حوثی آنها را بخدمت گرفته بودند، کشته شدند. این کشتار در سالهای بعد هم تکرار شده است. آنها بخش بزرگی از سواحل دریای سرخ در یمن را در اختیار دارند و حملات خود به کشتی‌ها را از این مناطق انجام می‌دهند.



فرتور بالا نشان از اصابت موشک بالستیک حوثی ها به تل آویو دارد که در جریان آن 14 تن زخمی شدند. البته اسرائیل به تلافی این حمله ، بنادر و زیر ساخت های انرژی یمن که در مناطق تحت کنترل حوثی ها میباشد را بمباران کرد. خوشبختانه در پی تضعیف حماس و حزب الله ، حوثی های یمن نیز بشدت تضعیف شده و بدین صورت یکی از بازوهای اختاپوس تهران نیز در شرف قطع شدن است.

در 17 مارچ 2025 میلادی رئیس جمهور آمریکا ، پرزیدنت ترامپ ، در پی حملات سنگین ارتش آمریکا به حوثی ها به جمهوری اسلامی و شخص سید علی خامنه ای اولتیماتوم داد : هر تیری که توسط حوثی ها شلیک شود ، از سوی جمهوری اسلامی تلقی شده و عواقب وخیمی به دنبال خواهد داشت.



دونالد ترامپ در سایت خود در پلتفرم شبکه اجتماعی «تروث سوشال» نوشت: از این لحظه به بعد، هر شلیکی که از سوی حوثی‌ها، به عنوان شلیکی از سلاح‌ها و رهبری ایران در نظر گرفته خواهد شد، و ایران مسئول شناخته شده و عواقب آن را متحمل خواهد شد

ایران به حمایت از گروه موسوم به «جنبش انصارالله» یا حوثی‌های یمن متهم است. این گروه در یک سال گذشته چندین کشتی آمریکایی و همچنین کشتی‌های حامل پرچم سایر کشورها را در دریای سرخ هدف قرار داده است

ترامپ در سایت خود نوشت: «خودمان را گول نزنیم! سدها حمله‌ای که توسط حوثی‌ها - آن گروه‌های شرور و اراذل و اوباش مستقر در یمن که مردم یمن از آن‌ها نفرت دارند - انجام می‌شود، همگی از ایران نشأت می‌گیرند و توسط ایران ایجاد شده‌اند.

پرزیدنت ترامپ در ادامه اظهارات خود گفت: «آن‌ها [ایران] هر حرکت حوثی‌ها را هدایت می‌کنند، به آن‌ها سلاح می‌دهند، با پول و تجهیزات نظامی پیشرفته تأمینشان می‌کنند و حتی به اصطلاح "اطلاعات" در اختیارشان می‌گذارند. ماجراجوئی دستار بندان اشغال گر ، ایران را در آستانه جنگی ناخواسته از سوی مردم ایران قرار داده است.

حشد الشعبی



حشد الشعبی یا بسیج مردمی عراق به بخشی از نیرو های مسلح عراق گفته میشود که از سال 2014 میلادی با هدف مبارزه با داعش سازماندهی شدند. این نیرو از 40 گروه مختلف تشکیل شده که عمدتاً شیعه و تحت نفوذ رژیم ملایان ایران قرار دارند. رسمیت آنها به عنوان سپاه ، نظیر آنچه در جمهوری اسلامی وجود دارد ، توسط مجلس عراق صورت پذیرفت. در سال 2014 میلادی و پس از سقوط موصل به دست داعش بنا به فتوای آخوند سید علی سیستانی ، این گروه تشکیل شد. قدر مسلم ، تشکیل حشد الشعبی با الگو برداری از بسیج در جمهوری اسلامی شکل گرفت. در سال 2015 میلادی ، حیدر عبادی نخست وزیر عراق گفت : حشد الشعبی بخشی از نیرو های حکومتی عراق هستند. تعداد نیروهای حشد الشعبی بالغ بر 200 هزار تن تخمین زده میشود. از بدو تاسیس جمهوری اسلامی در

کنار حشدالشعبی بوده و سپاه پاسداران و قدس در امر آموزش آنها کوشا و سلاح در اختیار آنها قرار داده و میدهند تا حشدالشعبی یکی از بازوهای محور مقاومت در منطقه باشد.



گروه های تشکیل دهنده حشد الشعبی عبارتند از:

سازمان بدر: در سال 1981 میلادی از سوی مجلس اعلای اسلامی عراق که در آن زمان به مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق مشهور بود به وجود آمد. موسس آن محمد باقر حکیم بود. رهبر کنونی سازمان بدر هادی العامری است.



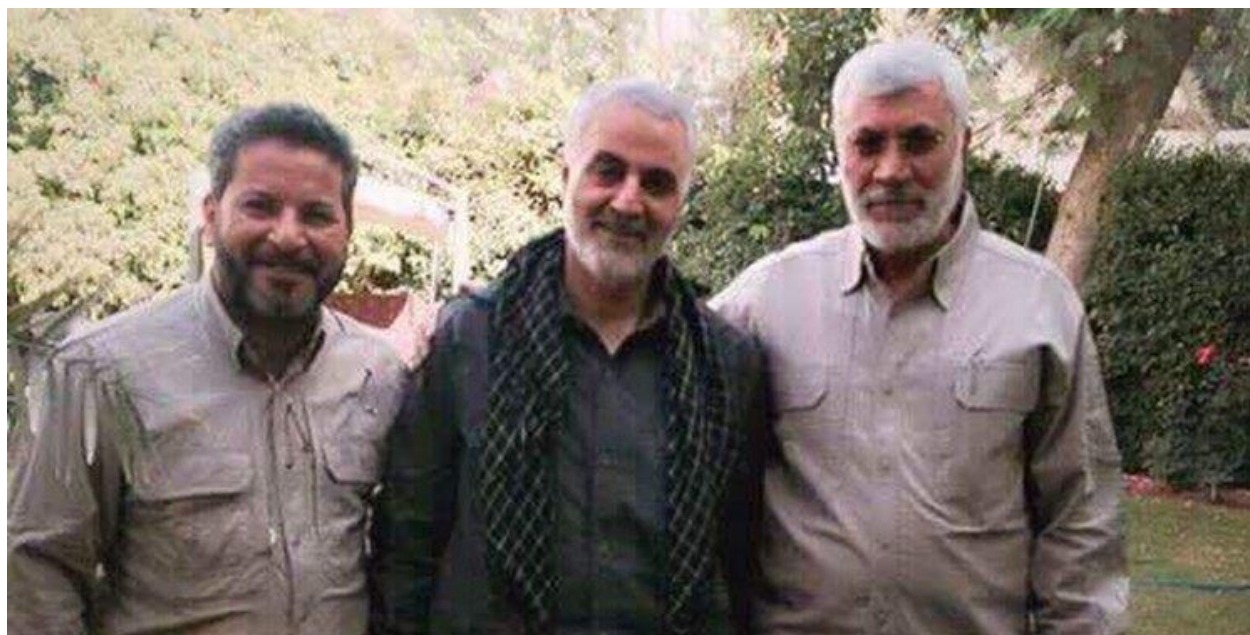
هادی فرحان العامری ملقب به ابو حسن عامری

تعداد افراد سازمان بدر بیش از 10 هزار تن است از انواع سلاح ها و ادوات نظامی بهره مند است. رهبر آن هادی العامری از مجلس اعلای اسلامی جدا شد و پس از فتوای آخوند سیستانی جوانان زیادی را زیر پرچم خود جای داد. سازمان بدر در همه نبردها با سلاح سنگینی که در اختیار دارد مشارکت کرده است. نقش سپاه بدر نظیر حزب الله در لبنان برای جمهوری اسلامی است. آنها خود را فدائیان روح الله خمینی میدانند! بدر الجناح العسگری ، شاخه ای از سپاه بدر است که در منطقه سامرا فعالیت دارد.



پرچم سپاه بدر

گردان های امام علی: شاخه نظامی جنبش العراق الاسلامیه است که از جون 2014 میلادی مطرح شد و در آمرلی و طوزخورماتو و دیالی فعالیت کرده است. هدف از شکل گیری گردانهای مذکور دفاع از عراق و مقدسات شیعی است. در صفوف گردانهای امام علی از همه مذاهب و ادیان شامل سنی، شیعی، ترکمن و مسیحی و شبک به چشم می خورد. از رهبران آن شبیل الزیدی و ابو عزرائیل است و در نبردهای جرف النصر، آمرلی و الضلوعیه نقش داشته اند.



شبیل الزیدی سمت راست گنده لات قاسم سلیمانی

این فرمانده گردان های امام علی در حمله هوایی آمریکا در تاریخ 14 دیماه 1398 خورشیدی در ناحیه التاجی عراق به هلاکت رسید.

کتاب حزب الله: کتاب یا گردان های حزب الله پس از سقوط بغداد به دست نیرو های آمریکایی شکل گرفت. در آن هنگام گردانهای ابوالفضل، کربلا، سجاد و زید بن علی در صحنه بودند که در سال 2006 میلادی همگی تحت حزب الله عراق متحد شدند و هدف آنها مبارزه با نیرو های آمریکایی بود. حزب الله عراق همانند حزب الله لبنان در پوشش فعالیت های خیریه! و امداد رسانی! و اجتماعی! فعالیت می کردند. گردانهای حزب الله شورای

مشورتی به نام شورای الکتاب دارد که فرماندهان نظامی مسئول طرح های نظامی هستند و در زمینه های سیاسی و رسانه ای نیز اشخاص دیگر فعالیت می کنند. دبیر کل حزب الله ناشناس است اما به ابوکاظم معروف است. ناظر کل الکتاب آخوند محمد السند و مسئول مالی واداری آن آخوند شیخ کمال الفرطوسی است و محمد الکعبی، عامر خواجه و مقتدی الانصاری وی را کمک می کنند. گردان های حزب الله در مناطقی مانند بلد، سامرا و الدجیل فعالیت کرده اند. همچنین در جرف الصخر در شمال بابل و کمر بندی بغداد عملیات نظامی انجام داده اند. برای هر منطقه ای مسئولی وجود دارد و جبار عبدالحسین مسئول امنیت استانها و مسئول استانهای بصره، ناصریه، العماره و الکوت است. مسئول گردانهای حزب الله در الرصافه بغداد با شیخ موید البهادلی است که سعد سواره، امجد الباحی، صدر الاعرجی و لیث النوری وی را کمک می کنند. مسئول گردانهای حزب الله در الکرخ بغداد احمد السعدی است و حاجی حمید الساعدی، محمد عبدالساده، شیخ فاضل الفریش و شیخ وسام البغدادی دستیاران او هستند. حزب الله عراق موشك های کاتیوشا و ذوالفقار، کرار و حیدر در اختیار دارد. همچنین سلاح ای کی 47، ام 16، پی کی سی، موشك آرپی جی، قناصه های اچ اس 50، بی 29، خمپاره شصت و 180 و سلاح های دیگر ضد زره و ضد هوایی در اختیار دارد. حزب الله همچنین موشك اشتر در اختیار دارند. اکثر سلاح های آنها را جمهوری اسلامی تامین می کند

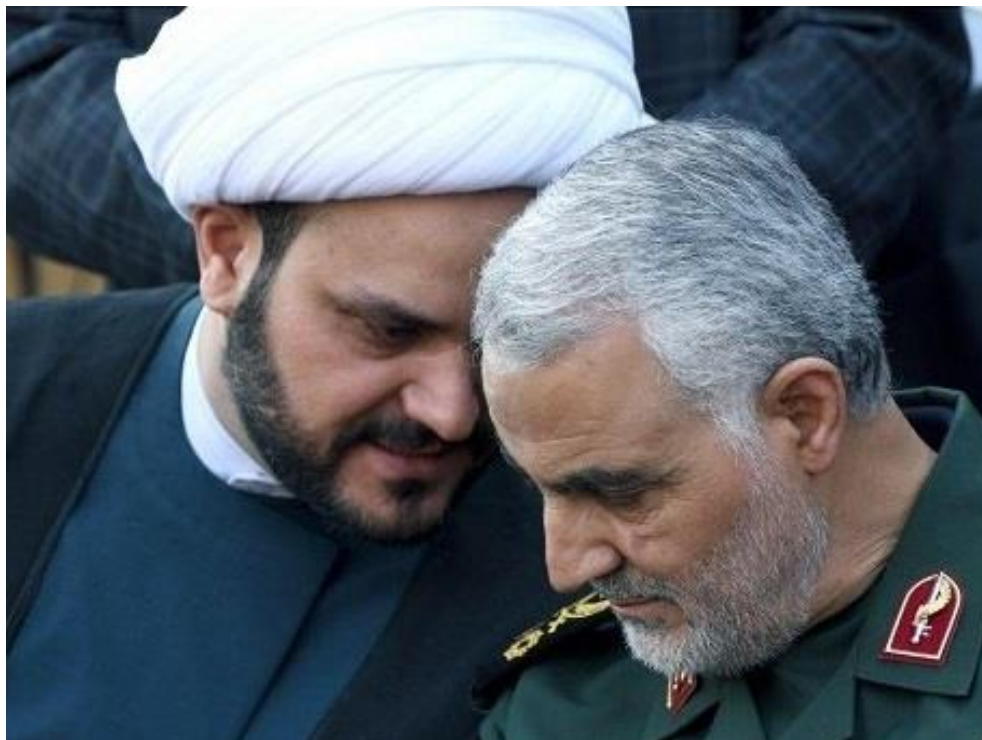
عصائب اهل الحق: موسس آن "قیس الخزعلی" است و تعداد رزمندگان آن 10 هزار تن تخمین زده می شود. سلاح ها و ادوات نظامی سبك و سنگین از جمله خمپاره و موشك انداز و توپخانه را در اختیار دارد. عصائب اهل الحق شاخه ای از سپاه المهدی بود که در جولای 2006 میلادی تاسیس شد و به شکل کاملاً مستقل از سپاه المهدی به ویژه پس از انحلال سپاه المهدی پس از عملیات صوله الفرسان در نوامبر 2008 عمل کرد.



آخوند قیس الخزعلی

فرماندهی عصاب اهل الحق را قیس الخزعلی، عبدالهادی الدراجی و اکرم الکعبی تشکیل میدهند. قیس الخزعلی از شاگردان محمد صدر پدر مقتدی صدر است و قبل از اینکه در سال 2010 آزاد شود در زندانهای آمریکایی ها بوده است. عصاب اهل الحق از معروفترین شبه نظامیان محسوب می شوند. تعداد نیروهای عصاب اهل الحق در سال 2007 میلادی حدود سه هزار تن و در جولای 2011 میلادی حدود 10 هزار تن تخمین زده شده است. ساختار عصاب اهل الحق عبارتند از؛ تیپ امام علی، حوزه جنوب عراق استان های شیعی بابل، بصره، ذیقار، کربلا، میسان، المثنی، نجف، القادسیه و واسط. تیپ امام کاظم مسئول حوزه غرب بغداد شامل مناطق کاظمین، الرشید، الکرخ و منطقه المنصور. تیپ امام هادی مسئول حوزه شرق بغداد شامل شهرک صدر، بغداد الجدیده، الکراده، الرصافه و الاعظمیه. تیپ امام عسکری مسئول حوزه مرکز عراق شامل مناطق شیعی جنوب دیالی و شهر سامرا در استان صلاح الدین و برخی مناطق شیعی نشین در نینوا و کرکوک. تیپ حیدر کرار مسئول حوزه سوریه غالباً در جنوب دمشق و غرب حلب.

جنبش حزب الله النجباء: جنبش حزب الله النجبا در سال 2013 میلادی از عصائب اهل الحق جدا شد و اکرم الکعبی هدایت آن را بر عهده دارد. وی تیپ عمار بن یاسر وابسته به العصائب را در سوریه رهبری می کند.



اکرم الکعبی و گنده لات قاسم سلیمانی

اعضای این گروه چند هزار تن بوده که در نبردهای النباعی، الضابطیه و سامرا با سلاح های سبک و میان برد حضور داشته اند. آنها موشک های اشتر، اهدائی جمهوری اسلامی را زیاد به کار می گیرند.

گردان های سید الشهداء: از گردانهای حزب الله همزمان با فتوای آخوند سیستانی جدا شد و دبیر کل آن الحاج ابو علا است. حاج ابوسیف مسئول نظامی آن در سامرا به قتل رسید. تعداد افراد گردانهای سیدالشهدا بالغ بر سه تا چهار هزار تن است. آنها به علت خدمات اجتماعی !! که در عراق انجام می دهند مشهور هستند و در ناصریه، العماره و کاظمین فعالیت دارند. در نبردهای سامرا، آمرلی و الضابطیه حضوری چشمگیر داشتند. سلاح آنها سلاح سبک و میان برد است و هماهنگی قوی با ارتش عراق برای پوشش آتشبار سنگین دارند.



گردان های سید الشهداء با فرمانده آن ابو علا با کلاه مشکی

گردانهای جهاد و سازندگی: گردانهای جهاد و البناء همزمان با فتوای آخوند سیستانی تاسیس شده است و شاخه نظامی جنبش سیاسی معروف به جهاد و سازندگی که در سال 2011 میلادی تشکیل شد، هستند. این نهاد از ادغام سه تشکل اسلامی: جنبش حزب الله عراق، جنبش سیدالشهداء و حزب نهضت عراق تشکیل شده است. دبیر کل کنونی آن حسن الساری و یکی از رهبران مجلس اعلای اسلامی به ریاست عمار حکیم است.

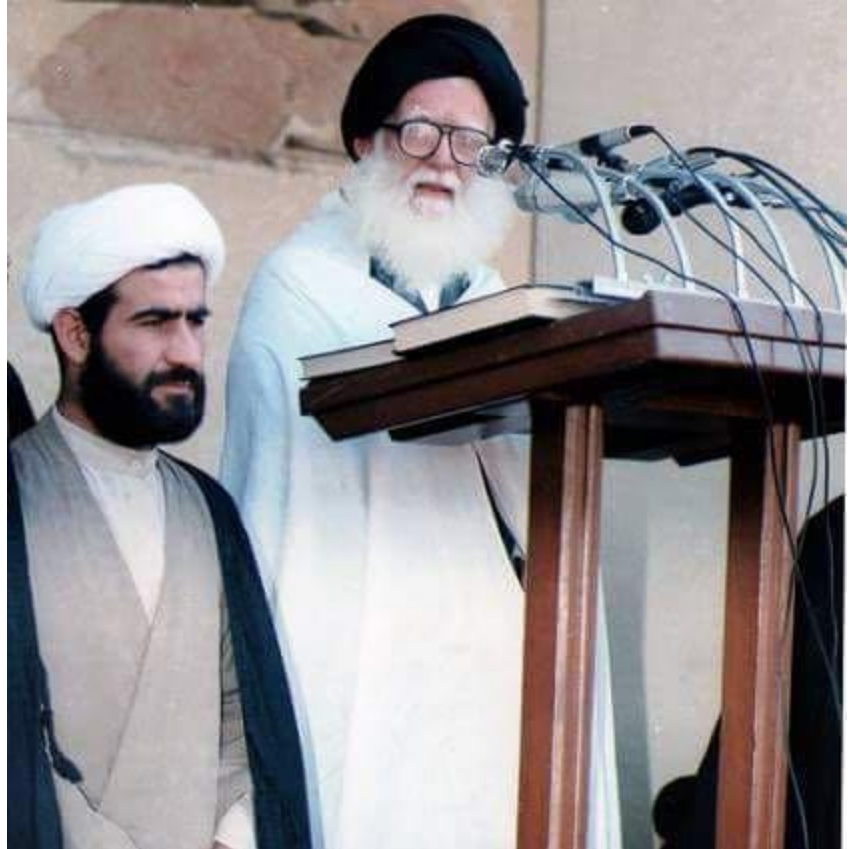


حسن الساری

برخی این گردانها را در واقع جایگزین سازمان بدر می دانند که تعداد افراد آن بالغ بر سه هزار تن است . آنها در نبردهای الرواشد، السعديه ، الجویزرات و سید غریب مشارکت داشته اند . آنها از سلاح های سبك و میان برد استفاده میکنند و مورد حمایت آتشبار سنگین ارتش عراق هستند.

عراق چگونه کشوری است که در آن 42 گروه و سازمان نظامی و شبه نظامی مسلح به ارتش آن خدمت !! می کنند و تمامی آنها از جمهوری اسلامی پول و سلاح دریافت کرده و گوش به فرمان سید علی خامنه ای هستند؟

گردانهای التیار الرسالی: پس از فتوای آخوند سیستانی به عنوان شاخه نظامی جریان الرسالی عراق شکل گرفت و دبیر کل آن شیخ عدنان الشحمانی از نمایندگان پارلمان است.



آخوند کنار سخنران عدنان الشحمانی است.

الشحمانی حیات سیاسی و نظامی خود را در حزب الدعوه شروع کرد و به سبب ممانعت مقتدی صدر با حضور وی در انتخابات 2007 میلادی از سپاه المهدی جدا شد. گردانهای جریان الرسالی عراق در آزاد سازی منطقه المعامل در الکرمه فلوجه و نبرد الضابطیه با سلاح سبک و میان برد حضور داشت و این گردانها نیز نیاز به حمایت سلاح سنگین ارتش عراق دارند.

سرایا الخراسانی: سرايا الخرساني به عنوان شاخه نظامي حزب الطليعه اسلامي با عنوان دفاع از مقدسات در سوریه بنا نهاده شد و رهبر کنونی آن حامد الجزایری است



حامد الجزایری

تعداد رزمندگان آن حدود سه هزار تن است و در آزاد سازی منطقه عزیز بلد که پاسدار حمید تقوی در آن مشارکت داشت مشارکت کرده اند. در نبرد آمرلی نیز شرکت کرده اند و از سلاح سبک و میان برد استفاده می کنند و ارتش عراق از نظر سلاح سنگین آنها را پوشش می دهد. چندی پیش خبری انتشار یافت که این فرد به اتفاق پانزده تن از نزدیکانش توسط نیرو های اطلاعاتی حشد الشعبی بازداشت شده اند.

سرایا عاشوراء: این گردانها نیز همزمان با فتوای آخوند سیستانی شکل گرفتند و شاخه نظامی مجلس اعلای اسلامی محسوب می شوند و تعداد افراد آن بالغ بر پنج هزار تن است. آنها در نبردهای بلد، الضابطیه با سلاح سبک و میان برد خود مشارکت داشته اند و از سوی ارتش عراق با سلاح سنگین حمایت می شوند. دبیرکل این گروه ابو احمد کاظم الجابری است.

سرایا العتبات: این گردانها نیز پس از فتوای آخوند سیستانی به وجود آمدند. گردانهای عتبات وابسته به مراکز شیعی عراق و افراد آن خادم این مراکز هستند. سرایا العتبات از برخی گردانهای مشهور از جمله **سرایا العتبه العباسیه** (آستان حضرت عباس به رهبری شیخ میثم تشکیل شده اند که تعداد پنج هزار تن از آنها در نبرد جرف الصخر و سید غریب در منطقه بلد مشارکت داشتند و به سلاح سبک و میان برد مجهز هستند. آنها در ظاهر از

نذورات شیعی عتبات بودجه مالی خود را تامین می کنند ولی ده ها سند وجود دارد که تامین کننده اصلی آنها جمهوری اسلامی است.

گردانهای آستان حضرت علی: به فرماندهی شیخ کریم که تعداد افراد آن هزار تن است که به همراه گردان های آستان مقدس امام حسین که تعداد آنها نیز هزار تن است و فرماندهی آن را شیخ مهدی بر عهده دارد .

گردانهای صلح: گروهی وابسته به جریان صدر به رهبری مقتدی صدر است که پس از سیطره داعش بر استان نینوا و مناطقی از عراق به وجود آمد.



مقتدی صدر

این گردانها برای دفاع از مساجد و قبر امامان شیعه و سنی !!! تشکیل شد و در مناطقی مانند سامراء، دیالی، آمرلی و جرف الصخر و الاسحاقی فعالیت کرده است. این نیروها در واقع همان رهبران و فرماندهان سپاه المهد و لشکر روز موعود هستند. گردانهای صلح در روز یازده ژوئن 2014 شکل گرفتند و در برخی استانها با سلاح های خود رژه رفتند. سلاح گردانهای صلح را سلاح های سبك و سنگین تشکیل میدهد. گردان های صلح از سه لشکر که

هر لشکر متشکل از چهار تیپ و هر تیپ متشکل از چهار گردان و هر گردانی از گروهان های 60 تا 120 نفره داوطلبان تشکیل می شود. گردانهای صلح پس از شلیک خمپاره به قبرهای امام هادی و امام حسن عسکری وارد نبرد در سامراء شدند. فرمانده نظامی گردانهای صلح کاظم العیساوی است.

گروه های دیگر: گروه های کوچک دیگری وجود دارند نظیر: سپاه الوعد الصادق، اسد الله غالب، انصار الحجه، تیپ القارعه، سرایا الزهراء، انصار العقیده، الغضب، جنبش الابدال، لواء المنتظر، گردانهای درع الشیعه، و حزب الله الثائرون .

جیش المختار(سپاه مختار): موسس واثق البطاط که در ژوئن سال 2010 شکل گرفت و تعداد رزمندگان آن 40 تن نفر تخمین زده می شود. این واحد نظامی نیز از انواع سلاح ها و موشك انداز و خمپاره انداز برخوردار است.



آخوند واثق البطاط

تیپ ابوالفضل العباس(ع): موسس قاسم الطائی و زمان شکل گیری آن در سال 2011 میلادی است. علاء الکعبی فرماندهی آن را برعهده دارد و از انواع سلاح و موشك انداز و خودروهای نظامی برخوردار است. معمولاً وابسته به عصاب اهل الحق و جریان صدر و گردانهای حزب الله عراق هستند.



تیپ ابوالفضل العباس در بحران سوریه در سال 2012 میلادی برای کمک به نیروهای سوری شکل گرفت. بیشتر رزمندگان این تیپ را عراقی های داخل و نیز عراقی هایی که پس از حوادث سال 2006 میلادی به سوریه گریخته بودند تشکیل می دهند. تیپ ابو الفضل العباس به عنوان مدافع حرم حضرت زینب مشهور است .

جمع بندی: نیروهای تروریستی تحت امر جمهوری اسلامی از 42 گروه مسلح تشکیل شده است که قریب به 118 هزار رزمنده دارد و 60 هزار تن از آنها در جنگ با داعش به سر می بردند. گروههای مسلح به دو بخش تقسیم می شوند: نخست گروههای مسلح معروف مانند سازمان بدر و گردان های حزب الله و عصائب اهل الحق و بخش دوم را گروههای کوچکی تشکیل می دهند که بخش اعظم آنها پس از فتوای آخوند سیستانی به وجود آمده اند. پس از سازمان بدر عصائب اهل الحق و گردان های حزب الله در رتبه های بعدی قرار دارند و هر يك از آنها نزدیک به 6 هزار رزمنده دارند.

حضور جمهوری اسلامی در سوریه

در این بخش به گروه های نظامی و شبه نظامی که در سوریه برای حفظ بشار اسد گرد آمده بودند اشاره میشود. بسیاری از این گروه ها در عراق شکل گرفته و با بحران سوریه بنا به خواست جمهوری اسلامی به آن کشور رفتند. لذا نام آنها تکرار شده ولی تلاش بر آن قرار گرفته که مطالب بیشتری راجع به آنها نگاشته شود.

فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران، پاسدار محمد پاکپور از همکاری این نیرو با نیروی قدس سپاه در جنگ داخلی سوریه خبر داد.



پاسدار محمد پاکپور

محمد پاکپور با اعلام این موضوع گفته که «جنگ ابعاد مختلفی دارد که مهمترین بخش آن بخش زمینی است و ما هم در این بخش به کمک نیروی قدس رفتیم.

محمد پاکپور به صراحت گفت: تا زمانی که نیاز داشته باشند کمک مستشاری خودمان را ادامه می‌دهیم. لذا وقتی می‌گوئیم مستشار، نباید تصور ۴-۵ تن را داشته باشیم!

وی سوریه را به عنوان جبهه و خط مقدم مقاومت توصیف کرد و افزود که جمهوری اسلامی ایران در همه ابعاد در سوریه، مستشار دارد.

بر اساس گزارش رسانه‌های رسمی ایرانی، تاکنون بیش از یک هزار نظامی ایرانی در جریان جنگ داخلی سوریه کشته شده‌اند

فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران گفت: شما وقتی می‌خواهید به ارتش یک کشور در جنگ کمک مستشاری بدهید، باید در صحنه حضور داشته باشید و ما هم در ابعاد مختلف مثل طراحی، فنی، تخصصی و تاکتیکی و تکنیکی در سوریه مستشار داریم

او عنوان کرد که جمهوری اسلامی برای اینکه جبهه مقاومت (محور مقاومت) شکسته نشود، به سوریه، مستشار می‌فرستد و اضافه کرد که: هر کمکی هم از دست‌مان برآید، انجام خواهیم داد

پیش از این نیز محمد پاکپور گزارش‌ها مبنی بر حضور نیروهای یگان صابرین، از نیروهای تکاور سپاه در سوریه و عراق را تأیید کرده بود



یگان صابرین

وی بهمن ماه سال 1394 خورشیدی گفته بود که: وقتی که هجمه‌ها از مرزهای کشور به باورهای ما شروع شد!!!، یگان صابرین و دیگر یگان‌های نیروی زمینی به صورت مستشاری به منطقه رفتند تا تعدی به حرم حضرت زینب و همین طور حرم اهل بیت در عراق نشود!!!

علاوه بر نیروهای بسیجی، سپاهی و تکاورهای ارتش که از آنها به عنوان مستشار نظامی یاد می‌شود، تیپ‌های موسوم به **فاطمیون** متشکل از نیروهای افغان و **زینیون**، نیروهای پاکستانی شیعه نیز از سوی سپاه پاسداران سازماندهی و در کنار ارتش بشار اسد و گروه حزب الله لبنان در سوریه می‌جنگند.



کنده لات قاسم سلیمانی همراه با دو تن از اعضای لشکر فاطمیون در سوریه. فرد وسط فرمانده لشکر فاطمیون ، علیرضا توسلی است.



پرچم گروه تروریستی زینبیون

بر اساس گزارشی که در زیر آورده شده ، بیش از پانزده گروه از شبه‌نظامیان شیعه به نیابت از رژیم ایران برای حفظ بشار اسد در جنگ داخلی سوریه می‌جنگند.

می توان گفت که در واقع نیروهای تحت امر جمهوری اسلامی، در سوریه در حال آدمکشی و گرم نگه داشتن آتش جنگ داخلی بودند

آنها مدعی هستند که مدافعان حرم هستند، حرمی که وجود خارجی ندارد ... و فقط هدفشان هم مرز ماندن با اسرائیل، و زنده نگه داشتن بحث حلال شیعه است

مدافعان حرم اهل بیت یا مدافعان حرم به گروهی از اعضای سپاه، بسیج، نیروهای مذهبی حامی سید علی خامنه‌ای و برخی مراجع تقلید شیعه و 15 گروه از شبه‌نظامیان شیعه گفته می‌شود که با عنوان دفاع از آرامگاه‌های امامان شیعه و نوادگان آنها در سوریه و عراق مشغول جنگ هستند!!!

اعضای این گروه شبه نظامی که نیروی قدس سپاه پاسداران با همکاری گروه تروریستی حزب الله لبنان در آموزش و ساماندهی آنها نقش دارد را ترکیبی از شیعیان ایران، افغان، پاکستان، عراق، سوریه و لبنان تشکیل داده‌اند.

در ایران از مجموعه‌ای به نام قرارگاه مرکزی امام حسین وابسته به سپاه پاسداران که حسین همدانی جانشین آن بود به عنوان مهمترین مرکز سازماندهی و هدایت نیروهای مدافعان حرم نام برده می‌شود.



پاسدار حسین همدانی

حسین همدانی در جریان عملیات شکستن حصر پایگاه هوایی کویرس در نزدیکی شهر حلب سوریه در تاریخ 16 مهر 1394 خورشیدی کشته شد.



جسد حسین همدانی



پاسدار محمد علی حق بین فرمانده قرارگاه مرکزی امام حسین که با هدف هدایت جنگ در سوریه و عراق راه اندازی شده بود.

حسین همدانی فرمانده سابق سپاه تهران، شناخته‌شده‌ترین عضو ارشد این قرارگاه بود که بارها درباره تحولات سوریه و چگونگی راه‌اندازی واحدهای بسیج و سایر گروه‌های مسلح در این کشور سخنرانی کرده بود.

همدانی همان زمان در سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای رسانه‌ای خود جزئیات زیادی درباره عملکرد ایران در سوریه بیان کرده و گفته بود در حال حاضر 70 هزار جوان علوی، سنی و شیعی در سوریه توسط سپاه برای جنگ سازماندهی شده‌اند. وی گفته بود این جوانان در قالب 42 گروه و 128 گردان در سوریه در حال جنگ بوده و 130 هزار بسیجی آموزش‌دیده ایران نیز به منظور جنگ منتظر ورود به سوریه هستند.

در یک قلم به هزینه نگهداری این افراد و ساز و برگ تسلیحاتی آنها نظری بیندازید تا متوجه شوید، چه میزان پول که میبایستی صرف رفاه مردم ایران و آبادی کشور شود

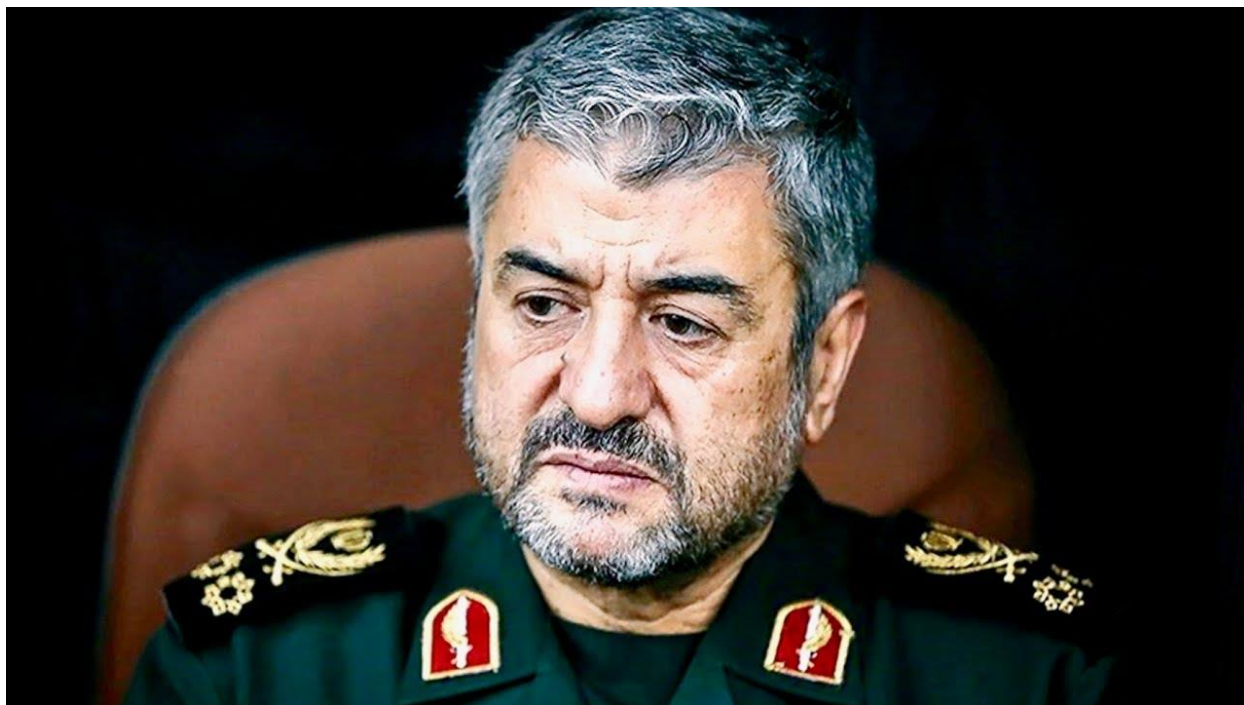
صرف نگهداری جنایتکاری چون بشار اسد شده که آنهم ظرف یک هفته دود شد و به هوا رفت.



پاسدار محمد اسکندری

پاسدار محمد اسکندری، فرمانده سپاه ملایر یکی دیگر از فرماندهان سپاه است که اعلام کرده این سازمان نظامی 42 تیپ و 138 گردان مجهز را برای جنگ با مخالفان بشار اسد در داخل خاک سوریه آماده کرده است!!

محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران، نیز تعداد نیروی‌های مبارز در عراق و سوریه را در مجموعه 200 هزار تن اعلام کرده که در قالب نیروهای مسلح مردمی!! مشغول جنگ هستند



پاسدار محمد علی جعفری فرمانده پیشین سپاه پاسداران

همه این نیروها در قالب سپاه بین‌المللی مدافعان حرم!! در سوریه و عراق می‌جنگیدند. مدافعان حرم با عضویت غیررسمی نیروهای قدس سپاه پاسداران و دست‌کم 15 گروه نظامی مشهور تشکیل شده بود که در سوریه و عراق در حال جنگ با گروه داعش بودند.

هسته اولیه گروه مدافعان حرم را آن‌طور که رسانه‌های ایران گزارش کرده‌اند گردان ابوالفضل العباس به رهبری فردی به نام عبدالامیر الربیعی تشکیل داده است.



اعضای گردان ابوالفضل العباس که در شهر نجف و با فتوای شیخ قاسم الطائی یکی از علمای شیعه عراق در سال 2005 میلادی پایه‌گذاری شده، شامل گردان‌های حزب‌الله شیعه و برخی دیگر از نیروهای شبه‌نظامی شیعی این کشور هستند که سابقه فعالیت بعضی از آنها به دوران صدام حسین می‌رسد.

گردان ابوالفضل العباس یکی از نخستین گروه‌های شیعه عراقی بود که با آغاز درگیری‌ها در سوریه راهی این کشور شد و در اول فوریه 2013 میلادی رهبری چندین گروه دیگر جنگجویان شیعی در سوریه را برعهده گرفت و با انتشار بیانیه‌ای رسمی اعلام موجودیت کرد

مهمترین گروه‌هایی که در در سوریه و عراق مشغول جنگ با گروه داعش بودند عبارتند از :

نیروی «قدس» سپاه پاسداران

از این نیرو بعد از نیروی زمینی، هوایی، دریایی و بسیج به عنوان پنجمین نیروی سپاه پاسداران نام برده می‌شود که ماموریت‌های برون‌مرزی این نهاد را برعهده دارد. نیروی قدس در جریان جنگ ایران و عراق راهاندازی شد و هدف آن انجام ماموریت‌های شناسایی و نظامی در خاک عراق بود.

پس از آغاز ناآرامی‌ها در سوریه در سال 2011 میلادی دور جدیدی از ماموریت‌های نیروی قدس سپاه در منطقه به خصوص سوریه آغاز شد، ضمن این که این ماموریت با حمله گروه داعش به عراق، گسترده‌تر از قبل نیز شده بود.

نیروی قدس سپاه پس از دستگیری و آزادی چندین فرمانده ارشد خود در ماه‌های نخستین درگیری سوریه، به آرامی رویکردش در اعزام نیرو را تغییر داد و به حزب‌الله لبنان در زمینه اعزام، آموزش و سازماندهی این نیروها نقش بیشتری داد

در این تغییر رویکرد، فرماندهان این نیرو تصمیم به راهاندازی ستاد مردمی مدافعان حرم !! در ایران گرفتند تا از این طریق بتوانند نیروهای داوطلب جنگ در سوریه را سازماندهی و به این کشور اعزام کنند

این ستاد بیش از 10 تجمع با عنوان مدافعان حرم در تهران و تجمعات فراوان دیگری در سایر شهرهای ایران به منظور تشویق جوانان مذهبی برای پیوستن به جنگ سوریه برگزار کرده بود.

مسئولیت برگزاری این تجمع را هیاتی در تهران به نام هیات‌الرضا برعهده داشتند که مداح آن یعنی عبدالرضا هلالی یکی از کارمندان سپاه پاسداران تهران است.



روضه خوان حکومتی عبدالرضا هلالی

این ستاد طی سه سال توانسته ده‌ها تن از جوانان مذهبی فعال در مساجد، حسینیه‌ها، پایگاه‌های بسیج و حتی برخی اعضای سپاه شهرستان‌ها را فریب داده و برای جنگ به سوریه اعزام کند.

پیکر ده‌ها تن از اعضای این گروه تاکنون در شهرهای مختلف ایران تشییع و به خاک سپرده شده و از تعداد دقیق این کشته‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست.

سپاه پاسداران با وجود تشدید درگیری‌ها در سوریه و عراق و حضور رسمی گنده لات قاسم سلیمانی در میدان جنگی عراق، همچنان از طریق گروه مدافعان حرم اقدام به اعزام نیرو به این دو کشور می‌کرد تا هزینه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دخالت‌های خود در امور داخلی برخی کشورهای منطقه را کاهش دهد

حزب‌الله لبنان

حزب‌الله لبنان شناخته‌شده‌ترین گروه در جنگ شیعیان با گروه داعش در سوریه و عراق است که حسن نصرالله، دبیرکل آن بارها حضور نظامی نیروهای این گروه در سوریه را تایید کرده بود.

حزب‌الله لبنان از اواخر سال 2012 میلادی در درگیری‌های سوریه مشارکت داشته و شمار کشته‌های آن تا بیش از 250 تن اعلام شده است

این گروه به عنوان مهمترین مرجع آموزش و طراح جنگ شهری در عراق و سوریه محسوب می‌شود که به خواست ایران وارد درگیری‌ها در این دو کشور شده است. بسیاری از شبه‌نظامیان شیعی در این دو کشور از سوی فرماندهان زبده حزب‌الله لبنان آموزش داده می‌شدند.

علت واگذاری این مأموریت به حزب‌الله لبنان از سوی نیروی قدس سپاه، تجربه بالای این گروه در جنگ چندین ساله با اسرائیل بود؛ سال‌ها جنگ شهری و منطقه‌ای، فرماندهان این نیرو در جنگ شهری را زبده کرده بود.

حزب‌الله لبنان با الهام گرفتن از الگوی همکاری خود با نیروی قدس سپاه، دست‌کم از دو گروه **کتاب حزب‌الله و عصائب اهل الحق** در عراق برای تعلیم و تجهیز چند گروه شبه‌نظامی شیعی دیگر استفاده می‌کرد.

در سایت رسمی علی خامنه‌ای صفحه ویژه‌ای به نام مقاومت راه‌اندازی شده که محتوای بسیاری از آن مربوط به حسن نصرالله، فعالیت‌های حزب‌الله لبنان و سخنان رهبر جمهوری اسلامی درباره تحولات این مناطق است.

در این صفحه نقشه‌ای وجود دارد که کشورهای ایران، بحرین، سوریه، عراق، یمن، لبنان، پاکستان، میانمار، هندوستان، فلسطین، مصر، لیبی و تونس را با رنگ‌های متفاوتی ترسیم کرده و این کشورها را **محور مقاومت اسلامی** معرفی کرده است.

مدیریت اصلی اجرای این پروژه آن‌طور که سردار علی شادمانی، معاون عملیات ستاد کل نیروهای مسلح اعلام کرده از سوی آخوند خامنه‌ای به سپاه پاسداران واگذار شده است.

این نقشه نشانه دقیق و روشنی از سیاست‌های جمهوری اسلامی برای گسترش نفوذ خود در این کشورها است که با عاملیت حزب‌الله لبنان دنبال می‌شد.

در این سیاست، حزب‌الله لبنان مأموریت یافته بود در کشورهای مذکور اقدام به راه‌اندازی هسته‌های مقاومت به نام حزب‌الله کند.

حزب‌الله لبنان براساس این نقشه و با همکاری نیروی قدس سپاه پاسداران تاکنون توانسته در سوریه، عراق، پاکستان، یمن، فلسطین و تونس اقدام به راه‌اندازی تشکیلات حزب‌الله کند.

حزب‌الله سوریه

حزب‌الله سوریه شاخه دوم حزب‌الله لبنان در کشور سوریه است که حسین همدانی، جانشین قرارگاه مرکزی امام حسین تشکیل این مجموعه از سوی جمهوری اسلامی را تایید کرده بود.

این گروه شامل جنگجویان حامی بشار اسد در سوریه است و به صورت محدود به ارتش این کشور در پیکار با مخالفان اسد کمک می‌کند.

حزب‌الله سوریه در آوریل 2014 میلادی ضمن اعلام کشته شدن هشت تن از اعضای خود با صدور بیانیه‌ای اعلام موجودیت کرد.

طبق گزارش‌ها اعضای حزب‌الله از شیعیان 12 امامی سوریه تشکیل شده و آموزش آنها بر عهده فرماندهان حزب‌الله لبنان و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی بود.

تعداد نیروهای این گروه 15 هزار تن برآورد می‌شود و اعضای آن در فیلمی که منتشر شده، اعلام کرده‌اند راه روح‌الله خمینی را ادامه خواهند داد و به دفاع از آرامگاه حضرت زینب خواهند پرداخت!

سپاه بدر

سپاه بدر مشهورترین عضو مدافعان حرم در عراق است که رابطه بسیار نزدیکی با جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران در ایران دارد. این سپاه جزء 42 گروه شبه‌نظامی فعال در عراق است که به همراه 28 گروه شبه‌نظامی دیگر مستقیماً مورد حمایت ایران قرار دارند که شرح آن پیش از این داده شد.

اعضای این سپاه خود را از فداییان روح‌الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، می‌دانند و در زمان صدام حسین، مبارزه با رژیم وی را جهاد فی‌سبیل‌الله!! عنوان می‌کردند.

مقر کنونی این سپاه در عراق، پادگان اشرف مقر سابق اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران است که در جولای سال 2014 میلادی در اختیار این سازمان نظامی قرار گرفت.

گردان ابوالفضل‌العباس یا لواء ابوالفضل‌العباس

گردان لواء ابوالفضل‌العباس که متشکل از چند گروه نظامی شیعی عراقی است، به طور رسمی در اول فوریه سال 2013 میلادی با هدف حفاظت از آرامگاه حضرت زینب!! دختر امام اول شیعیان در سوریه اعلام موجودیت کرد.

اعضای این گردان را علاوه بر گروه **اليوم الموعود** وابسته به جریان صدر به رهبری مقتدی الصدر و گروه **عصائب أهل الحق** به رهبری شیخ قیس الخزعلی وابسته به جیش المهدی، گروهی از اعضای حزب‌الله لبنان و اتباع عراقی ساکن دمشق تشکیل می‌دهند.

علاء الکعبی، مسئول نظامی گردان ابوالفضل‌العباس تعداد نیروهای فعلی این گردان در خاک عراق را 500 تن اعلام کرده است.

برخی خبرگزاری‌های رسمی در ایران تشکیل این گردان در سوریه را اقدامی از سوی حزب‌الله لبنان و شخص حسن نصرالله اعلام کرده‌اند.

فرماندهی این گردان را فردی به نام حسین ابو عجیب از شیعیان عراقی ساکن سوریه برعهده دارد که دارای ارتباط نزدیکی با نیروی قدس سپاه پاسداران است.



حسین ابو عجیب در دیدار با مقامات جمهوری اسلامی، سمت راست فرتور

گردان فاطمیون

گردان فاطمیون یکی دیگر از گروه جنگجویان شیعه حاضر در سوریه است که بسیاری اعضای آن را شماری از افغان‌های مقیم ایران تشکیل می‌دهند؛ آنها پس از جذب، آموزش و سازماندهی در پادگان‌های سپاه به این کشور اعزام شده‌اند.

این گردان آن‌طور که رسانه‌های ایران اعلام کرده‌اند از سوی ۱۷ تن از افغان‌های شیعه مقیم دمشق تشکیل شد و پس از گسترده شدن جنگ در سوریه، به یک گردان نظامی تبدیل شد.

براساس برخی گزارش‌ها بیش از دو هزار و پانصد عضو این گردان که از شیعیان افغان مقیم کابل، ایران و سوریه بودند در مناطق مختلفی از خاک سوریه به جنگ مشغول بودند.

این گزارش‌ها تعداد افغان‌های کشته شده عضو این گردان در درگیری‌های سوریه را حدود 200 تن اعلام کرده‌اند.

افغان‌های شیعه مهاجر سال‌هاست که در دو شهر مذهبی قم و مشهد زندگی می‌کنند.

بسیاری از اعضای گردان فاطمیون ساکن این دو شهر بوده و کار سازماندهی و اعزام آنها را سپاه استانی قم و خراسان رضوی برعهده داشتند.

فرماندهی اصلی این گردان را فردی به نام علیرضا توسلی معروف به ابوحامد برعهده داشت که ۲۸ فوریه سال 2015 میلادی در درعا سوریه کشته و پیکر وی چند روز بعد در مشهد به خاک سپرده شد.



علیرضا توسلی با اورکت نظامی و عینک، سمت چپ فرتور

گردان زینبیون

گردان نوپای زینبیونسومین گروه نظامی سازماندهی شده از داخل ایران برای جنگ در سوریه است که اعضای آن را شیعیان پاکستانی مقیم ایران تشکیل داده‌اند. پایگاه اصلی این گردان در شهر مذهبی قم و اسلام‌آباد پاکستان قرار دارد. تاکنون پیکر چندین عضو کشته شده این گردان در قم تشییع و به خاک سپرده شده است.

گفته می‌شود این گردان ارتباط نزدیکی با حزب‌الله پاکستان دارد و دبیر کلی آن را فردی به نام هادی نقوی عهده‌دار است. نقوی به صراحت اعلام کرده که این گروه زیر مجموعه حزب‌الله لبنان است.



هادی نقوی که در دمشق به قتل رسید.

حزب الله لبنان علاوه بر پاکستان چندین شاخه نظامی دیگر در سوریه و عراق راه اندازی کرده که این گروه ها هدف خود را مقابله با نیروهای تکفیری!! اعلام کرده اند

گردان نواء ذوالفقار

این گردان بعد از گردان ابوالفضل العباس دومین گروه مسلح شیعی عراقی در دمشق است. که اعضای آن اعلام کرده اند مشغول دفاع از آرامگاه دختر امام اول شیعیان هستند!!! فرماندهی این گردان را ابوشهد الجبوری بر عهده داشت که وی نیز فوریه سال 2014 میلادی در درگیری های دمشق جان خود را از دست داد



ابوشهد الجبوری

الجبوری پیش از مرگ ارتباط نزدیکی با جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران داشت و تصاویر متعددی از وی در ایران منتشر شده که نشانه‌ای از میزان ارتباط وی با جمهوری اسلامی بود.

جانشین الجبوری فردی به نام فاضل صبحی معروف به ابوهاجر از اعضای گروه عصاب‌الحق عراق بود که در درگیری‌های سوریه کشته شد و از سفرهای وی به ایران نیز تصاویر متعددی منتشر شده است.

گروه عصاب اهل حق

مجوز فعالیت نظامی گروه عصاب اهل حق عراق به دبیر کلی شیخ قیس خزعلی را محمود هاشمی شاهرودی صادر کرده است.



آخوند محمود هاشمی شاهرودی
محمود هاشمی شاهرودی، رئیس سابق قوه قضاییه ایران و عضو کنونی هیات رئیسه مجلس خبرگان و متولد عراق است.

آگوست و اکتبر سال 2014 میلادی دو گروه از اعضای عصاب اهل حق برای تمرین‌های نظامی و دیدار با برخی روحانیون بلندپایه قم به ایران سفر کردند که در آن زمان انتشار تصاویری از آنها بازتاب‌های زیادی در رسانه‌ها به همراه داشت

اعضای این گروه جزء نخستین افرادی بودند که با آغاز درگیری‌ها در سوریه وارد این کشور شده و علیه مخالفان بشار اسد مشغول جنگ شدند و در حال حاضر نیز در عراق مشغول جنگ هستند.

جوانی به نام مهدی بختیاری، نماینده گروه عصاب اهل حق در ایران بود که در سوریه به قتل رسید.



عصاب اهل حق از جمله گروه‌های شیعه عراقی است که معتقد به ولایت فقیه و ولایت آخوند علی خامنه ای است.

این گروه که حزب الله لبنان را از الگوهای خود معرفی می‌کند، قبل از حمله گروه داعش به عراق حدود سه هزار تن عضو داشت و پیش از سرنگونی و فرار بشار اسد تعداد نیروهایش را بیش از 50 هزار تن اعلام کرده اند.

سرایا السلام

نام قبلی این گروه جیش المهدی بود و مقتدی صدر، روحانی تندروی شیعه در عراق رهبری آن را بر عهده دارد. لواء الیوم نام دیگر گروه سرایا السلام است
سرایا السلام یکی از گروه‌های نظامی در عراق است که پس از سقوط شهر موصل به دست داعش، توسط مقتدی صدر راه‌اندازی شد

نام مقتدی صدر در سال 2003 میلادی پس از سقوط رژیم صدام بر سر زبان‌ها افتاد. وی که فرزند آخوند محمدصادق صدر از مراجع تقلید عراق بود، پس از اشغال این کشور در سال 2003 میلادی توسط آمریکا، گروهی به نام جیش المهدی تشکیل داد

صدر به دلایلی در سال 2009 میلادی نام این گروه را به **لواء الیوم الموعود** تغییر داد، اما هدف اصلی آن که مبارزه با نیروهای آمریکایی بود، همچنان به قوت خود باقی مانده است

در ابتدا هدف گروه «سرایا السلام» تنها حفاظت از مساجد و اماکن مقدس شیعیان و اهل سنت عراق بود، اما بعداً اعضای این گروه در درگیری‌های متعدد با داعش در مناطق مختلفی همچون سامراء، دیالی، آمرلی و جرف الصخر شرکت کردند

سرایا الخراسانی

اعضای گردان سرایا خراسانی را بیشتر شیعیان جنوب و مرکز عراق تشکیل داده‌اند و هدف اصلی آن مبارزه با گروه داعش بود.
فرماندهی این گردان شیعی را فردی به نام سیدعلی الیاسری بر عهده دارد و در گفت‌وگویی به صراحت خواستار تشکیل سپاه پاسداران در عراق شده است.



سید علی الیاسری

یکی از ویژگی‌هایی که گردان نظامی سرایا خراسانی را از دیگر گروه‌های نظامی در عراق و سوریه متمایز می‌کند لوگو و نشانی است که این گروه برای خود انتخاب کرده که مانند نشان سپاه پاسداران جمهوری اسلامی است.



این گروه به علت وابستگی‌های مستقیم به تهران از دیگر گروه‌های شیعه پیشی گرفته و به خوبی از لحاظ نظامی و لجستیکی پشتیبانی می‌شود

در یکی از ویدیوکلپ‌هایی که از سوی گروه سرایا الخراسانی تولید و منتشر شده از حمید تقوی، یکی از فرماندهان کشته شده سپاه در عراق به عنوان موسس این گروه نام برده شده است

حمید تقوی یکی از فرماندهان نیروی قدس سپاه بود که در دسامبر سال 2014 میلادی در سامرا کشته شد و تصاویری از وی در برخی خیابان‌های شهر عراق نصب شده است.



پاسدار حمید تقوی

تلویزیون افق، وابسته به سپاه پاسداران نیز هفت آپریل سال 2015 میلادی مستندی از یکی از عملیات این گروه در آزادی شهر بلد را پخش کرده که برخی از اعضای آن بر روی لباس‌های خود تصاویری از آیت‌الله علی خامنه‌ای حمل می‌کردند.

کتاب حزب الله

گردان های حزب الله عراق (کتاب حزب الله فی العراق) یکی دیگر از گروه های جنگجوی شیعه در عراق است که بیشتر اعضای آن را مقلدان آخوند محمدباقر صدر و آخوند خمینی دو تن از مراجع تقلید شیعه تشکیل داده اند

کتاب حزب الله در سال 2003 میلادی راه اندازی شد. این گروه با اینکه جزء مخالفان سرسخت صدام حسین بود، اما به شدت اشغال کشور به دست نیروهای خارجی را رد می کرد

کتاب حزب الله پس از سقوط صدام، نخستین عملیات ضد آمریکایی خود را در تاریخ ۲۳ اکتبر سال 2003 میلادی در منطقه بلدیات شهر بغداد انجام داد و تا سال 2011 میلادی به انجام این نوع عملیات ادامه میداد .

پس از آغاز بحران سوریه، نیروهای کتاب حزب الله بنا به خواست جمهوری اسلامی برای دفاع از حکومت بشار اسد وارد سوریه شدند.

حزب الله عراق

حزب الله عراق در واقع بخشی از حزب الله لبنان به رهبری حسن نصرالله است که از سوی واثق البطاط بنیان گذاشته شد.

واثق البطاط متولد سال 1973 میلادی در استان میسان عراق بود که از سال 1993 میلادی به همراه گروهی از مخالفان صدام حسین به ایران مهاجرت کرد.

البطاط که سال های زیادی در ایران زندگی کرده بود و سابقه عضویت در سپاه بدر را داشت در سال 2002 میلادی اقدام به راه اندازی تشکیلاتی به نام ثارالله کرد و به گروه جیش المهدی پیوست.

البطاط در سال 2006 میلادی در لبنان نام تشکیلات ثارالله را به حزبالله تغییر داد و بنای کار آن را بر محور مقاومت اسلامی گذاشت و بعد از خروج آمریکا از عراق عنوان مقاومت را به نهضت تغییر داد.

شمار اعضای حزبالله عراق آنطور که مسئولان آن اعلام کردهاند بیش از 380 هزار تن است که همگی آنها مسلح بوده و در مجموع بیش از 10 هزار موشک نیز در اختیار دارند

کتاب امام علی

گروهی از شبه نظامیان شیعی مقیم عراق را اعضای این گروه تشکیل دادهاند و فرماندهی آنها را محمد شبل الزیدی بر عهده داشت که در حمله هوایی نیروهای آمریکایی به قتل رسید.

علی موسوی با کنیه ابوحسنین جانشین شبل الزیدی در این گروه بود که ششم مارچ سال 2015 میلادی در جریان آزادسازی شهر تکریت عراق، او هم کشته شد.

تصاویر بسیاری از فرماندهان این گروه در کنار قاسم سلیمانی در شبکههای اجتماعی و سایتهای خبری منتشر شده که نشان از ارتباط نزدیک موسسان آن با نیروی قدس سپاه دارد

کتاب سیدالشهداء

کتاب سیدالشهداء یکی از گردانهایی است که از سال 2003 میلادی با نیروهای آمریکا در عراق می‌جنگید و از سال 2011 میلادی نقش موثری در جنگ سوریه ایفا کرده است. اعضای این گردان را شیعیان عراقی تشکیل دادهاند و هدف خود از حضور در سوریه را محافظت از آرامگاه حضرت زینب!! اعلام کردهاند.

از ابومصطفی خزعلی به عنوان فرمانده این گردان و از ابو الاء الولائی به عنوان دبیرکل این گروه نام برده می‌شود.

تلویزیون رسمی ایران نیز مستندی درباره این گروه ساخته و پخش کرده است

حرکة النجباء

جنبش مقاومت اسلامی حرکت حزب الله النجباء که به اختصار گردان النجباء نامیده می‌شود را گروهی از شیعیان نزدیک به جمهوری اسلامی تشکیل داده‌اند این گروه رابطه بسیاری نزدیکی هم با حزب الله لبنان دارد و در سایت‌های اینترنتی تصاویری از فرمانده آن با حسن نصرالله در سفری که به لبنان داشته، وجود دارد

ابوعیسی اقلیم از فرماندهان نظامی حزب الله لبنان مسئولیت اصلی آموزش نظامی این گروه در عراق را برعهده داشته است.

ابوعیسی اقلیم در پی حمله هلیکوپتر های اسرائیل به یک کاروان نظامی حزب الله لبنان در استان قنیطره سوریه به همراه جهاد مغنیه، یکی از فرمانده سپاه پاسداران و چند عضو دیگر حزب الله کشته شد.

از «یحیی الشبری» به عنوان نماینده جنبش حزب الله النجباء در ایران نام برده می‌شود که ۱۷ مارس سال 2015 میلادی در مراسمی که سفارت عراق در تهران برگزار کرد، حضور داشت.

اشتباه محاسباتی و پیامدهای شوم آن

حمله حماس به اسرائیل

رهبر عقب مانده و متوهم جمهوری اسلامی ، سید علی خامنه ای با مشتی لومین پاسدار تازه به دوران رسیده با چند تا حلبی به رنگ تلا بر روی دوششان با چندتا جوجه آخوند عرب براساس تز حذف اسرائیل از روی نقشه جغرافیائی جهان ! برنامه احمقانه حمله حماس در 7 اکتبر 2023 را چیدند. حماس با حمله غافلگیرانه اش ، اسرائیل را در شوک فرو برده و آنوقت حزب الله لبنان ، حشدالشعبی عراق ، سوریه و حوثی های یمن از هر سو اسرائیل زخمی را موشک باران کرده و این کشور را با تمام مردمش نابود می کنند !!! براساس این برنامه ریزی احمقانه در 15 مهرماه 1402 برابر با 7 اکتبر 2023 حماس به خاک اسرائیل حمله کرد. در مرحله نخست 1400 تن اسرائیلی به خاک و خون کشیده شدند.

در این حمله دایناسورهای مسلمان حماس بعد جدیدی از خشونت و سبعبیت را به جهانیان نشان دادند.



گردان های عزالدین قسام ، شاخه نظامی حماس ، نام این تهاجم وحشیانه را توفان الاقصی نام گذاری کردند. همزمان با یورش حماس به داخل اسرائیل ، بیش از 2500 راکت به شهرهای مرکزی و جنوب اسرائیل پرتاب شد و شهر بیت المقدس هم هدف قرار گرفت.

فرتورهای بسیاری از شهروندان اسرائیلی که توسط اعضای حماس به گروگان گرفته شده بودند در شبکه های اجتماعی منتشر شد.

حدود ساعت شش صبح به وقت محلی (اسرائیل) ، جوانانی که در جشنواره موسیقی سوپرنوا در صحرای جنوب اسرائیل در نزدیکی کیبوتص رعیم به جشن و پایکوبی مشغول بودند، هیجان زده به سوی چتربازانی که در آسمان پدیدار شدند، رفتند اما تیراندازی آغاز شد

چتربازان، شبه نظامیان حماس بودند که علاوه بر آسمان، از خشکی و دریا نیز به خاک اسرائیل حمله کردند و این حمله غافلگیرانه را عملیات توفان الاقصی نامیدند.

دیگر اعضای حماس سوار بر موتورسیکلت یا با ون‌ها از مرز اسرائیل گذشتند و با یورش به کیبوتص‌ها و شهرهای کوچک اسرائیل در نزدیکی مرز غزه، به سوی غیرنظامیان تیراندازی و آن‌ها را سلاخی کردند و برخی را به‌عنوان اسیر با خود بردند.



تصاویر این حملات که توسط دوربین تن‌پوش‌های شبه‌نظامیان فلسطینی ضبط می‌شد، به‌صورت زنده از طریق اینترنت در حال مخابره شدن به جهان بود

تصاویری نیز منتشر شد که نیروهای حماس جنازه کشته‌شدگان اسرائیلی را پشت کامیون‌هایی انداخته و در میان شادی هواداران خود در غزه می‌گردانند.



ارتش اسرائیل روزنامه نگاران را برای تماشای مجموعه ویدیوهای دعوت کرده که در جریان حملات ۷ اکتبر به اسرائیل از دوربین‌های مدار بسته، دوربین‌های نصب شده بر لباس نیروهای حماس و تصاویر ضبط شده از سوی شاهدان عینی به دست آمده است تا به جهان یادآوری کند که در حملات ۷ اکتبر حماس به اسرائیل چه فجایعی روی داده است.

این مجموعه تصاویر جزئیات تکان‌دهنده‌ای را از حمله به محله‌های اسرائیلی و نیز به فستیوال موسیقی در جنوب اسرائیل به دست می‌دهد.

ارتش اسرائیل در عین حال اسنادی را در اختیار خبرنگاران گذاشته که می‌گوید از اجساد نیروهای حماس جمع‌آوری کرده و جزئیات عملیات، برنامه‌ریزی و دستورالعمل حمله به محلات یهودی نشین و گروگان‌گیری را نشان می‌دهد.

ارتش اسرائیل می‌گوید مجموعه 43 دقیقه‌ای از این تصاویر را از میان سدها ساعت فیلمی که از زمان حمله به اسرائیل جمع‌آوری کرده تدوین کرده است. یک جا مردان مسلح حماس در حالی دیده می‌شوند که هنگام تیراندازی به غیرنظامیان در میانه خیابان شادی می‌کنند و جایی دیگر تصاویری از آنها در یک کیبوتزیم که کودکان را در کنار والدینشان در خانه خود می‌کشند.

یکی از بخش‌های تکان‌دهنده این مجموعه از تصاویر دوربین‌های مدار بسته درون یک خانه در کیبوتز به دست آمده است. در این تصاویر دیده می‌شود چگونه یک پدر دو پسر جوان خود را دوان دوان به سوی یک پناهگاه می‌برد و چند ثانیه بعد از آن نیروهای حماس

نارنجکی را به درون این پناهگاه پرتاب می‌کنند و پدر را می‌کشند و دو پسر را زخمی می‌کنند.

بعد از آن که دو پسر بچه، خونین و بهت زده کشان کشان خود را به خانه‌شان می‌رسانند و فریاد می‌کشند، یک از اعضای مسلح حماس با خونسردی وارد خانه می‌شود، جلوی چشم آنها به داخل یخچال نگاهی می‌اندازد، درنگی می‌کند که نوشیدنی بردارد و دوباره از خانه بیرون می‌رود.

یکی از پسر بچه‌ها با گریه به برادرش می‌گوید: بابا مرده و بعد پشت سر هم تکرار می‌کند: چرا من زنده‌ام؟ برادر دیگر ظاهراً با انفجار نارنجک کور شده است.

سخنگوی ارتش اسرائیل در این جلسه گفت نمی‌داند که این دو بچه زنده مانده‌اند یا نه.

تصاویری که از دروبین داشبورد یک خودرو به دست آمده نشان می‌دهد مردان مسلح عضو حماس به سوی خودروی غیرنظامی شلیک می‌کنند و شیشه آن را می‌شکنند

بخش دیگری از این مجموعه، صدای یکی از اعضای حماس است که در تماس تلفنی با خانواده‌اش در غزه، با افتخار به آنها می‌گوید که دست کم ده یهودی را با دست‌های خالی کشته است.

در یک فایل صدا شنیده می‌شود که او با اصرار و به دفعات، و احتمالاً با اشاره به تصاویر یا ویدیوهایی که برای والدینش فرستاده می‌گوید: لطفاً واترپیت را باز کن و ببین چقدر کشته، پسرت یهودی‌های زیادی کشته، مادر! پسرت یک قهرمانه.

در بخشی دیگر، یک مرد مسلح حماس به آنچه که به نظر اجساد غیرنظامیان در یک کیبوتز می‌رسد با خوشحالی شلیک می‌کند و تلاش می‌کند با استفاده از یک کج‌بیل باغبانی یکی از آنها را که هنوز زنده است مثله کند.

برخی از این تصاویر از موبایل‌هایی به دست آمده که به قربانیان متعلق بوده و وحشت مطلق کسانی را که در اتاق و یا پناهگاهی پنهان شده‌اند، همزمان با نزدیک شدن صدای تیراندازی و انفجار نشان می‌دهد.

سرلشگر مایکل ادلستاین، فرمانده سابق ارتش اسرائیل در غزه در گفتگو با خبرنگاران بعد از نمایش این تصاویر گفت از پوشش خبری رسانه‌ها شوکه شده است. او گفت: شاهدیم که

برخی کانال‌ها می‌خواهند آنچه اسرائیل انجام می‌دهد را با اقدامات تروریست‌ها مقایسه کنند. من کسی را که در پی این مقایسه است نمی‌فهمم. و بعد از اینکه ما این تصاویر را به شما نشان دادیم، شما هم از این ماجرا با خبرید.

به گفته مقام‌های اسرائیلی در جریان حمله 7 اکتبر به این کشور بیش از 1400 اسرائیلی کشته شدند و نزدیک به 220 تن نیز گروگان گرفته شده‌اند.

پس از فاجعه 7 اکتبر، ارتش اسرائیل بمباران غزه را آغاز می‌کند.

وزارت بهداشت غزه، که از سوی شاخه سیاسی حماس مدیریت می‌شود گفته است در جریان حملات هوایی اسرائیل در واکنش به حمله 7 اکتبر تا کنون بیش از 5 هزار فلسطینی در غزه کشته شده‌اند. 91 فلسطینی نیز در جریان حمله اسرائیل به کرانه باختری کشته شدند.

ارتش اسرائیل دو دفترچه راهنما را که از جسد مردان مسلح حماس به دست آورده در اختیار خبرنگاران گذاشت که حاوی جزئیات برنامه ریزی برای حمله و گروگان‌گیری بود. براساس این راهنما، نیروهای حماس موظف بودند تا جای ممکن قربانیان خود را به ضرب گلوله بکشند، گروگان بگیرند و برخی از آنها را با استفاده از خودروهای متفاوت به غزه منتقل کنند.

در سندی دیگر که به طور مشخص درباره گروگان‌ها بود از نیروهای حماس خواسته شده بود که گروگان‌های دردرساز را بکشند و باقی را جمع کنند تا از آنها به عنوان گوشت دم توپ استفاده شود.

ارتش اسرائیل هنوز هم از ضربه حمله غافلگیرانه حماس در هفتم اکتبر گیج می‌خورد، حمله‌ای که بدترین مورد نقض امنیت اسرائیل در نیم سده گذشته محسوب می‌شود.

علیرغم صرف هزینه و منابع هنگفت برای نابود کردن تونل‌های حماس و برپایی حصارهای امنیتی در زمین و دریا، حماس توانست با تعدادی بالا از این موانع عبور کند.

سرلشگر ادلستاین گفت بیش از 1000 مرد مسلح عضو حماس روز هفتم اکتبر در اولین مرحله نفوذ وارد اسرائیل شده‌اند.

بخش اول تصاویر اکران شده برای خبرنگاران ردیفی بلند از کامیون‌هایی را نشان می‌داد که پر از مردان مسلح حماسند و آزادانه در بزرگراه‌های اسرائیل می‌رانند و به مردم تیراندازی می‌کنند.

به گفته این مقام نظامی اسرائیل، اسناد به دست آمده از کشته‌های حماس نشان می‌دهد که آنها با دستور سلاخی و سوزاندن شهروندان آمده بودند: آنها تصمیم گرفتند مردم را در خانه‌های خودشان آتش بزنند و زنده‌ها را گروگان بگیرند. آنها می‌خواستند کودکان را با خود به غزه ببرند. برای اینکه چند تن را بکشند و چند تن را گروگان بگیرند دستور داشتند. دستور همه چیز مکتوب و مشخص شده، حتی برای تجاوز.

بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، در بیانیه‌ای تلویزیونی گفت که این کشور در جنگ است و هزاران نیروی ذخیره نظامی را فرا خواند

جنگنده‌های اسرائیلی حملات تلافی‌جویانه را در غزه آغاز کردند و نخستین تصاویر از بمباران یک ساختمان مسکونی بلند و مسجد السوسی منتشر شد

جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا پس از تماس تلفنی با نتانیا‌هو، در سخنرانی تلویزیونی از کاخ سفید گفت: اسرائیل حق دارد از خود و مردمش دفاع کند.

واکنش جمهوری اسلامی

در نخستین واکنش مقام‌های جمهوری اسلامی به حمله حماس، یحیی رحیم‌صفوی، مشاور علی خامنه‌ای، گفت: ما از عملیات توفان الاقصی اعلام حمایت می‌کنیم و مطمئن هستیم که جبهه مقاومت نیز از این موضوع حمایت می‌کند

نهادهای جمهوری اسلامی بنرهای بزرگی را در حمایت از حمله حماس بر دیوارها و سطح شهرهایی از جمله تهران، نصب کردند. از سویی دیگر حامیان حکومت در سطح شهرها به مناسبت این حمله شیرینی و شربت پخش کردند. سرعت عمل عوامل حکومت این گمانه را ایجاد کرد که جمهوری اسلامی پیش از حمله آمادگی داشته است.

رهبر ناقص العقل و ناقص العضو جمهوری اسلامی، سید علی خامنه‌ای، بازوی تروریست‌های حماس را بوسید!!

شماری از قانون‌گذاران و چهره‌های سیاسی آمریکا پس از حمله حماس، با انتقاد از عملکرد دولت شاه سلطان حسین آمریکائی (جو بایدن) اظهار کردند که توافق تبادل زندانیان بین آمریکا و جمهوری اسلامی و آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران، به مصرف حماس برای حمله به اسرائیل رسیده است.



اسحاق هرتزوغ، رئیس‌جمهوری اسرائیل در بیانیه‌ای، جمهوری اسلامی را به همدستی با حماس متهم کرد گفت: امروز چهره واقعی حماس را دیدیم؛ آنها با حمایت و فرماندهان نیابتی خود در ایران، حمله‌ای شنیع علیه دولت یهود انجام دادند.

فردای روز حمله ددمنشانه حماس به اسرائیل، مقام‌های اسرائیلی اعلام کردند که درگیری با اعضای حماس در شش نقطه اسرائیل از جمله سدروت، ادامه دارد و دستکم 30 افسر پلیس اسرائیل در این درگیری‌ها کشته شدند.

در 9 اکتبر 2023 میلادی . اسرائیل دستور محاصره کامل نوار غزه را صادر کرد و یوآو گالانت، وزیر دفاع این کشور گفت: نه برق، نه مواد غذایی و نه سوخت برای غزه وجود نخواهد داشت.

آزیر حمله هوایی در مناطق شمالی اسرائیل به صدا در آمد و از شهروندان خواسته شد که فوراً پناه بگیرند. ارتش اسرائیل از شلیک دستکم دو راکت و خنثی کردن نفوذ تعدادی تروریست از سوی لبنان خبر داد و این آغاز حملات حزب‌الله لبنان بود.



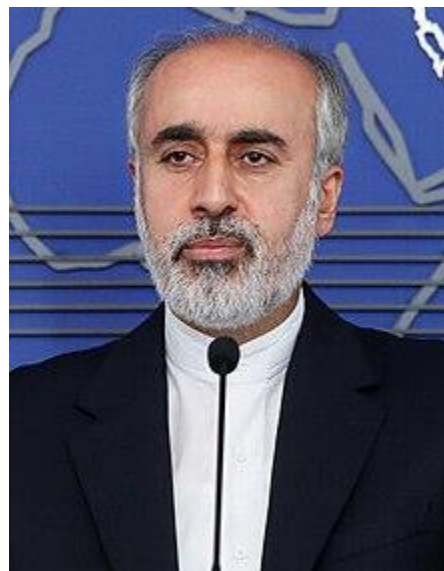
ارتش اسرائیل اعلام کرد که در بزرگ‌ترین فراخوان تاریخ خود 300 هزار نیروی ذخیره ارتش را بسیج کرده است و بزودی حمله زمینی به غزه را آغاز خواهد کرد. ارتش اسرائیل اولین گزارش رسمی خود را از اشتباهات منجر به ناکامی در جلوگیری و مقابله به موقع با حمله حماس در ۷ اکتبر 2023 میلادی منتشر کرد. این حمله باعث آغاز جنگ غزه شد.

این گزارش نتیجه‌گیری می‌کند که ارتش اسرائیل در وظیفه خود برای حفاظت از غیرنظامیان ناموفق بود.

این گزارش با 19 رویه حاوی مطالب متعددی در مورد سیر وقایع منجر به تلفات فاجعه آمیز حدود 1400 تن است. در آن روز حدود 5 هزار مرد مسلح از گروه حماس و سایر گروه‌های فلسطینی به اسرائیل هجوم بردند و 251 تن را نیز گروگان گرفتند و به غزه بردند.

نتیجه‌گیری ارتش در این مورد که چگونه مقصود حماس را نادرست ارزیابی کرده و توانایی‌های آن را دست‌کم گرفته بود به صورت واضح بیان شده است.

با حمله اسرائیل به نوار غزه ،حماس تهدید کرد که اگر اسرائیل فوراً گلوله‌باران غزه را متوقف نکند، کشتن گروگان‌های اسرائیلی را یکی پس از دیگری آغاز خواهد کرد و از اعدام‌ها فیلم می‌گیرد.



ناصر کنعانی

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در نشست هفتگی‌اش نقش ایران در حمله حماس را رد کرد و هشدار داد هر اقدام احمقانه علیه ایران پاسخ ویرانگری دارد.



در ده اکتبر و تنها در سه روز نظامیان اسرائیلی تقریباً کنترل کامل شهرهای نزدیک نوار غزه را از دست شبه نظامیان مسلح فلسطینی بازپس گرفتند. آمریکا گروگان گرفته شدن تعداد نامشخصی از شهروندان آمریکایی توسط حماس را تایید کرد. جو بایدن نیز گفت: اعضای حماس کودکان و نوزادان را سلاخی کردند، زنان را مورد تجاوز جنسی قرار دادند، سرها را از تن جدا کردند و افراد را زنده به آتش کشیدند.



بریدن سر نوزاد به دست دایناسورهای مسلمان حماس



خانواده کدیم سیمان تاو که تمام اعضای خانواده سلاخی شدند .

اتحادیه اروپا در نشست اضطراری حمله حماس به اسرائیل را محکوم کرد

اورسلا فون-در-لاین رئیس اتحادیه اروپا گفت: اروپا پشتیبان اسرائیل است، از حق اسرائیل به دفاع از خود حمایت میکند؛ آلمان پیشنهاد کرد در صورت تمایل اسرائیل به کمک، از جمله کمک نظامی اقدام شود؛ پاپ خواهان آزادی گروگانها شد. اورسلا فون-در-لاین گفت کشتار 1000 غیرنظامی اسرائیلی در حمله عظیم حماس، گروه تروریستی فلسطینی، یک اقدام سنگدلانه جنگی و بازتاب شرارتی باستانی است. او گفت: در توصیف چنین دهشتی میبایست صریح باشیم. ما در کنار اسرائیل هستیم. او ادامه داد، روز 7 اکتبر 1500 تروریست حماس از اطراف ناحیه محصور غزه به قلمرو اسرائیل ریختند و در سراسر نواحی جنوبی آشوبی از قتل و کشتار بپا کردند، وارد خاک اسرائیل شده و کنترل محله ها

را به دست گرفتند. آنها به مراکز نظامی حمله کردند و هرکسی را که یافتند کشتند. دهها نوزاد در میان کشته شده ها بودند. برخی از قربانیان، از جمله کسانی که همراه با تمام اعضای خانواده قصابی شدند، سر بریده شدند. در یک فستیوال موسیقی در فضای باز، که

در محاصره مهاجمان قرار گرفت، 260 تن به شکلی سیستماتیک به قتل رسیدند. علاوه بر این، تروریست-ها حدود 200 تن از سنین مختلف، شامل کودکان و زنان سالمند را گروگان گرفته و با خود به غزه بردند. اسرائیل به تلافی، با آتش توپخانه و حمله هوایی پاسخ داده است. مقامات وزارت بهداشت تحت کنترل حماس، در پنجمین روز جنگ بی امان، شمار کشته شدگان فلسطینی را 900 تن تخمین میزند. اسرائیل میگوید زیرساخت های تروریست ها و تمامی نواحی عملیاتی و مخفیگاه های حماس را هدف گرفته است. همزمان به غیرنظامیان ساکن ناحیه ای که قرار است هدف حمله قرار گیرد هشدار میدهد تا محل را تخلیه کنند.



سربازان اسرائیلی کشته شده در حمله حماس



نوار غزه در پی حمله نظامی اسرائیل 8 اکتبر 2023 میلادی

زمانیکه دنیا حمله حماس به اسرائیل را محکوم می کند ، رهبر جنایتکار جمهوری اسلامی میگوید : اینکه برادران ما غیر نظامیان را کشته اند ، دروغ محض است !! تمام ساکنین اسرائیل مسلح هستند !! تازه مگر چند تن اسرائیلی کشته شده اند؟!!

در نمایش صحنه های رعب انگیز این جنایت که حد و مرزی در سبوعیت و وحشیگری آن متصور نیست از قول مقامات اسرائیلی باید گفت : با کمال تاسف، انتشار این تصاویر را به مخاطبان محدود، در یک محیط امن، به تصمیم گیرندگان، روزنامه نگاران و سیاستمداران باید محدود کنیم، زیرا آن قدر غیر قابل تحمل هستند که می توانند باعث آسیب های روانی طولانی مدت در بین افراد شکننده شوند. به خصوص کودکان. حمله حماس ، یاد آور جنایات نازی ها در جریان جنگ جهانی دوم است ، یعنی شکنجه هایی که انجام می شود، گردن زدن هایی که طبق دستورات رسمی انجام می شود. همانطور که نازی ها و اس اس می گفتند: "من به سادگی از دستورات اطاعت کردم" و بنابراین تروریست های حماس و جهاد اسلامی دستورات دقیقی برای یورش خود داشتند که به آنها گفته شد، برای مثال، کودکان باید در مقابل والدین شکنجه شوند. پدر و مادر جلوی بچه ها سلاخی شوند و این هجوم غافلگیرانه ساعت ها ادامه داشت تا اینکه نیروهای مسلح اسرائیل توانستند وارد شوند و آنها را سرکوب کنند، بنابراین ساعت ها کودکان، نوه ها و پدربزرگ ها نه تنها شکنجه شدند، بلکه شاهد شکنجه های متحمل اعضای خانواده خود نیز بودند

می توانید تجاوزها، تجاوزهای مکرر، تجاوزهای دسته جمعی به دختران جوان، زنان، حتی زنان باردار، تکه تکه کردن، شکنجه های مختلف، پوست کنده را تصور کنید. ما می بینیم که چشمانش بیرون زده شده است، یک اسرائیلی زخمی یا نیمه جان روی زمین، یک

تروریست کلنگ را به حلقه چشمش زده است تا چشمانش را بیرون بیاورد. یک کارگر مزرعه تایلندی را می بینیم که با گلوله از ناحیه شکم خونی شده و شکمش را گرفته و نیمه هوشیار است. یک تروریست به او نزدیک می شود و با بیل به گلایش می زند تا او را تمام کند... و بسیاری از مردم زنده زنده می سوزند. سپس خانواده ای را در اتاقی جمع کردند و با مواد احتراق به آتش کشیدند. آنها همچنین مجهز به سیانور بودند. آنقدر مردم زنده زنده سوزانده شدند که هنوز نتوانسته ایم همه اجساد را شناسایی کنیم

آخرین و تکان دهنده ترین، این است که چگونه پدری را می بینیم که نوزادی را در آغوش می گیرد و آنها با هم ذغال می شوند.

در دوازده اکتبر 2023 میلادی ، اسرائیل به ساکنان نوار غزه دستور میدهد تا شمال غزه را تخلیه و به جنوب بروند . وحشت همراه با هرج و مرج ساکنان نوار غزه را فرا میگیرد. در 15 اکتبر حسین امیر عبداللهیان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی که بعد ها همراه با ابراهیم رئیسی در سقوط هلیکوپتر کشته شد برای ابراز حمایت سید علی خامنه ای از حماس به دوحه رفته و با اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس دیدار می کند.



حماس با انتشار ویدیویی از یکی از گروگان ها به نام میام شم، اعلام کرد که حدود 200 تا 250 گروگان را در غزه در اختیار دارد.

رونن بار، رییس سازمان امنیت داخلی اسرائیل موسوم به شینبت، در نامه‌ای اعلام کرد که مسئولیت شکست اطلاعاتی اسرائیل مقابل حمله حماس را بر عهده می‌گیرد.

وزارت بهداشت غزه که توسط حماس اداره می‌شود، اعلام کرد که سدها تن در انفجاری در بیرون بیمارستان الاهلی در مرکز شهر غزه کشته شدند. فلسطینی‌ها حمله هوایی اسرائیل را عامل این انفجار اعلام کردند، اما اسرائیل با انتشار اسنادی گفت که این انفجار ناشی از شلیک اشتباه راکت جهاد اسلامی فلسطین بوده است. یک مقام پنتاگون تایید کرد که دو هزار نیروی ارتش آمریکا برای استقرار احتمالی در خاورمیانه در وضعیت آمادگی قرار گرفتند.

دوازده روز پس از حمله حماس به اسرائیل بنا به خواست جمهوری اسلامی و شخص سید علی خامنه‌ای شبه نظامیان حوثی، حمله به کشتی‌های که در دریای سرخ در رفت و آمد بودند را آغاز کردند.

در 20 اکتبر 2023 میلادی با میانجی‌گری قطر، که میزبان سران حماس است، دو گروگان اسرائیلی - آمریکائی، جودیت تائی رانان و دخترش ناتالی آزاد شدند. دو هفته پس از آغاز جنگ، تعداد تلفات ساکنان نوار غزه از مرز 5000 تن تجاوز کرد. در ادامه جنگ، نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق و سوریه حملات خود را به اسرائیل و نیروهای آمریکائی آغاز کردند. ظرف یک هفته 24 سرباز آمریکائی در عراق و سوریه مجروح شدند.

حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان، پس از چهار هفته سکوت، در نخستین سخنرانی خود از هنگام اعلان جنگ اسرائیل علیه حماس، گفت: آمریکا پیام داده اگر به عملیات در جنوب ادامه دهید لبنان و ایران را بمباران می‌کند... این تهدیدها ما را نمی‌ترساند و آنچه لازم است آماده کرده‌ایم و انجام می‌دهیم.

حماسی‌ها که همواره از مردم به عنوان سپر انسانی سود جسته و می‌برند و از مساجد، بیمارستانها و مدارس به عنوان پایگاه نظامی استفاده می‌کنند، از آمبولانس برای جابجائی نیروهای خود و حمل تسلیحات سود برده که با شناسائی، یکی از آنها مورد حمله نیروهای اسرائیلی قرار می‌گیرد.

جمهوری اسلامی با خرج میلیون‌ها دلار در غرب، خرد کرده‌های غربی را جهت حمایت از فلسطینی‌های ساکن غزه به خیابان می‌آورد. این اقدام بعدها دانشگاه‌های

آمریکا را به آشوب کشیده و موجب درگیری هواخواهان حماس با دانشجویان یهودی را پیش می آورد. در این بین ، دبیر کل سازمان ملل ، آنتونیو گوترش به طرفداری از ساکنان غزه بر می خیزد.

در 9 نوامبر 2023 میلادی ، نیرو های نیابتی جمهوری اسلامی از داخل خاک سوریه ، مدرسه ای را در شهر ایلات واقع در جنوب اسرائیل را با پهپاد مورد حمله قرار میدهند که بر اثر آن چند کودک کشته میشوند.

سربازان اسرائیل پس از محاصره چند روزه بیمارستان الشفا، بزرگترین بیمارستان غزه، وارد آن شدند که به گفته آنها این بیمارستان برای مخفی کردن مقر زیرزمینی نیروی حماس استفاده شده است.

در 21 نوامبر 2023 میلادی اسرائیل و حماس اولین آتش بس موقت جنگ را اعلام کردند. توافقی برای توقف چهار روزه جنگ تا زنان و کودکان گروگان گرفته شده اسرائیلی در غزه با زندانیان امنیتی فلسطینی که شامل زنان و نوجوانان می شدند، آزاد شوند و کمک های بشردوستانه بیشتر وارد غزه شود.

آتش بس در نهایت به مدت یک هفته تمدید شد و در مجموع 105 گروگان اسرائیلی و حدود 240 زندانی فلسطینی آزاد شدند.

در ماه سوم پس از یورش ددمنشانه حماس به اسرائیل ، شاه سلطان حسین آمریکائی (جو بایدن) در یک چرخش 180 درجه ای به طرفداری حماس بر خواسته و اعلام کرد : اسرائیل در حمله به حماسی ها و نوار غزه حمایت بین المللی خود را از دست میدهد. گروه مقاومت اسلامی عراق وابسته به سپاه قدس جمهوری اسلامی از حملات دوربرد خود به خاک اسرائیل خبر داد .

در 25 دسامبر 2023 میلادی ، رضی موسوی معروف به سید رضی، در جریان حملات موشکی اسرائیل به منطقه زینبیه در حومه دمشق کشته شد. موسوی مسئول لجستیک و امداد نیروی قدس سپاه پاسداران و یکی از شش فرمانده ارشد سپاه در منطقه بود و در بقای بشار اسد و تثبیت حزب الله در لبنان نقشی کلیدی داشت.

سید رضی موسوی چاشمی از فرماندهان سپاه قدس در سوریه بود که مورد تک هدفمند اسرائیلی ها قرار گرفت و کشته شد. او سابقا عضو سپاه پاسداران زنجان بود . او از با سابقه ترین نظامیان جمهوری اسلامی در سوریه بودو با حزب الله رابطه بسیار نزدیکی داشت. در 5 دیماه 1402 خورشیدی ، منزل او با سه راکت مورد حمله قرار گرفت و جالب اینجاست ، زمان حمله همسر و نزدیکانش در خانه نبودند.

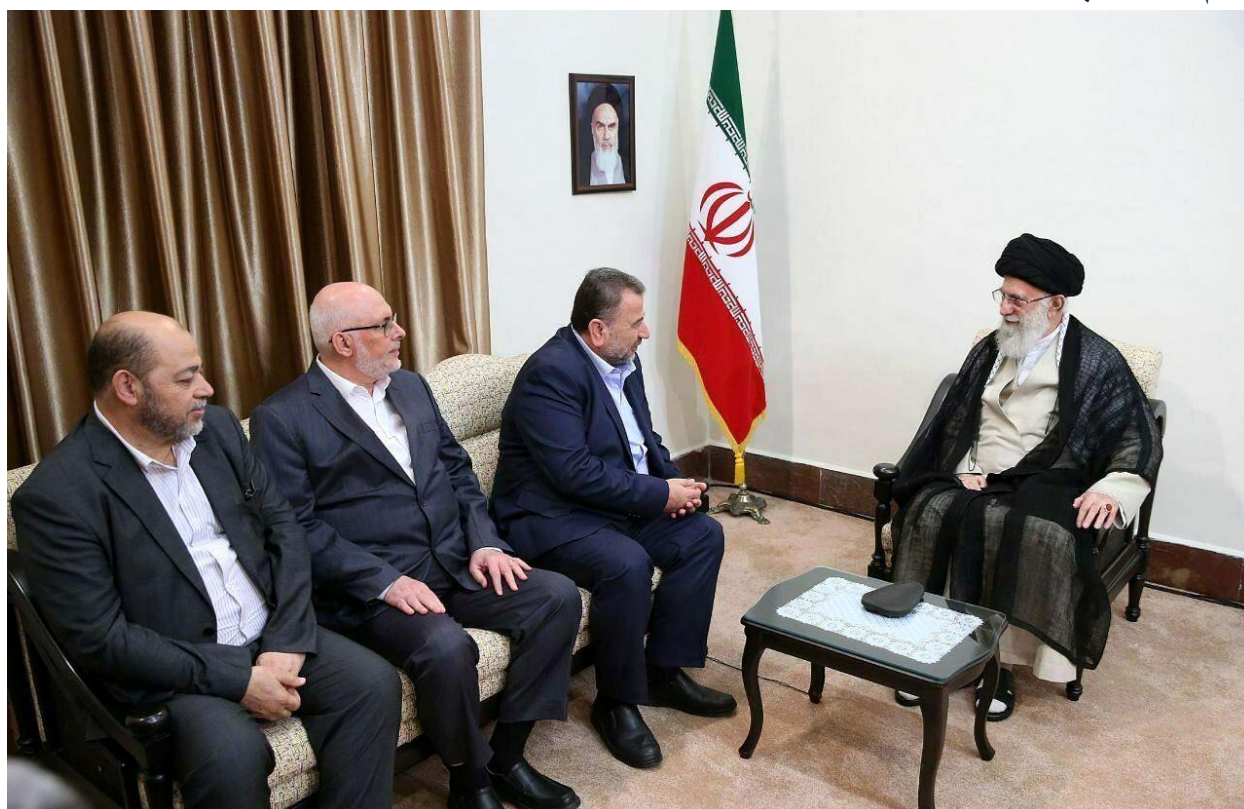


رضی موسوی و گنده لات قاسم سلیمانی



در پایان دسامبر 2023 میلادی ، افریقای جنوبی در اقدامی غیر قابل باور از اسرائیل به دیوان بین المللی لاهه شکایت برده و عملیات اسرائیل در غزه را نسل کشی دانست.

در دوم ژانویه 2024 میلادی ، صالح العاروری، جانشین رئیس دفتر سیاسی حماس، در پی حمله پهلپادی اسرائیل به دفتر این گروه در محله ضاحیه در حومه جنوبی شهر بیروت در لبنان کشته شد. شش تن دیگر از جمله سمیر فندی ابوعامر و عزام الاقرع ابوعمار، از مقام های بلندپایه حماس در این حمله کشته شدند.



صالح العاروری ، نزدیکتری فرد به آخوند خامنه ای



صالح العاروری

در شامگاه پانزده ژانویه 2024 میلادی ، جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی برای راضی کردن طرفداران داخلی خود نقاطی از خاک اربیل، اقلیم کردستان در عراق را با موشک‌های بالستیک هدف قرار داد. خانه پیشرو دزه‌ای، بازرگان اهل اقلیم کردستان، از مواضعی بود که هدف این حمله قرار گرفت. پیشرو دزه‌ای به همراه همسر و دختر ۱۱ ماهه‌اش و همچنین شش تن دیگر کشته و شش تن دیگر نیز زخمی شدند. سپاه هدف از این حمله را انهدام مقرهای جاسوسی موساد و پاسخ به شرارت‌های اسرائیل در کشتن فرماندهان سپاه و جبهه مقاومت اعلام کرد.



پیشرو دزه‌ای و کودک 11 ماهه‌اش مقامات بلند پایه اقلیم کردستان ، ادعای جمهوری اسلامی را دروغ محض خواندند. کمیته حقیقت یاب مجلس عراق نیز ادعای جمهوری اسلامی را رد کرد. در حمله هوایی اسرائیل به ساختمانی در دمشق پایتخت سوریه در تاریخ 20 ژانویه 2024 میلادی ، پنج مستشار بلندپایه نظامی سپاه پاسداران کشته شدند. سپاه پاسداران نام آن‌ها را حجت‌الله امیدوار، علی آقازاده نژاد ، حسین محمدی، سعید کریمی و محمدامین صمدی اعلام کرد.



پاسدار حجت الله امید وار
حجت الله امیدوار یا حاج صادق امید زاده ، معاون اطلاعات سپاه قدس و محل فعالیت او در
سوریه بود.



پاسدار علی آقا زاده نژاد
این پاسدار دو برادر بنام های عباس و ابوالفضل داشت که آنها نیز در جنگ ایران و عراق
کشته شدند.



پنج پاسدار کشته شده در حمله اسرائیل. فرتور وسط : حجت الله امیدوار. فرتور راست و بالا علی آقا زاده نژاد. فرتور راست و پائین محمد امین صمدی . فرتور چپ و پائین حسین محمدی. فرتور چپ و بالا سعید کریمی قمی

در 26 ژانویه 2024 میلادی ،اسرائیل اعلام کرد 12 تن از کارکنان آژانس امدادسانی و کاریابی برای آوارگان فلسطینی سازمان ملل (اونروا) به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تهاجم مرگبار حماس به اسرائیل در روز 15 مهر (هفتم اکتبر) دست داشتند. وزیر دفاع اسرائیل بعدتر ضمن اعلام هویت این 12 تن ، گفت 30 کارمند دیگر این آژانس نیز در این حمله ها و ربودن گروگان ها نقش داشته اند.

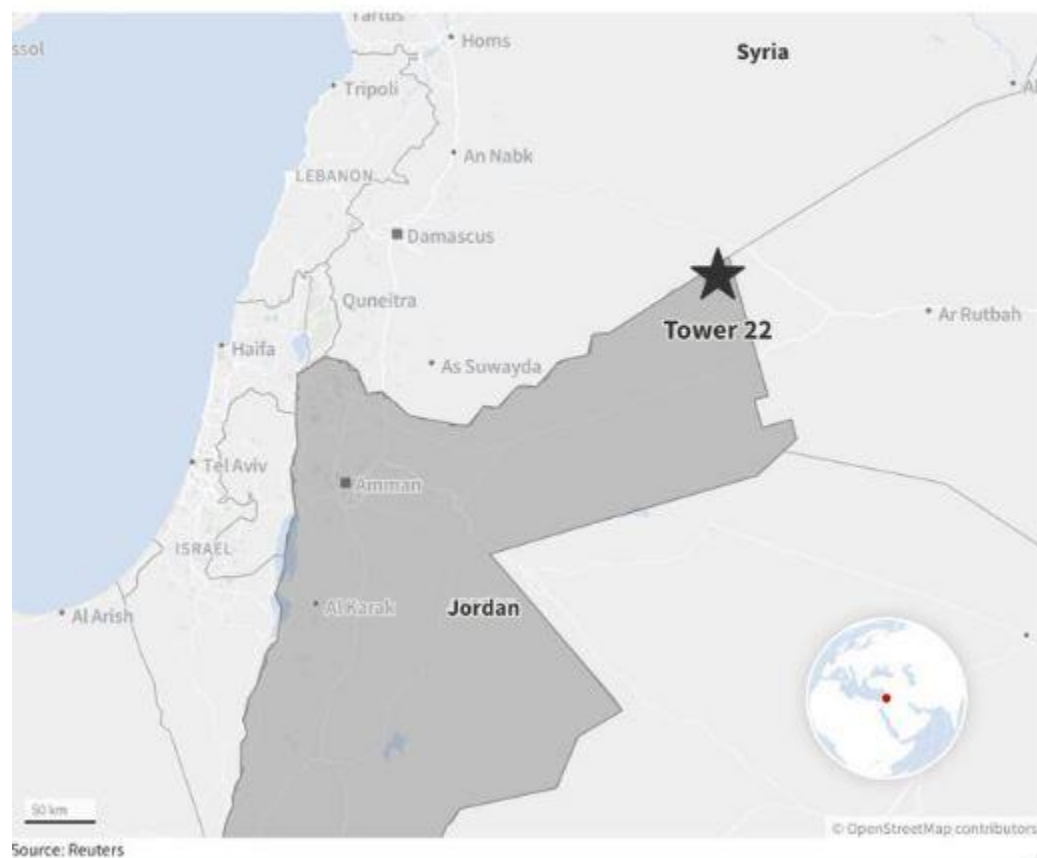
سازمان ملل متحد 12 کارمند را به ظن همکاری با حماس در حمله هفتم اکتبر اخراج کرد و شماری از کشورهای غربی کمک های مالی به «اونروا» را متوقف کردند.

در 28 ژانویه 2024 میلادی ، آمریکا اعلام کرد : در پی حمله پهبادی به یک پایگاه کوچک ارتش این کشور، مستقر در شمال شرقی اردن در نزدیکی مرز سوریه، موسوم به برج ۲۲، سه سرباز آمریکایی کشته و دستکم 34 تن دیگر مجروح شدند. بایدن گفت که

این حمله از سوی شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در عراق و سوریه انجام شد.

US troops killed in Jordan during drone strike linked to Iran

Three U.S. service members were killed and dozens wounded during a drone attack on U.S. forces stationed in northeastern Jordan at Tower 22, near the Syrian border.



برج 22

همزمان، مقاومت اسلامی عراق وابسته به جمهوری اسلامی، مسئولیت حمله به این پایگاه آمریکا را بر عهده گرفت و اعلام کرد: تمام منافع و پایگاه نیروهای امریکایی هدف مشروع ما هستند.

سربازان اسرائیل با لباس غیرنظامی به بیمارستان تخصصی ابن سینا در جنین در کرانه باختری یورش بردند و سه شبه‌نظامی فلسطینی از جمله یکی از فرماندهان حماس را کشتند



ارتش آمریکا در پاسخ به حمله شبه‌نظامیان موردحمایت جمهوری اسلامی که موجب مرگ سه سرباز آمریکایی شد، علیه بیش از ۸۵ هدف متعلق به نیروی قدس سپاه و شبه‌نظامیان وابسته به آن در عراق و سوریه حمله‌های هوایی انجام داد. دیده‌بان حقوق بشر سوریه شمار کشته‌شدگان در این حمله‌ها را ۲۳ شبه‌نظامی اعلام کرد و نخست وزیر عراق گفت که ۱۶ تن از جمله غیرنظامیان کشته و ۲۵ تن نیز در عراق زخمی شدند. همزمان در سوریه با حمله راکتی اسرائیل پاسدار سعید علی دادی به قتل رسید.



پاسدار سعید علی دادی



روزی نیست که در تهران و شهرستانها جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی مراسم تشییع جنازه راه نیندازد.

در 16 فوریه 2024 میلادی در حمله یک مرد فلسطینی مسلح در ایستگاه اتوبوس نزدیکی شهر گذرا اسرائیل، دو تن کشته و چهار تن زخمی شدند. پس از آغاز جنگ اسرائیل و حماس، شمار حملات فردی با سلاح سرد و گرم در اسرائیل نیز افزایش یافت.

به گفته وزارت بهداشت غزه، دستکم 118 فلسطینی در جریان هجوم جمعیت به اطراف کامیون‌های حامل کمک‌های بشردوستانه کشته و 760 تن زخمی شدند.



در ماه مارچ 2024 میلادی هر روزه شاهد رخداد های جنگ حماس ، حزب الله و حوثی ها با اسرائیل هستیم . روزی نیست که یک یا چند تن از پاسداران نیروی قدس در منطقه ، خصوصا سوریه کشته نشوند. در اول مارچ ، پاسدار رضا زارعی به دست اسرائیلی ها به قتل میرسد.



پاسدار رضا زارعی

کشتی روپیمار که اواخر بهمن‌ماه مورد حمله حوثی‌های تحت حمایت جمهوری اسلامی قرار گرفت، در آب‌های دریای سرخ غرق شد. مقام‌ها نسبت به وقوع یک فاجعه زیست‌محیطی

هشدار دادند.



کشتی انگلیسی روبیمار پس از 13 روز از اصابت موشک انصارالله (حوثی ها) در آب های غرب بندر المخا واقع در جنوب دریای سرخ به طور کامل غرق شد.

مقامات دولت مستعفی یمن ، غرق شدن کشتی روبیمار را یک فاجعه زیست محیطی در آب های سرزمینی یمن و دریای سرخ دانسته و برای بررسی مراحل بعدی آن جلسه تشکیل داده اند. این مقامات تاکید کردند که غرق شدن کشتی انگلیسی به دلیل عدم پاسخگویی طرف های مختلف به درخواست های آنها برای جلوگیری از فاجعه بوده و آنها در حال حاضر به دنبال بررسی و اتخاذ بهترین راه ها برای مقابله با پیامدها و رسیدگی به این فاجعه زیست محیطی هستند.

پس از غرق کشتی روبیمار انگلیسی توسط گروه نیابتی جمهوری اسلامی ، سه خدمه کشتی باری ترو کانفیدنس بر اصابت موشک حوثی ها کشته میشوند. این در حالی است که دنیا شاهد بازی احمقانه شاه سلطان حسین آمریکائی (جو بایدن) با تروریست ها است.

کمک های بشر دوستانه که از راه هوا صورت میگیرد ، خود عاملی است برای کشتار مردم غزه که صبر نمی کنند تا محموله پرتاب شده به زمین برسد. در 8 مارچ 2024 میلادی 5 تن بر اثر سقوط کمک های پرتاب شده کشته و 10 تن زخمی میشوند.

پس از شش ماه که از یورش حماس به اسرائیل گذشته است ، تعداد آواره های فلسطینی نوار غزه به 200 هزار تن میرسد. در 15 مارچ اختلاف بین نتانیاووو بایدن را بر سر حمله به شهر مرزی رفح شاهدیم که بایدن حمله به آن را خط قرمز آمریکا بر می شمرد !!

در 26 مارچ 2024 میلادی ، اسماعیل هنیه از سران حماس برای تیغ زدن سید علی خامنه ای وارد تهران میشود. در این دیدار زیاده النخاله، دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین و زاهر جبارین، جایگزین صلاح العاروری، نایب رییس دفتر سیاسی حماس، نیز حضور داشتند.

اول آپریل 2024 میلادی ، جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی متحمل یکی از سنگین ترین ضربات اسرائیل میشود. هفت تن از فرماندهان و افسران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حمله اسرائیل به ساختمان کنسولی ایران در پایتخت سوریه کشته شدند. محمدرضا زاهدی، محمدهادی حاجی رحیمی، حسین امان اللهی، مهدی جلالتی، محسن صداقت، علی آقابابایی و علی صالحی روزبھانی این افراد بودند.



جمهوری اسلامی به تلافی این کشتار فرماندهان سپاه قدس ، تهدید کرد که انتقام سخت خواهد گرفت.

همزمان ، هفت امدادگر سازمان امدادی بین‌المللی آشپزخانه مرکزی جهانی در حمله هوایی اسرائیل به کاروان خودرویی آن‌ها در دیرالبلح کشته شدند. ملیت این امدادگران بریتانیایی، استرالیایی، لهستانی، بریتانیایی، آمریکایی-کانادایی و فلسطینی اعلام شد.

اسرائیل دو افسر خود را به دلیل حمله به کاروان امدادگران آشپزخانه مرکزی جهانی برکنار و سه افسر دیگر را توبیخ کرد.

در این کشاکش سخت ، ترکیه به طرفداری از مردم غزه برخاسته و صادرات 54 محصول خود را به اسرائیل محدود ساخت.

ده آپریل 2024 میلادی روز جانگداز برای اسماعیل هنیه از رهبران حماس است . سه پسر و چهار نوه او در درگیری نوار غزه کشته میشوند. اسماعیل هنیه الله را سپاس میدارد که چنین افتخاری نصیب او شده !!!، او نمیداند که چندی بعد در تهران به هلاکت میرسد تا کارنامه افتخاراتش تکمیل شود. چگونه یک فرد برای زندگی افراد خانواده اش ، برای کسب دلارهای خونین از جمهوری اسلامی ، تصمیم میگیرد که آنها زنده بمانند و زندگی کنند ، یا اینکه در جوانی بمیرند. دو ماه بعد از این حادثه ، در حمله دیگری ده تن از اعضای خانواده اسماعیل هنیه منجمله خواهرش کشته میشوند.

13 آپریل 2024 میلادی ، زمان اجرای وعده صادق یک به تلافی قتل فرماندهان سپاه قدس در ساختمان چسبیده به سفارت جمهوری اسلامی در دمشق است. پیش از موشک باران کردن اسرائیل ، سپاه پاسداران با حمله به کشتی ام‌اس‌سی آریس در آب‌های بین‌المللی نزدیک سواحل امارات، آن را به اتهام نقض قوانین دریانوردی توقیف کرد. وزیر خارجه اسرائیل این اقدام را دزدی دریایی بین‌المللی خواند. کشتی و 25 خدمه آن به آب‌های ایران منتقل شدند. حسین امیرعبداللهیان در 3 ماه می اعلام کرد که خدمه این کشتی آزاد شدند اما کشتی همچنان در کنترل ایران باقی مانده است. سپاه پاسداران در عملیاتی به نام وعده صادق به خاک اسرائیل حمله کرد. سپاه اعلام کرد که در این عملیات بیش از 180 پهپاد، 35 موشک کروز و 110 موشک بالستیک به کار گرفته و این حمله را پاسخی به حمله اسرائیل به کنسولگری در دمشق خواند. در این حمله، یک دختر 7ساله از اعراب بادیه‌نشین جنوب اسرائیل زخمی شد. بر اساس گزارش‌ها، دو موشک به پایگاه‌های هوایی اسرائیل اصابت کرد. آمریکا، بریتانیا، فرانسه و اردن نیز در دفاع از این حمله مشارکت داشتند.

حسین امیر عبداللہیان گفت کہ جمهوری اسلامی 72 ساعت پیش از عملیات، کشورہای ہمسایہ را مطلع کردہ بود.



اسرائیل در حملہای تلافی جویانہ، وعدہ صادق در تاریخ 19 آپریل 2024 میلادی، سامانہ راداری پدافند ہوایی پایگاہ ہشتم شکاری ارتش در نزدیکی اصفہان را ہدف قرار داد. بر اساس گزارش ہا، جنگندہ ہای اسرائیلی سہ موشک را از خارج از مرز ہای ایران شلیک کردند کہ در نزدیکی سایت راداری پدافند ہوایی محافظ تاسیسات ہستہای نطنز اصابت کرد.

پایگاہ ہشتم شکاری خاتمی در نزدیکی اصفہان از سامانہ موشکی اس - 300 برخوردار بود کہ در حملہ اسرائیل این سامانہ نابود شد. گردان 81 شکاری اف 14، گردان چنگو جی 7 و گردان آموزشی یاک 130 در این پایگاہ قرار دارند.



تصاویر ماهواره ای نابودی سامانه اس 300 را تأیید می کند.

در دوم ماه می 2024 میلادی یک گروه تروریستی دیگر بر گروه های نیابتی جمهوری اسلامی افزوده گشت و آن گروه گردان های الاشتراک بحرینی ، تحت حمایت جمهوری اسلامی بود که مسئولیت حمله پهنپادی 27 آپریل به مقر شرکت اسرائیلی تراک نت در بندر ایلات اسرائیل را بر عهده گرفت.

سرایا الاشتراک یا گردان الاشتراک برگرفته از نام مالک الاشتراک یک گروه تروریستی شیعه در بحرین است که مبانی فکری رهبران آن وابسته به ولایت فقیه نظیر جمهوری اسلامی است. در بحرین یک گروه تروریستی دیگر بنام گردان های وعد الله نیز وجود دارد.



در 19 ماه می 2024 ابراهیم رئیسی، که برای افتتاح سدهای مشترک با آذربایجان بدان کشور سفر کرده بود. در مسیر بازگشت به تبریز، در سقوط بالگرد جان باخت. در این حادثه، هفت همراه رئیسی از جمله حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه، محمدعلی آل هاشم امام جمعه تبریز و مالک رحمتی استاندار آذربایجان شرقی نیز کشته شدند. ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی علت سقوط هلیکوپتر را، شرایط جوی، مه غلیظ و برخورد با کوه اعلام کرد. این گزارش در تضاد با واقعیت است. چرا شرایط جوی دو هلیکوپتر همراه را شامل نشد؟ چرا هلیکوپتر های همراه و اسکورت رئیسی او را تنها گذاشتند و به مسیر خود ادامه دادند؟ چرا جلوی تجسس اهالی محل گرفته شد؟ و ده ها چرای دیگر که تمامی بدون جواب ماندند.

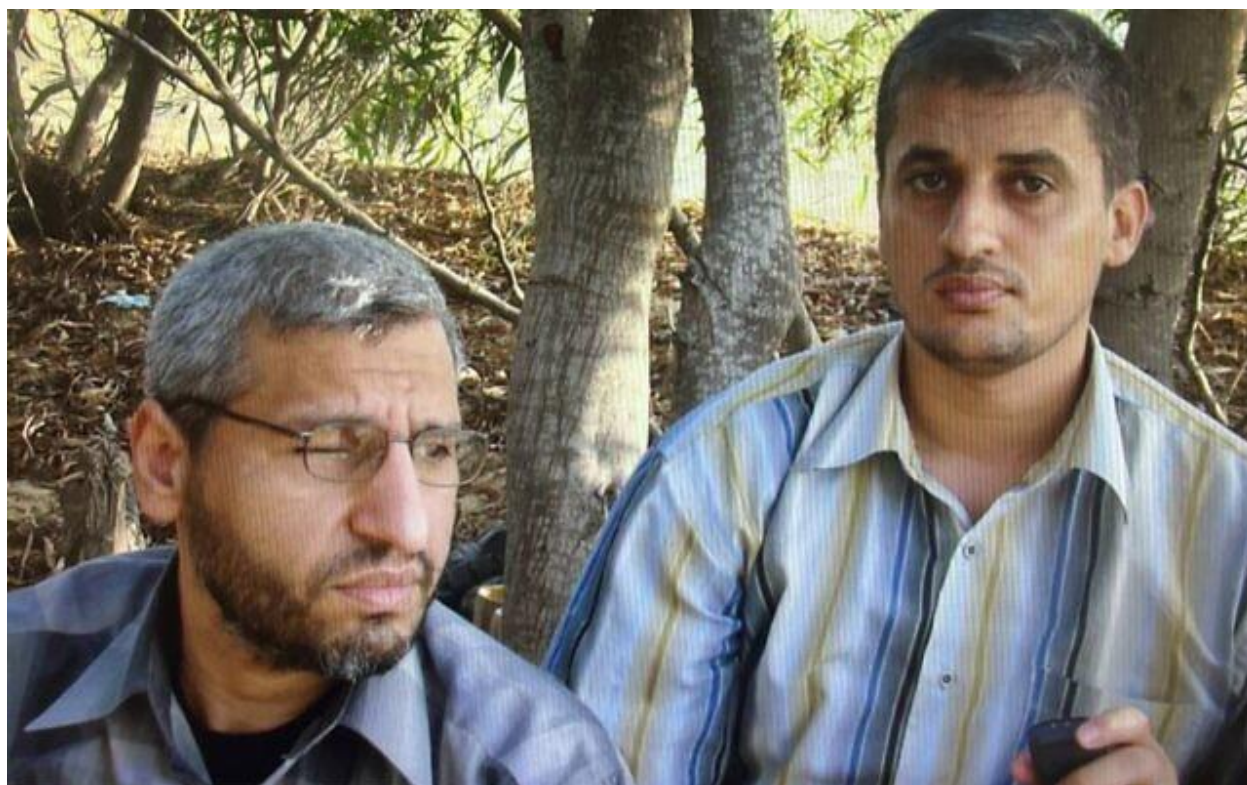


در 8 جون 2024 میلادی ، پس از 9 ماه اسارت چهار تن از کسانیکه در جشنواره سوپر نوا گروگان گرفته شده بودند توسط ارتش اسرائیل در مرکز غزه نجات پیدا کردند . در این عملیات 276 فلسطینی کشته و بیش از 698 تن نیز مجروح شدند.

در 18 جون دومین کشتی باری در دریای سرخ توسط حوثی ها غرق شد. کشتی باری «اموی توتور» متعلق به یونان، حدود یک هفته بعد از حمله حوثی ها غرق شد. این دومین کشتی تجاری بود که از هفتم اکتبر با حمله حوثی ها غرق شد.



در تاریخ 13 جولای 2024 میلادی محمد ضیف ، فرمانده گردان عزالدین قسام در حمله هوایی اسرائیل در خان یونس به قتل رسید.



محمد ضیف ، سمت چپ فرتور

محمد دیاب ابراهیم المصری ، معروف به محمد ضیف فرمانده گردان عزالدین قسام ، شاخه نظامی حماس بود. در حمله اسرائیل ، همراه او رافع سلامه نیز کشته شد. او تحت پیگرد دیوان کیفری بین المللی بود.

در 15 جون 2024 میلادی ، محمد براء قاطرجی، تاجر برجسته و از حامیان بشار اسد، در حمله اسرائیل نزدیک مرز سوریه و لبنان کشته شد. او در قاچاق نفت جمهوری اسلامی با سپاه پاسداران همکاری داشت. خانواده قاطرجی از حلقه محدود تاجران نزدیک به خانواده اسد بودند که به واسطه این روابط به نفوذ و شهرت دست یافتند.



دیکتاتور سوریه بشار اسد و محمد قاطرجی

حزب الله که تنها زورش به کودکان و افراد سالخورده میرسد با پرتاب موشک به مدرسه ای در بلندی های جولان در 27 جون 2024 میلادی 12 کودک را که مشغول بازی فوتبال بودند به قتل میرساند.

در 30 جون ، اسرائیل یکی از رهبران جنایتکار و مخوف حزب الله ، فواد شکر را به قتل میرساند . فواد شکر، فرمانده ارشد حزب الله و از نزدیکان حسن نصرالله، در حمله هوایی به ضاحیه بیروت کشته شد. آمریکا او را به دست داشتن در حمله 1983 میلادی به پایگاه تفنگداران دریایی متهم و از سال 2015 میلادی تحریم کرده بود. رسانه های ایران اعلام کردند که میلاد بیدی، مستشار نظامی جمهوری اسلامی، نیز در این حمله کشته شده است.



فواد شکر

31 جون 2024 میلادی ، اسماعیل هنيه رهبر سیاسی حماس که برای مراسم تنفیذ مسعود پزشکیان رئیس جمهور ذوب در ولایت سید علی خامنه ای به تهران آمده بود در اقامتگاهش در شمال تهران و در یکی از امنیتی ترین جایگاه های رژیم آخوندی کشته شد.

اسماعیل هنيه معروف به ابوالعبد، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس و از رهبران برجسته مقاومت فلسطین، به قتل رسید. او به هنگام مرگ 60 ساله داشت.

در پی کشته شدن اسماعیل هنيه ، رژیم آخوندی سه روز عزای عمومی اعلام کرد . این زمانی است که 52 کارگر معدن ذغال سنگ در انفجار معدن طبس کشته شدند و رژیم کوچکترین اشاره ای بدان نکرد.



انفجار معدن ذغال سنگ طبس که در جریان آن 52 کارگر کشته شدند.

در اوائل ماه آگست 2024 میلادی و در آستانه یازدهمین ماه نبرد بین اسرائیل با گروه های نیابتی جمهوری اسلامی ، سوئد ، سفارت خود در لبنان را بست و کارکنان خود را از این کشور خارج کرد. همزمان ، گروه جدید تروریستی **الثوریون** وابسته به جمهوری اسلامی در عراق به پایگاه عین الاسد حمله کرده و پنج سرباز آمریکائی را مجروح می کند.

در 9 آگست 2024 میلادی ،سامر محمود الحاج، مقام ارشد حماس، در حمله اسرائیل به جنوب لبنان کشته شد. ارتش اسرائیل از او با عنوان مسئول هدایت حملات علیه اسرائیل و فرمانده نیروهای حماس در عین الحلوه نام برد.



سامر محمود الحاج

یکی از مامورین حماس که مسئول نگهداری از گروگانهای اسرائیلی است با شنیدن خبر مرگ دو فرزندش ، گروگان مرد اسرائیلی را کشته و دو زن گروگان را بشدت مجروح می کند.

در 25 آگست 2024 میلادی ، اسرائیل حملات گسترده ای را به جنوب لبنان آغاز که در جریان آن بیش از یکصد جنگنده ارتش اسرائیل شرکت داشتند.

در 8 سپتامبر 2024 میلادی، اسرائیل چندین مرکز در منطقه مصیاف سوریه، از جمله یک مرکز تحقیقات تسلیحات شیمیایی، را هدف حملات هوایی قرار داد. به گزارش دیده‌بان حقوق بشر سوریه، در این حملات دست‌کم 27 تن از جمله سربازان ارتش سوریه و نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی کشته شدند. گمانه‌زنی‌هایی نیز وجود داشت که گروهی از متخصصان نظامی جمهوری اسلامی در این مناطق حضور داشتند.

بعد جدیدی از جنگ در هزاره سوم

روزهای 18 و 19 سپتامبر 2024 میلادی ، دنیا شاهد بعد جدیدی از جنگ در هزاره سوم بود. انفجار همزمان حدود 5000 پیجر و بی‌سیم اعضای حزب‌الله لبنان دست‌کم 32 کشته و بیش از 2800 زخمی برجای گذاشت. مجتبی امانی، سفیر جمهوری اسلامی در بیروت، نیز در این انفجارها زخمی شد. بخشی از مجروحان که بیشتر از ناحیه چشم زخمی شده بودند، برای درمان به ایران منتقل شدند.

حسن نصرالله این انفجارها را ضربه‌ای بی‌سابقه به حزب‌الله توصیف کرد و گفت که این اعلام جنگ اسرائیل علیه حزب‌الله است !!



ماه سپتامبر ، ماه قتل عام سران حزب الله لبنان به دست اسرائیلی ها است.

اسرائیل در هفته‌های آخر ماه سپتامبر در حملاتی هدفمند چندین تن از فرماندهان ارشد حزب‌الله لبنان را کشت:

- ابراهیم عقیل، فرمانده عملیات حزب‌الله و از رهبران ارشد شاخه نظامی این گروه
- احمد وهبی، فرمانده نیروهای ویژه حزب‌الله لبنان موسوم به رضوان
- ابراهیم قبیسی، از فرماندهان حزب‌الله و یکی از چهره‌های اصلی یگان موشکی این گروه
- محمد حسین سرور، فرمانده یگان هوایی حزب‌الله

بنا به اسناد منتشر شده ، اسرائیل از فردای روز حمله حماس به خاکش ، تا سپتامبر 2024 میلادی 496 تن از فرماندهان حزب الله را کشته است.

کشته شدن حسن نصرالله

در 27 سپتامبر 2024 میلادی ، حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان، به همراه عباس نیلفروشان، معاون عملیات سپاه پاسداران، در حمله اسرائیل به مقر حزب‌الله در جنوب بیروت کشته شدند. ابتدا منابع ایرانی و حزب‌الله اعلام کردند نصرالله زنده است اما ارتش اسرائیل روز بعد کشته شدن نصرالله را تایید کرد. علی عبدالمنعم کرکی، فرمانده جبهه جنوبی حزب‌الله لبنان، هم در این حمله کشته شد.

حسن نصرالله، روحانی شیعه و سومین دبیرکل حزب‌الله لبنان که از سال 1992 میلادی در این سمت بود، طی یک حمله هوایی از سوی ارتش اسرائیل کشته شد. این رخداد باعث شوک و بهت در جمهوری اسلامی و متحدانش شد. دولت لبنان سه روز، ایران پنج روز و عراق سه روز عزای عمومی اعلام کردند.

بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل پس از بازگشت از سفر به نیویورک گفت که کشورش با کشتن حسن نصرالله توانسته است با گروه حزب‌الله تسویه حساب کند.

نخست‌وزیر اسرائیل افزود که کشته شدن حسن نصرالله یک نقطه عطف تاریخی است. به گفته وی حذف حسن نصرالله برای اینکه اسرائیل بتواند به اهدافش در جنگ برسد ضروری بود.

بنیامین نتانیا هو ضمن دفاع از تصمیمش برای هدف گرفتن حسن نصرالله گفت کشتن فرماندهان حزب‌الله از نظر او کافی نبود و دبیرکل این گروه نیز باید حذف می‌شد. او از حسن نصرالله به عنوان معمار طرح نابودی اسرائیل یاد کرد.

نخست‌وزیر اسرائیل با تکرار جمله جایی در ایران نیست که دست بلند ما به آن نرسد گفت رهبران ایران اکنون می‌دانند که این موضوع چه قدر واقعیت دارد.



آخوند سید علی خامنه‌ای، در دومین پیام خود پس از حمله اسرائیل به مقر فرماندهی مرکزی حزب‌الله ضمن تجلیل از حسن نصرالله به مناسبت کشته شدن رهبر حزب‌الله در ایران پنج روز عزای عمومی اعلام کرد.

در بخشی از پیام او آمده است: دنیای اسلام، شخصیتی با عظمت !! را؛ و جبهه مقاومت پرچمداری برجسته !! را، و حزب الله لبنان رهبری کم‌نظیر!! را از دست داد، ولی برکات تدبیر و جهاد چند ده ساله‌ی او هرگز از دست نخواهد رفت.

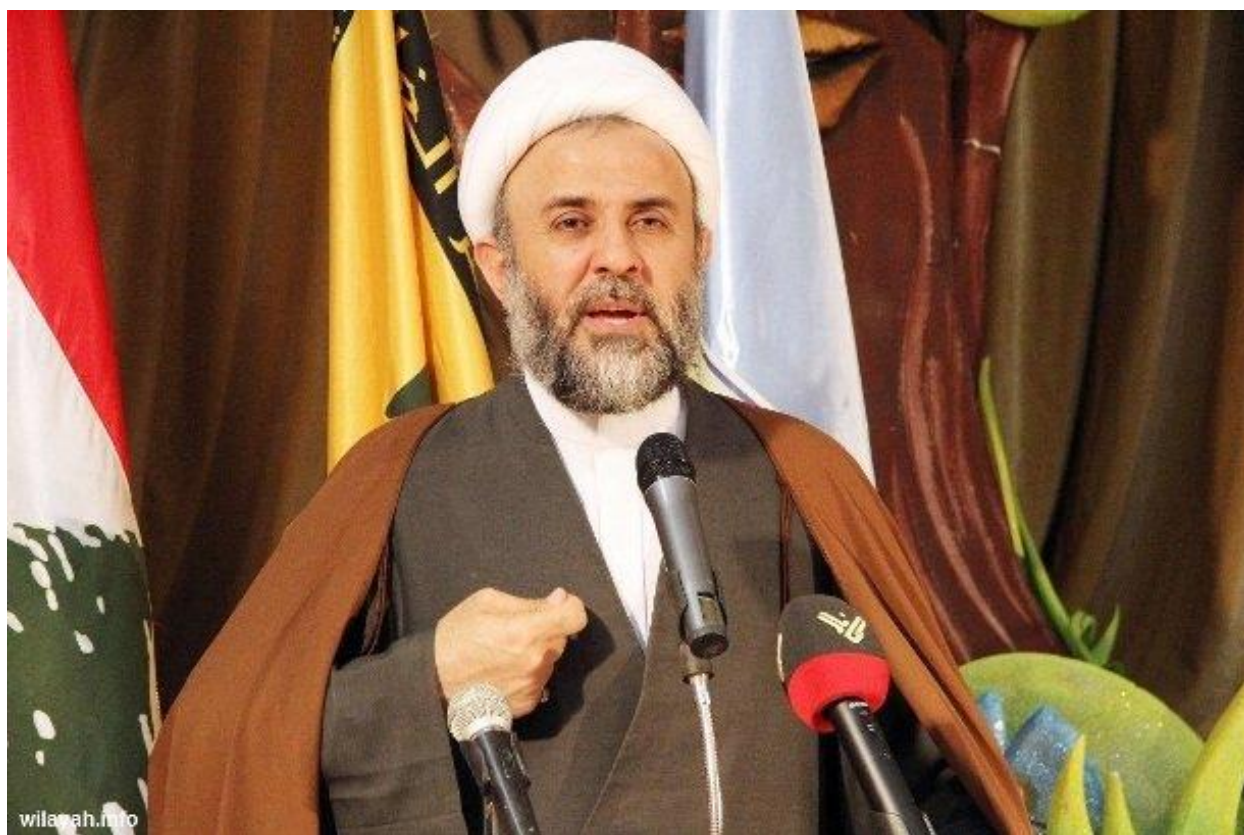
آخوند خامنه‌ای وعده داده است که ضربات جبهه‌ی مقاومت بر پیکر فرسوده و رو به زوال اسرائیل کوبنده‌تر خواهد شد. او بار دیگر تاکید کرد که اسرائیل به پیروزی دست نیافته است.

علی خامنه‌ای چند روز پیش پس از کشته شدن شماری از فرماندهان حزب‌الله بر پیروزی این گروه تاکید کرده بود!!!.

رسانه‌های نزدیک به سپاه کشته شدن عباس نیلفروشان، معاون عملیات سپاه را در جریان حمله روز شنبه اسرائیل به منطقه ضاحیه در جنوب بیروت تایید کردند.

عباس نیلفروشان که پیش‌تر در پست‌هایی همچون معاون عملیات نیروی زمینی سپاه پاسداران و فرمانده دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران فعالیت کرده بود، در سال 1398 خورشیدی جایگزین علی زاهدی شده بود. علی زاهدی نیز ماه فروردین سال 2024 میلادی در جریان حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق کشته شد.

دو روز پس از کشته شدن حسن نصرالله، اسرائیل کشته شدن نبیل قاووق یکی از رهبران برجسته حزب الله را اعلام کرد. اسرائیل او را فرمانده واحد امنیت پیشگیرانه حزب‌الله معرفی کرد.



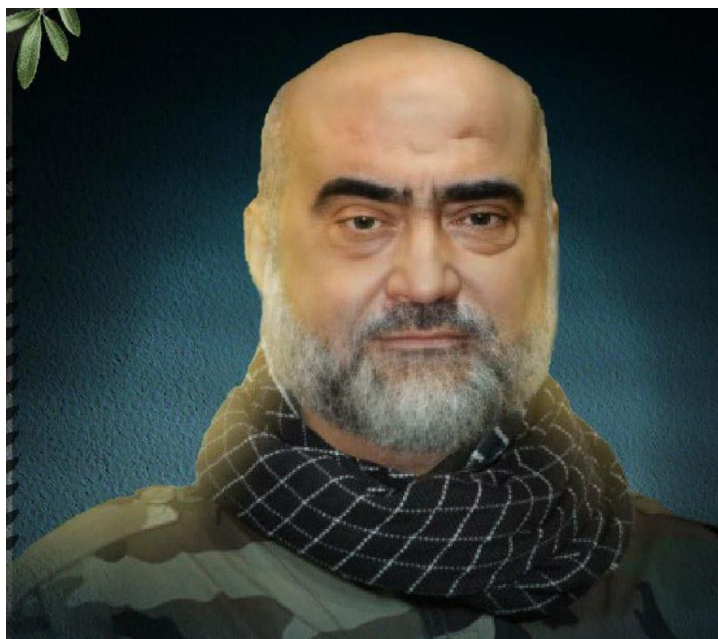
نبیل قاووق

همزمان ، حملات هوایی اسرائیل به بندرهای الحیدیه و رأس عیسی یمن، دستکم 6 کشته و 57 زخمی برجای گذاشت. ارتش اسرائیل اعلام کرد که این حملات تاسیسات مورد استفاده حوثی‌ها برای انتقال تسلیحات ایرانی را هدف قرار داده است.

جنگ اسرائیل با گروه های نیابتی جمهوری اسلامی به سیزدهمین ماه خود میرسد. در اول اکتبر 2024 میلادی ارتش اسرائیل آغار عملیات زمینی در جنوب لبنان را اعلام کرد.

ارتش اسرائیل از کشته شدن محمد جعفر قصیر، از فرماندهان حزب الله که مسئول انتقال پول و سلاح از ایران به لبنان بود، خبر داد. سپاه پاسداران در عملیاتی به نام وعده صادق 2 با حدود 200 موشک به اسرائیل حمله کرد. ارتش اسرائیل اعلام کرد که بیشتر موشک‌ها رهگیری شدند، اما تعدادی از آنها به مناطق مرکزی و جنوبی اسرائیل اصابت کردند. در این حمله، تنها یک مرد فلسطینی در کرانه باختری کشته شد. در چهار اکتبر ، هاشم صفی الدین ، جانشین حسن نصرالله نیز کشته میشود. هاشم صفی الدین پدر شوهرزینب سلیمانی ، دختر گنده لات قاسم سلیمانی بود.

روزی نیست که اسرائیل با هدفمندی دقیق ، فرماندهان حزب الله را نکشد. در 8 اکتبر 2024 میلادی نوبت به سهیل حسین حسینی فرمانده حزب الله در بیروت که مسئول انتقال اسلحه از جمهوری اسلامی به لبنان بود رسید.



سهیل حسین حسینی

در 17 اکتبر 2024 میلادی ، نیرو های اسرائیلی ، یحیی سنوار رهبر حماس را به قتل رساندند.



جنازه یحیی سنوار



یحیی سنوار طراح حمله 7 اکتبر حماس به اسرائیل

همزمان با کشته شدن یحیی سنوار، یک زن ایرانی به نام معصومه کرباسی و همسر لبنانی او رضا عباس عواضه در حمله پهبادی اسرائیل به منطقه جونیه در شمال بیروت کشته شد. بر اساس گزارش، عواضه از اعضای ارشد اطلاعات نظامی حزب الله بوده است



معصومه کرباسی و همسر لبنانی اش رضا عباس عواضه

در 22 اکتبر 2024 میلادی ، انتشار اخبار محرمانه حمله اسرائیل به جمهوری اسلامی درز کرده و هياهوئی به راه انداخت. عامل درز این اخبار محرمانه آصف ویلیام رحمان کارمند سیا بود .



آصف ویلیام رحمان

در 26 اکتبر 2024 میلادی ، اسرائیل به تلافی از حملات موشکی وعده صادق 2 ، جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار داد. بیش از 100 جنگنده اسرائیلی با عبور از مرز و پرواز بر فراز آسمان ایران، اهداف نظامی جمهوری اسلامی را در چندین نقطه هدف قرار دادند. به گزارش منابع، تمامی سامانه‌های موشکی اس-300 ایران در این حملات منهدم شدند. جمهوری اسلامی اعلام کرد که چهار تن از کادر ارتش و یک نگهبان کشته شدند.

اسرائیل سه موج حمله هوایی با نام عملیات روزهای توبه به جمهوری اسلامی انجام داد . در این عملیات 100 جنگنده اف - 16 ، اف - 15 ایگل و اف - 35 لایتنینگ شرکت داشتند. هدف پایگاه های نظامی شامل پدافند هوایی ، یک کارخانه پهپاد سازی و تاسیسات موشکی جمهوری اسلامی بود. پایگاهی در تهران ، ایلام و خوزستان مورد حمله قرار گرفت. جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی فشار شدیدی بر روی رسانه ها برای ساکت بودن آورد و به مردم گفت : اگر شواهدی از حملات را در اختیار رسانه های خارجی بگذارند به شدید ترین وجه مجازات میشوند.

در 17 نوامبر 2024 میلادی ، محمد عفیف مدیر رسانه حزب الله در حمله اسرائیل به بیروت کشته شد.



محمد عفیف

مردم مسخ شده و اسلام زده ایران همراه با طرفداران رژیم آخوندی در 21 نوامبر 2024 میلادی در یک نمایش تهوع آور نسبت به جمع آوری کمک برای حزب الله لبنان اقدام کردند. انگار که کمک های میلیارد دلاری تا آن روز در کار نبوده است! تسبیح سید علی خامنه ای را یک میلیارد تومان حراج کردند!!! و 150 کیلو طلا و دو هزار میلیارد تومان جمع آوری کردند .

در 27 نوامبر 2024 میلادی ، اسرائیل و لبنان بر سر یک آتش بس 60 روزه به توافق رسیدند.

فروریزی سنگر سوریه

در دوم دسامبر 2024 میلادی ، پس از پیشروی نیروهای مخالف بشار اسد و افزایش نگرانی ها از سقوط حکومت او، عباس عراقچی با پیام حمایتی علی خامنه ای به دمشق سفر کرد. تصویر او در حال خوردن شاورما در رستورانی در دمشق خبرساز شد.



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا، هشدار داد که اگر گروگان‌های باقی‌مانده در غزه تا زمان بازگشت او به کاخ سفید در 20 ژانویه آزاد نشوند، جهنم به پا خواهد شد. حکومت بشار اسد در جریان حمله گسترده نیروهای مخالف، به رهبری هیئت تحریر الشام و با حمایت ارتش ملی سوریه مورد حمایت ترکیه، سقوط کرد. بشار اسد پیش از تصرف دمشق، با یک هواپیما به روسیه گریخت. واحدهای زرهی اسرائیل به سمت منطقه حائل نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد در بین سوریه و بلندی‌های جولان پیشروی کردند و وارد خاک سوریه شدند.

پس از زمانی طولانی که کشتن اسماعیل هنیه در تهران در پرده ابهام بود یسرائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل مسئولیت کشتن اسماعیل هنیه را بر عهده گرفت. در 26 دسامبر 2024 میلادی، جنگنده‌های اسرائیلی در حملاتی گسترده مواضع حوثی‌ها در یمن را هدف قرار دادند. این حملات فرودگاه بین‌المللی صنعا، نیروگاه‌ها و زیرساخت‌های بنادر الحدیده، الصلیف و رأس قطیبه را تخریب کردند. بر اساس گزارش‌ها، این حملات دست‌کم 6 کشته و 40 زخمی برجای گذاشتند.



فرودگاه صنعا پس از حمله اسرائیل

در 15 ژانویه 2025 میلادی، نخست‌وزیر قطر اعلام کرد که اسرائیل و حماس بر سر توافقی برای آتش‌بس در غزه و آزادی گروگان‌ها به نتیجه رسیده‌اند که از 19 ژانویه اجرایی خواهد شد. جو بایدن نیز این توافق را گامی برای پایان دادن به درگیری‌ها در غزه، افزایش کمک‌های حیاتی بشردوستانه به غیرنظامیان فلسطینی و بازگرداندن گروگان‌ها به آغوش خانواده‌هایشان توصیف کرد.

اجرای توافق آتش‌بس در غزه با سه ساعت تاخیر، از ساعت 12 و 45 دقیقه ظهر به وقت تهران، به‌طور رسمی آغاز شد.

سه گروگان اسرائیلی و 90 زندانی فلسطینی در روز نخست آزاد شدند. ایتمار بن گویر، وزیر امنیت ملی اسرائیل، در اعتراض به توافق آتش‌بس استعفا کرد. دو عضو دیگر حزب اقتدار یهود نیز از کابینه نتانیا‌هو استعفا کردند. در ماه ژانویه ارسال بمب‌های دوهزار پوندی که بایدن دستور ندادن آنها را به اسرائیل صادر کرده بود، توسط پرزیدنت ترامپ لغو و این بمب‌ها به اسرائیل حمل شد. همزمان به دستور ترامپ ویزای دانشجویی کسانی که در دانشگاه‌های آمریکا به یهود ستیزی روی آورده بودند، لغو و نسبت به اخراج آنها اقدام صورت گیرد. سید علی خامنه‌ای در اوج وقاحت که تنها از آخوند جماعت بر می‌آید، در دیدار با رهبران ارشد حماس در تهران، این گروه را پیروز واقعی جنگ دانست و افزود حماس در واقعیت بر آمریکا غلبه کرده است!!!.

مسعود پزشکیان گفت: کشورهای اسلامی با کمک هم می‌توانند غزه را دوباره آباد کنند و زندگی را به مردم مسلمان این منطقه باز گردانند.



اولتیماتوم دو ماهه پرزیدنت ترامپ به سید علی خامنه ای



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در اوایل ماه مارچ 2025 نامه‌ای به علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ارسال کرد که محتوای آن به‌تازگی از سوی استیو ویتکوف، نماینده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه، روشن‌تر شده است

این نامه که از طریق انور قرقاش، مشاور دیپلماتیک رئیس امارات متحده عربی، به تهران تحویل داده شد، حاوی پیشنهادی برای مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای ایران است. اما لحن قاطع و ضرب‌الاجل‌گونه آن که به گفته ویتکوف، صراحتاً دو گزینه پیش روی ایران قرار داده: مذاکره برای حل دیپلماتیک مناقشه یا مواجهه با درگیری نظامی.

ویتکوف در گفت‌وگویی با شبکه سی‌ان‌ان اظهار داشت: رئیس‌جمهور در این نامه روشن کرده که به دنبال صلح است، اما این صلح باید واقعی و قابل تأیید باشد. ایران یا باید پای میز مذاکره بیاید و سوءتفاهم‌ها را برطرف کند و نگرانی‌ها درباره نظامی شدن برنامه هسته‌ای‌اش را رفع کند، یا گزینه جایگزین را بپذیرد که برای هیچ‌کس مطلوب نیست

او افزود که این پیام پس از رایزنی با متحدان منطقه‌ای آمریکا، از جمله اسرائیل و عربستان سعودی، تدوین شده و ضرب‌الاجلی دو ماهه برای پاسخ ایران تعیین کرده است، هرچند مشخص نیست این مهلت از زمان تحویل نامه آغاز شده یا از زمان شروع مذاکرات احتمالی.

این نامه در حالی ارسال شده که تنش‌ها میان ایران و ایالات متحده در ماه‌های اخیر به اوج خود رسیده است. پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای (برجام) در سال 2018 میلادی در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ، ایران غنی‌سازی اورانیوم را تا سطح 60 درصد افزایش داده که تنها یک گام با سطح تسلیحاتی (90 درصد) فاصله دارد

گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در دسامبر 2024 میلادی هشدار داد که ایران به سرعت در حال انباشت اورانیوم نزدیک به سطح تسلیحاتی است، امری که نگرانی‌های اسرائیل و آمریکا را تشدید کرده است. در همین راستا، شبیه‌سازی حمله مشترک آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در دریای مدیترانه، تنها دو روز پیش از ارسال نامه، تهران را تحت فشار قرار داده است

سید علی خامنه‌ای تاکنون به این نامه واکنش مستقیم نشان نداده، اما اظهارات پیشین او در رد مذاکره با دولت کنونی آمریکا و تأکید بر بی‌اعتمادی به وعده‌های واشنگتن نشان‌دهنده موضع سخت‌گیرانه تهران است. او در سخنرانی 8 مارچ 2025 میلادی در جمع مقامات ایرانی، پیشنهاد مذاکره را فریب افکار عمومی خواند و گفت: مذاکره با دولتی که توافقی قبلی را پاره کرد، بی‌معناست.

کتابی که در دست دارید ، از ویژه گی خاصی برخوردار است و آن روز به روز نوشتن آنست. مطالب این کتاب با اتفاقات روزانه جمع بندی میشود .

دستیابی به بمب اتم ، روایی که هیچوقت تحقق پیدا نخواهد کرد

دنیا وقتی که کره شمالی به دنبال تسلیحات اتمی بود ، چشم خود را بست و عواقب آنرا دید . پاکستانی بدبخت و گرسنه دلخوش به داشتن بمب اتم است در حالیکه نان شب ندارد که بخورد. حال تصور اینکه دنیا چشمان خود را که بر روی پاکستان و کره شمالی بست و

اینکار را در مورد جمهوری اسلامی تکرار کند ، صرفاً یک خام اندیشی است، آنهم رژیمی که جنگ طلب و تنش آفرین بوده و خواهان محو کامل اسرائیل از روی کره زمین باشد.

46 سال عملکرد رژیم آخوندی جز جنگ و آشوب و ترور فروزه دیگری نداشته است. بنابراین با قاطعیت میتوان گفت که : رویای بمب اتم ، نظیر صدور انقلاب نکبت بار اسلامی تنها یک جایگاه دارد و آن هم روی آب است .



سال 1315 خورشیدی و در زمان رضا شاه بزرگ ، مجلس شورای وقت، ایجاد مرکز اتمی دانشگاه تهران را تصویب کرد و در آذر 1344 خورشیدی و در زمان محمد رضا شاه پهلوی ، راکتور پنج مگاواتی آموزشی و تحقیقاتی ایران آماده فعالیت شد. در سال 1345 در مرکز تحقیقات هسته ای امیرآباد تهران این تجهیزات بکار گرفته شد. فعالیت این واحد تاکنون ادامه دارد و این راکتور بطور منظم از سوی آژانس بین المللی انرژی اتمی بررسی می شود

سال 1352 سازمان انرژی اتمی تشکیل و در همان سال قراردادهای 10 ساله قابل تمدید برای تهیه سوخت هسته ای با کشورهای آلمان، فرانسه و آمریکا امضا شد

قرار بود نیروگاه اتمی در بوشهر توسط وزارت تحقیقات و صنعت آلمان غربی سابق به عنوان نخستین نیروگاه اتمی ایران در سال 1358 راه اندازی و بلافاصله پس از پایان کار احداث نیروگاه بعدی آغاز شود

بر اساس این قرارداد قرار شد آمریکا پس از مذاکراتی که 22 مرداد 1356 صورت گرفت نیروگاههایی در ایران احداث کند و هشت راکتور اتمی به رژیم شاه فقید بفروشد

پانزده مهر 1356 نیز فرانسه اعلام کرد که دو نیروگاه اتمی در ایران تاسیس می کند و راکتورهایی به ایران می فروشد

اما با پیروزی فتنه خمینی و در پی مخالفت دولت های غربی با انقلاب این روند متوقف شد و بخشی از امکانات نیز بمباران شد.

پس از پایان جنگ ایران و عراق بنا به خواست آخوند روح الله خمینی که گفته بود : اگر ما سلاح اتمی داشتیم ، صدام پیروز نمی شد. در ظاهر برای تکمیل و تجهیز نیروگاه هسته ای بوشهر مذاکراتی انجام شد اما پیمانکاران به علت فشار دولت های غربی کناره گیری کردند و در نهایت روس ها همکاری هسته ای با ایران را پذیرفتند و سالهای سال آشغال های خود را به رژیم آخوندی فروختند و خبری از بهره برداری نبود.

سال های 64 تا 1376 برای انتقال این دانش به کشور تلاش های زیادی انجام شد . سال های 76 تا 1380 با انتقال این دانش به کشور و ساخت وسایل و تجهیزات مورد نیاز در داخل ، جمهوری اسلامی موفق به انجام آزمایشهای مربوط در محیط آزمایشگاهی شد. از سال 1380 این دانش به سایت هسته ای نطنز که از چند سال پیش احداث آن آغاز شده بود منتقل شد.



تاسیسات اتمی شهید احمدی روشن نطنز

در همین زمان جمهوری اسلامی به دانش غنی سازی اورانیوم از طریق لیزر در محیط آزمایشگاهی دست یافت و عملیات احداث راکتور آب سنگین اراک نیز آغاز شد و بالاخره ایران توانست فرایند غنی سازی و چرخه سوخت اتمی را اجرایی کند.



راکتور آب سنگین اراک

در سال 1382 براساس توافقنامه سعدآباد ، تهران متعهد شد که غنی سازی اورانیوم را به حالت تعلیق درآورد و برغم اینکه بیش از 100 ماشین سانتریفیوژ در نطنز داشت صرفاً 10 ماشین سانتریفیوژ به هم متصل و روی آنها تست انجام و اورانیوم تا یک و دو دهم درسد غنی شده بود

دانشمندان پشت به وطن کرده جمهوری اسلامی ایران پس از آغاز فعالیت مجدد هسته ای موفق شدند همه مراحل غنی سازی دستگاه های سانتریفیوژ را بومی کنند این سانتریفیوژها حدوداً یک متر و هشتاد سانتی متر ارتفاع دارد و از 200 قطعه تشکیل شده که 94 قطعه آن بسیار حساس و دارای تکنولوژی بالایی است. تاسیسات هسته ای نطنز به منظور غنی سازی اورانیوم احداث شد. این تاسیسات که در زیر زمین ساخته شده توسط سپری سیمانی به ضخامت 7.6 متر محافظت میشود . در عمق 40 تا 50 متری زمین ، دستگاه های سانتریفیوژ قرار دارند . وجود این مرکز هسته ای برای نخستین بار در سال 2002 میلادی توسط سازمان مجاهدین خلق افشاء شد. در 26 بهمن 1390 و در زمان محمود احمدی نژاد ، نام 5 مرکز هسته ای رژیم آخوندی به نام 5 تن از دانشمندان اتمی جمهوری اسلامی که ترور شدند و در این کتاب بشرح حال کامل آنها اشاره خواهم کرد ، تغییر نام پیدا کردند. تاسیسات نطنز به یاد مصطفی احمدی روشن که 21 دی ماه 1390 ترور شد ، تغییر یافت.



مصطفی احمدی روشن

معاون بازرگانی سایت هسته ای نظنز و دانش آموخته رشته مهندسی شیمی از دانشگاه صنعتی شریف بود. او را در ساعت 8:30 صبح روز چهارشنبه 21 دی ماه 1390 و زمانیکه خانه را ترک میکرد در خیابان کتابی تهران با یک بمب مغناطیسی سی 4 که به اتوموبیلش چسبانده بودند، کشتند. همراه او، رضا قشقائی، راننده اش نیز کشته شد. ترور این دانشمند اتمی را کار اسرائیل دانستند. خبر گزاری حکومتی فارس، ترور احمدی روشن را نتیجه همکاری سازمان مجاهدین خلق با موساد شناسائی کردند.

سید علی خامنه ای سازمان سیا و موساد را مسئول ترور احمدی روشن دانست. اسرائیل به ترور چند دانشمند هسته ای جمهوری اسلامی نظیر اردشیر حسین پور، مسعود علی محمدی، مجید شهریاری، فریدون عباسی و محسن فخری زاده از سوی ملایان اشغالگر در تهران متهم است.

مصطفی احمدی روشن در 17 شهریور سال 1358 در روستاس سنگستان استان همدان چشم به جهان گشود او دوران کودکی خود را در خانواده ای فقیر گذراند. خانواده او در محله ای در پشت امامزاده یحیی همدان به نام محوطه آقاجانی بین، در خانه ای قدیمی و اجاره ای با امکانات اندک زندگی می کردند پدر او راننده مینی بوس بود و در دوران جنگ عراق علیه ایران در جبهه های جنگ حضور داشت. او تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود سپری کرد و از مدرسه خیام دوره تحصیلی راهنمایی را به پایان رساند و به دبیرستان ابن سینا رفت. احمدی روشن هشتاد و پنجمین شهید دبیرستان ابن سینا بود !!!

او در آزمون سراسری سال 77 شرکت کرد و وارد دانشگاه صنعتی شریف شد و در رشته مهندسی پلیمر به تحصیل مشغول و در سال 81 از این دانشگاه فارغ التحصیل شد، احمدی روشن تا سن 32 سالگی مقالات متعددی علمی را در رشته پلیمر نوشته بود.

احمدی روشن در سال 1380 در پروژه ساخت غشاهای پلیمری برای جداسازی گازها که برای اولین بار در کشور انجام می شد، همکاری داشت.

به غیر از دانشمندان فرصت طلب و بی وطن ، بسیاری هستند که نظیر احمدی روشن در فقر و فلاکت بزرگ شده و زمانیکه به آنها پست و مقام داده میشود ، زرخرید و بنده دستار بند میشوند.

این عده با فدا کردن یک ملت و یک کشور زمانی کوتاه بر الهای ابر پرواز می کنند و خیلی زود از آن بالا سرنگون شده و جانشان را بر سر چند صباح خوش بودن قمار می کنند، قماری که در آن باخت حرف اول و آخر را میزند.

دکتر اردشیر حسین پور



نخبه ای که بنا به ادعای خواهرش خانم محبوبه حسین پور توسط جمهوری اسلامی به قتل رسید. از این دانشمند هسته ای چند اختراع به ثبت رسیده است. او برنامه ریز سانتریفیوژهای پروژهای هسته ای در مرکز یوسی اف اصفهان بود. او مدیر 12 پروژه نظامی جمهوری اسلامی بود. از جمله پروژه هائی که تحت مدیریت او بود میتوان به برنامه ریزی موتور موشک شهاب 3 و رنگ ضد رادار که میتواند امواج الکترو مغناطیسی را جذب کند، اشاره داشت.

دکتر حسین پور دارای مدرک مهندسی الکترو نیک بود. جمهوری اسلامی مرگ او را بر اثر تماس با مواد خطرناک !! گزارش کرده است.

اردشیر حسین پور تحصیلات مقطع ابتدایی را در دبستان آسمانی شیراز گذراند. از همان دوران مدرسه مشخص بود که نخبه ای در حال رویش است. کسب عنوان دانش آموز برتر استان فارس و دریافت تقدیرنامه از وزیر وقت آموزش و پرورش، از اولین افتخارات علمی اش به حساب می آید. با کسب رتبه اول در تمامی پایه ها و سپس اخذ دیپلم ریاضی فیزیک، به دوران مدرسه پایان داد. با شروع انقلاب فرهنگی !!و تعطیلی دانشگاه ها، امکان ادامه تحصیل در دانشگاه برای کسی مهیا نبود. اما از آنجا که او با بقیه فرق داشت بیکار

ننشست و وقت خود را صرف مطالعه دروس رشته تجربی و شرکت در دوره آشنایی با سیستم‌های الکترونیک نمود که حاصلش، اخذ دیپلم تجربی و گواهی درجه یک تعمیر و نگهداری سیستم‌های الکترونیک بود. در زمینه ورزشی نیز فعالیت داشت. دریافت کمر بند مشکی در کاراته و درجه استادی کونگ فو از بهره مندی های او در زمینه ورزش بود.

در اوایل سال 1361 به خدمت سربازی رفت. خدمت سربازیش همزمان با آغاز جنگ بین ایران و عراق بود. او توانست در چهار عملیات محرم، والفجر مقدماتی، والفجر یک و والفجر سه شرکت کند. در خرداد 1363 بعد از فوت پدر، برای اینکه کمک حال مادرش باشد به شیراز برگشت. با شرکت در کنکور سراسری همان سال در رشته کارشناسی الکترونیک، شیراز قبول شد. همزمان با تحصیل در رشته مهندسی الکترونیک به تحصیل در رشته‌های مهندسی کامپیوتر، مخابرات، و فیزیک پرداخت

در این میان این فیزیک بود که او را مجذوب خود کرد. از این جهت در کنکور کارشناسی ارشد فیزیک شرکت نمود و در رشته فیزیک ماده چگال دانشگاه سراسری شیراز قبول شد. و در سال 1375 در دوره دکتری فیزیک اتمی دانشگاه شیراز پذیرفته شد. بعد از اتمام تحصیلات خود به عنوان استادیار به تدریس در دانشگاه شیراز و دانشگاه صنعتی مالک اشتر مشغول شد.

او در طول عمر کوتاه خود بیست و دو مقاله، رساله و کتاب به طور مستقل یا مشترک تألیف نمود. و بیش از دوازده پروژه مهم دفاعی را به اتمام و پنج اختراع را به ثبت رساند

پروژه طراحی و ساخت مشددهای دی الکتریک

پروژه ساخت آهنرباهای سرامیکی فریت استرانسیم و فریت باریم

پروژه ساخت فریت نیکل – روی برای کادر آنتن گیرنده های ام دبلیو

پروژه ساخت فریت منگنز – روی برای لامپ های کم مصرف

پروژه بررسی طراحی و ساخت مولد پالس های الکترومغناطیسی کوتاه

پروژه طراحی و ساخت آسیاب عمودی تحت فشار

تأسیس و راه اندازی اولین مرکز تحقیقات الکتروسرام در ایران در سال 1375 (در دانشگاه صنعتی مالک اشتر)

طراحی و ساخت اولین خط تولید نیمه صنعتی تولید آهنرباهای سرامیکی سخت

راه اندازی آزمایشگاه الکتروسرامیک در دانشگاه شیراز

نام اردشیر حسین پور پس از اعتراض ها به عملکرد وزارت اطلاعات درباره ترور محسن فخری زاده بار دیگر مطرح شد. برخی یادآوری کرده اند که او در دوره ای که غلامحسین محسنی اژه ای وزیر اطلاعات بود کشته شده است و دانشمندان اتمی نیز در دوره وزارت حیدر مصلحی و هر دو در دولت محمود احمدی نژاد.

روایت محبوبه حسین پور، خواهر او اما متفاوت با دیگر روایت ها است. محبوبه جمهوری اسلامی را متهم به قتل برادرش کرده است. دکتر اردشیر حسین پور استاد دانشگاه شیراز بود. بر اساس روایت خواهرش، او 25 دی 1385 در منزل خود در طبقه سوم آپارتمان های خیابان ساحلی جان باخته است. این آپارتمان ها، خانه های سازمانی اساتید هستند.



دکتر اردشیر حسین پور

به گفته محبوبه حسین پور، همسر برادرش با وجود این که 25 شب از ازدواج شان می گذشت، در توطئه ای توسط نهادهای امنیتی و خانواده همسرش، به مراسمی طراحی شده در آن شب رفته و در خانه نبوده و برادرش تنها بوده است.

ساعت ۸ صبح روز سه‌شنبه 26 دی 1385 هنگامی که همسر دکتر اردشیر حسین پور وارد خانه اش در مجتمع اساتید دانشگاه شیراز می‌شود با پیکر بی جان شوهرش مواجه می‌شود. روزنامه‌ها چند روز بعد به نقل از پلیس و دیگر مقامات محلی اعلام می‌کنند که این استاد فیزیک اتمی دانشگاه شیراز و پژوهشگر دانشگاه مالک اشتر وابسته به وزارت دفاع بر اثر **گازگرفتگی** در منزلش جان باخته است. ۱۴ سال بعد مصطفی معین وزیر اسبق علوم در صفحه اینستاگرام خود می‌نویسد که دکتر حسین پور اولین دانشمند هسته‌ای ایران است که در سال 1385 توسط عوامل موساد با مواد رادیو اکتیو ترور شده است.

در همان سال 1385 نیز موضوع ترور حسین پور مطرح شده بود اما مقامات جمهوری اسلامی این احتمال را رد کردند؛ از جمله پس از انتشار گزارش‌هایی مبنی بر احتمال دست داشتن موساد در قتل این استاد دانشگاه در روزنامه‌های ساندی تایمز و تایم و نیز روزنامه‌های اسرائیلی، خبرگزاری فارس به نقل از یک مقام آگاه!، فعالیت حسین پور در امور هسته‌ای را تکذیب !!! کرد. غلامرضا آقازاده، رییس سازمان انرژی اتمی ایران نیز همان زمان ترور یک دانشمند هسته‌ای ایران را رد کرد و گفت که هیچ اتفاقی برای متخصصان هسته‌ای ایران نیفتاده است.

با این حال، سایت بازتاب از قول یکی از بستگان اردشیر حسین پور، از وی به عنوان یکی از فیزیکدان‌های برجسته هسته‌ای ایران و طراح سانتریفیوژ نام برد و نوشت که وی مدیریت پروژه ۱۲ طرح مهم دفاعی، از تئوری تا اجرا و طراحی موتور و پیش‌رانه‌های موشک شهاب ۳ را بر عهده داشته است.

مقامات وزارت اطلاعات ایران اما هنوز پس از 14 سال، روایت دقیقی از این اتفاق بیان نکرده‌اند و نام او نیز به فهرست مرگ‌های مبهم افزوده شده است. به نظر میرسد پنهان کاری را باید در کنار تقیه و دروغ به عنوان بنیاد اسلام و جمهوری اسلامی یاد آور شد.

آتش سوزی در پژوهشگاه فضائی جمهوری اسلامی

یکی از اتفاقاتی که مقامات جمهوری اسلامی سخنان متناقضی درباره آن بیان کرده‌اند، آتش‌سوزی در پژوهشگاه فضایی بود. این حادثه، هشتم بهمن 1397 رخ داد اما محمدجواد

آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران روز یکشنبه 14 بهمن پس از 6 روز خبر داد: در حادثه آتشسوزی در پژوهشگاه سامانه حمل و نقل پژوهشگاه فضایی، سه پژوهشگر این مرکز جان خود را از دست دادند. او گفته بود که دو نفر از تکنسین‌های پژوهشگاه و یک نفر از مهندسان جان خود را از دست داده‌اند.

حسن نجفی عنبر، یکی از کشته شدگان این حادثه بود. محمد حسینی، رییس بنیاد شهید منطقه یک کرج در مراسم تشییع او گفت که وی در آزمایش سلاحی جدید، در وزارت دفاع کشته شده است! محمد حسینی گفته بود که حسن نجفی عنبر که کارمند وزارت ارتباطات و فناوری بود، در این انفجار جان خود را از دست داده است. دانش احمد علیزاده و جواد امینی نیز دو تن از افراد کشته شده در این حادثه بودند. مقامات پژوهشگاه فضایی دلیل مرگ آنها را ذکر نکردند. محمدجواد آذری جهرمی گفته بود که به دلیل برگزاری مراسم در این پژوهشگاه، کسی متوجه این حریق نشده بود و این افراد فوت شده بودند!!!! او تاکید کرده بود که این حادثه ارتباطی با حمله تروریستی ندارد. این حادثه اما همزمان با دو تلاش ناموفق ایران برای پرتاب ماهواره در روزهای 25 دی و 16 بهمن 1397 رخ داد.

یک ماه بعد محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران گفت: ممکن است ناکام ماندن پرتاب دو ماهواره ایرانی به دلیل خرابکاری امریکا باشد! . روزنامه نیویورکتایمز نیز به نقل از مقام‌های کنونی و سابق دولت امریکا گزارش داد که این کشور برنامه خرابکاری در برنامه موشکی ایران را بار دیگر از سر گرفته است.

سخنان وزیر ارتباطات حتی برای رسانه‌های داخلی نیز ابهام داشت، تا آن جا که سایت بازتاب نوشت: حتی اصل خبر آتشسوزی نیز در سایت این پژوهشگاه درج نشده است. این سایت این پرسش را مطرح کرده بود: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ مگر نه آن که می‌شود با انتشار تصاویر جانباختگان و پیام تسلیتی، یاد و خاطره ایشان را گرامی داشت و مایه تسلای خاطر بازماندگان‌شان شد؟ مگر نه این که این دست اقدامات، حداقلی‌ترین وظیفه هر مسوول و نهادی است؟

در گزارش سایت بازتاب آمده بود که این حادثه در هشتم بهمن رخ داده و مراسم تشییع و تدفین قربانیان آن نیز انجام شده است اما یک هفته پس از آن، نه وزیر و نه هیچ مقام مسوول دیگری مجاب نشده بود در خصوص آن اطلاع رسانی کند.

با یک جستجوی ساده در سایت پژوهشکده نشان می‌دهد که احتمالاً این سه پژوهشگر تنها جان باختگانی نبوده‌اند که علت مرگشان در پژوهشگاه فضایی پنهان شده است. سایت این پژوهشکده از یعقوب بزرگی و محسن مجستی نیز به عنوان شهید نام برده شده است. تاریخ فوت آن‌ها هم در یک روز و 16 اسفند 1488 اعلام شده است. در سایت این سازمان اعلام شده که یعقوب بزرگی در حین انجام وظیفه!! کشته شده اما توضیح بیشتری داده نشده است.

شرکت های پوششی برای مخفی نگهداشتن پروژه اتمی رژیم آخوندی

شروع کار پروژه اتمی رژیم از 5 مارس 1987 برابر با 15 اسفند 1366، توسط میرحسین موسوی نخست‌وزیر وقت آغاز شد. و همزمان با دوره دوم دولت اکبر هاشمی رفسنجانی، در 1993، مرحله سخت تهیه تجهیزات فنی از بازار سیاه شروع شد. در راستای همین گسترش فعالیتهای هسته‌یی و به‌دلیل عادیسازی و مخفی نگهداشتن فعالیتهای اتمی رژیم به راه‌اندازی شرکتهای پوششی روی آورد. تا همزمان با پیشبرد طرحهای خود حساسیتهای داخلی و بین‌المللی را نیز در این زمینه کاهش دهد. چون از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران به‌صورت مستمر در سطح جهان افشا می‌شد. اهمیت این موضوع به‌طور خاص پس از تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت به‌دلیل توقف مبادلات برخی از بانکهای بین‌المللی با رژیم ایران و مشکلات قانونی ایجاد شده بر سر راه تجارت با آن، برای رژیم نقش حیاتی داشت. رژیم با ایجاد شرکتهای پوششی می‌خواست همزمان از افشارگریهای سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت خود را خلاص کند، و از سوی دیگر تحریمهای جامعه جهان را دور بزند و بتواند تحت پوش فرار سرمایه از ایران به خارج به‌ویژه به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، شرکتهای پوششی خود را بسط داده و تا حدودی هزینه‌های پروژه ضدملی خود را تأمین کند

برخی از شرکتهای پوششی رژیم که شناسایی و به جامعه جهانی معرفی شده‌اند:

شرکت ساخت ایران: یک شرکت خدماتی است و کلیه پرسنل قراردادی و غیرسازمانی انرژی اتمی را که به عنوان کارمندان شرکت نزد سازمان انرژی اتمی کار می کنند تحت پوشش قرار داده است. درآمد فروش ازت مایع که از محصولات مرکز تحقیقات هستهیی است به حساب این شرکت ریخته می شود

شرکت مصباح انرژی

شرکت هسته سرایند

شرکت کاوش یار

شرکت کاوش یار خریدهای داخلی و خارجی مرکز تحقیقات هستهیی را انجام می دهد

شرکت کان ایران

بودجه شرکت کان ایران از طریق سازمان انرژی اتمی به حساب مرکز تحقیقات ریخته می شود و این مرکز نیز همان مبلغ را به حساب شرکت می ریزد تا حقوق تعدادی از پرسنل سازمان انرژی اتمی به طور غیرمستقیم از این طریق پرداخت شود

شرکت انرژی نوین

شرکت نوین پونه

شرکت آی.سی.اس

شرکت کالالکتریک

شرکت توان گستر

شرکت نورافزاگستر: یکی از بزرگترین شرکتهای وابسته به سازمان انرژی اتمی است و دو سایت هشتگرد تحت پوشش این شرکت کار می کنند. مدیر شرکت نورافزاگستر، **دکتر جمشید صباغزاده**، مشاور **غلامرضا آقازاده**، رئیس سازمان انرژی اتمی است. محل کار دکتر صباغزاده، بهرغم این که رئیس شرکت نورافزاگستر است، در سازمان انرژی اتمی است و از همان جا کارهایش را پیش می برد

اعضای هیأت مدیره شرکت عبارتند از:

شخصیت حقوقی: اعضای شرکت انرژی نوین به نمایندگی **غلامرضا آقازاده**

جمشید صباغزاده

محمود اشرف کاشانی

محمد سعیدی

بابک خدادوست

محمدحسین باقری رستگار، عضو علی البدل



غلامرضا آقا زاده

اعضای هیأت رئیسه شرکت نورافزاگستر عبارتند از:

غلامرضا آقا زاده، رئیس هیأت مدیره (رئیس سازمان انرژی اتمی) .
محمد سعیدی، نایب رئیس (مدیرکل امور بین الملل سازمان انرژی اتمی)
جمشید صباغزاده، مدیرعامل (مشاور ریاست سازمان انرژی اتمی)
به این ترتیب رئیس هیأت مدیره این شرکت، رئیس سازمان انرژی اتمی، و مدیرعامل آن
مشاور وی در سازمان انرژی اتمی است. همچنین نایب رئیس این شرکت، مدیرکل امور
بین المللی سازمان انرژی اتمی رژیم می باشد که به خوبی اهمیت این شرکت را برای سازمان
انرژی اتمی نشان می دهد



دکتر جمشید صباغ زاده

در یک ساختمان 7 طبقه در تهران، 4 شرکت که همه در خدمت پروژه‌های اتمی رژیم هستند کار می‌کنند. این ساختمان در خیابان سید جمال‌الدین اسد آبادی - خیابان پانزدهم - پلاک 33 قرار دارد.

یکی از این شرکت‌های چهارگانه شرکت پارس تراش است: گزارش ماه سپتامبر 2004 آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به سائیتی با نام پارس تراش اشاره کرده که در آن دستگاه‌های سانتریفوژ آلوده کشف شده است. اسم کامل آن شرکت پارس تراش ایران است که به شماره 67977 به ثبت رسیده و کارگاهی دارد که در بیرون شهر واقع شده است

اعضای هیأت مدیره شرکت عبارتند از:

مرتضی بهداد، رئیس هیأت مدیره

محمدحسین الله‌داد، معاون هیأت مدیره

محمد اسماعیلی، مدیر عامل

محمدعلی افشاری، عضو هیأت مدیره

محمد افشاری، عضو هیأت مدیره

عبدالله جودت، عضو هیأت مدیره

طبقه دوم و سوم و چهارم ساختمان شرکت پارس تراش متعلق به شرکت کالا الکتریک است که پیش از این سازمان مجاهدین خلق آنرا افشا کرده است و دست‌اندرکار ساختن سانتریفوژ است.

طبقه پنجم و ششم مربوط به شرکت انرژی نوین است که آن هم درگیر ساختن سانتریفوژ است

طبقه هفتم آن مربوط به شرکت الکترونیک هسته‌یی است.

شرکت توسعه صنایع انرژی پیشگام: این شرکت که تحت عنوان یک شرکت الکترونیکی ثبت شده است در اوایل دهه 1990 برای پوش راه‌اندازی مرکز تحقیقات و تولید سوخت هسته‌ای اصفهان تشکیل شد. این شرکت هم‌اکنون قسمت طراحی یو.سی.اف و اف.ام.پی اصفهان را به عهده دارد. و پیگیر کار تولید گاز هگزافلوراید است. همچنین نظارت بر پروژه سایت واحد سوخت اردکان یزد و همچنین راه‌اندازی چند مرکز دیگر را به عهده دارد دفتر اصلی شرکت توسعه صنایع انرژی پیشگام در اصفهان خیابان ارتش - کوچه شهید زهرایی - پلاک 140، واقع است و شماره تلفن آن: 2211660 است.

آدرس تهران این شرکت عبارتست از: میدان فاطمی، خیابان بیستون، خیابان دوم، پلاک 11 این شرکت هیچ تابلویی ندارد و شماره تلفنهای دفتر تهران: 8968031، 8956597 است. و مدیر عامل این شرکت: مهندس علیرضا فرهنگ است.

مرکز تحقیقات و تولید سوخت اصفهان

رئیس هیأت مدیره مرکز تحقیقات و تولید سوخت اصفهان مهندس منصور حبشی‌زاده است

اعضای هیأت مدیره آن: مهندس محسن آل رسول و مهندس مجید شعبانی‌کیا هستند

مسئول کنترل پروژه: مهندس مهدی فاخران

مسئول دفتر تهران: مهندس مهدی امری

این شرکت که رسماً برای عرضه و انجام کلیه خدمات لازم جهت اجرای طرحهای صنعتی ثبت شده است، نقش بسیار زیادی در تأمین خدمات و خریدها و وارد کردن کالاهای قاچاق برای دستگاه اتمی رژیم بر عهده دارد

آدرس این شرکت: تهران خیابان امیرآباد شمالی ساختمان مرکزی سازمان انرژی اتمی است

منصور حبشی زاده

منصور حبشی زاده ، یک مهندس متالورژی و از با سابقه ترین دانشمندان سازمان انرژی اتمی محسوب میشود. او دارای مدرک کارشناسی ارشد در زمینه هسته ای است ، ولی

دکتری ندارد. او پیش از پیروزی فتنه خمینی، به مدت سه سال در فرانسه کار میکرده است. تخصص حبشی زاده کنترل کیفیت فلزات در راکتور هسته ای است. حبشی زاده متولد 24 ماه می 1953 است. همسر او نسرين اقبالی نام دارد. او دارای دو دختر بنام های نیلوفر و المیرا است. حبشی زاده مدرک مهندسی خود را در زمان شاه فقید و از دانشگاه صنعتی آریا مهر دریافت کرده است. او پرسنل سازمان انرژی اتمی زمان شاه فقید بود که بعداً به خدمت دستار بندان همت گماشت. در پایان سال 1988، حبشی زاده پس از استعفای رسولی، توسط آقا زاده به ریاست ای ان تی سی (مرکز تکنولوژی هسته ای اصفهان) منصوب شد. کارشناسان هسته ای در مرکز اشاره شده، مدرک خود را بالاتر از مدرک حبشی زاده دیده ولی به ناچار پذیرفتند که انتخاب او صرفاً سیاسی بوده، نه آکادمیک. در پایان سال 2000 میلادی مرکز هسته ای اصفهان، تغییر نام داده و نام جدیدش: مرکز تحقیقات و تولید سوخت هسته ای اصفهان است. در سال 2005 میلادی، وقتی او درخواست بازنشستگی کرد، پذیرفته نشد و او را به ریاست تأسیسات زیرکونیوم (زد - پی) (پی) انتخاب کردند.

شرکت هسته فراید

تولید دستگاههای سانتریفوژ

تولید دستگاههای سانتریفوژ در اصفهان صورت میگیرد. این مرکز در حوالی روشن دشت بین دو شهرک مسکونی حاجی میرزایی و شهرک مسکونی سازمان انرژی اتمی قرار دارد. تست سانتریفیوژها در مرکزی در ابعلی تهران صورت میگیرد. این مرکز تحت پوشش شرکت کالا الکتریک است که رسماً تحت عنوان کارخانه ساعت سازی !!! به ثبت رسیده است.

استفاده از متخصصان چینی، روسی، آلمانی، چک و حتی آرژانتینی در معادن اورانیوم پس از گشایش اولین سایت در نزدیکی یزد در سال 1985، متخصصان چینی، روسی، آلمانی، چک و حتی آرژانتینی یکی پس از دیگری برای یافتن معادن جدید کار کرده اند. پس از آن کارخانه های جداسازی مواد معدنی که آخرین آن، تأسیسات ساخته شده با کمک چین در نزدیکی شهر اردکان بود که میبایستی در سال 2005 فعالیت خود را شروع کند

تجهیزات غنی سازی اورانیوم و قاچاق رژیم جمهوری اسلامی

در زمینه قاچاق تجهیزات غنی‌سازی اورانیوم موارد متعددی از آنها توسط مقاومت ایران و کانال‌ها و محافل بین‌المللی تا کنون افشاء شده که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود. روز 11 مرداد 1403 یک محموله قاچاق رژیم ایران مربوط به تجهیزات غنی‌سازی اورانیوم در ایتالیا کشف شد. خبرگزاری ایتالیایی آنسا که از این موضوع پرده برداشت، اعلام کرد: یک کامیون ایرانی متعلق به یک شرکت تجاری وابسته به رژیم ایران که در زمینه تهیه وسایل تأسیسات اتمی فعالیت می‌کرد در یکی از ایستگاههای مرزی ایتالیا با سوئیس به نام کاشیناگوبا توقیف شد. محموله این کامیون برای سایت اتمی اصفهان تهیه شده بود. حکم توقیف این کامیون و محموله آن را دادستانی شهر کومو در شمال ایتالیا صادر شد.

محموله مذکور شامل: دوهزار و 240 کیلوگرم لوله بود که با آلیاژی از کروم و نیکل ساخته شده و می‌توانند حرارت‌های بسیار بالا را تحمل کند. این لوله‌ها رسماً راهی سوئیس بودند و قرار بود پس از آن، با وساطت شرکت دیگری به نام (گرین پاور) به ایران و مشخصاً به اصفهان فرستاده شوند. این لوله‌ها در دستگاههایی که اورانیوم خام را به گاز هگزافلوراید تبدیل می‌سازند مورد استفاده قرار می‌گیرند. یک شرکت صنعتی ایتالیایی به نام جی.اف.ام نیز در این رابطه متهم به صادرات بدون مجوز شده است.

اخراج یک دیپلمات رژیم آخوندی از سوئد به جرم تلاش برای دستیابی به مواد مورد استفاده در ساخت سلاحهای کشتار جمعی در دستور کار دولت سوئد قرار گرفت. این دیپلمات ایرانی که رئیس بخش اقتصادی سفارت رژیم ایران در استکهلم بود از سوی مقامات سوئدی 7 روز فرصت یافت که سوئد را ترک کند. (30 مهر 81)

خبرگزاری فرانسه گزارش داد پلیس توکیو و مقامهای گمرکی به دفاتر یک کمپانی ژاپنی که متهم به صدور تکنولوژی است و ایران را قادر به ساخت سوخت جامد برای موشک می‌سازد یورش بردند. بنا به گزارش خبرگزاری کیودو 11 دفتر تجهیزات اندازه‌گیری و آسیاب مواد، مظنون به نقض قوانین تجارت خارجی ژاپن و فروش دو دستگاه آسیاب بت میل که حدود 160 تا 800 میلیون دلار قیمت دارد به کمپانی کالاهای نظامی در ایران هستند.

رابین کوک، وزیر خارجه انگلستان، اعلام کرد که سرویسهای اطلاعاتی این کشور، برنامه هسته‌ای رژیم ایران را ردیابی کرده‌اند و توانستند از تلاش این رژیم برای دستیابی به تکنولوژی انگلستان جلوگیری کنند.

دولت آلمان رژیم ایران را یکی از بزرگترین خریداران تکنولوژی سلاحهای کشتار جمعی می‌داند و به همین خاطر به شرکتهای آلمانی اخطار داده که در ارسال تکنولوژی پیشرفته

[نظامی] به دویی محتاط باشند، زیرا رژیم ایران در منطقه تجارت آزاد دویی در پوش شرکتهای عادی به خرید تکنولوژی سلاحهای کشتار جمعی و پیشبرد برنامههای تسلیحاتی و اتمی خود مبادرت می‌ورزد

مطبوعات آلمان نیز فاش ساختند که رژیم ایران معاملات خود را برای قاچاق تجهیزات هسته‌ای جهت استفاده در راکتور اتمی بوشهر از طریق کشورهای لهستان و آلمان افزایش داده است. به گفته مقامهای آلمانی، در سال جاری دامنه فعالیت شرکتهای مظنون که کالا به ایران صادر می‌کنند به نحو چشمگیری افزایش یافته است. کریستف لانگه دادستان امور اقتصادی در شهر پوتسدام آلمان گفت: حدود 50 شرکت و مؤسسه تولیدی در آلمان در کانون توجه دادستانی قرار دارند.

یکی از این شرکتها مؤسسه‌ای به نام (فرو) در برلین است که بازرسان از طریق کامپیوتر این شرکت به قاچاق تجهیزاتی توسط آن پی بردند. بازرسان گمرک آلمان سه سال پیش به یک ورقه صدور کالا پی بردند که یک دفتر مهندسی در شهر ماگدبورگ آلمان چند سال پیش قطعاتی از یک جرثقیل ویژه را به روسیه فرستاده بود از قرار معلوم این جرثقیل در نیروگاه آب سبک تأسیسات اتمی بوشهر به‌کار گرفته شده است.

اصغر صدیق زاده

دکتر اصغر صدیق زاده ، رئیس پروژه زیر کونیوم پس از منصور حبشی زاده بود. کارخانه ای که غلاف زیرکونیوم را برای میله ها و کنترل راکتورهای اراک و بوشهر تولید می کند.

آدرس و شماره تلفن این شرکت در تهران : شهرک قدس ، فاز 4 ، خیابان زرافشان ، شماره 73 و تلفن آن : 8084893 است .

آدرس و شماره تلفن این شرکت در اصفهان : 15 کیلومتری جنوب شرقی اصفهان و تلفن آن : 2582863-0312 و 2211533-0311 میباشد.

اصغر صدیق زاده از مقام خود سوء استفاده کرده و تمامی افراد خانواده خود را بدون هیچگونه تخصص در سمت های عالی جا داده است. اکثر گزارش های او به رئیس سازمان انرژی اتمی جعلی و نادرست است. او در سال 2004 میلادی طرحی در مورد ایمنی پروژه آب سنگین اراک ارائه داد که موجب خشنودی روسا و تصدی پست پروژه زیرکونیوم شد. در سازمان انرژی اتمی او مسئول انتخاب سایت ها برای پروژه راکتورها و زمانی معاون محمد قنادی ، معاونت تولید سوخت هسته ای بود.

جدید ترین افشاگری راجع به برنامه اتمی رژیم آخوندی

اکنون شواهد مستندی وجود دارد که نشان می‌دهد سایت‌های موشکی شاهرود و سمنان با سپید ارگان سازنده سلاح اتمی رژیم، هماهنگی کامل دارند. بر اساس یک یادداشت محرمانه داخلی، رژیم در تلاش است از طریق مذاکره با کشورهای اروپایی با هدف حفظ وضعیت موجود، برای تکمیل برنامه تسلیحاتی خود، زمان بخرد. در همین یادداشت، رژیم نسبت به فعال‌شدن احتمالی مکانیسم ماشه ابراز نگرانی کرده و قصد دارد تا شش ماه دیگر وضعیت فعلی را حفظ کند.

از آگست 2002 تا 2002 میلادی، زمانی که دفتر نمایندگی شورای ملی مقاومت در واشنگتن (سازمان مجاهدین خلق)، دو سایت اتمی مخفی رژیم در نطنز و اراک را افشا کرد، شاهد الگوی ثابت فریبکاری در مذاکرات رژیم با غرب بوده‌ایم. به‌مدت بیش از دو دهه، رژیم از مذاکرات و نرمش غرب صرفاً به‌عنوان ابزاری برای تکمیل برنامه‌های اتمی خود استفاده کرده است.



آخوند حسن روحانی

آخوند حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق و مسئول مذاکرات رژیم بین سال‌های 2003 تا 2005، متعاقباً اعتراف کرد که زمانی که با اروپایی‌ها در تهران مذاکره می‌کردند، همزمان برخی از تجهیزات را در سایت هسته ای اصفهان نصب می‌کردند. روحانی گفت، برای تکمیل سایت و تکمیل کار در آنجا کارهای زیادی باید انجام شود. در واقع با ایجاد یک موقعیت آرام می‌توانیم سایت هسته ای اصفهان را به پایان برسانیم. این موضوع در روزنامه دیلی تلگراف در مقاله ای در تاریخ 5 مارچ 2006 میلادی با عنوان چگونه غرب را توسط مذاکره کننده هسته ای ایران فریب دادیم تصریح شده است.



علی اکبر صالحی رئیس سابق سازمان انرژی اتمی

نمونه دیگر این است که پس از امضای برجام در سال 2015 میلادی، علی اکبر صالحی، رئیس سابق سازمان انرژی اتمی رژیم، گفت که رژیم در مورد تأسیسات آب سنگین اراک، آژانس را فریب داده است. در 22 ژانویه 2019 طی مصاحبه ای با تلویزیون حکومتی، وی به عنوان نمونه ای از فریب غرب گفت: لوله‌هایی به قطر دو تا سه سانتی متر و طول سه تا چهار متر وجود داشت. آژانس به ما گفت این لوله‌ها را با سیمان پر کنید. ما به همان تعداد لوله مشابه خریداری کرده بودیم و هرگز نگفتیم که لوله‌های دیگری داریم که آن‌را پر نمی‌کنند، زیرا اگر به 1+5 بگوییم، آنها می‌گویند آنها را نیز با سیمان بریزید و اکنون ما این لوله‌ها را داریم !!

او در همان مصاحبه گفت که به جز خامنه‌ای، ولی فقیه رژیم، هیچ‌کس دیگری از کار ما مطلع نبود. الگوی فریب رژیم ایران یک تهدید مداوم است. از سال 2025 میلادی، رژیم ایران اورانیوم را به سطوح بی‌سابقه غنی‌سازی کرده و زیرساخت‌های اتمی و قابلیت‌های تسلیحاتی خود را گسترش داده است. امروز، برنامه‌های مخفی رژیم برای ساخت کلاهک

اتمی بر ملاء شده و ماه گذشته اطلاعاتی را درباره برنامه‌های مخفی رژیم برای ساخت چاشنی‌های اتمی فاش شده است.

رژیم آخوندی در خلال مذاکرات برجام و پس از آن، اساساً سعی کرده بود تمام جنبه‌های دیگر پروژه‌های ساخت بمب اتمی خود را به جز بخش غنی‌سازی پنهان کند.

رژیم هیچ‌یک از بخش‌های برنامه تسلیحات اتمی خود را به‌طور داوطلبانه به آژانس اطلاع‌رسانی نکرده است

رژیم ایران هرگز به اندازه امروز ضعیف و مستأصل نبوده است. به همین دلیل، بیش از هر زمان دیگری به بمب اتمی نیاز دارد تا تعادل‌قوا در منطقه و فراتر از آن را تغییر دهد این خطری است که باید دولتمردان غرب به آن توجه نشان دهند.

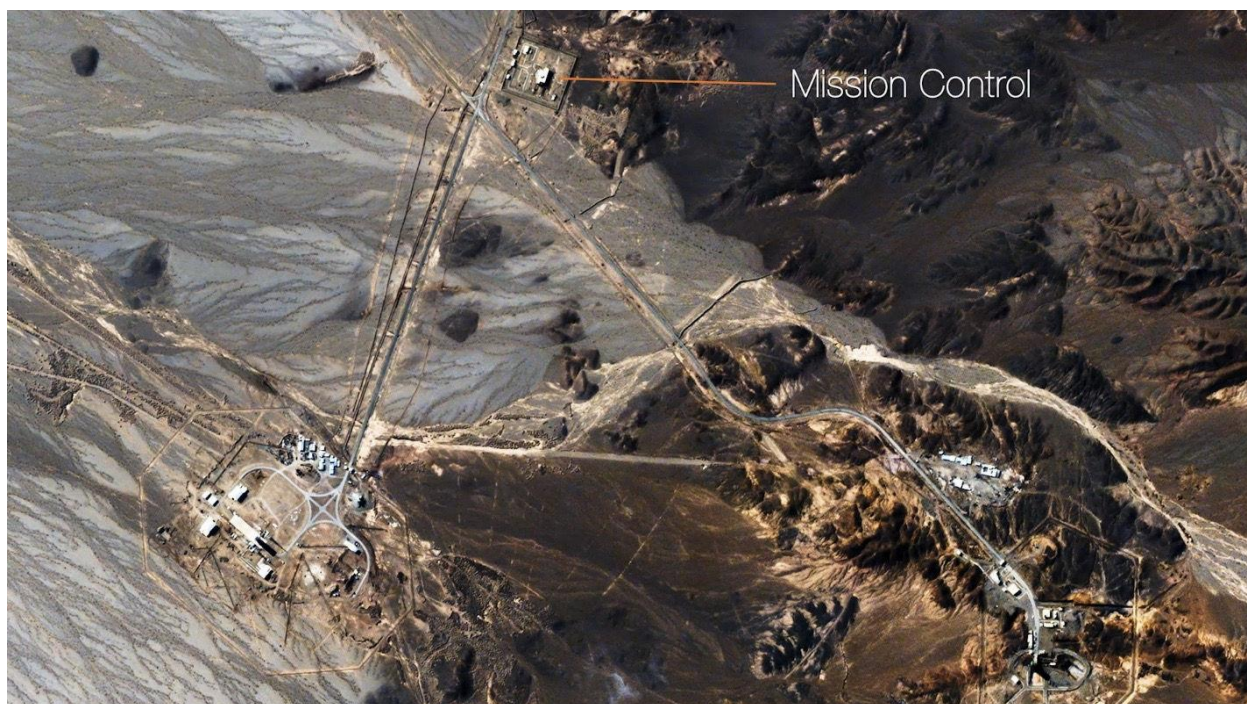
این رژیم که به طور گسترده توسط مردم ایران طرد شده و با سقوط دیکتاتوری اسد در سوریه، عمق استراتژیک آن در هم شکسته است، سرکوب داخلی را از طریق افزایش اعدامها تشدید کرده و برنامه توسعه تسلیحات اتمی خود را سرعت بخشیده است. آیا با عقب نشینی سید علی خامنه ای و قبول تمام شرط های پرزیدنت ترامپ مبنی بر جمع کردن دکان اتمی ، دنیا چشم خود را بر تمام مسائل نقض حقوق بشر می بندد؟ آیا زمان آن رسیده است که رژیم را به‌خاطر رفتار یاغی‌گرایانه خود مورد حسابرسی قرار بدهیم، هم به‌خاطر اعدام بیش از 1000 تن در سال 2024 میلادی و هم به‌خاطر تداوم جنگ‌افروزی در منطقه یا توسعه سلاحهای اتمی.

تا زمانی که این رژیم در قدرت است، حتی اگر امتیازات تاکتیکی بدهد، هرگز برنامه اتمی خود را رها نمی‌کند. ماندگاری جمهوری اسلامی خطری است جهانی و تنها محدود به ایران و خاورمیانه نمی شود. از این رو مکانیسم ماشه باید فعال شود تا شش قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل علیه رژیم آخوندی بازگردانده شود. لغو تحریم‌ها تنها رژیم ایران را جری‌تر کرده و منابعی را برای تسریع برنامه تسلیحات اتمی در اختیار آن قرار داده است. همچنین کلیه سایت‌های مرتبط با اتمی رژیم، از جمله کلیه قابلیت‌های غنی‌سازی اورانیوم، باید تعطیل شوند. بایستی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دسترسی نامحدود به تمام تأسیسات اتمی رژیم ایران، اعم از اعلام شده و اعلام نشده، داده شود. هر چیزی کمتر از این، بازرسی را بی‌معنی می‌کند.

رژیم باید برای هر گونه تخلف بیشتر با عواقب شدیدی مواجه شود. اقدامات دیپلماتیک بدون حسابرسی، فقط به فریبکاریهای رژیم دامن زده است.

بنا بر گزارشهای کمیسیون تحقیقات دفاعی و استراتژیک، طبق اطلاعاتی که در داخل ایران به دست آمده، رژیم آخوندی بر روی ساخت مخفیانه کلاهک اتمی روی موشکهای سوخت جامد با برد بیش از 3 هزار کیلومتر در سایت موشکی شاهرود متمرکز شده است. پروژه ساخت این کلاهکهای اتمی از مدتها قبل تحت پوش پروژه فضایی و ارسال ماهواره ارتباطی صورت میگیرد.

دو محل که تاکنون به سایتهای موشکی یا محل پرتاب ماهوارههای فضایی شناخته می شده اند، در ارتباط تنگاتنگ با ارگان بمب سازی اتمی رژیم، سازمان پژوهش های نوین دفاعی (سپند) قرار دارند.



سایت موشکی شاهرود

سپند که نخستین بار در سال 1390 خورشیدی افشا شد، روی تولید کلاهک اتمی برای موشکهای قائم 100 با سوخت جامد که دارای سکوی پرتاب متحرک هستند در سایت شاهرود (400 کیلومتری شمال شرق تهران) متمرکز است و به این منظور تشکیلات بزرگی را در آنجا مستقر کرده است. علاوه بر سایت شاهرود، سایت موشکی حومه سمنان (220 کیلومتری شرق تهران) برای ساخت کلاهکهای اتمی روی موشکهای سوخت مایع مورد استفاده سپند قرار میگیرد.



سایت موشکی سمنان

بنا بر این گزارشها که از منابع متعدد جمع‌آوری و تدقیق شده‌اند، در ماههای اخیر سپند کار روی ساخت کلاهک اتمی را در شاهرود و سمنان شتاب بخشیده است

در بارهٔ فعالیت سازمان سپند برای ساخت کلاهک اتمی در سایت موشکی شاهرود، اعلام شده : تمرکز تحقیقات و آزمایش‌ها برای ساخت کلاهک اتمی مشخصاً در سایت شاهرود است که در 35 کیلومتری جنوب شرقی شهر شاهرود در حاشیه کویر قرار دارد. تیم متخصصان سازمان سپند در این سایت روی کلاهک اتمی برای موشک قائم 100 با سوخت جامد با برد بیش از 3 هزار کیلومتر و سکوی پرتاب متحرک کار می‌کند. سازمان سپند در سایت موشکی شاهرود تشکیلات بزرگی را مستقر کرده و متخصصان گروه‌های مختلف سپند در این سایت در بخش‌های پروژه کلاهک اتمی فعال هستند

سایت موشکی شاهرود که در منطقه موسوم به قرارگاه امام رضا در جنوب شرقی شهر شاهرود واقع در جاده رویان- دیزج به سمت جنوب شرقی واقع شده است. ورود ماشینهای پرسنل به داخل سایت موشکی ممنوع بوده و در نقطه بازرسی ورودی به سایت ماشینهای شخصی پرسنل پارک شده و پرسنل با ماشینهای نیروی هوافضای سپاه در داخل سایت جابه‌جا می‌شوند.

بررسی کامل قائم ۱۰۰

قائم 100 + توانایی حمل کلاهک هسته ای

رسانه
سیاست نیوز



موشک قائم که با سکوی متحرک است و به همین دلیل به آن قابلیت نظامی بالاتری می‌دهد، با الگو برداری از موشکهای نظامی کره شمالی، توسط نیروی هوا فضای سپاه تولید شده است

تولید موشک قائم از ابتدا با هدف استفاده برای کلاهک اتمی در دستور کار قرار گرفت و پاسدار سرتیپ حسن تهرانی مقدم که به عنوان پدر موشکی سپاه شناخته می‌شود شخصاً این پروژه را دنبال می‌کرد.





پاسدار تهرانی مقدم با سید علی خامنه ای الهام حیدری همسر پاسدار تهرانی مقدم

پاسدار تهرانی مقدم در آبان 1390 در حال تست مرحله اول این موشک همراه دهها تن از متخصصان موشکی سپاه در سایت مدرس تهران کشته شدند.



اکثریت پرسنل سایت موشکی شاهرود که متخصصان نیروی هوا فضای سپاه و سازمان سپند هستند از تهران و سایر شهرها با ماشین شخصی به این سایت می آیند، پرسنل امور خدماتی و پشتیبانی سایت را پاسداران بومی از اهالی شاهرود و شهر رویان و روستای

دیزج واقع در جنوب شرقی شاهرود تشکیل می‌دهند که با اتوبوس و مینی‌بوس به سایت تردد می‌کنند.

مطابق برنامه‌های اعلام‌شده رژیم طی چند ماه آینده سپاه اقدام به آزمایش موشک قائم 105 با قدرت بیشتری از موشک قائم 100 خواهد کرد.

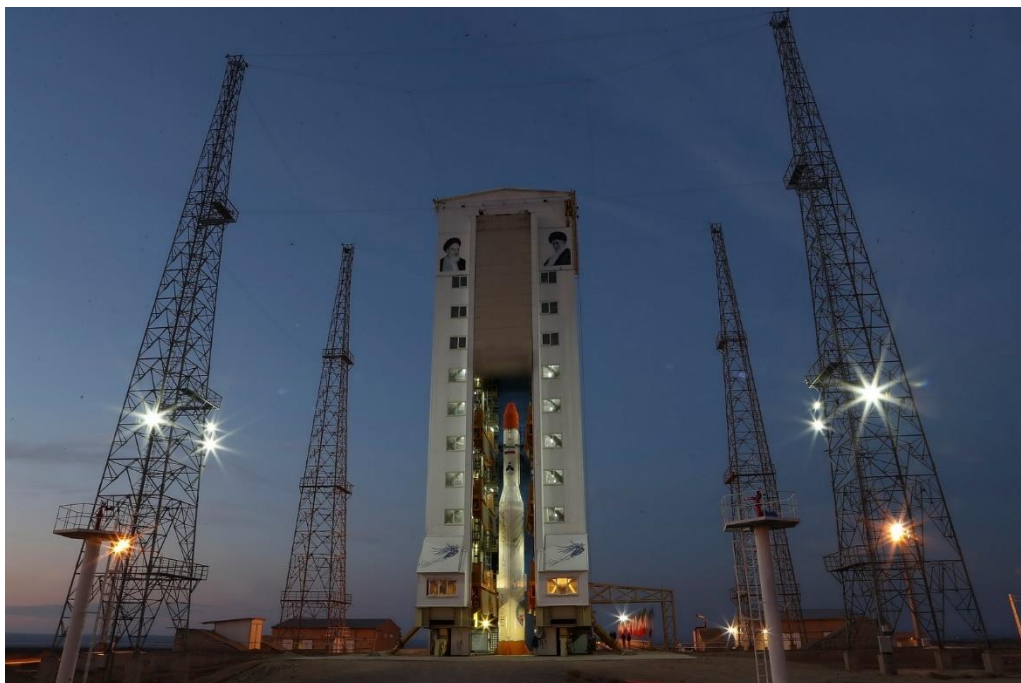


موشک قائم 105

آزمایش‌های پرتاب موشکهای بالستیک قائم 100 و سیمرغ تحت پوش فرستادن ماهواره صورت گرفته‌اند.

پیرامون فعالیت سازمان سپند برای ساخت کلاهک اتمی در سایت موشکی سمنان باید افزود: علاوه بر شاهرود، سازمان سپند فعالیت‌های خود را در سایت موشکی سمنان (واقع در 70 کیلومتری جنوب شرقی شهر سمنان) تشدید کرده است و متخصصان گروه‌های مختلف سازمان سپند به این محل تردد داشته و آزمایش‌ها و تست‌های عملی خودشان را در این سایت انجام می‌دهند

آزمایش‌ها و تحقیقات در این سایت روی موشک سیمرغ با سوخت مایع با برد بیش از 3 هزار کیلومتر متمرکز است. این موشک هم با الگو برداری از موشکهای نظامی کره شمالی ساخته شده است.



موشک سیمرغ

یکی از مهمترین تأسیسات گسترده این مجموعه، در قسمت شمال شرقی سایت قرار داشته و بخش عمده تأسیسات آن در زیر زمین پوشانده شده است. به‌طور مشخص متخصصان سازمان سپند از این مجموعه که تأسیسات گسترده ای داشته و در ابعاد 750 متر در 500 متر است، برای پیشبرد طرح‌هایشان استفاده می‌کنند. این مجموعه تأسیسات زیر سطحی، توسط مؤسسه شمس عمران -یک مؤسسه مهندسی مربوط به وزارت دفاع- ساخته شده است.



طبق اطلاعاتی که افشا شده طرح رژیم آخوندی این بود که پنج کلاهک اتمی با قدرت 10 کیلو تن تی.ان.تی آماده کند. بعد از شکست این طرح که طرح آماد نام داشت (پروژه مخفیانه جمهوری اسلامی برای ساختن بمب اتمی) ، وزارت دفاع رژیم اقدام به گسترش سایت موشکی سمنان برای پیشبرد طرح‌های اتمی و موشکی خود کرد.

در آپریل 2018 میلادی بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل مدارکی را منتشر کرد که نشان از پروژه آماد و ادامه کار آن پس از توافق برجام داشت. رژیم تلاش کرده گسترش سایت موشکی در سمنان را تحت پوش پایگاه موشکی فضایی موسوم به خمینی ببوشاند.

این سایت در حال حاضر از 8 مجتمع تشکیل شده است. در سال 2005 فقط دو مجتمع وجود داشت. اما به تدریج تا سال 2012 میلادی، شش مجتمع دیگر در آن اضافه شدند. عکس‌های ماهواره ای در بخشی از مجتمع واقع در شمال شرقی سایت، به‌خوبی نشان می‌دهند که ساخت این مجموعه از ابتدای سال 2005 شروع شده، در ماه مارچ 2009 کندن محل آن آغاز شده، در اکتبر 2009 میلادی بتن‌ریزی آن انجام شده و در سال 2012 روی آن به‌طور کامل با ریختن خاک پوشانده شده است.

سالن پوشانده‌شده دارای ابعاد تقریبی 25 در 30 متر است. طبق گزارشهای مشخص، این سالن با سایر تأسیسات این مجموعه از طریق کانال‌های زیر زمینی در ارتباط قرار دارند طبق گزارشها، سازمان سپند از جمله گروه ژئوفیزیک آن‌که روی اندازه‌گیری انفجارها زیر زمینی مربوط به کلاهک اتمی کار می‌کند در سایت سمنان فعال شده است.

گروه ژئوفیزیک سازمان سپند موسوم به گروه چمران، که از سال 2017 میلادی به سایت سرخه حصار (واقع در شمال سایت خجیر در شرق تهران) منتقل شده است، به فعالیت مجموعه پروژه‌های این گروه از جمله تحقیقات برای آزمایش‌های محاسبات مربوط به قدرت انفجار اتمی و انفجار زیر زمینی ادامه می‌دهد.

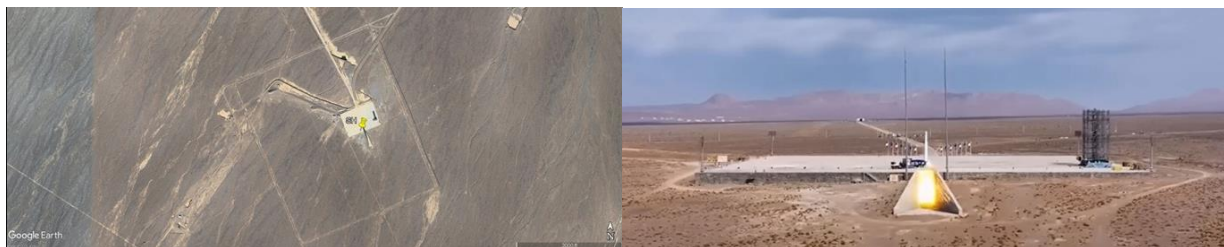
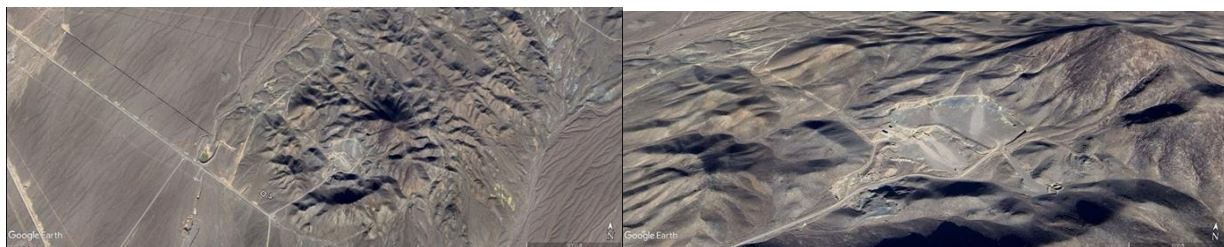
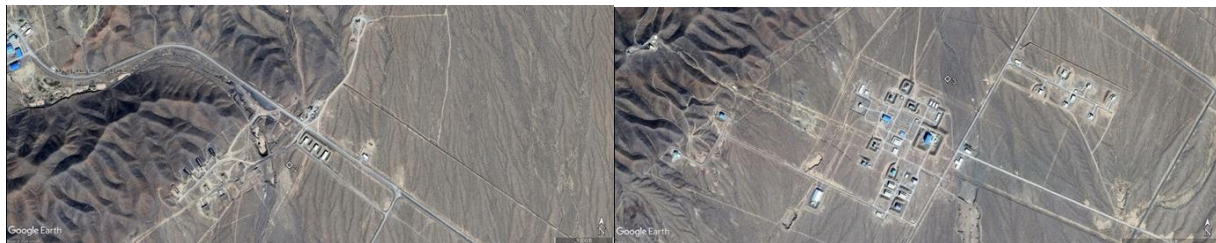
مطابق گزارشهای اخیر گروه ژئوفیزیک سازمان سپند به تحقیقات خود مربوط به آزمایش‌های زیر زمینی به‌طور مخفیانه در سایت سمنان ادامه داده است. آنها برای انجام آزمایش‌های عملی از مناطق بیابانی دشت کویر واقع در جنوب سایت موشکی سمنان استفاده می‌کنند.

برخی از متخصصان کلیدی این گروه محمد جواد ذاکر، حامد عابر، فرهاد مرادیانی خسروآباد هستند.

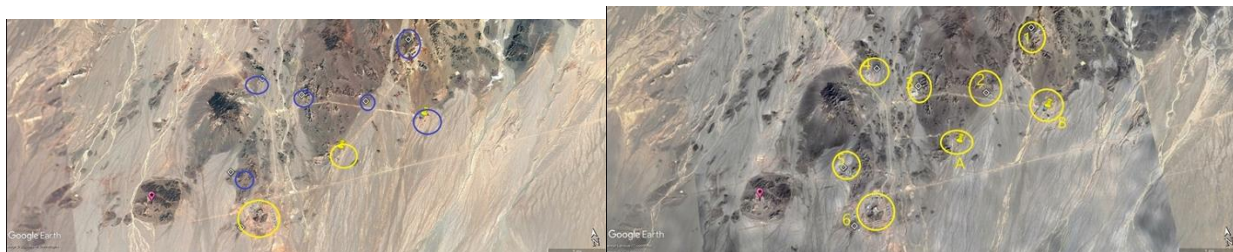
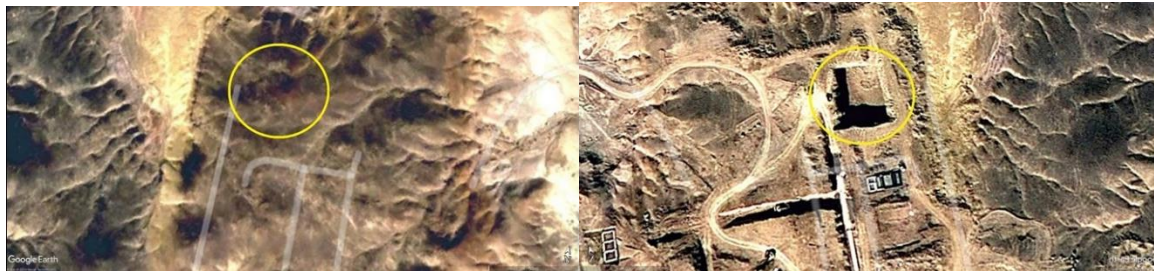
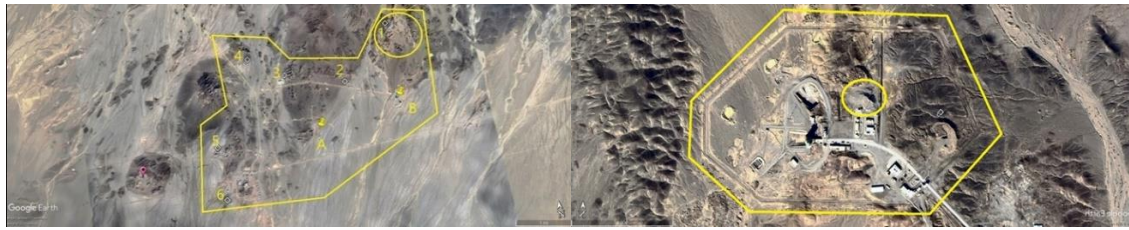
مجله دفاعی جینز در آخرین شماره خود به تاریخ چهارم مارچ 2025 میلادی از کشف یک سایت موشکی با ابعاد وسیع در سمنان خبر میدهد. این خبر بر اساس تصاویر ماهواره ای دیجیتالی گلوب ارائه داده شده است.

طبق گزارش مجله جینز، ابعاد و جزئیات این سایت جدید از یکسو نشان دهنده همکاری کره شمالی در ساختن تسهیلات موشکی ایران هستند، و از سوی دیگر خبر از آماده گشتن جمهوری اسلامی برای پرتاب موشکهای دوربرد میدهد. این تصاویر که در ششم فوریه (حدود یک ماه پیش) گرفته شده اند سکوی پرتاب در حال تکمیلی را نشان میدهند با حدود سیزده متر عرض و بین 18 تا 20 متر ارتفاع، و به تخمین متخصصان نشریه جینز، پس از تکمیل شدن میتواند برای پرتاب موشک بیست و هفت متری سیمرغ و یا موشکهای با سایز مشابه به کار گرفته شود. از سوی دیگر روزنامه اورشلیم پست نیز طی خبری با اشاره به این کشف جدید گزارش میدهد که مقامات اسرائیلی اظهار نگرانی کرده اند که تحولات اخیر در ایران نشانگر برداشتن گامهای هرچه سریعتر ایران به سوی توان تولید و پرتاب موشکهای دوربرد با توان حمل کلاهکهای اتمی میباشد. در زیر تصاویر ماهواره ای در سایت شاهرود، سمنان و سرخه حصار را مشاهده می کنید.

فعالیت‌های سیند در سایت شاهرود



فعالیت‌های سپند در سایت سمنان



فعالیت سپند در سایت سرخه حصار



فعالیت های بی وقفه اتمی و موشکی جمهوری اسلامی باعث شده تا کشور های خاورمیانه نیز در یک رقابت ویرانگر قدم بر دارند. همین مجله دفاعی جینز در گزارش دیگری با چاپ تصاویر ماهواره ای نشان میدهد که عربستان سعودی هم به دنبال تاسیسات موشکی و پهبادی است.

سال گذشته، محمد بن سلمان ولیعهد عربستان هشدار داده که اگر ایران به دنبال دستیابی به سلاح هسته ای باشد، عربستان در توسعه برنامه سلاح های هسته ای خود تردید نخواهد کرد.

بنا به اظهار مقامات عربستان سعودی : برخی موشک های بالستیک جمهوری اسلامی قابلیت حمل کلاهک هسته ای دارند و می توانند تا هزاران کیلومتر دورتر را هدف قرار دهند.

استراتفور، شرکت اطلاعاتی و امنیتی خصوصی آمریکایی برآورد کرده است که اگر عربستان موشک هایش را آزمایش کند، آمریکا در تلاش هایش علیه برنامه موشکی ایران به مشکل خواهد خورد.

واشنگتن پست که پیشتر گزارش مشابهی در همین خصوص منتشر کرده بود نیز احتمال داده که بر پایه تصاویر ماهواره ای، عربستان سعودی مشغول ساخت نخستین کارخانه موشک بالستیک خود است. هر چند در آن گزارش برخی کارشناسان نظامی گفته بودند که این کارخانه هنوز به مرحله راه اندازی نرسیده و تحرکاتی در آن دیده نمی شود.

در سال 2013 میلادی نیز "جینز دیفنس"، مجله تخصصی نظامی-دفاعی از این پایگاه به عنوان محل نگهداری موشک‌هایی نام برده بود که چین به عربستان فروخته بود. در آن زمان، ملک سلمان وزیر دفاع عربستان سعودی بود.

در سال‌های گذشته، چین از جمله کشورهای بود که به عربستان تسلیحات سنگین نظامی به ویژه موشک و پهپاد می‌فروخت؛ تجهیزاتی که ایالات متحده به سبب برخی پیمان‌های بین‌المللی قادر نبود به ریاض بفروشد.

اکنون بر مبنای عکس‌های ماهواره‌ای، گمان می‌رود در این سایت، بخشی برای تولید موشک، بخشی برای دفع پسماند و بخشی برای تست موتور موشک‌ها در نظر گرفته شده باشد.

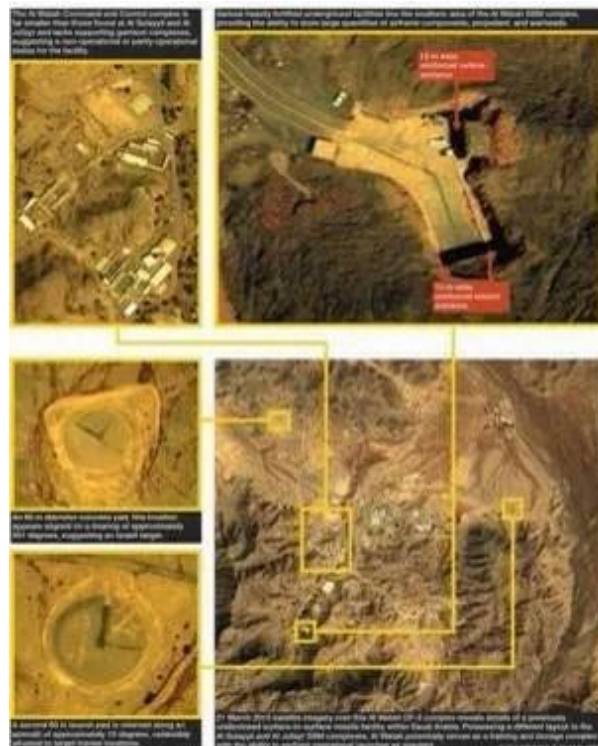
سابقه پروژه‌های موشکی و هسته‌ای عربستان سعودی

پنج سال پیش منابع مختلفی به بی‌بی‌سی گفته بودند که عربستان سعودی در پروژه‌های اتمی پاکستان سرمایه‌گذاری کرده و معتقد است که می‌تواند در صورت تمایل به بمب اتمی دست پیدا کند.

پیش از آن نیز، ملک عبدالله، پادشاه پیشین عربستان، در سال 2009 میلادی به دنیس راس، فرستاده ویژه آمریکا به خاورمیانه، هشدار داد که اگر ایران از مرز معینی عبور کند، ما سراغ سلاح‌های اتمی خواهیم رفت.

سابقه پروژه‌های عربستان سعودی، از جمله برنامه تهیه موشک‌های دوربرد قادر به حمل کلاهک‌های هسته‌ای - به چند دهه پیش بازمی‌گردد. در اواخر دهه 1980 میلادی، عربستان مخفیانه ده ها موشک بالستیک سی اس اس 2 از چین خریداری کرد.

بسیاری از کارشناسان اعتقاد داشتند که دقت این موشک‌ها برای استفاده در سلاح‌های متعارفی ناکافیست. این موشک‌ها 25 سال پیش در ارتش عربستان بکار گرفته شد.



موسسه انتشاراتی جینز وجود سومین پایگاه مخفی موشک‌های بالیستیک میان‌برد عربستان در حدود 200 کیلومتری جنوب غربی ریاض را فاش کرد
موسسه انتشاراتی جینز، که در زمینه امور دفاعی تخصص دارد، گزارش داد که عربستان

پایگاه جدیدی را با موشک‌های سی ای اس 2 و سکویهای پرتاب مجهز کرده و این موشک‌ها را به‌سمت اسرائیل و ایران مستقر کرده است. علاوه بر این، سال‌هاست که روشن شده عربستان سعودی کمک‌های مالی سخاوتمندانه‌ای در اختیار صنایع دفاعی پاکستان قرار داده، و به گفته کارشناسان غربی، از جمله به آزمایشگاه‌های ساخت تجهیزات موشکی و هسته‌ای این کشور کمک کرده است.

عربستان از جمله کشورهایی است که پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی را امضا کرده و بارها خواهان ایجاد خاورمیانه‌ای عاری از سلاح‌های اتمی شده بود.

عربستان، بزرگترین واردکننده اسلحه در جهان در سال 2017 میلادی بود. اکنون به نظر می‌رسد این کشور، در دوره ملک سلمان و در رقابت با ایران تمرکز بیشتری بر بخش‌های نظامی و تسلیحاتی خود گذاشته است و تلاش می‌کند با سرمایه‌گذاری‌های داخلی تنها خریدار تسلیحات خارجی نباشد.

چندی پیش نیز تصاویر از مقامات ارشد عربستان منتشر شد که در حال بازدید از یک تأسیسات داخلی تولید پهپاد بودند.

زندگی در اصفهان خطرناک است

مرکز پژوهش فناوری هسته ای در اصفهان ، بزرگترین مرکز هسته ای در جمهوری اسلامی است. در این تشکیلات سه هزار تن مشغول کارند. بخش های این مرکز به قرار زیر است :

راکتور چشمه نوترون کوچک 30 کیلو واتی .

راکتور آب سنگین 100 واتی

تاسیسات اتمی برای غنی سازی اورانیوم

کارخانه تولید سوخت اف ام پی

آزمایشگاه شیمی اورانیوم

مرکز تولید زیرکونیوم زد پی پی

خطر عمده ای که اهالی اصفهان را تهدید می کند از جانب اورانیوم و گاز یو اف 6 به همراه ناکارآمدی مسئولین است. بنا به اطلاعات کسب شده بالغ بر 250 تن گاز یو اف 6 در تونل های حفر شده در زیر اصفهان انبار شده است. به دلیل تحریم های اقتصادی غرب ، ملایان مجبور شده اند که به سمت تکنولوژی فاجعه بار روسی بروند. باید اظهار داشت که سطح ایمنی در این تاسیسات بسیار پائین است . در بخش های پیشین به برخی از ناکالآمدی که منجر به انفجار و آتش سوزی شده است اشاره کردم که در جریان آنها ده ها دانشمند کشته شده اند. بخاطر خواص مواد بسیار خورنده این تاسیسات ، صدمه های بسیاری به لوله ها ، مخازن و هم چنین ابزار های مورد استفاده وارد آمده که مکررا باعث نشت گاز یو اف 6 و هم چنین گاز اچ اف شده است.

احتمال بروز سانحه در تاسیسات اتمی همواره وجود دارد .

در بیست و شش ماه آوریل سال 1986 میلادی در پی انفجاری مهیب در راکتور چهارم نیروگاه اتمی چرنوبیل در اوکراین به دلیل خطای انسانی، مواد رادیواکتیو فراوانی آزاد شدند. حادثه ای که بدترین فاجعه غیرنظامی تاریخ جهان نام گرفت



انفجار در نیروگاه چرنوبیل به بسیاری خوش‌باوری‌ها درباره انرژی "پاک" اتمی پایان داد از سال 1945 میلادی تا کنون بیش از دو هزار انفجار اتمی صورت گرفته است. ایالات متحده آمریکا پس از پایان جنگ جهانی دوم 1039 بمب اتمی، شوروی سابق (روسیه) 718 بمب، فرانسه 198 بمب، بریتانیا و چین هر یک 45 بمب، هند و کره شمالی هر یک 3 بمب و پاکستان 2 بمب اتمی به انفجار رسانده‌اند.

ده‌ها هزار انسان تا کنون بطور مستقیم تحت آلودگی اشعه‌های رادیواکتیو آلوده قرار گرفته‌اند. در این کتاب، مرور کوتاهی دارم بر برخی از بزرگترین حوادث اتمی که انتظار وقوع آن می‌رفت.



هیروشیما: 1945 میلادی

در همان نخستین ماه‌های پس از انفجار بمب اتمی در هیروشیما حدود 140 هزار تا 350 هزار انسان جان خود را از دست دادند. در سال‌های پس از این فاجعه نیز میزان سرطان، بیماری‌های قلبی و کبد و همچنین تغییرات هورمونی و کروموزومی در هیروشیما افزایش یافت. امروزه نیز میزان ابتلا به سرطان خون در بین ساکنان هیروشیما بیشتر از ساکنان شهرهای دیگر ژاپن است.

منطقه ویسموت، شرق آلمان: 1946 - 1990 میلادی

منطقه ویسموت که در شرق آلمان قرار دارد، در سال‌های 1946 تا 1990 میلادی سومین معدن بزرگ اورانیوم و تامین‌کننده برنامه هسته‌ای شوروی سابق محسوب می‌شد طبق آمار اداره حفاظت از آلودگی به تشعشعات خطرناک، از هر 8 کارگر این معدن یکی بر اثر تشعشعات رادیواکتیو جان خود را از دست داده است. به این ترتیب شمار قربانیان بر 7 هزار تن بالغ می‌شده است. موارد ابتلا به سرطان ریه نیز در این منطقه بالاست



صحرای نوادا: 1950 - 1992 میلادی

آزمایش‌های اتمی که بین سال‌های 1950 تا 1992 میلادی در مرکوری (صحرای نوادا) انجام گرفت، آلودگی بسیاری از مناطق آمریکا به تشعشعات رادیواکتیو را به دنبال داشت در دندان‌های شماری از کودکان حتی استرانسیم رادیواکتیو کشف شد و موارد ابتلا به سرطان نیز افزایش یافت. در سال‌های 1963 تا 1992 میلادی آزمایش‌ها به شکل زیرزمینی صورت می‌گرفتند، اما بروز سوانح سبب می‌شد که غبارهای آلوده به تشعشعات رادیواکتیو به بیرون رخنه کنند.



مجتمع اتمی سلافیلد: 1957 تا ۱۹۵۷ میلادی

از سال 1952 میلادی به بعد بود که اولین راکتورهای مجتمع اتمی سلافیلد، پلوتونیوم مورد نیاز بریتانیا برای ساخت بمب اتمی را تامین کردند

از سال 1956 میلادی از این مجتمع هسته‌ای برای تولید برق استفاده شد. در سال 1957 میلادی یکی از راکتورهای مجتمع مزبور دچار آتش‌سوزی شد. سوانح بیشماری که بعدها روی داد نیز سبب آلودگی خاک و آب دریای منطقه به رادیواکتیو شد. میزان ابتلای کودکان کارگران این مجتمع به سرطان خون نیز بالاست.

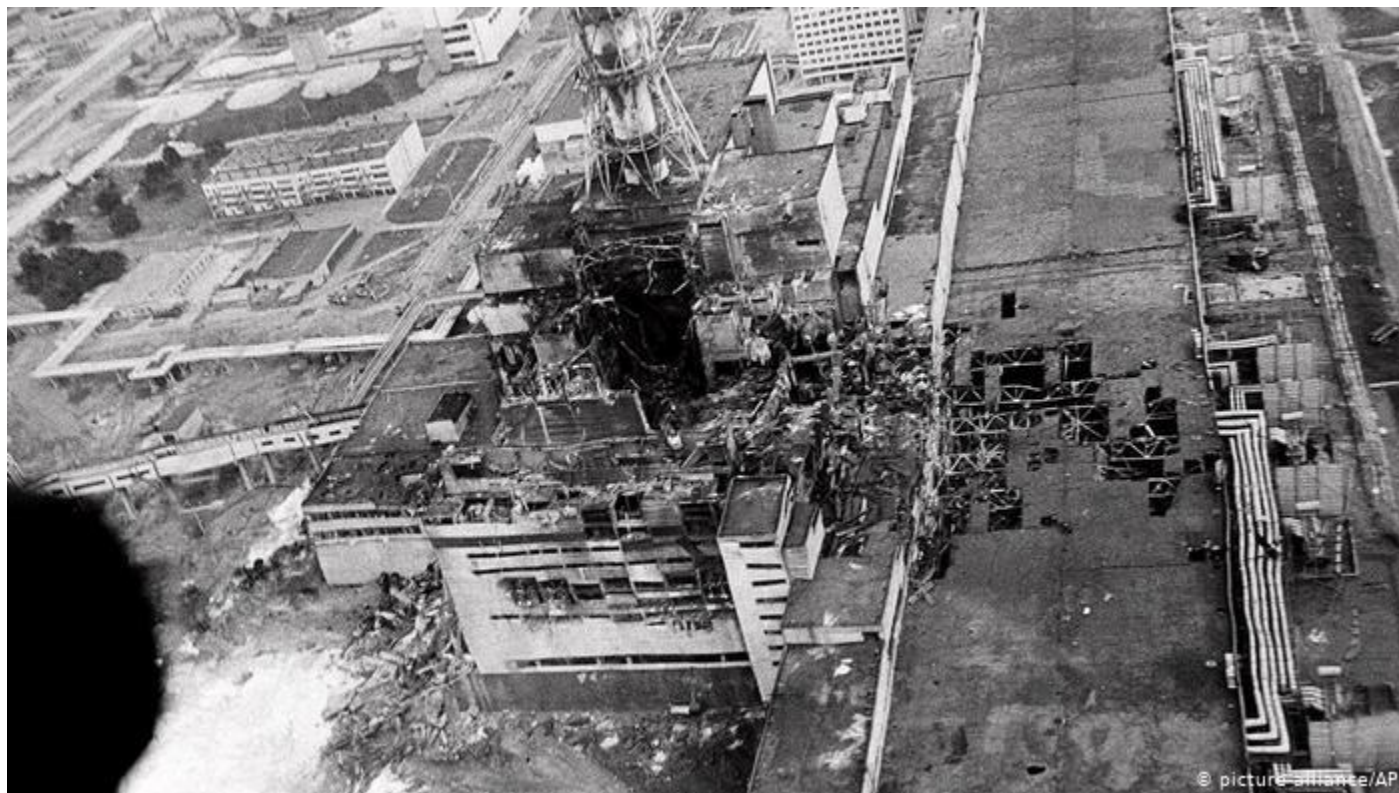


هاریس بزرگ: 1979 میلادی

ذوب شدن سوخت هسته ای در نیروگاه اتمی تری مایل آیلند پنسیلوانیای آمریکا در سال 1979 میلادی نخستین فاجعه بزرگ در راکتوری هسته ای پیش از فجایع چرنوبیل و فوکوشیما محسوب می شود. مقادیر زیادی از تشعشعات رادیواکتیو سبب آلودگی محیط زیست شد. تحقیقات از بالا بودن میزان سرطان در این منطقه سخن می گویند. آژانس بین المللی انرژی اتمی به این حادثه از نظر عمق فاجعه درجه 5 را داد که به معنی حادثه ای با عواقب گسترده است.

شروع این فاجعه با نقص فنی در سیستم پمپ آب خنک همراه بود که نهایتاً منجر به گرم شدن راکتور شماره دو این نیروگاه شد. تلاش ها برای کاهش فشار وارد آمده روی راکتور منجر به از بین رفتن خنک کننده های بیشتری شد و در عمل نتیجه معکوس داد. از کار افتادن خنک کننده های هسته راکتور منجر به افزایش دما و نهایتاً انفجار شیمیایی هیدروژن داخل در راکتور نیروگاه شد. به دنبال این حادثه 55 درصد میله های سوختی ذوب شد اما مواد ذوب شده نتوانستند به مخزن فولادی راکتور نفوذ کنند. مقامات اتمی آمریکا میزان تشعشعات رادیواکتیو ناشی از این حادثه را کم ارزیابی کردند. به دنبال این حادثه هیچ کس صدمه ای ندید اما اثر بزرگ این حادثه روی افکار عمومی

بود. به دنبال این رخداد، استانداردهای امنیتی و سختگیرانه تری نسبت به فعالیت های اتمی ایجاد شد و همچنین ایالت متحده آمریکا از ساخت رآکتورهای بیشتر منصرف شد.



چرنوبیل: 1986 میلادی

در بیست و شش ماه آوریل سال 1986 میلادی در پی انفجاری مهیب در رآکتور چهارم نیروگاه اتمی چرنوبیل در اوکراین به دلیل خطای انسانی، مواد رادیواکتیو فراوانی آزاد شدند. حادثه‌ای که بدترین فاجعه غیرنظامی تاریخ جهان نام گرفت. میخائیل گورباچف که در آن زمان رهبر نیرومند شوروی بود، روزها از گفتن حقیقت به افکار عمومی خودداری کرد. این پنهان‌کاری فضایی از عدم اطمینان به رهبران حزب کمونیست شوروی را به دنبال داشت.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به این حادثه از نظر عمق فاجعه بیشترین درجه یعنی درجه 7 را به معنی فاجعه بزرگ داد. این حادثه در نیروگاه اتمی شوروی سابق به دنبال یک خطای انسانی به وقوع پیوست. کارکنان این نیروگاه که در حال انجام دادن یک آزمایش فنی بودند، کلید سیستم‌های امنیتی رآکتور شماره چهار را خاموش کردند.

این اقدام منجر به افزایش ناگهانی واکنش های زنجیره ای که سد برابر بیشتر از انرژی قدرت معمولی رآکتور بود ، شد . در ساعت 1/23 بامداد انفجاری رخ داد که منجر به بین رفتن مخزن فولادی رآکتور و سرپوش بتنی آن و ایجاد آتش سوزی شد

این رآکتور دارای مخزن نگاه دارنده فرعی نبود و این بدان معناست که محتویات رآکتور وارد فضا شد. به دنبال این فاجعه در میانه ماه می آن سال ابرهائی از ید رادیو اکتیو دار ، سزیم و دیگر عنصرهای شیمیایی آسمان های اوکراین ، بلاروس ، روسیه و اروپای غربی را در برگرفت.

در عرض 10 روز ، 12 میلیارد میلیارد بکرل (واحد پرتوزایی) از مواد رادیو اکتیو منتشر شد . این رقم معادل 30 هزار برابر تمام تشعشعات نیروگاه های اتمی در سراسر جهان در طول یک سال است

کشته شدگان تایید شده این حادثه از میان 600 تنی بودند که در مراحل اولیه این فاجعه سعی کردند بر آن غلبه کنند .

برآوردها از عوارض طولانی مدت این فاجعه روی مردمی که در معرض مستقیم تشعشعات کمتر رادیو اکتیو قرار گرفتند و همچنین کسانی که به طور مستقیم از طریق مواد غذایی در معرض مواد پرتوزا بودند، به شدت مورد مناقشه است . آژانس های سازمان ملل متحد در سال 2005 گزارشی منتشر کردند که در آن آمده بود میزان نهایی کشته شدگان این حادثه به 4 هزار تن رسیده است. گروه های غیر دولتی نیز می گویند میزان نهایی کشته شدگان بالغ برپانزده هزار تن میباشد.



این دوقلوها بعد از فاجعه چرنوبیل به دنیا آمده اند. پدر آنها یکی از کارکنانی بود که پس از فاجعه در تلاش جلوگیری از گسترش تشعشعات بودند و مادر آنها نیز ساکن شهر آلوده چرنوبیل بود . ذوب شدن سوخت هسته ای و همچنین انفجار رآکتورها سبب شد که مقادیر

زیادی از تشعشعات رادیواکتیو به بیرون رخنه کند و مناطق زیادی را غیرقابل سکونت سازد.



پس از فاجعه نیروگاه اتمی چرنوبیل در شوروی سابق، مناطق وسیعی اطراف این نیروگاه که اکنون بخشی از اوکراین و بلاروس است، به دلیل تشعشعات رادیواکتیو خالی از سکنه‌اند. بیش از 350 هزار تن خانه و زندگی خود را ترک کردند. روستاهای اطراف مرز اوکراین به کل متروکه شدند.

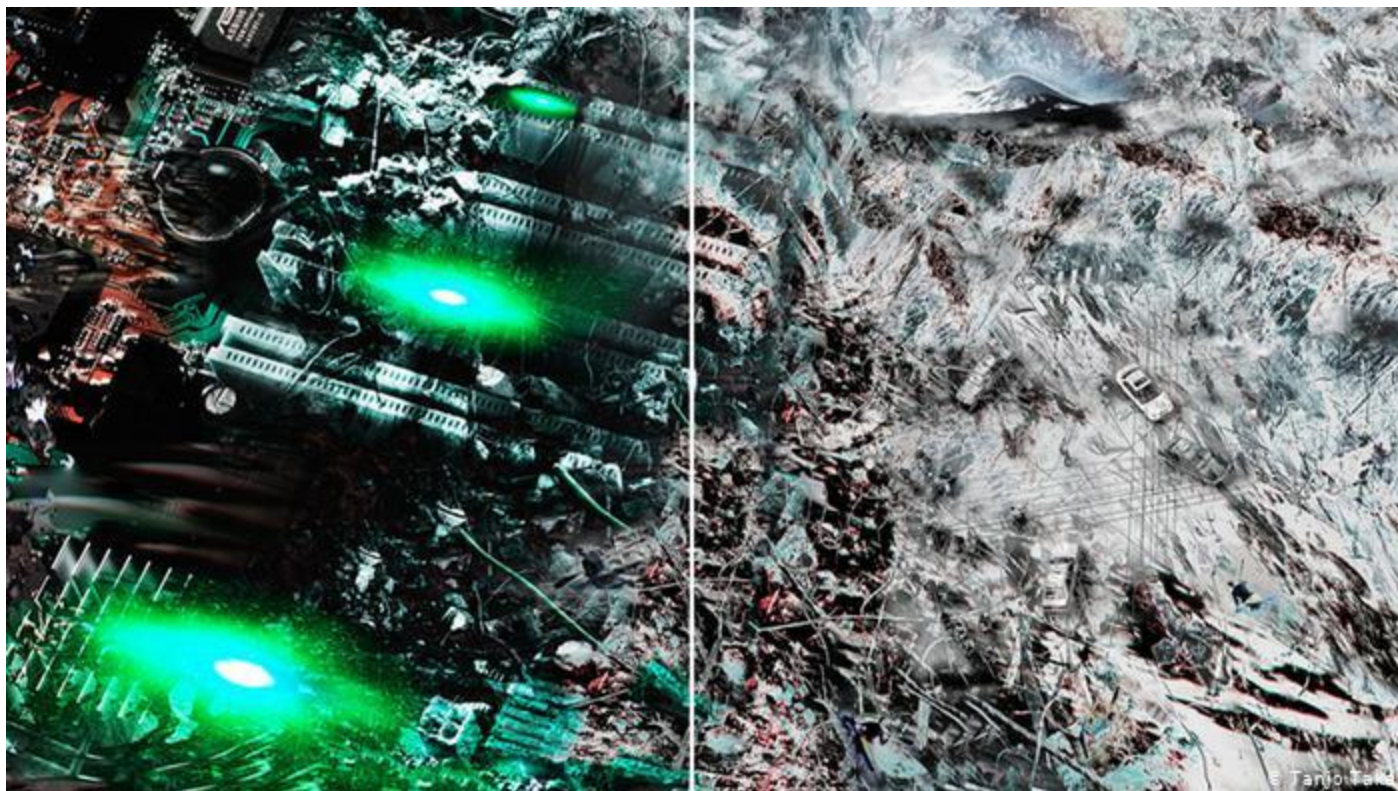


© imago/ITAR-TASS

سیبری: 1993 میلادی

مجتمع اتمی تی موسک 7 در سیبری تا سال 1992 میلادی مخفی نگاه داشته شده بود. این تاسیسات در سال 1993 میلادی دستخوش انفجار گردید. تشعشعات پلوتونیوم و سزیم رادیواکتیو سبب آلودگی مناطقی از سیبری شد. در مجتمع های اتمی تی موسک 7 و مایک سیبری تا کنون 38 سانحه بزرگ روی داده است که موجب شده سد ها کارگر با خانواده آنها به تشعشعات رادیو اکتیو آلوده شوند.

امروزه دستار بندان اشغالگر با سود جوئی از تکنیک های ورشکسته روسی با جان میلیونها ایرانی بازی می کنند.



فوکوشیما: 2011 میلادی

در سال 2011 میلادی زمین‌لرزه‌ای پر قدرت هزاران تن را به کام مرگ کشید و بسیاری نیز ناپدید شدند. اما مهم‌تر ویرانی نیروگاه اتمی فوکوشیما بود که دامنه پیامدهایش هنوز هم ناروشن است

ذوب شدن سوخت هسته‌ای در نیروگاه فوکوشیما شدیدترین آلودگی آب‌های اقیانوس‌های جهان به تشعشعات رادیواکتیو را به دنبال داشت. حدود 19 هزار تن در پی زمین‌لرزه و خیزش امواجی با ارتفاعی تا 20 متر، جان خود را از دست دادند.

خطر سومی که اهالی اصفهان را تهدید می‌کند، خطر حمله نظامی است. به دلیل اهمیت اصفهان در برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، خطر حمله نظامی آمریکا و اسرائیل وجود دارد. در نتیجه حمله، هگزا فلورید اورانیوم (گاز یو اف 6) در فضا آزاد خواهد شد. نخستین عارضه تنگی نفس و سوختگی‌های شدید پوستی است. صدمه به کلیه‌ها و ابتلاء به سرطان و نواقص کروموزومی و موتاسیون ژنی اجتناب ناپذیر است. دو میلیون، هموطن اصفهانی آیا از خطری که بالای سرت در پرواز است با خبری؟

آیا آخوند فریبکار و پنهان کار با قراردادی که با روسها دارد و تاسیسات خود را بر تکنولوژی قدیمی و ارزان بنا نهاده این تعهد را به تو میدهد که سانحه ای اتفاق نمی افتد ؟ آمریکا و اسرائیل حمله نظامی نمی کنند ؟ هموطن بیدار شو، مرگ در یک قدمی است.

گروه نیابتی جدید جمهوری اسلامی در سوریه پس از بشار اسد

هفتهنامه آمریکایی «نیوزویک» در گزارشی خبر داد که در بحبوحه تحولات در سوریه و رقابت‌های منطقه‌ای برای نفوذ در این کشور، گروه جدیدی با عنوان جبهه مقاومت اسلامی در سوریه- اولی البأس اعلام موجودیت کرده است

بنا به گزارش نیوزویک، این گروه هدف خود را مقابله با اشغالگری اسرائیل و آنچه که محور شرارت جهانی به رهبری آمریکا نامیده، عنوان کرده است

دفتر سیاسی جبهه مقاومت اسلامی در سوریه- اولی البأس اعلام کرده است که آمریکا را به دلیل حمایت رئیس‌جمهور این کشور از اسرائیل و ترکیه، بخشی از محور شرارت جهانی می‌داند.

اگرچه اطلاعاتی در مورد اولی البأس هنوز منتشر نشده است اما این گروه در نخستین بیانیه خود از آغاز یک کارزار مسلحانه علیه نیروهای اسرائیلی که در حال تصرف مناطق بیشتری در جنوب سوریه فراتر از بلندی‌های جولان هستند، خبر داده است

بسیاری از ناظران سیاسی، از جمله تحلیلگران اندیشکده واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک و مؤسسه آلما در اسرائیل، بر این نظرند که خاستگاه این گروه به تلاش‌های ایران برای حفظ نفوذش در سوریه بازمی‌گردد.

این گروه، بازگشت بشار اسد به قدرت را از نظر سیاسی واقع‌بینانه نمی‌داند و احمد الشرع سرکرده شورشیان سوریه نیز حمایت نمی‌کند، زیرا معتقد است مردم سوریه تصمیم‌گیرنده نهایی هستند. اولی البأس مسئولیت درگیری‌های اخیر با اسرائیل در سوریه را بر عهده گرفته اولی البأس اخراج نیروهای اسرائیلی از جنوب سوریه را بخشی از مأموریت خود می‌داند و مسئولیت درگیری‌های اخیر با نیروهای اسرائیلی در استان درعا را بر عهده گرفته است.

مقامات اسرائیلی نیز وقوع این درگیری‌ها را تأیید کرده‌اند و بر حفظ امنیت مرزهای خود تأکید دارند



نمادهایی که گروه اولی البأس استفاده می‌کند، به‌ویژه تصویر اسلحه کلاشینکف برافراشته‌شده با آرم سپاه پاسداران ایران مطابقت دارد، نمادی که بعداً در آرم حزب‌الله لبنان و همچنین دیگر گروه‌های هم‌پیمان محور مقاومت مانند گروه‌های شبه‌نظامی در عراق به‌کار گرفته شده است



عبارت اولی البأس که چندین بار در هجو نامه قرآن آمده است، توسط نعیم قاسم، دبیرکل حزب الله لبنان، برای توصیف رویارویی این گروه با اسرائیل پس از ترور حسن نصرالله به کار گرفته شد

اما گروه اولی البأس تأکید کرده است که به هیچ کشور و سازمان منطقه‌ای وابسته نیست و هیچ‌گونه ارتباطی هم با احزاب موجود در سوریه ندارد. با این حال این گروه تأکید کرده است که در کنار محور مقاومت جمهوری اسلامی قرار دارد.

بازی اتمی جمهوری اسلامی ، از سعد آباد تا رم

از دهه 1980 میلادی، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره موضوع بحث و نگرانی در روابط خارجی این کشور با جهان بوده است. از افشاگری‌هایی که در اوایل دهه 2000 میلادی درباره تأسیسات نطنز و اراک صورت گرفت تا تشدید تحریم‌های بین‌المللی، برنامه هسته‌ای ایران به تدریج به یکی از پرونده‌های محوری در سیاست خارجی بدل شد. هرچند مذاکرات رسمی میان ایران و سه کشور اروپایی از سال 2003 میلادی آغاز شد، اما زمینه‌های تنش و حساسیت‌های هسته‌ای پیش‌تر نیز وجود داشت.

تازه‌ترین دور این گفت‌وگوها روز شنبه 19 و هفته گذشته آن 12 آپریل 2025 در رم و مسقط بوده است. این نخستین بار نیست که مسقط میزبان چنین مذاکراتی است. در این دور، عباس عراقچی از سوی ایران و استیو ویتکاف از طرف آمریکا مذاکرات را هدایت خواهند کرد؛ هرچند همچنان درباره مستقیم یا غیرمستقیم بودن این گفت‌وگوها اختلاف نظرهایی وجود دارد که بیشتر به جوک شبیه است.

در ادامه، به شهرهایی پرداخته می‌شود که در دو دهه گذشته میزبان این مذاکرات بوده‌اند و نقش‌های مختلفی در مسیر دیپلماسی هسته‌ای ایفا کرده‌اند.

تهران: آغاز رسمی مذاکرات (2003 میلادی)

در سال 2003 میلادی ، وزیرای خارجه بریتانیا، فرانسه و آلمان با سفر به تهران توافقی موسوم به بیانیه سعدآباد را با مقام‌های ایرانی امضا کردند.

ایران در آن زمان غنی‌سازی اورانیوم را به‌طور داوطلبانه تعلیق کرد و طرف اروپایی متعهد شد از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل خودداری کند.



مذاکره تهران ، آغاز بازی جمهوری اسلامی با کشورهای غربی

در دولت محمود احمدی‌نژاد نیز تهران میزبان تلاش دیپلماتیک مشترک ایران، برزیل و ترکیه شد؛ تلاشی که به توافقی محدود اما ناکام در مهار تحریم‌ها انجامید.

بروکسل: تعلیق ساخت سانتریفیوژها (2004 میلادی)

این دور از مذاکرات در مقر اتحادیه اروپا در بروکسل برگزار شد. مهم‌ترین خروجی آن، توافق بر توقف ساخت و آزمایش سانتریفیوژهای پیشرفته بود.

پاریس: توقف فعالیت‌های پلوتونیومی (2004 میلادی)

در توافقی میان ایران و سه کشور اروپایی، ایران پذیرفت فعالیت‌های مرتبط با جداسازی پلوتونیوم را متوقف کند. اتحادیه اروپا نیز وعده داد که از پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی حمایت کند.

بن: همکاری با آژانس (2005 میلادی)

در واپسین ماه‌های دولت محمد خاتمی، شهر بن آلمان میزبان مذاکراتی شد که تمرکز آن بر پاسخ‌گویی به پرسش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره فعالیت‌های مشکوک ایران بود.

لندن: اعلام بن بست مذاکرات (2005 میلادی)

در آخرین دور از مذاکرات دولت خاتمی، لندن میزبان گفت‌وگوهایی بود که ایران در آن اعلام کرد قصد دارد مجدداً برنامه غنی‌سازی را از سر گیرد. این موضع، آغازگر دور جدیدی از تقابل با غرب بود.

مادرید و لیسبون: نشست‌های بی‌نتیجه

پایتخت‌های اسپانیا و پرتغال در برهه‌هایی میزبان مذاکراتی بودند که بدون دستاورد ملموس یا توافق نهایی پایان یافتند.

استانبول: تلاش‌های ناکام (2011-2012 میلادی)

مذاکرات میان ایران و گروه 1+5 در استانبول با وجود چند دور گفت‌وگو، به دلیل اختلافات بر سر غنی‌سازی اورانیوم و لغو تحریم‌ها، به نتیجه نرسید.



سعید جلیلی و کاترین اشتون در استانبول ترکیه

بغداد: تمرکز بر غنی‌سازی 20 درصدی (2012 میلادی)

در میانه تنش‌های منطقه‌ای، بغداد میزبان مذاکراتی بود که طی آن موضوع غنی‌سازی در سطح 20 درصدی و نگرانی قدرت‌های جهانی مورد بحث قرار گرفت. گفت‌وگوها سپس به مسکو منتقل شد.

مسکو: درخواست بستن فردو (2012 میلادی)

در مذاکرات مسکو، نمایندگان 1+5 خواستار تعطیلی تأسیسات غنی‌سازی فردو و توقف غنی‌سازی 20 درصدی شدند، اما توافقی حاصل نشد.

آلمانی: پیشنهاد تخفیف تحریم‌ها (2013 میلادی)

در آلمانی قزاقستان، کشورهای 1+5 پیشنهاد کاهش تحریم‌ها در ازای توقف غنی‌سازی 20 درصدی را ارائه کردند، اما ایران این پیشنهاد را ناکافی دانست و مذاکرات بی‌نتیجه ماند.

ژنو: توافق موقت برای کاهش تحریم‌ها (2013 میلادی)

در نوامبر 2013 میلادی، ایران و گروه 1+5 به توافقی موقتی دست یافتند که بر اساس آن ایران غنی‌سازی 20 درصدی را متوقف کرد و بخشی از دارایی‌های مسدود شده آزاد شد. این توافق به عنوان پیش‌درآمدی بر توافق نهایی برجام شناخته می‌شود.

مسقط: از گفت‌وگوهای محرمانه تا رسمی (2013-2014 میلادی)

پیش از توافق نهایی، عمان با وساطت سلطان قابوس میزبان مذاکرات محرمانه میان ایران و آمریکا بود. این نشست‌ها به گفت‌وگوهای رسمی‌تر میان ایران و گروه 1+5 منجر شد.

نیویورک: دیدار تاریخی وزرای خارجه (2013 میلادی)

در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل، محمدجواد ظریف و جان کری، وزرای خارجه ایران و آمریکا، برای نخستین بار پس از انقلاب 1979 میلادی به صورت علنی با یکدیگر دیدار کردند.



کاترین اشتون ، محمد جواد ظریف و جان کری در نیویورک

لوزان: تفاهم سیاسی پیش از برجام (2015 میلادی)

در مارچ 2015 میلادی ، ایران و کشورهای 5+1 در لوزان به تفاهمی سیاسی بر سر مفاد اصلی توافق نهایی رسیدند. این تفاهم مبنای حقوقی و فنی برجام را تشکیل داد.

وین: توافق برجام و مذاکرات احیاء (2015-2022 میلادی)

در جون 2015 میلادی ، توافق جامع هسته‌ای موسوم به برجام در وین امضا شد. پس از خروج آمریکا از توافق در 2018 میلادی در زمان پرزیدنت ترامپ ، تلاش‌ها برای احیای آن نیز عمدتاً در همین شهر دنبال شد.



مذاکره 2015 میلادی

دوحه: گفت‌وگوهای غیرمستقیم (2022-2023 میلادی)

در دوره‌ای که ایران و آمریکا مذاکرات مستقیم نداشتند، قطر به‌عنوان میانجی نقش ایفا کرد و متن مذاکرات از طریق نمایندگان اتحادیه اروپا میان دو طرف رد و بدل می‌شد.



جان کری ، محمد جواد ظریف ، کاترین اشتون و یوسف بن علوی وزیر امور خارجه عمان

مسقط : 12 آپریل 2025 میلادی

روز شنبه 12 آپریل 2025 میلادی استیو ویتکاف فرستاده ترامپ با عباس عراقچی در مسقط عمان دیدار داشتند و هر دو طرف مذاکرات را سازنده خواندند ! بلند کردن خودنویس تلا توسط غریب آبادی از اعضای هیئت مذاکره کننده نشان داد که اشغالگران ایران که 46 سال است ایران را غارت کرده اند ، دزدی بصورت نهادینه در ژن آنها جا خوش کرده است.

روزنامه کیهان جمهوری اسلامی ادعا کرده در پیش‌نویسی که استیو ویتکاف، نماینده دونالد ترامپ به عباس عراقچی داده، هیچ اثر، نشانه و یا اشاره‌ای از آنچه در تبلیغات پر حجم این روزها مطرح می‌شود، وجود ندارد. مسائلی نظیر، برچیدن تاسیسات هسته‌ای، احتمال حمله نظامی و... دیده نمی‌شود و تنها روی کسب اطمینان از غیرتسلیماتی بودن فعالیت هسته‌ای ایران تاکید شده است.

کیهان که از منتقدان مذاکره ایران با آمریکا است، در یکی از مطالب صفحه دوم روزنامه چاپ یکشنبه 24 فروردین 1404 خورشیدی، نوشته یک خبر موثق حکایت از آن دارد که آنچه استیو ویتکاف، فرستاده ترامپ در آغاز مذاکره غیرمستقیم در مسقط، روی میز گذاشته است با تبلیغات و پروپاگاندای پرحجم رسانه‌ها و ادعاهایی که برخی از مقامات رسمی آمریکا مطرح کرده‌اند، کاملاً متفاوت است. با این حال کیهان در ادامه با ابراز تردید از رسیدن به یک توافق نوشته عباس عراقچی باید از آمریکا تضمین بگیرد که این توافق نیز مانند برجام شکسته نمی‌شود.

کیهان در ستون خبر ویژه هم اظهارات سخنگویان دولت درباره سرمایه‌گذاری یک تا دو هزار میلیاردی آمریکا در ایران را رویافروشی و مسابقه خالی‌بندی خوانده است. کیهان که نظراتش نزدیک به آخوند سید علی خامنه‌ای تعبیر می‌شود، در ادامه نوشته است: رویافروشی پوچ و فاقد مابه‌ازای واقعی از سوی برخی اعضای شورای اطلاع‌رسانی دولت در حالی است که بزک‌کنندگان برجام، یک دهه قبل ادعا می‌کردند اگر توافق با آمریکا صورت بگیرد، 200 میلیارد دلار سرمایه خارجی به ایران می‌آید



عباس عراقچی و استیو ویتکاف

رم : 19 آپریل 2025 میلادی

دومین دور مذاکرات هسته ای ایران و آمریکا در سفارت عمان در ایتالیا برگزار شد. بر اساس گزارش خبرنگاران حاضر در ایتالیا، این مذاکرات ساعت 12:30 به وقت ایران آغاز شد. در دور جدید گفتگوها، به گفته سخنگوی دیپلماسی ایران، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی با میانجی‌گری بدر البوسعیدی، رئیس دستگاه دیپلماسی عمان، با استیو ویتکاف، نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه مذاکره کردند. مذاکره‌کنندگان ایرانی توافقی جامع بر پایه ۹ اصل را دنبال می‌کنند. این اصول عبارتند از: جدیت، تضمین، توازن، رفع تحریم، نه به مدل لیبی/امارات، اجتناب از تهدید، سرعت، مهار مزاحمین !!! (مثل اسرائیل) و تسهیل سرمایه‌گذاری در ایران !!

هموطن : جمهوری جهل و جنون و جنایت اسلامی که پس از شکست در جنگ ایران و عراق به دنبال ساختن بمب اتم است دهه هاست که دنیا را به بازی گرفته و فریب می‌دهد. با نگاهی به مذاکرات نرژیم آخوندی با کشور های مختلف در می یابید که تمام این سالها آخوندها به دنبال وقت خریدن و رساندن خود به بمب اتمی بوده اند. دستار بند زمانی به غنی سازی 20 در سدی رضایت می‌دهد و بعد می بینیم که غنی سازی را به مرز 60 درسد رسانده است. ایران امروز در بحرانی عمیق گرفتار شده است؛ بحرانی که نتیجه بیش از سه دهه حاکمیت فردی است که تمام ارکان قدرت را در قبضه خود دارد. آخوند علی خامنه‌ای، با سیاست‌های سرکوبگرانه، اقتصاد ویران، فساد سیستماتیک و انزوای بین‌المللی، کشور را به پرتگاه سقوط کشانده است. طرفداران او باید این حقیقت تلخ را بپذیرند: ادامه حکومت خامنه‌ای نه تنها به سود ایران نیست، بلکه حتی به زیان همان افرادی است که از او حمایت می‌کنند. تنها راه نجات ایران، کنار گذاشتن این رهبری ناکارآمد و تغییر بنیادین نظام است.

فساد گسترده در نهادهای حکومتی، تحریم‌های فلج‌کننده و سیاست‌های اقتصادی اشتباه، ایران را به بحرانی کم‌سابقه فرو برده است. افزایش نجومی تورم، سقوط ارزش پول ملی و فقر گسترده نتیجه مستقیم تصمیمات خامنه‌ای است. سیاست‌های پوپولیستی و حمایت از نهادهای فاسد سپاه و بنیادهای وابسته به رهبری، اقتصاد کشور را به نابودی کشانده و معیشت مردم را تحت فشار شدید قرار داده است. در کنار این ویرانی اقتصادی، سرکوب آزادی‌های سیاسی و اجتماعی نیز مردم را از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم کرده است. هزاران زندانی سیاسی، سرکوب اعتراضات مردمی، اعدام‌های گسترده و فضای امنیتی حاکم بر کشور، همگی نشانگر

یک نظام استبدادی‌اند که راهی جز خشونت برای بقای خود نمی‌شناسد. حتی طرفداران او نیز باید چشمان غبارگرفته خود را باز کنند و به این واقعیت پی ببرند که در این فضای خفقان، هیچ امنیتی برای آنان وجود ندارد و هر لحظه ممکن است قربانی تسویه‌حساب‌های درون‌حکومتی شوند. در صورت بمباران جمهوری اسلامی توسط آمریکا و اسرائیل ممکنست آخوند خامنه‌ای نظیر بشار اسد به روسیه بگریزد، اما یقیناً سران رژیم آخوندی و خصوصاً لومپن‌های پاسدار یا در جریان بمباران مراکز هسته‌ای و یا نظامی و یا به دست مردم بجان آمده کشته خواهند شد.

سیاست خارجی پرهزینه و انزوای جهانی نیز از دیگر پیامدهای فاجعه‌بار این حکومت است. حمایت بی‌منطق از گروه‌های تروریستی، ماجراجویی‌های منطقه‌ای و دشمنی بی‌پایان با جهان، ایران را به کشوری منزوی و تحت تحریم تبدیل کرده است. خامنه‌ای با سیاست‌های قرون‌وسطایی خود، اقتصاد و امنیت کشور را فدای ایدئولوژی‌های پوسیده کپک زده اسلام کرده و نتیجه آن چیزی جز فقر گسترده، فساد عمیق و مهاجرت نخبگان و جوانان از کشور نبوده است. بسیاری از کسانی که هنوز کورکورانه از خامنه‌ای حمایت می‌کنند، باید بدانند که بقای او فقط به معنای حفظ حکومت فاسدش است. اما حقیقت این است که ادامه این روند نه‌تنها ایران را به سقوط کامل می‌کشاند، بلکه حتی وفادارترین حامیان او را نیز نابود خواهد کرد. سرکوب‌های درون‌حکومتی، حذف نزدیکان قدرت و گسترش فساد، نشان می‌دهد که این نظام حتی به نیروهای خود نیز وفادار نیست.

هم‌میهن، تنها راه نجات ایران، کنار گذاشتن خامنه‌ای و پایان دادن به دیکتاتوری او به هر صورت ممکن است. این تغییر می‌تواند به اشکال مختلفی رخ دهد، اما نکته اساسی این است که هر روز تأخیر در این تصمیم، هزینه‌های بیشتری را برای مردم ایران و حتی طرفداران این نظام پوسیده به همراه خواهد داشت. گذار به حکومتی مردمی، مبتنی بر آزادی، دموکراسی و عدالت، تنها گزینه‌ای است که آینده‌ای روشن را برای ایران رقم خواهد زد. ایران، به دلیل سیاست‌های گمراه‌کننده خامنه‌ای، به نقطه‌ای بحرانی رسیده است و کسانی که هنوز به او وفادارند، باید این حقیقت را درک کنند که بقای او نه‌تنها کشور را به نابودی کشانده، بلکه زندگی و آینده خودشان را نیز به خطر انداخته است.

تاریخ نشان داده که هیچ دیکتاتوری تا ابد دوام نخواهد داشت. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و نیازمند تغییرات کلی و فوری است. تغییری که بدون کنار گذاشتن خامنه‌ای و ساختن نظامی جدید، مبتنی بر خواست ملت ایران، امکان‌پذیر نخواهد بود. زمان آن فرا رسیده است که همه مردم، حتی طرفداران سابق و کنونی او، به این حقیقت چشم بگشایند و برای نجات ایران، تصمیمی به‌موقع و قاطع بگیرند.

